

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيْكَ الْحُجَّةَ بِنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيَا وَحَافِظَا وَقَانِدَا وَنَاصِراً وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمْتَعِنَهُ فِيهَا طَوْيَالًا

# مبلغان

۱۹۲

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

شوال ۱۴۳۶ق

تیر - مرداد ۱۳۹۴ ش

صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه  
اداره کل امور رسانه‌ها

مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

سر دبیر: محمد علی فربانی

هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا،  
سید جواد حسینی، محمدغلامرضاei، محمدمهدی ماندگاری، علی مختاری،  
حسین ملاوری، محمود مهدی بور، ابوالفضل هادی منش

امور اجرایی: مجید خلیلی

امور مشترکین: سید مجتبی محمودی

تیراز: ۶۰۰ نسخه

یادآوری:

- ✓ مطالب «مبلغان» و پیهود تبلیغ و مبلغان است.
- ✓ مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسنده‌گان آن است.
- ✓ حجم مقالات از ۱۲ صفحه دست‌نویس فراتر نرود.
- ✓ مقالات همه نویسنده‌گان به شرط برخورداری از موازین علمی - پژوهشی، منتشر می‌شود.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

نشانی: قم، ۵۴۵ متری صدوق، ۲۰۲ متری فجر، خیابان دانش، مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ،  
معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه، اداره کل امور رسانه‌ها، دفتر مجله مبلغان.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸ تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰ نامایر: ۳۲۹۱۴۴۶۶

## فهرست مطالب

روابط دین و دولت.....	۴
اصول و مبانی قرآنی وحدت و هم دلی (۱) .....	۱۲
شرایط آمران به معروف از نگاه حدیث شریف امام صادق(ع) (۳) .....	۲۲
پافشاری پیامبر (ص) بر حفظ مسائل اساسی اسلام .....	۲۹
اصول و روشهای مناظره (جدال احسن) (۳) «اصول اخلاقی مناظره» .....	۴۲
طرحی برای تربیت فرزندان .....	۵۸
مشهودات محضر (آنچه به نگام مرگ مشاهده می شود) ..	۶۶
صرف کالای ایرانی؛ راهکار مبارزه در جنگ اقتصادی ..	۷۹
سلطه اقتصادی از منظر اسلام .....	۹۱
شبهات باب توحید و خداشناسی .....	۹۹
مشکلات معیشتی مردم و مذاکرات هسته‌ای دولت .....	۱۰۵
صاحبہ با مستبصرن (۲) تناقضات عقلی در آموزه‌های اهل سنت .....	۱۱۸
معرفی برخی از پایگاه‌های اطلاع رسانی (۲) .....	۱۲۱
عارف مجاهد، آیت‌الله میرزا ابراهیم شریفی سیستانی (.) . دانشمند شهید سری در زندگی‌نامه مرحوم محمد بن مکی؛	۱۲۵
معروف به «شهید اول» .....	۱۳۵
خاطرات و تجارب تبلیغی (۱) «راه کارهای تجربی جهت جذب جوانان و نوجوانان» .....	۱۴۹
حجاب و عفاف زنان و کلام مقام معظم رهبری > (۱) ..	۱۶۰
خبرها و هشدارها .....	۱۷۶
پرسشنامه مجله مبلغان .....	۱۸۱



# رهنماود ولایت

«امروز کشور به جوانهایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُرقدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرئت اقدام، اعتماد به نفس، اعتقاد به اینکه «ما می توانیم»، امید به آینده، افقهای آینده را روشن و درخشنان دیدن، روح استغناء - نه به معنای اعراض از فراگیری از بیگانگان، که این را ما هرگز توصیه نکرده‌ایم و نمی‌کنیم؛ حاضریم شاگردی کنیم پیش دیگران که از ما بیشتر بلندند - روحیه فهم درست از موقعیت کشور که ما در کجا هستیم و کجا می خواهیم برسیم و چگونه می توانیم این راه را طی کنیم ... قاطع بودن در برابر دست‌اندازی، تجاوز و خدشه دار کردن استقلال ملی؛ ما به جوانهایی با یک‌چنین روحیه‌هایی نیاز داریم.

## روابط دین و دولت

محمود مهدیپور

قابل پذیرش است؟ در اینکه جامعه بشری به هر دوی آنها (دین و دولت) نیاز دارد، جای تردید نیست؛ هیچ جامعه ای بدون دین نبوده و نیست و هیچ ملت و کشوری هم بدون دولت و حکومت و نظام مدیریتی وجود ندارد و هیچ جمعیتی بدون حاکم و رئیس و زمامدار به زندگی اجتماع اعی خود ادامه نداده و نمی دهد.

امیرمؤمنان علی (ع) به همین نکته اشاره کرده و می فرماید: «**لَأُبْدِ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرِّ أَوْ فَاجِرٍ**؛ ناچار برای مردم امیری لازم است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار.» دین و دولت هر دو لازمه زندگی اجتماعی هستند، ولی غالب ا در طول تاریخ این دو عنصر مهم و مورد نیاز، در برابر یکدیگر صفت آرایی و مبارزه کرده اند!

۱. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح: صحیح صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ۸۲ص، خطبه ۴۰.

رابطه دین و دولت، دین و سیاست و پیوند روحانیت با حکومت، در قالبهای گوناگون، از گذشته های دور، مورد توجه اندیشمندان و سیاستمداران بوده است، این موضوع برای عالمان، فقیهان، مبلغان و دانشوران اجتماعی نیز حساس و سرنوشت ساز است؛ حیات و مرگ سیاسی قدرتمندان و رجال دولت به دین ارتباط دارد! و همیشه این سؤال مطرح بوده که به راستی دین باید در خدمت سیاست باشد یا سیاست در خدمت دین؟ آیا دولت باید تسلیم دین باشد یا بالعکس و یا اینکه راه سومی وجود دارد که معقول و مقبول قرآن و امت اسلامی است؟

در پی این سؤالات، سؤال دیگری مطرح می شود و آن اینکه آنديشه تفکيك دين از سیاست، چقدر ارزش منطقی و اجتماعی دارد؟ و آیا این اندیشه بر اساس موازن زین اسلامی

«هم کاسگی» با ستمگران داخل و خارج ترجیح می دهد. در ادیان انحرافی زر و زور و تزویر، یار و یاور همدیگر بوده و هستند و در برابر توده مردم قرار دارند؛ ولی در جامعه اسلامی پاسداران دین همیشه مهارکنندگان سلطه گران سیاسی و اقتصادی و سلطین و سرمایه داران رباخواران بوده اند. عالمان دین در طول تاریخ اسلام، همواره نقش کنترل و مهار حاکمان به سود مردم را بر عهده داشته اند. فهرست پر شمار عالمان مصلح، مجاهد، شهید و مبارز، گواه این حقیقت است که حوزه ها، مراجع و عالمان بیدار، سدی در برابر زورمندان و حاکمان ستمگر بوده اند؛ از عصر حضور که ائمه) این نقش جهادی را ایفا می کردند تا عصر شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، علامه حلی و حتی دوران مبارزات میرز ای شیرازی، سید جمال، قیام مشروطه و مشروعه، آیت الله کاشانی، فدائیان اسلام، قیام امام خمینی ! و موضع رهبری انقلاب اسلامی رحبرت آیت الله خامنه ای > همه و همه نشان می دهد عالمان دینی در سه جبهه با دشمنان دین در حال نبرد و قیام بوده اند:

۱. جلوگیری از

اکنون باید دید حق با کدام یک از آنهاست و میزان حق و باطل در پیش گیری از انحرافها، «دین» است یا «قانون»؟ و به تعبیر دیگر آیا دین باید بر اساس قوانین دولتها و حکومتها دستخوش تغییر شود یا قوانین و دستورات حکومتی در ترازوی احکام الهی سنجیده می شود. عالمان دینی و پاسداری از دین هدف تمام نهضتهای اسلامی از عصر نبوی (ص) تا دوران ظهور حضرت ولی عصر (ع) این بوده که قدرتها و قوانین بشری، خود را با دین هماهنگ کنند و آموزه های دینی را در جامعه عملی سازند؛ در حالیکه برخی سرمایه داران و قدرتمندان عالم، سپاه دین و قوانین دینی را در جهت نیل به اهداف شوم خود به کار می گرفته اند ! روحانیت آگاه و انقلابی تشیع، پر اساس آن هدف بلند و آرمانی (هماهنگ سازی قوانین بشری با آموزه های دینی)، هیچ گاه در خدمت غارتگران بیت المال و حقوق محرومان عالم قرار نگرفته و نخواهد گرفت . شاید در ادیان انحرافی، مالکان و ملاهای آنها دست در دست یکدیگر به غارت بیت المال و ستمگری بر محرومان پرداخته اند؛ ولی روحانیت پارسای شیعه، «گرسنگی» را بر

بدعتها و تحریفهای  
وارد شده به دین که  
منجر به شهادت بسیاری  
از بزرگان و عالماں  
دینی شده است؛  
۲. تلاش در جهت اجرای  
احکام دین که مبارزات  
و تلاش‌های زیادی از سوی  
اندیشمندان دینی در  
این راه صورت گرفت؛  
۳. دفاع از حقوق  
فقیران و محروم‌ان  
جامعه که در پی آن  
عالماں دین به استقبال  
فقر و زندان و تبعید و  
شهادت رفتند.  
بنابراین بر همه  
پیروان آموزه‌های دینی  
به ویژه مبلغان و  
تلاشگران عرصه دین و  
فرهنگ لازم و ضروری است  
تا با تاسی به ائمۀ  
اطهار ( ) و عالماں و  
مبارزان دینی، به نقش  
جهادی خود توجه نمایند  
و در این مسیر از هیچ  
تلاش و کوششی دریغ  
نمایند.

اکنون که سال همدلی  
دولت و ملت است، باید  
به رابطه این دو از  
نگاه قرآن و عترت و  
وظایف و اختیارات هر  
کدام و نیز موانع  
ایجاد همدلی میان دولت  
و ملت پرداخت و جایگاه  
هر کدام را از منظر  
آموزه‌های دینی بررسی  
کرد.

**مبلغان** موانع همدلی دولت و دین  
دین و دولت در  
اندیشه و تفکر اسلامی  
در حکم مادر و فرزند  
هستند. دولت مولود  
دین، کارگزار خداوند  
متعال و پیامبر (ص) و

امین و یار و یاور  
مسلمانان است. در یک  
جامعه سالم نه مادر از  
فرزندان خود دست بر می  
دارد و نه فرزندان  
نسبت به مادر خود غفلت  
می‌ورزد؛ البته گاهی  
ممکن است بین مادر و  
فرزند اختلافی بروز کند  
که ریشه آن غرور،  
نا‌آگاهی، پرتوقوعی و  
مرزناشناصی طرفین است.  
چه بسا دولتمرد آن  
گرفتار غرور و التقاط  
شوند و فرزندان مادر  
را به پای عشق زودگذر  
فراموش کنند و چه بسا  
گاهی مؤمنان و دین  
شناسان گرفتار جمود می  
گردند.  
التقاط و تحجّر دو  
آفت انسجام و همدلی  
دولت و ملت است.  
دولتها به بیماری  
التقاط گرفتار می‌شوند  
و به دلیل برخی  
معاشرتها با کفار و  
غیر مسلمانان، در کدام  
عشق بیگانه می‌افتدند و  
ملتها به دلیل قالب  
گرایی و ساده اندیشی  
دچار جمود و تحجر می  
گردند.  
گاهی مانع بزرگ  
همدلی دولت و ملت  
مسائل فکری و عقیدتی  
نیست؛ بلکه رفاه زدگی  
و عشق به زرق و برق  
زندگی است که فرزند را  
از مادر و پدر دلسوز و  
فداکارش دور می‌کند.  
دولت مطلوب از نگاه دین  
دولتی مطلوب و مو رد  
تأیید است که به عزّت  
ملت بیندیشد، نه لذت  
ملت! چنانچه در دعای

نورانی «افتتاح» می خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ دُولَةً إِسلامَةً وَأَهْلَهُ وَتَذْلِيقَةً فِي دُولَةِ إِسلامٍ وَأَهْلِهِ وَتَذْلِيقَةً بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَحْمِيلَنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سُبْلِكَ وَتَزْرُقَنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛»  
 بار خدا یا مشتاقانه مسالت داریم که دولتی با شکوه برانگیزی که اسلام و اسلامیان را عزت بخشی و نفاق و منافقین را به خاک ذلت کشی و ما را از منادیان دعوت و خوانندگان به سوی طاعت و سرهنگان سپاهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت نصیب ما فرمائی.»  
 همدلی در سایه ایمان و تسلیم در برابر قرآن و قوانین آن و رعایت حق و عدالت در حقوق اجتماعی و اهداف و آرمانهای مشترک و قبول رهبری الهی در زندگی ملت و دولت به دست می آید.

در هنگام بروز اختلاف بین مادر و فرزند، کسی باید داوری کند که هم مادر را دوست دارد و هم فرزند را؛ یعنی پدر. پدر، در جامعه اسلامی همان «ولی فقیه» است. او عوامل اختلاف و انحراف مادر و فرزند را به خوبی می شناسد و تنها در سایه تسلیم در برابر اوست که همدلی و

۱. کافی، کلینی، د ۱ ر. الکتب،  
 الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۳،  
 ص ۴۲۳.

همزبانی و انسجام و وحدت شکل می گیرد.  
**انواع دولتها**  
 دولتها از نگاه دینداران سه دسته اند:  
 ۱. دولتهای مکتبی که خود دین و عقاید اسلامی را باور دارند، احکام اسلام را بر مصلحت دنیا و آخرت بشریت می دانند، و تمام وظيفة خویش را اجرای قوانین قرآن و رهنمودها پیامبر اکرم (ص) و اهل پیامبر (ص) می شناسد؛  
 ۲. دولتهای طاغوتی که خدا و معاد و پیامبر (ص) و دین الهی را قبول ندارند؛ نه عقاید اسلامی را پذیرفته اند و نه برای اجرای آن در جامعه، وظیفه ای برای خویش قائل اند و اشکارا به چنگ دین و دینداران می آیند؛  
 ۳. دولتهای میانه که نه با دین خصومتی دارند و نه برای احکام آن قداست و اعتباری به رسمیت می شناسد. وقتی دین در مسیر دنیا قرار گیرد، آن را محترم می دانند و اگر قوانین دین با منافع دنیای آنان ناسازگار باشد، آن را با بهانه های گوناگون کنار می گذارند.  
 در نام گذاری از دولتهای فرق می توان به عنوان دولتهای «دین مدار»، دولتهای «دین ستیز» و دولتهای «سکولار» نام برد.  
 تکلیف مسلمانان و



بی طرفی یا بی تفاوتی در برابر چنین دولتی، ترک وظيفة بزرگ امر به معروف است . هر گونه تعامل مثبت و منفی با دولتهای میانه، با خطرات اعتقادی، اخلاقی و ایمانی فراوانی همراه است. حمایت مطلق از اینگونه نظامها و دولتها، فاجعه است و نفی کلی و همه جانبه آن نیز آثار فر هنگی و اجتماعی و خطرناکی در پی دارد.

**شاخهای دولتهای التقاطی و میانه**

دولتهای میانه در برخورد با دین و آموزه های دینی، مدلهای رفتاری مختلفی دارند که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. در صد هستند تا بین کفر و ایمان جمع کنند و منافع ارتباط با هر دو گروه را به دست آورند؛
۲. مراسم دینی را می پذیرند، اما فرائض دینی را رها می کنند؛
۳. محرمات دین را به بهانه های مختلف مرتكب می شوند و راهی برای حلال کردن آن می جویند؛
۴. با کفار و منافقان روابط پنهانی و نزدیک برقرار می سازند و با مؤمنان انقلابی خصومت می ورزند؛
۵. در تحریف و تفسیر نادرست اندیشه ها و احکام دین می کوشند؛
۶. منحرفان و ابستگان به دنیا کفر

آحاد جامعه اسلامی با نوع اول و دوم دولتها روشی است؛ آنها بایستی از دولتهای دین مدار با تمام توان حمایت کنند و نهایت همکاری، همکاری، همزلبانی را با آن نشان دهند و در برابر دولتهای طاغوتی، با تمام توان مبارزه کنند و در محو و تضعیف آن تلاش نمایند و مبارزه با آن را از عبادات بزرگ و وظایف ایمانی و اجتماعی خود برشمارند.

**دولتهای میانه**

مشکل اصلی دین داران و عالمان متعهد و مبلغان اسلام، با دولتهای «بین این این» و «میانه» است؛ دولتهایی که نه صد درصد به آموزه های قرآنی و فقه التزام عملی دارند و نه اجرای احکام الهی را فرضه خویش می دانند . در اینجا دین داران دو مشکل دارند اول اینکه بازشناسی دولتهای میانه از دولتهای مکتبی و اسلامی کاری دشوار است و به راحتی نمی توان حکومتی را الهی یا طاغوتی به حساب آورد . دوم اینکه انسان مؤمن در برابر اینگونه دولتها در دو راهی واجب و حرام قرار دارد؛ اگر دولت باطل را یاری کند، گناه کبیره برگزیده است و اگر دولت حق را حمایت نماید، بزرگ ترین وظيفة شرعی و عبادت الهی را انجام داده و

فَيُخْزِيَهُ اللَّهُ بِشْرَكِهِ وَلَكِنْ  
أَحَدُ أَقْعَدْنَاهُ كُلُّ مُتَّافِقٍ  
عَالِمُ الْلِّسَانِ يَقُولُ مَا  
تَعْرِفُونَ وَيَعْمَلُ مَا  
تُنْكِرُونَ؛<sup>۲</sup> بِهِ رَاسِتِي از  
رسول خدا (ص) شنیدم که  
فرمود: من بر امتنم از  
مؤمن و مشرک نمی ترسم:  
زیرا مؤمن را خدا بسبب  
ایمانش (از گمراه  
کردن) باز می دارد (پس  
از او بر مسلمان ان  
زیانی نیست) و مشرک را  
خدای بسبب شرکش (که  
مسلمانان گوش به سخن  
نداده پیرویش نمی  
نمایند) ذلیل و خوار  
می گرداند، و لکن من  
بر شما می ترسم مناطق  
در دل و دانا زبان  
(آنکه دوروئی را در دل  
پنهان کرده احکام  
شریعت را به زبان می  
آوردم): می گوید آنچه  
را که شما می پسندید،  
و بجا می آورد آنچه را  
که ناشایسته می  
دانید.

نزاع دین و دولت در ایران اسلامی به برکت نهضت امام خمینی،  
جامعة اسلامی به اتحاد و انسجام دین و دولت و مردم و مسئولان دست یافت؛ ولی نزاع دین و دولت، چالشی تاریخی، گسترده و همه جانبه دارد. اگر ملت یا دولت از دین و رهبری الهی جدا شوند، خطر بازگشت نزاع دین و دولت همیشه وجود دارد. گاهی این نزاع آشکار است و گاهی پنهان، گاهی مولود

را بر امور مسلمین  
مسلط می سازند و در  
تکریم و تجلیل از  
آنان، سرمایه گذاری می  
کنند.

به طور کلی می توان گفت دولتهای میانه دو گونه دخالت در حوزه دین می کنند که هر دو بسیار خطر آفرین است :

۱. تفسیر نادرست از دین؛ ۲. تعطیل احکام اسلام.

دولتهای کفر و طاغوت آشکارا به جنگ اسلام و مسلمین می آیند و بی نقاب با قرآن، سنت و فقه قرآن و عترت) می چنگند و لذا شناخت آنان و تشخیص وظیفه در برابر ایشان دشوار نیست؛ اما مقابله با دولتهای گمراه و منافق بسیار پیچیده و مشکل است.

از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده که فرمود : «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ لَيْ أَمْتَي الْأَنِيَّةَ الْمُضْلُونَ ؟ بیش از هر چیز بر امت خود از پیشوایان گمراه کننده بیم دارم .»

امیر المؤمنین علی (ع) از نگرانی رسول خدا (ص) درباره خطر منافقان چنین سخن می گوید :

«لَقَدْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَيَّ مُشْرِكًا ؛ أَمَّا مُؤْمِنًا وَ لَا مُشْرِكًا ؛ أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ يَا يَامَانَهُ وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ

۱. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پایانده، نشر دنیا دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش، ۲۷۰۵.

عملکرد دولتمردان است و گاھی نتیجه تفسیر ناقص نادرست از دین در اندیشه، شیعی دین الهی شامل سه بخش است: پذیرش اندیشه دینی، پذیرش قانون الهی و پذیرش رهبری منصوب از سوی خدا و پیامبر (ص) در تفکر ناب اسلامی و تشیع علوی هر سه بخش از سوی خدای متعال تعیین و ابلاغ شده است: ۱. دین؛ ۲. قانون؛ ۳. دولت.

هیچ کدام از این سه گوهر گرانبها، زمینی و برآمده از آرای آدمی نیست. معارف آسمانی، هدایة خدا به انسان است و قانون ارمنان خدا برای شیوه زندگی اسلامی.

دولت، برخاسته از دین و مجری قوانین الهی است و دولت حق، بزرگ ترین مسئولیت را در برابر دین و قانون دارد.

دین حق، قانون حق، و دولت حق هر سه یار و یاور یکدیگر و دارای پشتوانه ای آسمانی هستند؛ اما اینکه کدام ایدئولوژی و جهان بینی درست است؟ کدام قانون باید در جامعه حکومت کند؟ و چه کسی صلاحیت حکومت و اجرای قوانین دینی را دارد؟

پرسشهایی هستند که اصول دین ما به آنها پاسخ می‌گوید. اسلام و امت اسلامی، عالمان دین و قرآن شناسان راستین را

مسئول شناخت و ابلاغ و تفسیر اندیشه اسلامی، استنباط قوانین الهی و معیارهای صلاحیت مجریان احکام اسلامی می‌شناسد. فرهنگ قرآن و عترت، «دین» و «قانون» و «مجرى قانون» را تفکیک پذیر نمی‌داند و اسلام پذیری در آغاز شامل پذیرش توحید و رسالت و رهبری آسمانی رسول گرامی (ص) و اهل بیت (بوده است، اما ستمگران تاریخ در طول قرون و اعصار مختلف این مثلث رهایی بخش را از هم جدا کردند و بین دین الهی و قانون الهی و رهبری الهی تفکیک و جدای پدید آورند و «قانون» و «مدیریت» جامعه را به غارت برند و چیزی به نام «دین» با محتواهی ضعیف برای دینداران باقی گذاشتند.

پایه گذاران انزواهی دین در کشورهای اسلامی تاریخ نشان می‌دهد در کشورهای اسلامی سه گروه پایه گذار و طرفدار انزواهی دین و تبعید آن به ساحت زندگی شخصی و فردی بوده و هستند و هنوز از ضرورت تفکیک دین از سیاست سخن می‌گویند:

۱. استعمارگران اروپایی و آمریکایی؛
۲. سلطیین مستبد داخلی؛
۳. روشنفکران.

این کانونهای قدرت شیطانی، پشتوانه تئوریک اهداف استعمار

و استبداد را تولید و  
تکثیر می کنند.

استاد شهید مطهری ( )  
جدا کردن دین از سیاست  
را نه به معنای جدائی  
عضوی از پیکر اسلام؛  
بلکه به منزلة بریدن  
سر از بدن اسلام معرفی  
کرد. دین الهی، بر خلاف  
تصوّر سرمایه داران  
غربی و چپ گرایان  
عالم، ضلع سوم زر و  
зор نیست؛ بلکه برنامه  
جامع الهی برای مهار و  
کنترل زورمندان و  
зорسالاران جهان است  
بذر امید و بیداری و  
جهاد را در قلب  
مظلومان می افشارند و  
بر کاخ فرعونها و  
قارونها لرزه می  
افکند.

والسلام

## اصول و مبانی قرآنی وحدت و هم‌دلی (۱)

محمد رضا حدادپور جهرمی

لَعَلَّكُمْ تَهتَدُونَ<sup>[۱]</sup>؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشود و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او (همچون ) برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتكاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، شاید هدایت شوید.»

با توجه به این آیه کریمه می توان به اصول و مبانی زیر اشاره کرد: الف) اصل اعتصام به قرآن و عترت

خداوند سبحان، امر به چنگ زدن و متولّشدن به «حبل الله» نموده است. این «حبل الله» چیست که نتیجه اش هدایت دولت و ملت است و سبب هم‌دلی و هم زبانی آنان می شود؟ دقت در

### اشاره

امسال که از سوی رهبر فرزانه انقلاب به عنوان سال «دولت و ملت، هم‌دلی و هم زبانی» نامگذاری شد، فصل تازه ای در روابط و تعاملات دولت و ملت آغاز گردید.

همواره یکی از رسالت‌های علماء و مبلغین این است که ج‌امعه و مؤمنین را به محضر قرآن دعوت نمایند. در این مجال، به بررسی هفت اصل و مبنای مستفاد از دو آیة نورانی قرآن کریم در زمینه وحدت و هم‌دلی می پردازیم.

### ۱. آیة اعتصام و چهار اصل بنیادی

خداوند سبحان می

فرماید : [وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفْرِقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ فَإِنَّفَرِيقَتُمْ بَيْنَ قَلُوبِكُمْ فَأَضَيْجَتُمْ بَيْنَ نِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَاعَ حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَإِنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذِلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

ب) اصل پرهیز از تفرقه وحدت و دوری از تفرقه، وظیفه ای الهی است و تفرقه در ردیف عذابها و مجازاتهای الهی است، به طوری که در اسلام دروغ گفتن برای ایجاد وحدت، جایز و راست گفتن تفرقه انگیز حرام است.

بی گمان ، نخستین منادی وحدت و امّت واحده ، قرآن کریم است که می فرماید: [اَنَّ هَذِهِ اُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ]؛ «این [دین و] امت شما واحد است و من پروردگار شمايم ، پس مرا بپرستید .» چنانکه در جایی دیگر می فرماید: [وَإِنَّ هَذِهِ اُمَّةٌ اُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ]. قرآن کریم با اینگونه تعبیرها در صدد بیان این نکته است که با رعایت وحدت فراغیر اسلامی ، از تفرقه پروا داشته باشید و کاری نکنید که این یگانگی و وحدت شما دچار خلل شود؛ چرا که مؤمنان ، یک امت و در یک جهت و با یک هدف هستند و آن، پرستش خدای یگانه است و هرگونه حرکتی که به دوگانگی و تفرقه مبنیان

۴. انبیاء / ۹۱ .  
۵. مؤمنون / ۵۲؛ «در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمايم؛ پس از من پروا دارید.»

روایات زیر سبب تبیین مفهوم بلند «حبل الله» خواهد شد:

حضرت علی (ع) می فرماید: «هَذَا الْقُرْآنُ فِي أَنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمُتَّيِّنُ»؛ این قرآن ، حبل الله خداوند است «امام صادق (ع) نیز فرمود: «تَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ؛ مَا [اَهْلُ بَيْتٍ] ، حبل الله هستیم .» و در روایت دیگری آمده است: «حَبْلُ اللَّهِ عَلَيْهِ بْنُ اَبِي طَالِبٍ»؛ ریسمان خداوند ، علی بن ابی طالب است ..»

از روایات فوق استفاده می شود که «قرآن و عترت» حبل الله و سبب هدایت و نجات هستند که اگر ملت بر اساس معیارهای قرآن و عترت، قوای مجریه و مقننه خود را انتخاب کنند و احساسات ناسیونالیستی و نادرست خوبیش را رها کرده ، دولت نیز تصمیمات خود را بر اساس آموزه های ناب اسلام اتخاذ کند و از تصمیمات غیر کارشناسانه ، حزبی و مثکی بر فرهنگ بیگانگان پرهیز نماید، قهرآ اسباب هدایت، وحدت، هم دلی و هم زبانی فراهم خواهد شد

۱. نهج البلاغه ، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم ، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۵ .  
۲. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، مؤسسه بعثت، قم ، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۶۷۱ .  
۳. تفسیر عیاشی، عیاشی، علمیه، تهران ، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۹۴ .

مسلمانان بینجامد ، حرکتی بر طبق خواسته دشمنان و بر خلاف دعوت قرآن است.

شایان توجه است که در این دعوت، وحدت به مذهب خاصی محدود نشده و معیار امت واحد ۵ اعتقداد به وحدانیت الهی شمرده شده است. از سوی دیگر، وحدت امت در ردیف توحید قرار گرفته و پرستش خدا متوّق ف بر این یگانگی دانسته شده؛ یعنی وحدت یک پیشنهاد نیست؛ بلکه وظیفه ای است که به تمام مسلمانان خطاب شده ت ا از نظر علم، سیاست و اقتصاد، و با تحصیل و حفظ وحدت، هم دلی و هم زبانی امت اسلامی (اعم از دولت و ملت و انواع فرق اسلامی) تقویت شود. چ) اصل توجه به «نعمت بودن» الفت بین قلوب در کتاب تفسیر «جمع البیان» در بیاره آیه [و اذکُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَخْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ] آمده است : مراد آیه شریفه، جنگهایی بود که ۱۲۰ سال بین «اوس» و «خرزج» طول کشیده بود، تا وقتی که خداوند با مبلغان اسلام بین دلهای ایشان

الفت انداخت و کینه های گذشته را نابود ساخت. و یا گفته اند: مراد ، جنگهای طولانی میان مشرکان عرب بوده است و معنی آیه این است که نعمتهاى خدا را به وسیله اسلام و ائتلاف و رفع نزعاعهای موجود بین خودتان حفظ کنید و نفع اینکار در همین دنیا به شما بر می گردد . علاوه بر ثواب جزیلی که در آخرت نصیب شما خواهد شد، که دشمن یکدیگر بودید و خدا بین دلهایتان الفت ان داخت، به اینکه شما را اطراف پرچم اسلام گرد آورد و بغض و کینه ها را را از قلوبتان برداشت.

در آیات متعددی به تأثیف قلوب اشاره شده است، از جمله : **[هُوَ الَّذِي أَيَّدَكُ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتُ مَا بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلِكِنَّ اللَّهُ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ]** [۳]؛ «او بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند ساخت و میان دلهای آنان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است، همه را خرج می کردی ، نمی توانستی میان دلهای آنان الفت

۲. مجمع البیان، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۱۹۰. ۳. انفال ۶۲ و ۶۳.

۱. آل عمران / ۱۰۳؛ «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید»

خرج کنی، بدون پشتوانه معنوی و الهی، وحدت و هم دلی حاصل نمی شود.  
د) اصل پره یز از جهالت و تزاحم امیال شخصی

قرآن کریم می

فرماید : [وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَاعَ حُقْقِ رَبِّ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذْكُمْ مِنْهَا كَذِيلَكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ] «و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند، باشد که هدایت شوید.»

علامه طباطبائی (در شرح و تفسیر این آیه با اشاره به لزوم مدیریت و کنترل امیال شخصی و پرهیز از جهالت، جهت حفظ یکپارچگی جامعه می نویسد:

«شفای حفره » به معنای لب آن است، البته لبه ای که هر کس قدم بر آن بگذارد، مُشرف بر سقوط در آن شود، و مراد از کلمة «من النَّار» یا آتش آخرت است و یا آتش جنگ؛ اگر منظور آتش آخرت باشد، در این صورت منظور از شفای حفره این خواهد بود که شما کافر بودید و بین شما و افتادن در آتش دوزخ، بیش از یک قدم فاصله نبود و آن یک

برقرار کنی؛ ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت؛ چراکه او توانای حکیم است» در اینجا به چند نکته مهم توجه کنید:

۱. الفت و محبت بین امت اسلامی، از مهم ترین نعمتهای الهی است که باید به یکدیگر، آثار و فواید این نعمت بزرگ را یادآور شویم؛  
۲. باید تلاش کنیم که دشمن را به برادر ایمانی تبدیل کنیم، نه «برادری دیپلماتیک» و «برادری به شرط منفعت»

و... به عبارت واضح تر : باید با دوست و دشمن با پایبندی به اصول و مبانی دینی و عمل بر اساس اصول اسلام برخورد کرد؛ چراکه اوس و خرچ با آن سابقه عداوت طولانی و تاریخی با یکدیگر، وقتی گرد شمع دین و آموزه های الهی گرد آمدند، کینه ها را کنار گذاشتند و وضعیت اجتماعی و سیاسی آنان به بهبودی گرایید؛

۳. دل و محبت مردم را نمی توان با پول و مادیات خرید و از آن خود نمود. الفت و محبت بین مردم و مسئولین، هنری الهی است که برگرفته از عزت و حکمت پروردگار می باشد و حتی اگر پیامبر خدا هم باشی و تمام ذخایر زمین را برای این امر

قدم همان مردن شما بود  
که از سیاهی چشم آدمی  
به سفیدی آن به آدمی  
نزدیک تر است و خدای  
تعالی شما را با ایمان  
آوردنستان نجات داد. و  
اگر مراد از آن «آتش»  
جنگ باشد، منظور این  
خواهد بود که حال آنان  
را در مجتمع فاسدشان  
بیان نموده، بفرماید  
شما قبل از ایمان  
آوردنستان در لب آتش  
جنگها یی قرار داشتید  
که هر لحظه ممکن بود  
برپا گردد. اجتماعی که  
با دلهای مختلف و  
هدفهایی گوناگون و هوا  
و هوشهای مختلف تشکیل  
شده و راهنمای واحدی  
ندارد تا به هدفی واحد  
سوقش دهد. راهنمایان به  
خطار اختلاف امیال شخصی  
و تحلمات بیهوده فردی،  
متعددند و به سوی  
هدفهای مختلف دعوت می  
کنند و شدیدترین خلاف و  
اختلاف را پدید می  
آورند. خلاف و اختلاف،  
کارشان را به تنازع می  
کشاند و دائمه به قتال،  
فنا و زوال تهدیدشان  
می کند. و این همان  
آتشی است که در حفرة  
جهالت می افتد، و همه  
چیز را می سوزانند. کسی  
که در آن حفره بیفتاد،  
نمخلص و راه نجاتی  
ندارد.

این آیه به خوبی به  
این نکته اشاره می کند  
که مدیران یک جامعه  
نباید بر اساس امیال  
شخصی خود مدیریت کنند  
و بایستی از آموزه های  
دینی در این راه بهره  
گیرند و از طرفی جامعه  
نیز باید جهالت و سایر  
رذائلی که به وحدت آن  
جامعه لطمه می زند را  
رها کند تا این امر  
بهتر تحقق شود.  
۲. آیة أَخْوَتُ و سه مبنای  
وحدة و هم دلی  
خدای سبحان می  
فرماید: [إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ  
أَخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ  
أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ  
ثُرْحَمُونَ]؛ «در حقیقت  
هممنان با هم برادرند،  
پس میان برادر انتان  
سازش دهید و از خدا  
یروا بدارید .». قرآن  
کریم در حصر با «إنما»  
تأکید می کند که  
هممنان برادر یکدیگر  
هستند و هیچ حیثیتی جز  
برادری با هم ندارند و  
مکلفند که مثل برادر  
با هم رفتار کنند.<sup>۳</sup>  
با دقت در این آیه  
کریمه، سه اصل زیر  
بدست می آید:  
الف) اصل أَخْوَتُ  
ممکن است هممنان در  
اثر سوء تفاهمات و یا  
منافع مادی و برخی

۲. حجرات/ ۱۰.  
۳: تفسیر القرآن الکریم، سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۱۹۹.

۱. تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه: موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش ج ۳، ص ۵۷۶.

در صدر اسلام نیز پیامبر (ص) به همراه هفتصد و چهل نفر در منطقه «نخیله»<sup>۱</sup> حضور داشتند که جبرئیل نازل شد و فرمود: خداوند میان فرشتگان عقد برادری بسته است، ت و نیز میان اصحاب عقد اخوت ببند که هر کس با کسی برادر باشد که شخص پیامبر (ص) با حضور رت علی (ع) عقد اخوت بست.<sup>۲</sup>

در جنگ اُحد، پیامبر اکرم (ص) دستور داد و نفر از شهدا به نام‌های «عبدالله بن عمر» و «عمر بن جموح»<sup>۳</sup> را که میانشان برادری برقرار شده بود، در یک قبر دفن کنند.<sup>۴</sup>

برادری نسبی، روزی گسته خواهد شد [فلا

**أَنْسَابَ بَيِّنُهُمْ**<sup>۵</sup>؛ ولی برادری دینی، حتی در قیامت نیز پایدار است: **[إِخْوَانًا عَلَى سُرِّ مُتَقَابِلِينَ]**<sup>۶</sup>. همچنین دوستی و برادری باید تنها برای خدا باشد . اگر کسی با دیگری ب خاطر دنیا دوست شود، به آنچه انتظار دارد، نمی‌رسد و در قیامت نیز دشمن یکدیگر می

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالكتب الاسلامیة، تهران، بی‌تا، ج ۳۸، ص ۳۳۵.

۲. شرح نهج البلاغه، آیت‌الله مرعشی‌نجفی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۱۴.

۳. کتاب فروشی آیت‌الله مرعشی‌نجفی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۱۲۱.

۴. مؤمنون/۱۰۱.

۵. حجر/۴۷.

اگر ارض سیاسی، دچار بی‌تفاوتبه، اما قرآن باشوند؛ جمله خبری یادآور می‌شود که آنان برادر هستند و روشن است که منظور از این برادری، برادری نژادی نیست؛ بلکه برادری دینی، و ایمانی است که تکلیف می‌آورد. بنابراین، کند که مؤمنان با هم برادری و محبت کنند و اگر از هم دو رشد اند، خود را ب هم نزدیک سازند و اختلاف و نزاع پیشه نکنند و اگر چنین اتفاقی افتاد، کسانی، بین آنان راه صلح و سازش پیشه کنند و از خدا پروا نمایند. در تعبیر به «برادر» نکاتی نهفته است، از جمله: دوستی دو برادر، عمیق و پایدار است. متقابل است، نه یک سوبه . بر اساس فطرت و طبیعت است، نه جاذبه های مادی و دنیوی . در برابر بیگانه، دو برادر یگانه و بازوی یکدیگرند. اصل و ریشه دو برادر یکی است . توجه به برادری مایه گذشت و چشم پوشی است . در شادی او شاد و در غم او غمگین است و... طرح برادری و اخوت و ب کارگیری این واژه، از ابتکارات اسلام است.

۱. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ش، ج ۹، ص ۱۸۰.

**فِي السَّلْمِ كَافَةً** [۸] نشان دهندۀ توجه اسلام به صلح و صفا و زندگی مسالمت آمیز، خصوصاً بین مؤمنین است. بیشتر این عبارات با فعل امر آمده و جمع را مخاطب خود قرار داده است؛ یعنی تمام افراد را اعمّ از ملت و دولت شامل شده و حتی کسانی را که سمت و موقعیت اجتماعی خاصی ندارند نیز مدد نظر دارد؛ چراکه اصلاح و اصلاح طلبی از زیباترین شعائر قرآنی است؛ ولی متأسفانه امروزه مصادره به مطلوب عده ای قرار گرفته است ای قرآن کریم می فرماید باید بین مردم رابطه برادرانه برقرار شود و لازمه اش این است که اولاً موافع این فریضه از سوی دولت و ملت برداشته شود، و ثانیاً در مسیر برادری - که همان هم دلی و هم زبانی است - به اصلاح جامعه پرداخته شود. همچنین از آیات الهی استفاده می شود یکی از نعمت‌های الهی که خداوند در قرآن مطرح کرده است، الفت میان دلهای مسلمانان است، چنانکه خطاب به مسلمانان می فرماید:

**[كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ**

شوند.<sup>۱</sup> قرآن می فرماید: **[الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَغْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌ إِلَّا الْمُتَّقِينَ]** [۹] «در آن روز یاران بعضی شان با بعضی دیگر دشمن اند جز پرهیزکاران» یعنی در قیامت، دوستان با هم دشمن می گردند، جز متقین.

مهم تر از گرفتن برادر، حفظ برادری است. در روایات، از کسانی که برادران دینی خود را رها می کنند، به شدت انتقاد شده و سفارش کرده است که اگر برادران از تو فاصله گرفتند، تو با آنان قطع ارتباط نکن؛ بلکه **«صَلِّ مَنْ قَطَعَكَ»**. امام صادق(ع) فرمود: **«الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدُ الْوَاجِدُ إِذَا سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ تَذَاعَ إِلَى سَائِرِ الْجَسَدِ** <sup>۲</sup> مؤمن، برادر مؤمن و مانند یک جسد است که اگر بخشی از آن بیمار گردد، تم امی بدن ناراحت است.

ب) اصل تکلیف اصلاح ذات البین در قرآن، واژه های صلح **[وَ الصُّلُحُ خَيْرٌ]**، اصلاح **[وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ]**، تأليف بین قلوب **«فَالَّفُ قَبْيَنَ مِبَيْنَ قُلُوبِكُمْ»**<sup>۳</sup> و سلم **[إِذْخُلُوا**

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۷.
۲. زخرف/ ۶۷.
۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۷۱.
۴. همان، ج ۷۱، ص ۲۲۳.
۵. نساء/ ۱۲۸.
۶. انفال/ ۱۰۱.
۷. آل عمران/ ۱۰۳.

**قلوبِکم** [۱]؛ «به یاد آورید که شما قبل از اسلام با یکدیگر دشمن بودید، پس خداوند میان دل‌های شما الفت برقرار کرد ..» اصلاح و آشتی دادن، سبب دریافت بخشدگی و رحمت از جانب خداوند شمرده شده است : **[إِنْ تُصلِحُوا وَ** **تَقْوَا فِيْ إِنْ اللَّهِ كَانَ عَفُوراً** **رَحِيمًا]** [۲] و هر کس میان مسلمانان واسطه گری خوبی انجام دهد، پاداش در شان دریافت خواهد کرد : **[مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً** **حَسَنَةً يَكْنُ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا]** [۳].

اسلام برای اصلاح میان م ردم، احکام ویژه ای قرار داده است ، از جمله :

۱. دروغ که از گناهان کبیره است ، برای برقراری آشتی و اصلاح ، حلال؛ بلکه واجب می شود؛ چنانچه پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید : «**لَا كَذَبَ عَلَى** **مُؤْمِنٍ لِحٰ** [۴] . هیچ دروغی بر اصلاح کننده (آشتی دهنده) نیست.»

۲. نجوا و درگوشی سخن گفتن که از اعمال شیطان و مورد نهی است،

۱. آل عمران / ۱۰۳.
۲. نساء / ۱۲۹؛ «اگر سازش نمایید و پرهیزکاری کنید، یقیناً خداوند اموزنده مهربان است.»
۳. نساء / ۸۵؛ «هر کس شفاعت پسندیده کند، برای وی از آن نصیبی خواهد برد.»
۴. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۴۲.
۵. مجادله / ۱۰.

اگر برای اصلاح و آشتی دادن باشد ، منعی ندارد : **[لَا خَيْرٌ فِيْ كَثِيرٍ** **مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مِنْ أَمْرٍ** **بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ** **بَيْنَ النَّاسِ]** [۵].

۳. با اینکه عمل به سوگند ، واجب و شکستن آن حرام است؛ اما اگر کسی سوگند یاد کند که دست به اصلاح و آشتی دادن میان دو نفر نزند ، اسلام شکستن این سوگند را مجاز می **الله عَزَّ ذِيْلَهُ لَأَيْمَانَكُمْ أَنْ...** **تُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ]** [۶].

۴. با اینکه عمل به وصیت ، واجب و ترك آن حرام است؛ اما اگر میان افرادی فتنه و کدورت می آورد ، اسلام اجازه می دهد که عمل به وصیت ترك شود تا میان مردم صلح و صفا حاکم باشد : **[فَمِنْ خَافَ مِنْ مُؤْمِنٍ جِنْفًا أَوْ إِثْمًا فَأَضْلَعْ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمٌ عَلَيْهِ]** [۷].

ج) اصل رعایت تقوا ، مقدمه جلب رحمت الهی

جامعه بی تقوا از

۶. نساء / ۱۱۴؛ «در بسیاری از رازگویی‌های ایشان خیری نیست، مگر کسی که [بَدِين و سیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم ، فرمان دهد»

۷. بقره / ۲۲؛ «و خداوند را دستاویز سوگند‌های خود قرار ندهید تا [بَدِين بَهَانَه] [۸] . از سازش میان مردم باز ایستید».

۸. بقره / ۱۸۲؛ «کسی که آن احراف ، [و تمايل بی جای] وصیت کننده ای [نسبت به و رشته اش] یا از گناه او [در وصیت به کار خلاف] بیم داشته باشد و میانشان را سازش دهد، بر او گناهی نیست.»

مبتدا

20

دریافت رحمتهاي الهى محروم است . اگر حدود الهى رعایت نشود و جامعه به سمت رحمت واسعة الهى حرکت نکند ، حقوق مردم نیز نادیده گرفته شده ، وحدت و هم دلی مطلوب محقق نخواهد شد .

این پرهیز به سبب نوعی عامل درونی اتفاق می افتد و از هرگونه نظارت بیرونی و قانونی ق وی تر و کاراتر می باشد؛ زیرا این وجود آن شخص است که وی را از ناهنجاریها ، قانون شکنیها ، تجاوز و تعدیها و مانند آن حفظ می کند . انسان متّقی کسی است که نسبت به هرگونه پلیدی عقلانی و عقلایی و شرعی ، واکنش منفی نشان می دهد و به خود اجازه نمی دهد آن را مرتکب شود . از این رو، نسبت به ظلم و بی عدالتی و زیر پا گذاشتن عدل و یا تهمت و افترا به دیگری تقوا پیشه می کند .

بر این اساس ، می توان گفت که تقوا و پرهیزگاری ، بنیاد هنجارها و رفتارهای درست و سالم اجتماعی است . اگر جامعه ای بخواهد از افراد سالمی برخوردار باشد ، باید در حوزه تقوا سرمایه گذاری کند؛ چراکه آن بنیاد اخلاق ، هنجارها ، رفتارهای سالم اجتماعی

و عامل نظارتی درونی قوی براي اجرای قانونهاست.

از سوی دیگر ، نمونه ه ای زیر از جمله بی تقواییهای سیاسی و اجتماعی است که در هر زمانی مانع تحقق وحدت و هم دلی دولت و ملت خواهد شد و می توان نهی از نکات زیر را بارها در کلام نورانی رهبر معظم انقلاب > یافته :

۱. عمل نکردن به وعده های مشروع و معقول قانونی که خصوصاً در ایام انتخابات مطرح می شود؛

۲. عدم تعهد دولت مردان نسبت به عزت و شرف ملی و انقلابی؛

۳. عزل و نصب سلیقه ای و حزبی؛

۴. سپردن کارهای بزرگ به انسانهای کوچک؛

۵. دیدن فساد اداری و عدم عزم جدی بر اصلاح آن؛

۶. توهین به مردم و برنتافتن اعتراضات و نظرات آنان؛

۷. امنیتی کردن همه چیز و سانسور بی مورد حقایقی که به سرنوشت یک ملت بر می گردد؛

۸. عدم توجه جدی به معیشت و وضعیت مردم .

نتیجه توصیه مقام معظم رهبری > به هم دلی و هم

زبانی دولت و ملت،  
برگرفته از قرآن و سنت  
اهل بیت) است. این هم  
دلی و هم زبانی صرفاً  
یک شعار نیست؛ بلکه  
فریضه ای الهی است که  
ما در این مختصر،  
حداقل به هفت اصل و  
مبنای آن، با استفاده  
از دو آیة قرآن کریم  
پرداختیم و اگر این  
اصول از سوی دولت  
مردان یا ملت رعایت  
نشود، وحدت و هم دلی  
واقعی محقق نخواهد شد.

ادامه دارد...

## شرايط آمران به معروف از نگاه حدیث شریف امام صادق(ع) (۳)

حیله های شیطان»، «صبر و بردبازی» و «دوری از خشم و تعصب» اکنون در ادامه این موضوع سایر شرایط آمران به معروف را ارائه می کنیم:  
لازم به ذکر است همگی این موارد برگرفته از متن حدیث امام صادق (ع) است که در ابتدای مباحثت به آن اشاره شده است.<sup>۱</sup>

۱. متن حدیث شریف به شرح ذیل است:[وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَصْبِرْ عَلَى مَا أَصْبَبْكُ] جُنْيٌ إِذَا رَأَيْتُ شَجَاعًا وَ هُوَ مُنْجِعًا وَ أَعْجَابًا كُلَّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ فَعَنِتْكَ بِنَفْسِكَ وَ دُعَ أَمْرُ الْعَامَةِ وَ صَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ مِنْ خَاصَّةِ تَفْسِيهِ عَمَّا يَأْمُرُ فَارِغاً وَ يَنْهَا مِنْ خَاصَّةِ تَفْسِيهِ عَنْهُ تَأْصِيحاً لِلْحَدِيقَ بِرَحْمَةِ رَبِّيْقَاهُ يَهُمْ دَاعِيَاهُ لِلْهُدُقِ يَاتِلَطْفَ وَ حُسْنُ الْبَيَانِ غَارَفَا بِيَقْنَافُوتُ أَخْلَاقِهِمْ لِيُنْزَلُ كَلَّ مَنْزَلَتُهُ بِصَبِرَا بِيَمْكُرِ الْبَيْنَسِ وَ مَكِيلَدِ الشَّيْطَانِ ضَابِرَا غَلِيَ ما يَلْحَقُهُ لَا يُكَافِئُهُمْ بِهَا لَا يَشْكُو مِنْهُمْ فَلَا يَسْتَعْمِلُ الْخَمْيَةَ وَ لَا يَغْتَاظُ بِنَفْسِهِ مُحَرِّداً نَيْتَهُ لَهُ مُسْبِعِينَ بِهِ وَ مُنْبِغِيَّا بِتَوْجِهِهِ فَلَيْلَ خَانِفَوَهُ وَ جَفْوَهُ صَبَرَ وَ إِنْ وَاقِفَوَهُ وَ قَبِيلَوَهُ وَ مِنْهُ شَكَرَ مُفَوْضًا أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ نَاظِرًا إِلَى غَيْبِهِ  
(بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجتبی، مؤسسة الوفاء، بيروت، سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۸۳، ج ۵۲؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین

اشاره موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یک فریضه، نقش بسیار حساس و کلیدی در سوق جامعه به سوی آرمانها و ارزش‌های دینی دارد؛ لذا پرداختن به این موضوع از ضرورتهاي جامعه امروز است . یکی از مباحثت مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، مبحث «شرايط آمران به معروف» است که در شماره ۱۵۷ و ۱۷۱ ماهنامه مبلغان به این موضوع پرداخته شد و در آن برخی شرایط که امر ان به معروف و ناهیان از منکر باید مد نظر داشته باشند، ارائه شد؛ شرایطی همچون : «شکیبایی»، «شرع از خود»، «عالیم به حلال و حرام بودن»، «خیرخواهی»، «نرمی در بیان و سخن»، «مخاطب شناسی»، «آشنایی با

هلاکت‌اند، جز عمل کنندگان [به دانششان] و تمام عمل‌کنندگان در هلاکت‌اند، جز کسانی که اخلاص [در عمل] دارند و مخلصان نیز در خطر [و تهدید] بزرگی هستند.» طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیش‌آر که اخلاص به صدق پیش‌آر که اخلاص به پیش‌آر نیست سعیدی می‌گوید: «آن پیمبر گفت: دریغا که خلق در می‌گذرند و خوش ترین چیز ناچشیده‌اند. گفتند: آن چیز کدام است؟ گفت: یک ذره اخلاص که او می‌فرماید: [فَادْعُواَ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛<sup>۱</sup>] بنده درویش اگر یک ذره اخلاص چشیده بودی، پر واي کونین [دو جهان]<sup>۲</sup> و عالمین و اعراض و اعتراض نداشتی.

جو انمردا! رقم قبول بدان اطاعت کشند که اخلاص مقارن وي بود.<sup>۳</sup> ۲۵ سال مبارزه با ریا آن‌گاه انسان سختی و دشواری اخلاص را متوجه می‌شود که زندگانی بزرگان را مرور نماید. نقل شده است که: «شاگردان مرحوم سید بحر العلوم (روزی استاد خود را خندان و متبرسم دیدند، علت را پرسیدند؛ ایشان در

ک. نیت خالص داشتن یکی دیگر از شرایط «آمر به معروف» نیت خالص داشتن است که حضرت صادق (ع) در این روایت بدان اشاره کرده و فرموده است: «مُجَرَّدًا نِيَّةً لِلَّهِ مُسْتَعِينًا بِهِ وَ مُبْتَغِيًّا لِوَجْهِهِ؛<sup>۴</sup> نیت خود را برای خدا [خالص] کند و از خدا کمک جوید و دنبال رضایت الهی باشد.» آن حضرت در جای دیگری به این مسئله اشاره می‌کند و می‌فرماید: «لَا يَصِيرُ الْعَبْدُ عَنِدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَصِيرَ الْمَدْحُ وَ الْذُّمُ عِنْدَهُ سَوَاءٌ؛<sup>۵</sup> آدمی بنده خا لص خدا نمی‌شود مگر آن‌گاه که ستایش و نکوهش نزد او یکسان باشد.<sup>۶</sup>

به راستی اخلاص ورزی کاری بسیار دشوار است. و مخلصان نیز در خطر عظیم؛ چنانچه رسول خدا (ص) فرمود: «الْعُلَمَاءُ كُلُّهُمْ هَلْكَى إِلَّا الْعَامِلُونَ وَ الْعَامِلُونَ كُلُّهُمْ هَلْكَى إِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ؛<sup>۷</sup> تمام علماء و دانشمندان در

نوری، مؤسسه آل البت، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۲۱۴، ۱۳۹۱ه و مصباح الشريعة، منسوب به امام صادق<sup>۸</sup>%، مؤسسه العلمي للطبعوعات، بيروت، ۱۴۰۰ق، (۱۸ص).

۱. همان.  
۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۳، ص ۲۹۴.  
۳. مجموعة ورام، ابن ابی فراس، مکتبة فقهیة، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۸.

۴. سعیدی.  
۵. غافر / ۱۴.  
۶. کلیات سعیدی، دارالخلافة، تهران، ۱۳۱۲ق، ج ۴، ص ۶۵، مجلس پنجم در وعظ.

میلگان

24

پاسخ گفت : پس از بیست و پنج سال مجاہدت، اکنون که در خود نگریستم دیدم اعمال ریایی نیست و تو انسته ام به رفع آن موفق گردم.»<sup>۱</sup>

یک صبح ز اخلاص بیا بر در ما برناشد اگر کام تو از ما گله کن

ل. شکرگذاری

یکی دیگر از شرایط آمر به معروف، شکرگذاری است؛ چنانچه در ادامه حديث امام صادق (ع) میخوانیم :

**فَإِنْ خَالَفُوهُ وَجْهُهُ ضَبَرَ وَأَنْ وَاقُوهُ وَقِيلُوا مِنْهُ شَكَرٌ**؛<sup>۲</sup> اگر مردم با او (آمر به معروف ) مخالفت ورزیدند و [حتی] در حقش جفا کردند، بردبایی کند؛ و اگر موافقت کردند و [پندای او را پذیرفتند، شکرگذاری کند.»<sup>۳</sup>

درباره صبر و بردبایی که یکی از شرایط آمر به معروف بود در فرازهای گذشته (مبلغان ۱۷۱) مطالبی بیان شد؛ اما درباره تشرک از دیگران، به ویژه زمانی که با امر به معروف و نهی از منکر، فرد یا گروهی کارهای نیک انجام می

۱. رساله لب الباب، سید محمد حسین حسینی تهرانی، انتشارات حکمت، تهران، بی تا، ص ۵۵.
۲. ملا احمد نراقی.
۳. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۴.

دهند و به معروفی تن می‌دهند و یا منکری را ترک می‌کنند، نکاتی بیان می‌شود:

امام سجاد (ع) در ضمن بیان حقوقی که بر انسان ثابت است، به حق «صاحب معروف» اشاره کرده و می‌فرماید : «وَ إِمَّا حَقٌ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَأَنْ تَشْكُرْهُ وَ تَذْكُرْ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِيَ الْمَقَالَةَ الْخَسَنَةَ وَ تُخْلِمَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْتَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ؛»<sup>۴</sup> حق کسی که بر تو نیکی می‌کند [پذیرفتن سخنان نیک انسان، نوعی از نیکی است] این است که او را سپاس بگویی و نیکی اش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خداوند برایش خالصانه دعا کنی.»

خداوند متعال در قرآن کریم به رسول گرامی اسلام (ص) دستور میدهد: [خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيَهُمْ بِهَا وَ صَلٌّ عَلَيْهِمْ إِنْ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيهِمْ]<sup>۵</sup>؛ «از آنها صدقه ای [زکات] بگیر تا به وسیله آن آنها را پاک سازی و پرورش دهی، و به آنها (هنگام گرفتن زکات) دعا کن که دعای تو مایه آرامش

۴. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲.

۵. توبه ۱۰۳.

پاداش مادی «ابن اشهب نخعی» از امیر مؤمنان (ع) نقل می‌کند که فرمود: «مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ طَائِعًا وَ قَرَأَ الْقُرْآنَ ظَاهِرًا فَلَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِائَتَا دِينَارٍ فِي بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ؛» کسی است که به اختیار خویش اسلام آورده و قرآن را آشکار بخواند، سالانه دویست دینار از بیت المال مسلمین برای اوست.»

این‌گونه تشویقها بهترین تشکری است از کسانی که به اسلام و امر به معروف و... تن می‌دهند.

امام حسین (ع) و تشکر از اصحاب و بستگان وقتی بستگان و یاران امام حسین (ع) دعوت ایشان را پذیرفتند و همراه حضرت تا کربلا آمدند، و تا شب عاشورا و پایان آن ما ندند، امام از آنان تمجید و تشکر نمود و فرمود: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَمْضَحُ أَبَا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبَرَّ وَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلَ بَيْتِي فَجُزُّا كُمُّ اللَّهُ عَنِي جَمِيعًا خَيْرًا؛»<sup>۳</sup> اما بعد، من یارانی برتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم و اهل بیتی نیکوکارتر، و به خویشاوندی

آنها بوده، و خداوند شنوا و دانا است» این آیه نشان میدهد که حتی در برابر انجام وظایف واجب نیز بهتر است از مردم تشکر و تقدير کرد، به ویژه قدردانی های معنوی و روانی که تأثیر زیادی در تداوم انجام معروف خواهد داشت؛ لذا در روایات می خوانیم که وقتی مردم زکات خود را خدمت پیامبر (ص)

می‌آوردند، حضرت با جمله «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ» به آنها دعا می‌کرد. و این دعا مایه آرامش آنها می‌شد؛ چرا که از پرتو این دعا رحمت الهی بر دل و جان آنها نازل می‌شود، آن‌گونه که آن را احساس کنند. قدردانی پیامبر (ص) و یا کسانی که در جای او قرار می‌گیرند و زکات اموال مردم را می‌پذیرند. به آنها نوعی آرامش روحی و فکری می‌بخشد، که اگر ظاهراً چیزی را از دست داده‌اند، بهتر از آن را به دست آورده‌اند.<sup>۴</sup> مبلغان عزیز کسانی را که در مسجد حضور مستمر دارند، و قدمهای خیری بر می‌دارند، و اهل زکات و خمس هستند تا باعث تشویق نمایند تا باعث ترغیب بیشتر آنان شود.

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالكتاب الاسلاميه، تهران، ۱۳۷۰ ش، ج ۸، ص ۱۱۸.

۲. وسائل الشیعه، شیخ حز عاملی، دارالكتاب الاسلاميه، تهران، ۱۳۷۶ ق، ج ۴، ص ۸۳۸، و چاپ جدید، ج ۶، ص ۱۸۵۰.

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

پایبندتر از اهل بیت  
نمی‌شناسم . خداوند به  
شما پاداش خیر عنایت  
فرماید! ... »

در جای دیگری از آن  
حضرت چنین نقل شده  
است:

«إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً  
أَصْحَعُ مِنْكُمْ وَ لَا أَغْدُلُ وَ لَا  
أَفْضُلُ أَهْلَ بَيْتٍ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ  
عَنِّي خَيْرًا ؟» من هیچ  
اصحابی را از شما  
سالم‌تر و عادل‌تر و هیچ  
خاندانی را از خاندان  
خود برتر سراغ ندارم .  
خداوند به شما پاداش  
نیکو عطا فرماید!»  
م . توکل بر خدا و توجه به  
عیوب خویش

توکل به خدا و توجه  
به عیوب خویش از دیگر  
شرایط امر به معروف  
است که امام صادق (ع)  
بدان اشاره کرده و می  
فرماید: «مُفَوْضًا أَمْرَةً  
إِلَى اللَّهِ نَاظِرًا إِلَى عَيْبِهِ؛»  
امر خود را به خدا  
و اگذار کند، و (همیشه  
مواظب) عیوب خویش  
باشد.»

شرط موفقیت آمران به  
معروف و ناهیان از  
منکر و پشتوانه  
ارزشمند آنان، دو مطلب  
مهم است:

۱. توکل بر خدا و  
و اگذاری امور خود به  
خدای خویش، خصوصاً امر

مبلغان

- فتیوح ابن اعثم، دارالندوه، الجديدة، بیروت، چاپ اول، ج ۵، ص ۱۶۹ - ۱۷۰ .
- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲ - ۳۹۳ .
- همان، ج ۹۷، ص ۸۴ .

هدایت و ارشاد که بدون  
تکیه بر عنایت الهی،  
اماکان‌پذیر نیست.

۲. عیوب خویش را  
کاملاً تحت نظر داشته  
باشند و برای اصلاح آن  
بکوشند، تا بتوانند  
برای دیگران الگو و بر  
آنها تائیرگذار باشد.  
حضرت امیر مؤمنان  
علی (ع) درباره تفویض  
امر به خداوند و توکل  
می‌فرماید: «الْإِيمَانُ لَهُ  
أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ التَّوْكِلُ عَلَى  
اللَّهِ وَ تَفْوِيضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَ  
الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ  
الْتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ  
جَلَّ؛ إِيمَانٌ چهار رکن  
دارد: توکل بر خداوند،  
و اگذاری امر (و کارها)  
به خدا، رضایت به قضا  
(و قدر) الهی و تسلیم  
امر خدای عزیز و جلیل  
بودن...»

تکیه بر تقوی و دانش در  
طریقت کافی است  
راهیرو گر صد هنر دارد .  
توکل بایدش  
فقط از خدا

در یکی از سالها قبل  
از ماه مبارک رمضان،  
آیت الله بروجردی! فرمود:  
در این ماه وجودهای  
نرسیده است، لذا بنا  
دارم شهریه نجف را قطع  
کنم و برای قم، اگر  
وجه رسید، پرداخت  
می‌کنم، و گرنم نخواهیم  
پرداخت.

اطرافیان اصرار

آب روی خویش  
 توجه به عیوب نفس  
 قرآن کریم به این  
 شرط نیز توجه داده  
 است : [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
 آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسُكُمْ لَا  
 يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا  
 اهْتَدَيْتُمْ]؛<sup>۳</sup> «ای کسانی  
 که ایمان آورده اید !  
 مراقب خود باشید !  
 هنگامی که شما هدایت  
 یافتید، گمراهی  
 گمراهان به شما زیان  
 نمیرساند.»  
 این آیه نشان می دهد  
 که انسان باید مواظب  
 خود باشد، در این صورت  
 خطر دیگران او را  
 تهدید نخواهد کرد.  
 روایات و تعبیرات  
 نغز و زیبایی از اهل  
 بیت درباره توجه به  
 عیوب نفس آمده است که  
 به نمونه هایی اشاره  
 می شود :  
 حضرت علی (ع) فرمود :  
 «جَهْلُ الْمَرْءِ بِعُيُوبِهِ مِنْ  
 أَكْبَرَ ذُنُوبِهِ؛<sup>۴</sup> بزرگترین  
 گناهان این است که  
 انسان که به عیوبهاي  
 خویش جا هل باشد.»  
 و در کلام دیگر  
 فرمود : «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ  
 عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ؛<sup>۵</sup>  
 خوشابه حال کسی که  
 توجه به عیوب خودش او  
 را از (بیان) عیوبهاي  
 مردم منصرف نموده (و مبلغان)

کردند که از افراد قرض  
 بگیرید، آقا پاسخ  
 دادند : «من تاکنون به  
 غیر از خداوند تبارک و  
 تعالی، به أحدي اظهار  
 حاجت نکرده ام و این  
 کار را نمی کنم.» دو  
 روز گذشت. ساعت یازده  
 شب شخصی وارد شد و  
 گفت : ده دقیقه ای با  
 آقا کار دارم. آقا این  
 شخص را به حضور  
 پذیرفت. طولی نکشید که  
 از نزد آقا برگشت و  
 رفت. صبح معلوم شد که  
 تا سه ماه شهریة قم و  
 نجف و دیگر شهرهای  
 ایران فراهم شده است<sup>۶</sup>  
 از کریم می خواهم، نه عبد  
 الکریم  
 وقتی آیت الله حجت ( از  
 نجف به قم می آید،  
 مرحوم آیت الله العظمی  
 عبدالکریم حائری ( به  
 ایشان پیام می فرستد :  
 هر وقت به پول احتیاج  
 داشتی، ما در خدمت  
 هستیم و تقديم میکنیم .  
 آیت الله حجت در جواب  
 میگوید : من از لطف و  
 کرامت ایشان کمال تشکر  
 را دارم؛ ولی اگر من  
 به پول نیاز داشتم، از  
 خود کریم متعال  
 درخواست می کنم، نه از  
 شیخ عبد الکریم.»<sup>۷</sup>  
 دست طمع جو پیش کسان  
 میکنی درآز  
 پل بسته ای که بگذری از

۱. به نقل از مجله حوزه، ش ۴۳، ص ۶۴.  
 ۲. اسوه پارسايان، صادق حسنزاده، آل على٪، قم، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۳.

۳. مائدہ / ۱۰۵.  
 ۴. ارشاد، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۹.  
 ۵. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۴.

بازداشته است.»  
 مکن عیب خلق ای خردمند  
 فاش باش  
 بعیب خود از خلق مشغول  
 باش  
 منه عیب خلق ای فرومایه  
 پیش خویش  
 که حشم فرو دوزد از عیب  
 گرفتم که خود هستی از  
 عیب پاک  
 تعقیت مکن بر من عیناک<sup>۱</sup>  
 رسول خدا (ص) فرمود:  
 «کفی بالمرء عیناً أَنْ  
 يُنْصَرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَلُ  
 عَنْهُ مِنْ تَفْسِيرٍ أَوْ يُعَيْزَ  
 النَّاسَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ  
 تَرْكُهُ أَوْ يُؤْذِي جَلِيلَهُ بِمَا  
 لَا يَعْنِيهِ<sup>۲</sup>; در عیب مرد  
 (و انسان) همین بس که  
 عیبی را در مردم ببیند  
 که آن را در خود  
 نمیبیند، و مردم را به  
 چیزی ملامت کند که توان  
 ترک آن را ندارد، و  
 اینکه همنشین خود را  
 با چیزی (و عیبی) اذیت  
 کند که در خود به  
 دنبال آن نباشد.<sup>۳</sup>  
 همه عیب خلق دین نه  
 مروتست و مردی  
 نگهی بخویشتن کن که همه  
 گناه داری  
 ره طالبان عقبی کرم است و  
 فضل و أحسان  
 تو چه در نشان مردی بجز  
 از کلاه داری  
 تو حساب خویشتن کن نه حساب  
 خلق سعدی  
 که بضاعت قیامت عمل تباہ  
 داری<sup>۴</sup>  
 و در پایان تذکر این  
 نکته خالی از لطف نیست

که اگر از طریق امر به  
 معروف و نهی از منکر  
 در مردم تأثیرگذار  
 نبودیم، و آنها به  
 سخنان ما توجه نکردند،  
 خود و عیبهای خویش را  
 فراموش نکنیم.  
 رسول گرامی اسلام (ص)  
 فرمود: «فَإِذَا رَأَيْتَ دِيَنَا  
 مُؤْثِرَةً وَ شُخْنًا مُطْعَأً وَ  
 هُوَ مُتَبَعًا وَ إِعْجَابَ كُلِّ  
 ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ فَعَلَيْكَ  
 بِخُوَيْصَةٍ بِنَفْسِكَ وَ  
 ذَرْعَوَامَهُمْ<sup>۵</sup>; امر به  
 معروف و نهی از منکر  
 کنید؛ اما هنگامی که  
 دیدید مردم دنیا را  
 مقدم داشته و بخل و  
 هوا بر آنها حکومت  
 میکند و هر کس تنها  
 رأی خود را میپسند (و  
 گوشش بدھکار سخن دیگری  
 نیست) به خویشتن  
 بپردازید و عوام را  
 رها کنید!»

۴. نور الثقلین، حویزی،  
 انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ  
 چهارم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۸۴.

۱. سعدی.  
 ۲. کافی، کلینی، دارالکتب  
 الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۲،  
 ص ۴۶.  
 ۳. سعدی.

## پافشاری پیامبر(ص) بر حفظ مسائل اساسی اسلام

آشکار کرد، مشرکان  
برای منصرف کردن ایشان  
به هر اقدامی دست  
زدند؛ ولی نتیجه  
نگرفتند، تا اینکه  
گروهی از بزرگان قبایل  
قریش به طور دسته جمعی  
نزد «ابوطالب» رفتند و  
عرض کردند : ای  
ابوطالب! برادرزاده تو  
عقلهای ما را سبک  
شمده و درباره  
معبدوهاي ما بدگوئي  
کرده، و جوانان ما را  
فاسد نموده و میان  
صفوف فشrede و متّحد ما  
تفرقه انداخته است!  
اگر انگيزه او مال به  
دنياست، انقدر مال به  
او می دهیم که از همه  
افراد قریش ثروتمندتر  
گردد، و او را حاکم و  
پادشاه خودمان قرار  
می دهیم . . . .  
هنگامی که ابوطالب  
سخنان آنها را به رسول  
خدا (ص) ابلاغ نمود،  
حضرت فرمود: «لَوْ وَضَعُوا  
الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ  
فِي يَسَارِي مَا أَرَدْتُهُ،  
وَلَكِنْ يُعْطُونِي كَلْمَةً  
تَمْلِكُونْ بِهَا الْعَرَبَ وَيَدِينُ  
لَهُمْ بِهَا الْعَجْمُ وَيُكَوِّنُونَ

**اشاره**  
یکی از شیوه های  
همیشگی پیامبر (ص) در  
تبليغ دین، جنگ، صلح و  
اجرای برنامه های  
حکومتی، این بود که  
هرگز در مسائل اصلی و  
اساسی و به اصطلاح  
«خطوط قرمز اسلام»  
کوتاه نمی آمد و روی آن  
اصول با کسی توافق و  
سازش نمی کرد و در همه  
حال، برای حفظ آنها  
پافشاری فوق العاده ای  
داشت؛ لذا در بررسی  
سیره آن حضرت به موارد  
بسیاری بر می خوریم به  
خاطر پافشاری بر اصول  
اساسی اسلام، عواقب سخت  
و سنگینی را متحمل شد  
و مشقتها و سختیهای  
زیادی را به جان خرید.  
در اینجا با توجه به  
حواله این مقاله به  
ذکر چند مورد از این  
پافشاری ها اشاره  
خواهیم کرد.  
۱. عدم تأثیر تطمیع و  
تهدید مشرکان در اراده  
پیامبر(ص)

پس از آنکه پیامبر  
اسلام (ص) دعوت خود را

**مُلُوكًا فِي الجَنَّةِ؛** اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چشم قرار دهند (تمام دنیا را به من دهنده) نمیخواهم؛ ولکن میخواهم یک سخن مرا بپذیرند تا در پرتو آن بر ملت عرب حکومت کنند و ملتهای عجم (غیرعرب) را نیز تابع خود گردانند و از پادشا هان بهشت باشند.»

بشرکان، پس از شنیدن این سخن امیدوار شدند و گفتند : آری، ما حاضریم حتی ده سخن تو را قبول کنیم (بگو ببینیم سخن تو چیست؟) حضرت فرمود : «**تَشَفِّعُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ**؛ شهادت دهید و اقرار کنید که معبودی جز خدا نیست و من رسول خدایم.»

پاسخ قاطع پیامبر اکرم (ص) مثل آب سردی بود که بر امید گرم آنها ریخته شد و چنان بهت و سکوت وجود آنان را فرا گرفت که بی اختیار گفتند : «**نَدَعُ ثَلَاثَ مِائَةً وَ سِتِّينَ إِلَهًا وَ نَعْبُدُ إِلَهًا وَاحِدًا** و شصت معبود (بت) را رها کنیم و تنها یک خدا را بپرستیم؟!» سپس با حالت خشم و غضب برخاستند و رفتند . در اینجا بود که آیات زیر نازل شد:

[وَ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَابٌ \* أَجْعَلَ الْأَلْهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا أَنَّ هَذَا لِشْنِي عُجَابٌ \* وَ انْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَ اصْبِرُوا عَلَى الْهَتَّكُمْ أَنَّ هَذَا الشَّيْءُ يُرَادُ \* مَا سِمعْنَا بِهِذَا فِي الْمَلَةِ الْآخِرَةِ أَنْ هَذَا إِلَّا خِتَالٌ \* أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْذُكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذَكْرِي بَلْ لَمَّا يَذَوْقُوا عَذَابَ \* أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَانَ رَحْمَةَ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِي \* أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَلَيْزَ تَقُوا فِي الْأَسْبَابِ \* جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنْ الْأَحْزَابِ [؛]»  
«آنها تعجب کردند که پیامبر بیم دهنده ای از میان آنان به سویشان آمده و کافران گفتند : این ساحر بسیار دروغگویی است . آیا او به جای این همه خدایان ، خدای واحدی قرار داده ؟ ! این به راستی چیز عجیبی است ! سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند : بروید و خدایانتان را محکم بچسبید ! این چیزی است که خواسته اند (شما را گمراه کنند) . ما هرگز چنین چیزی در آیین و اپسین نشنیده ایم . این تنها یک آیین ساختگی

٤٤٣: المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، انتشارات جامعه مدد زین، قم، چاپ پنجم، ١٤١٧ق، ج ١٧، ص ١٨٦-١٨٧؛ الدر المنشور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ١٤٠٤ق، ج ٥، ص ٢٩٥-٢٩٦ . ٢٠٢ ص

١. تفسیر قمی، علی بن ابراہیم قمی، دار الكتاب، قم، چاپ ١٣٦٧ق، ج ٢، ص ٢٢٨ - ٢٢٩؛ نور الثقلین، عبد علی حوزی، اسماعیلیان، قم، چاپ ٤٤٢ - ٤١٥ق، ج ٤، ص ٢٩٥-

باشد، تو نیز بهره ات را از آن گرفته‌ای؟!  
پیامبر (ص) فرمود: «عَمَادُ اللَّهِ أَنْ أُشْرِكَ بِهِ عِيْرَةٌ؛ بِنَاهْ بِرِّ خَدَا كَهْ مِنْ چیزی را همتای او قرار دهم!»  
گفتند: لاقل بعضی از خدایان ما را لمس کن و از آنها تبرک بجوی، ما تو را تصدیق می کنیم و خدای تو را می‌رسیم!  
حضرت فرمود: من منتظر فرمان پروردگارم هستم. در اینجا بود که سوره کافرون نازل شد، پس حضرت به مسجدالحرام آمد و این سوره را تا آخر در میان مردم خواند. وقتی کفار مکه پیام این سوره را شنیدند، کاملاً از توافق مأیوس شدند و تصمیم بر اذیت و آزار پیامبر (ص) و یارانش گرفتند.  
در «تفسیر نمونه»، پس از توضیح آیات این سوره، پنج نکته لازم و مفید ذکر شده است. یکی از آنها را در اینجا می‌آوریم:  
«آنچه در این سوره آمده، در واقع بیانگر این واقعیت است که توحید و شرک دو برنامه

۱. شأن نزول فوق با تفاوتی مختصر در تقاسیر متعدد نقل شده است، از جمله: مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسي، انتشارات ناصر خسرو، تهران، جاپ سوم، ج ۱۳۲۷، ص ۷۴۰؛ الظبيان في تفسير القرآن، شيخ طوسى، دار احياء التراث العربي، بيروت، بيتاب، ج ۱۰، ص ۴۲۰؛ الدر المنشور، سیوطی، ج ۹، ص ۴۰۴. به گفته ابن عباس: آیه زیر نیز در همین قضیه نازل شده است: [قُلْ أَفْغَيْرَ اللَّهِ ثَمَرُونَيْ أَعْبَدُ أَيُّهَا الْجَاهَلُونَ]. زمر/ ۶۴. (همان منابع).

است. آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او [محمد (ص)] نازل شده است؟! آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند؛ بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده اند - که این چنین گستاخانه سخن می‌گویند - مگر خزانه رحمت پروردگار توانان و بخشندۀ ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند، بدنهند؟)! یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است، از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلوی نزول وحی را بر قلب پاک محمد (ص) بگیرند) ! (آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده‌ای از احزاب اند.»

۲. نفی سازش با بقیرستان گروهی از سران مشرکان، مانند: ولید بن مغیرة، عاص بن وائل، اسود بن عبد یغوث زهری، حارث بن قیس سهمی، اسود بن مطلب بن اسد، امية بن خلف و ... نزد رسول خدا (ص) رفتند و عرض کردند: ای محمد! بیا با هم سازش کنیم و در امتیازات همدیگر مشترک باشیم؛ به این ترتیب که یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و سال دیگر ما خد ای تو را عبادت کنیم. اگر آیین تو بهتر باشد، ما نیز از آن بهره برده ایم، و اگر آیین ما بهتر

متضاد و دو مسیر کاملاً جدا می باشد و هیچ شباhtی با یکدیگر ندارند. توحید، انسان را به خدا مربوط می سازد، در حالی که شرک او را از خدا بیگانه می کند.

توحید، رمز وحدت و یگانگی در تمام زمینه هاست، در حالی که شرک، مایة تف رقه و پراکندگی در همه شئون است.

توحید، انسان را از عالم ماده و جهان طبیعت، بالا می برد و در ماورای طبیعت به وجود بی انتهاهی الهی پیوند می دهد، در حالی که شرک، انسان را در چاه طبیعت سرنگون می سازد و به موجودات محدود، ضعیف و فانی پیوند می دهد.

به همین دلیل، پیغمبر اکرم (ص) و تمام انبیای عظام، نه تنها یک لحظه با شرک سازش نکردند؛ بلکه نخستین و مهم ترین برنامه آنها، مبارزه با آن بود.

امر روز نیز همه پوبندگان راه حق و علماء و مبلغان این آیین، باید همین خط را ادامه دهند، و در همه جا برائت و بیزاری خود را از هرگونه شر ک و سازش با مشرکان اعلام دارند. این است راه اصیل اسلام.»

بیان علت ممنوعیت بتپرستی در سوره دیگر قرآن کریم، خدای حکیم پیامبر خود را مأمور می کند که ضمن بیان آن را نیز بیان نماید، لذا می فرماید:

**[قُلْ إِنَّمَا تُهِيَّثُ أَنْ إِغْبَثُ  
الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ  
قُلْ لَا أَتَبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ  
ضَلَّتُ أَذْأَأَ وَمَا أَنَا مِنْ  
الْمُهَتَّدِينَ]** [٢٣] «بگو: من از پرستش کسانی که غیر از خدا می خوانید، نهی شده ام. بگو: من از هوا و هوشهای شما پیروی نمی کنم؛ اگر چنین کنم، گمراه شده ام، و از هدایت یافتن خواهم بود.»

در این آیه جملة «تهیت» (ممنوع شده ام) به صورت فعل ماضی مجهول آمده و اشاره به این است که ممنوع بودن پرستش بتها چیز تازه ای نیست؛ بلکه همواره چنین بوده و خواهد بود.

جمله **قُلْ لَا إِثْرَاعَ** آه وائکم علت ممنوعیت بتپرستی را بیان می کند. به این دلیل که سرچشمه بتپرستی چیزی جز پیروی از هوا و هوس و خرافات و تقلید کورکورانه نیست؛ زیرا با هیچ عقل و منطقی نمی سازد که انسان، خالق خود را رها سازد و در برابر مخلوق و حتی جمادات - که پستتر

۲. انعام / ۵۶؛ لازم به ذکر است که این سوره نیز هما نند سوره کافرون در مکه نازل شده است

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۳ش، ج ۲۷، ص ۴۲۰.

[فَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ  
آيَاتِنَا بَيْنَاتٌ قَالَ الَّذِينَ  
لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَئْتَ  
بِقُرْآنٍ غَيْرَ هَذَا أَوْ بَدْلَهُ  
قِلْ مَا يَكُونُ لِي  
أَبْدَلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي  
إِنْ أَتَيْعُ إِلَّا مَا يُوحَى  
إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ  
رِبِّي عَذَابٌ يَوْمٌ عَظِيمٌ]؛<sup>۳</sup> «وَ  
هَنِّگامی که آیات روشن  
ما بر آنها خوانده  
می‌شود، کسانی که ایمان  
به لقای ما (و روز  
رستاخیز) ندارند،  
می‌گویند: قرآنی غیر از  
این بیاور، یا آن را  
تبديل کن (و آیات  
نکوهش بتها را بردار).  
بگو: من حق ندارم که  
از پیش خود آن را  
تغییر دهم. فقط از  
چیزی که بر من وحی  
می‌شود، پیروی می‌کنم.  
اگر پروردگارم را  
نافرمانی کنم، از  
مجازات روز بزرگ  
(قیامت) می‌ترسم!<sup>۴</sup>  
این گروه از مشرکان،  
خواهان اصلاح جامعه  
نبوذند؛ بلکه  
می‌خواستند پیامبر  
خدا (ص) را به دنبال  
هوا و هوشهای خود  
بکشند؛ ولی با نزول  
آیه فوق از سوی خدای  
حکیم، برای همیشه از  
پیامبر خدا (ص) مأیوس  
شدند.

۴. رد پیشنهاد مشرکان به طرد مؤمنان تهیدست  
گروهی از سران قریش  
نزد رسول خدا (ص)

۳. یونس/۱۵. ر.ک: علامه طباطبائی در تفسیر این آیه نکات جالبی بیان کرده است؛ ر.ک: المیزان، ج ۱۰، ص ۲۳ - ۲۶.

از انسان هستند - سر تعظیم فرود آورده!  
جمله [قَدْ فَلَلْتُ إِذَا وَ  
مَا أَنَا مِنَ الْمُهَذِّبِينَ] نیز  
علت ممنوعیت پیروی از  
هوا و هوس را چنین  
بیان می‌کند که: پیروی  
از هوا و هوس، با  
هدایت یافتن انسان  
منافات دارد و مانع از  
تابش نور توحید در قلب  
انسان می‌شود.

پس خلاصه مضمون آیه  
شریفه و علت ممنوعیت  
بتپرستی آن است که:  
بتپرستی در واقع پیروی  
از هوا و هوس است که  
آن نیز ضلالت و گمراهی  
و خروج از صف  
هدایتیافتگان می‌باشد.<sup>۱</sup>  
۳. رد درخواست تغییر قرآن  
گروهی از مشرکان (از  
جمله عبدالله بن امیه  
مخزومی، ولید بن  
مغیره، مکرز بن حفص،  
عمرو بن عبدالله عامری و  
عاص بن عاص بن هاشم)  
خدمت پیامبر (ص) آمده،  
عرض کردند: اگر  
می‌خواهی ما از تو  
پیروی کنیم، قرآن  
دیگری بیاور که در آن  
دستوری به ترک عبادت  
بتهای «لات»، «عزی»،  
«منات» و «هبل» نباشد  
و با حداقل برخی از  
مطلوب قرآن کنونی را  
از پیش خودت تغییر ده!  
در پاسخ به آنها آیات  
زیر نازل شد:<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: المیزان، ج ۷، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.  
۲. ر.ک: مجمع البيان، طبرسی، ج ۵، ص ۱۴۶؛ اسباب نزول القرآن، دارالكتب على بن احمد واحدی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۲۷۰.

آمدند، پیشنهاد کردند: از بدگویی به بتهای ما و سبک شمردن عقلهایمان دست بردار، و این بردهگان و افراد بی‌سر و پا را که بوى بد از آنها به مشام می‌رسد، از دور خود دور کن تا در مجلس تو حضور یابیم و به سخنانت گوش دهیم. باز هم آیاتی نازل شد که پیامبر (ص) را از این عمل برحدار داشت، این کادوا لیفتیونک عن الٰی اُوحَّدْنَا الٰی لِتَقْتَرِی عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَ لَا اَذًا لَاتَّخِذُوكَ حَلِيلًا \* وَ لَوْ تَرْكَنَ الْبَهْمَ شَنَّا قَلِيلًا \* اَذًا لَادْفَتَاكَ ضَعْفَ الْحَيَاةِ وَ ضَعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا [؛] «نژدیک بود آنها تو را (با وسوسه های خود) از آنچه بر ت و وحی کرده ایم، بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی، و در آن صورت، تو را برگزینند. و اگر ما تو را ثابتقدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبودی)، نژدیک بود اندکی به آنان تمایل کنی. اگر چنین می‌کردی، ما دو برابر مجازات

۱. مجمع البيان، طبرسی، ج ۶، ص ۶۶۵؛ الدر المثلوث، سیوطی، ج ۴، ص ۱۹۴ لازم به ذکر است که برای این آیات، شأن نزولهای دیگری نیز نقل کرده اند؛ ولی علامه طباطبائی (از میان آنها تنها شأن نزول مذکور را تأیید کرده و بقیه را غیرمناسب با مضمون این آیات دانسته است؛ ر. ک: المیزان، ج ۱۳، ص ۱۷۲ و ۱۷۷

۲. إسراء / ۷۳ - ۷۵

(مشکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات آنها) را بعد از مرگ، به تو می‌چشاندیم، سپس در برابر ما، یا وپی برای خود نمی‌افتد.» از قتاده (یکی از مفسران صدر اسلام) نقل شده است: هنگامی که آیات فوق نازل شد، پیامبر اکرم (ص) عرض کرد: «اللٰهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسٍ سَيِّئَةٍ عَيْنَ أَبَدًا؛ خُدَايَا! مَرَا حَتَّى بَهْ اَنْدَازَ يَكْجَشَ بَهْ هَمْ زَدَنَ بَهْ خَوِيشْتَنَ وَ اَمْكَذَارِ!»<sup>۱</sup> دعای پر معنای پیامبر اسلام (ص) این درس مهم را به ما می‌دهد که در هر حال باید به خدا پناه برد، و به لطف او متنکی بود. دستور همنشینی با مؤمنان در قرآن به پیامبر اکرم (ص) دستور داده شده است که هرگز به خاطر مستکبران، همنشینی با مؤمنان مخلص را ترک نکن : [وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْدَةِ وَ الْعَشِّيْرِ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاتَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِيَّةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَا تَطْغِيْعَ مَنْ أَغْلَلَنَا قَلْتَهُ عَنْ ذَكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرْطاً [؛] «با

۳. جهت اطلاع از نکات آیات فوق به تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۵  
۴. مراجعت شود.  
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربي، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۰۴.  
۵. کهف/۲۸.

کسانی باش که پروردگار  
خود را صبح و عصر  
می خوانند، و تنها رضای  
او را می طلبند و هرگز  
به خاطر زیورهای دنیا،  
چشمان خود را از آنها  
برمگیر! و از کسانی که  
قلبشان را از یاد خود  
غافل ساختیم، اطاعت  
مکن! همانها که از  
هوای نفس پیروی کردند  
و کارهایشان افراتی  
است.»

در شان نزول این  
آیه، نوشته اند: برخی  
از مستکبران و  
ثروتمندان از خود راضی  
عرب به حضور پیامبر (ص)  
آمدند و عرض کردند: ای  
محمد! اگر تو در صدر  
مجلس بنشینی و فقیران  
را که بوى آنها مشام  
انسان را آزار مى دهد و  
لباسهای خشن و پشمینه  
در تن دارند، از خود  
دور کنى، ما نزد تو  
خواهیم آمد، در مجلس  
خواهیم نشست و از  
سخنانت بهره خواهیم  
گرفت؛ ولی چه کنیم که  
با وجود این افراد،  
جای ما نیست!  
در این هنگام آیة  
فوق نازل شد و به  
دنبال آن پیامبر  
اکرم (ص) به سراغ این  
گروه از مؤمنان در  
گوشه ای از مسجد، در  
حالی که مشغول عبادت و  
ذکر خدا بودند، رفت و  
فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ  
لَمْ يَمْتَنِي حَتَّىٰ أَمْرَنِي أَنْ  
أَنْبِرَ نَفْسِي مَعَ رِجَالٍ مِّنْ  
أَمْتَىٰ؛ حَمْدُ اللَّهِ أَكْبَرُ  
رَا که مرا از دنیا  
نبرد تا ای نکه دستور



مِنْ مَبْنَاهُنَّ  
بِطَارِدِ الَّذِينَ أَمْنَوْا إِنَّهُمْ  
مُّلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكُنْيَةُ  
أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ \* وَ

داد با امثال شما از  
مردان امتم باش  
زنگی و مرگ با شما  
خوش است!»  
دستور به عدم طرد مؤمنان  
نه تنها پیامبر  
اسلام (ص)، بلکه تمام  
انبيا) موظف بودند که  
مؤمنان را اگر چه فقير  
و از طبقات پایین  
جامعه باشند؛ با آغوش  
باز بپذيرند و هرگز  
آنان را برای خوشای ند  
مستکبران، از خود دور  
نسازند؛ لذا لازم است  
فرهنگ سازان امروز  
جامعه (مانند بزرگان  
جامعه و رسانه ها)  
همین شیوه را عمل کنند  
تا از ارزشهاي اسلامی  
فاصله نگيرند.  
قرآن کریم، پس از  
نقل منطق قوم نوح (ع)  
که به وجود مؤمنان از  
طبقات پایین جامعه در  
اطراف آن پیامبر بزرگ  
ایراد گرفته و آن را  
یکی از موانع ایمان  
آوردن خود معرفی  
می کردند، از زبان خود  
حضرت نوح (ع) چنین نقل  
می کند: [وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ  
الْمُؤْمِنِينَ \* إِنْ أَنَا إِلَّا  
نَذِيرٌ مُّبِينٌ]؛ وَ مِنْ  
هرگز مؤمنان را طرد  
نخواهم کرد . من تنها  
انذارکندهای آشکارم.»  
و در جای دیگر از  
زبان همان پیامبر (ع)  
می فرماید: [وَ مَا أَنَا  
بِطَارِدِ الَّذِينَ أَمْنَوْا إِنَّهُمْ  
مُّلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ لَكُنْيَةُ  
أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ \* وَ

يَا قَوْمٌ مِّنْ يَنْصُرُنِي  
إِنَّ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا

رَا كه ايم ان او رده اند،  
(به خاطر شما ) از خود  
طرد نمی کنم؛ چراکه  
آنها پروردگارشان را  
مقالات خواهند کرد (اگر  
آنها را از خود برانم،  
در دادگاه قیامت، خصم  
من خواهند بود )؛ ولی  
شما را قوم جاهلی  
می بینم. ای قوم من ! چه  
کسی مرا در برابر  
(مجازات ) خدا یاری  
می دهد، اگر آنان را  
طرد کنم ؟ ! آیا اندیشه  
نمی کنید ؟ ! »

از مجموع آیات مذکور  
در این بخش استفاده  
می شود که تمام  
پیامبران، به خصوص  
پیامبر اسلام (ص) از  
تقسیم جامعه به دو  
گروه اشراف و فقیر،  
ناراضی بودند و با آن  
مبارزه می کردند؛ زیرا  
این نوع طبقه بندهی  
جامعه، موجب پیدایش  
کینه، دشمنی، حسد،  
کبر، غرور، ظلم، ستم،  
خودکامگی و در نتیجه  
جنگ و خونریزی می گردد،  
و این برخلاف روح عدالت  
و برادری و خلاف تمام  
قوانین اسمانی است و  
هیچ شخصیت الهی آن را  
تحمل نخواهد کرد.

این وضعیت، در میان  
عرب جاهلی به شدت  
حکم فرما بود، به حدی  
که برخی از آن اشراف و  
ثروتمندان بی ایمان، از  
نشستن در کنار

تهیستان با ایمان، ولو  
برای چند لحظه،  
خودداری می کردند و به  
پیامبر خدا (ص) ایراد  
می گرفتند که چرا فقراء،  
تهیستان و پا بر هنگان  
(اما با دلهای مملو از  
ایمان ) دور او را  
گرفته اند؟  
پیامبر اسلام (ص) در  
ساية تعلیمات الهی  
توانست بخشی از آن  
جامعه را اصلاح کند و  
جامعه ای بسازد که  
استعداد های نهفته در  
آن شکوفا گردد، و ملاک  
ارزش و شخصیت هر کس  
تقوا، عمل صالح و  
ارزش های انسانی باشد،  
نه مال و ثروت و  
قبیله.

امروزه نیز پیروان  
آن حضرت، به خصوص علماء  
و مبلغان دین اسلام و  
بزرگان دینی موظف  
هستند با الگو گرفتن  
از برنامه رسول خدا (ص)  
از طریق تعلیم و  
تربیت، تنظیم قوانین  
صحیح و اجرای دقیق  
آنها، فکر جامعه  
طبقاتی را از مغزها  
بیرون کنند و جامعه را  
به سوی ارزش های اسلامی  
سوق دهند.

۵. پاسخ دندان شکن به  
نمایندگان طائف  
تمام مواردی که تا  
اینجا نقل شد، مربوط  
به دوران قبل از هجرت  
به مدینه و قبل از  
پیشرفت دین اسلام بود؛  
ولی بعد از فتح مکه و  
پیروزی در حنین و اوج  
پیشرفت اسلام نیز منش  
پیامبر (ص) تغییر نکر د

و هرگز و با هیچ گروهی در مسائل اساسی اسلام سازش کرد.

علامه مجلسی (به نقل از «امالی» شیخ طوسی ! از امام صادق (ع) روایت کرده است : پیامبر اکرم (ص) پس از پیروزی در جنگ حنین به حرکت خود ادامه داد تا به «طائف» رسید و اهل آن محکم جمع شده بودند ) محاصره کرد. پس از چند روز، آنها از پیامبر (ص) خواستند که محاصره را بشکند تا نمایندگان آنها بیایند و با حضرت مذاکره کنند . حضرت محاصره را شکست و به مکه برگشت و منتظر ماند تا نمایندگان طائف آمدند. آنها گفتند : تمام قوم ما مسلمان می شوند و احکام اسلام را قبول می کنند، جز نماز و زکات رسول خدا (ص) در پاسخ آنها فرمود : «إِنَّمَا لَا يُحِبُّ فِي دِينِ لَا رُكُوعٌ فِيهِ وَلَا سُجُودٌ ؟ دینی که در آن رکوع و سجود نباشد، خیری ندارد.»

سپس فرمود : سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، یا باید قوم شما نماز را اقامه کنند و زکات دهند، یا مردی را که نفس من است، به سوی آنان می فرستم که گردن رزمندگانشان را می زند و زنان و فرزندانشان را اسیر می کند . در اینجا دست حضرت علی (ع) را گرفت و بلند کرد و

فرمود : او، همین مرد است.

نمایندگان طائف برگشتند و هرچه از پیامبر (ص) شنیده بودند، به قوم خود رساندند و آنان نماز و تمام شرایط پیامبر (ص) را قبول کردند.

محو اسلام؛ هدف دشمن ممکن است بعضی از مردم بگویند : اگر پیامبر اسلام (ص) در موارد فوق یا مشابه آن با دشمنان سازش می کرد، موحد پیشرفت اسلام می شد، همچنان که امروز نیز بعضی از نا آگاهان زمزمه می کنند که : اگر جمهوری اسلامی در قبال امریکا و کشورهای اروپایی کوتاه بیاید و با آنها سازش و توافق نماید، به نفع اسلام و مسلمین تمام خواهد شد! غافل از اینکه دشمنان اسلام با اصل اسلام مخالفاند و به کم تر از نابودی آن راضی نمی شوند، همان گونه که قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

[وَ لَنْ تَرْضِيَ عَنْكَ الَّذِيْهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّىٰ تَتَبَعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدًى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَنْ أَتَبْعَثَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِيْ جَاءُكَ مِنْ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنْ إِلَهٍ مِّنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ ]

مبنا

مبلغان

38

«هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد، تا (به طور کامل تسلیم خواسته های آنها شوی و) از آیین (تحریفیافته) آنان پیروی کنی . بگو: هدایت، تنها هدایت الهی است ! و اگر از هوا و هوشهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.»

در این آیات، سه مطلب کلی وجود دارد:  
 الف) ممکن است گفته شود : اینکه می گوید برای رضایت یهود و نصارا تلاش نکن، وظیفة پیامبر و هر انسان مؤمن و آگاه به دین است که مردم، حتی دشمنان را به سوی حق دعوت کند و با جاذبة اخلاقی، آنها را به دین اسلام متمايل سازد. این دو چگونه قابل جمع اند؟

در پاسخ باید گفت : گرچه این حرف درست است؛ اما این وظیفه در مقابل افراد حقجو و انعطاف‌پذیر است، نه افراد لجوج و مغرضی که نه تنها تسلیم حق نمی‌شوند و از آن تبعیت نمی‌کنند؛ بلکه می‌خواهند حق را تابع خود گردانند . اینجاست که صرف وقت برای آنها بیهوده است و نباید در فکر جلب رضایت آنها بود.

ب) از جملة [قل إِنَّ

**هُدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ** [  
 استفاده می شود : تنها قانونی که می تواند مایه نجات انسانها گردد، قانون و هدایت الهی است؛ چراکه علم بشر هر قدر تکامل یابد، باز آمیخته به جهل، شک و نارسایی در جهات مختلف است، و هدایتی که در پرتو چنین علم ناقصی پیدا شود، هدایت مطلق و کاملی نخواهد بود.  
 تنها کسی می تواند برنامه «هدایت مطلق» را رهبری کند که دارای «علم مطلق» و خالی از جهل و نارسایی باشد و او تنها خداست، لذا جز وحی و هدایت الهی، همه راهها انحرافی است.  
 ج) ممکن است از جملة **[وَلَئِنْ اتَّبَعُتَ أَهْوَانَهُمْ]** [ برای بعضی چنین سؤالی پیدا شود که : مگر ممکن است پیامبر (ص) با وجود مقام عصمت، از هوا و هوشهای منحرفان پیروی کند؟  
 در «تفسیر نمونه» آمده است : اینگونه تعبیرها که در آیات قرآن کراراً دیده می شود، هیچ منافاتی با مقام عصمت انبیا ندارد؛ زیرا از یک سو جملة شرطیه است و جمله شرطیه دلیل بر وقوع شرط نیست.  
 از سوی دیگر، معصوم

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۹۲.  
 ۲. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۱۹۳.

بودن، گناه را بر پیامبران محال نمی‌کند؛ بلکه پیغمبر و امام با اینکه قدرت بر گناه دارند و اختیار از آنها سلب نشده، هیچ‌گاه دامنهایشان به گناه آلوه نمی‌گردد . به تعبیر دیگر: آنها قدرت بر گناه دارند؛ ولی ایمان، علم و تقوایشان در حدی است که هرگز به سراغ گناه نمی‌روند . بنابراین، هشدارهایی همانند هشدار فوق، در مورد آنها کاملاً به جاست.

از سوی سوم، این خطاب، گرچه متوجه پیامبر اسلام (ص) است؛ ولی ممکن است منظور همه مردم باشد. آری، ممکن است این آیه، هشدار به تمام مسلمانان باشد که مواظب باشند در رابطه آنها با غیرمسلمانان و قراردادها و پیمانهایشان با آنها نباید به قیمت صرف نظر کردن از اصول تمام شود، و بدانند که دشمن به انحراف اندک راضی نمی‌شود؛ بلکه با سقوط کامل و محو مکتب و متلاشی شدن اسلام راضی می‌شود، پس جذب دیگران به اسلام آری؛ ولی عقبنشیبی از اصول، هرگز. لزوم رازداری و حفظ اسرار نظام از «ابن عباس» و

«مجاهد» نقل شده است: عده ای از مسلمانان (садه لوح) با یهودیان و منافقان، به خاطر قرابت یا همسایگی، یا حق رضاع و شیر خوردن از یک مادر، و یا پیمانی که قبل از اسلام بسته بودند، روابط دوستی داشتن دو به قدری با آنها صمیمی بودند که اسرار مسلمانان را در اختیار آنان می‌گذاشتند . در اینجا بود که آیة زیر نازل شد و به مؤمنان هشدار داد که چون آنان در دین شما نیستند، نباید آنها را محروم اسرار خود قرار دهید؛ زیرا آنان درباره شما از هیچ شر و فسادی کوتاهی نمی‌کنند؛ بلکه می‌خواهند شما همیشه در رنج و زحمت باشید:

[بِاَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
لَا تَنْجِذُوا بَطَانَةً مِنْ  
دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَيْلًا  
وَدُولَا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ  
الْبَعْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ  
مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ  
قُدْ بَيْنَ الْكُمُ الْآيَاتِ إِنْ  
كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ] :۱۴

ایمانی که ایمان آورده اید! محروم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید. آنها از هرگونه شر و فسادی درباره شما کوتاهی نمی‌کنند . آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید (نشانه های) دشمنی از

۳. مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۲۰.  
۴. اسیاب تزویل القرآن، ج ۳، ص ۱۲۳.  
۵. تفسیر نمونه، قرائتی، ج ۱، ص ۱۹۲.  
۶. آن عمران/ ۱۱۸.

۷. تفسیر نمونه، قرائتی، ج ۱، ص ۴۹۱.

مبلغان

40

د هان (و کلام) شان آشکار  
ش ده؛ و آنچه در  
دلهايشان پنهان  
مىدارند، از آن مهم تر  
است . ما آيات (و  
راه های پيشگيري از شر  
آنها ) را برای شما  
بيان كردیم ، اگر  
انديشه کنيد.»

این اعلام خطر به  
صورت کلی و عمومی است  
و باید در هر زمان و  
هر حال مسلمانان به آن  
توجه کنند.<sup>۱</sup>

پس وجود مستشاران  
خارجی (غير مسلمان) در  
کشورهای اسلامی خطرساز  
است؛ زیرا اسرار کشور  
را در اختیار دشمنان  
قرار خواهد داد.  
همچنین ملاک دوستی و  
روابط صمیمانة  
مسلمانان با سایر  
جوانع باید ایمان  
باشد.

پیمانشکنی کفار  
از خصلتهای افراد  
غيرمؤمن این است که  
هرگاه ناتوان و ضعیف  
باشند، برخی از مسائل  
اخلاقی و روابط  
خوبیشاوندی را رعایت  
میکنند و به قراردادها  
و پیمانهای خود پایبند  
میباشند؛ اما همین که  
قدرت پیدا کردن و در  
طرف مقابل خود احساس  
ضعف نمودند، این مسائل  
را زیر پا میگذارند.  
نمونه بارز این گونه  
رفتارها از سوی کفار  
(پیمانشکنی) در عصر  
م ا نيز به وقور دیده

مى شود؛ به طور مثال  
«یاسر عرفات » (رئيس  
جمهور پیشین فلسطین )  
پیش از قرارداد «کمپ  
دیوید»، به تعهدات خود  
در برابر آمریکا و  
اسرائیل عمل کرد؛ ولی  
آنان به تعهدات خود  
عمل نکردند . اخيراً  
«محمود عباس » (رئيس  
جمهور تشکیلات خودگردان  
فلسطین ) التماس کر د  
که : خواهش می کنم  
اسرائیل تا سال ۲۰۱۷  
به تعهداتش عمل کند.  
در قرآن کريم، پس از  
اعلام برائت از مشرکین  
و بيان بي اعتباری عهد  
و پیمان آنها ،  
میفرماید:

[كَيْفُ وَ إِنْ يَظْهُرُوا  
عَلَيْكُمْ لَا تَرْقِبُوْا فِيْكُمْ إِلَّا  
وَ لَا ذَمَّةٌ يُرْضُوْنَكُمْ  
يَأْفُوا هُمْ وَ تَأْبِي  
قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثُرُهُمْ  
فَاسِقُونَ] ؟<sup>۳</sup> «چگونه  
(پیمان مشرکان ارزش  
دارد)، در حالی که اگر  
بر شما غالب شوند، نه  
ملاحظة خویشاوندی با  
شما را می کنند، و نه  
پیمان را؟ شما را با  
زبان خود خشنود  
می کنند؛ ولی دلهايشان  
ابا دارد، و بيش تر  
آنها فرمانبردار  
نيستند.»

امام خمينی( خطاب به  
دولت و ملت ايران  
فرمود: «با توصل به  
دامت آمريكا ضعف و  
ناتوانی خود را برملا  
نسازيد . ابرقدرتها آن  
لحظه اي که منافعشان

می خواهند جمهوری اسلامی را از بین ببرند  
همچنان که معیار انقلاب امام خمینی(+) این بوده و رهبر معظم انقلاب بارها این مطلب را متذکر شده اند.

خود دشمنان نیز گاهی در سخنرانشان همین مطلب را اظهار می کنند. رئیس جمهور آمریکا بارها گفته است : اگر در مسئله هسته ای هم با ایران به توافق برسیم، باز مسائل اختلافی زیادی با ایران داریم! ۳. دولت و ملت با ید متوجه و هشیار باشد که هرگز از اصول و برنامه هایی که رهبر انقلاب در سخنرانیهای خود ترسیم نموده اند، عقبنشیینی نکند؛ زیرا اگر ما یک قدم عقبنشیینی کنیم، آنها جرأت پیدا می کنند، ده قدم جلو می آیند و خواسته های دیگری را مطرح خواهند کرد؛ چون هدف اصلی آنها نا بودی اسلام ناب محمدی (ص) و حایگزینی اسلامی آمریکایی است که رژیم آل سعود مروج آن است

اقضا کند، شما و قدیمی ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد.»<sup>۱</sup>

آری عملکرد آمریکا و اذنابش، مؤید همین مطلب است، به خصوص در سالهای اخیر که مردم جهان دیدند آنان با نوکرهای خود از قبیل شاه ایران، صدام حسین، معمر قذافی و مرسي و اخوان المسلمين مصر چگونه رفتار کردند [فَاعْتَيْرُوا يَا أُولَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ].

نتیجه گیری از مجموع مطالب این مقاله چند مطلب استفاده می شود:

۱. خدای متعال هرگز راضی نمی شود که مسلمانان در مسائل اساسی اسلام با دشمنان سازش کنند و یا اسرار خود را در اختیار آنان قرار دهند؛

۲. اگرچه ممکن است دشمنان اسلام به صورت ظاهر در مسائل فرعی با ما اختلاف داشته باشند (مثل امروز که در «انرژی هسته ای» و امثال آن اختلاف دارند)؛ اما باید دانست که آنها در باطن با اصل اسلام مخالف اند و اگر بتوانند،

۲. شایسته است مبلغان گرامی، این قبیل مسائل را با استفاده از فرمایشات امام خمینی و رهبر معظم <برای مردم تبیین نمایند

۱. صحیفه امام، سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی ()، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی ()، تهران، ج ۲، ص ۹۳۲).

## اصول و روش‌های مناظره (جدال احسن) (۳) «اصول اخلاقی مناظره»

صواب و تفهیم آن به طرف مقابل باشد -  
نباید مورد غفلت قرار گیرد و هر مناظره گری باید تحمل شنیدن نظرات طرف مقابل را داشته باشد و از تکب ر، خودپسندی ، خشونت، اهانت و رفتار تحریرآمیز و زننده ، ناسراگویی، تمسخر و ادای کلماتی که باعث دشمنی و برانگیخته شدن کینه و انتقام جویی می گردد ، برحذر باشد . طرفین مناظره نباید سخن ی ک دیگر را قطع نمایند و یا صدای خود را بیش از حد معمول بالا ببرند. با توجه به مقتضای این نوشه ، در ذیل به ذکر چند مورد از اصول اخلاقی مناظره با بیان شواهدی از مناظرات معصومین ) می پردازم :

۱. رعایت ادب، احترام و عفت کلام مناظره باید در

**اشاره**  
در شماره های گذشته (مبلغان ۱۹۰۱۸۸) موضوعی تحت عنوان «اصول و روش‌های مناظره» ارائه گردید تا به مباحث پی رامون مناظره (جدال احسن) بپردازد . در بخش اول و دوم این موضوع به مباحثی همچون «مفهوم شناسی»، اهمیت و ضرورت، آثار و فوائد، اقسام، ابزار و اصول کلی» پرداخته شد . اکنون ادامه این مبحث ارائه می گردد .

**مقدمه**

از مسائل بسیار مهم در مناظره، رعایت اصول اخلاقی مربوطه است؛ احترام مقابل، مدارا، سعۀ صدر، صبر و حوصله، نرم خوبی، ملاطفت و در عین حال قاطعیت، صراحة، صداقت توأم با وقار و متانت، فروتنی و ... امری لازم و ضروری است. هدف از مناظره - که همان رسیدن به نظر

استدلال و منطق، سخنان  
زشتی را بر زبان آورند  
تا طرف مقابل را به  
انفعال بکشانند و  
اجازه گفتگویی منطقی و  
مستدل را از آنان سلب  
کنند. این روش کسانی  
است که از علم و تقوای  
بهره نبرد<sup>۵</sup>، سعی می  
کنند با تخریب شخصیت  
طرف مقابل، او را  
منفعل سازند تا در بحث  
و مناظره بر او غلبه  
کنند.

البته که چنین شیوه  
ای از نظر اسلام و قرآن  
ناپسند و مذموم است.  
به همین جهت، مناظرات  
انبیا و اولیای الهی  
بر اساس حفظ اصل ادب و  
احترام بوده است؛  
اگرچه طرف مقابل  
پایبند به این اصل  
نباشد. بنابراین، لازم  
است مناظره گر پیوسته  
از الفاظی محکم و  
منطقی بهره گیرد و از  
به کارگیری الفاظ  
نشایست بپرهیزد.  
«ابن ابی نجران» و  
«صفوان» هر دو نقل  
کرده اند که: «حسین بن  
قیاما، از رؤسای  
واقفیه (و هفت  
امامیها) از ما  
درخواست کرد که اجازه  
بگیریم وی خدمت امام  
رضا (ع) برسد. ما هم  
اجازه گرفتیم. وقتی  
خدمت امام (ع) رسید، بی  
ادبانه گفت: تو امامی؟  
امام فرمود: آری.  
پرسید: به راستی من

چارچوب اخلاق پسندیده  
انجام شود تا به ستیزه  
جویی، ناسزاگویی و  
تکفیر یکدیگر منتهی  
نگردد. باید از عبارات  
رکیک و کنایات اهانت  
آمیز و امثال آن که  
موجب برانگیخته شدن  
انواع حساسیت و کینه  
توزی می گردد، اجتناب  
ورزی د؛ چراکه بیانات  
خلاف ادب و عدم رعایت  
عفت کلام، مناظره را از  
حال صحیح خارج کرده و  
به دشمنی تبدیل می کند.  
اصولاً یکی از مهم  
ترین عوامل جذب اشخاص،  
احترام و تکریم و دوری  
از هرگونه بدآخلاقی و  
بدربانی است. رعایت  
عفت کلام از مشخصه ها و  
ویژگی های رفتاری  
مؤمنان پرهیزگار و  
پیروان راه حق و حقیقت  
است، پس لازم است این  
ویژگی در مناظرات نیز  
رعایت شود؛ چراکه  
هرگونه بی احترامی و  
تمسخری می تواند  
و اکنش های منفی را به  
دنبال داشته باشد و  
اجازة نزدیکی دلها،  
همفکری و همدلی را  
ندهد.

این شیوه اهل باطل  
است که به دروغگویی رو  
آورده، با زبان بد و  
اخلاق زشت به نقد سخنان  
و دیدگاه های دیگران  
می پردازند و به خود  
اجازه می دهند که با  
محتوای باطل، تهمت و  
دروغ و به دور از

خدا را شاهد می گیرم  
که تو امام نیستی .  
حضرت بدون آنکه ناراحت  
شوند ، مدتی طولانی به  
زمین خیره شد ه ، آنگاه  
به او رو کردند و  
فرمودند : چه کسی به تو  
تعلیم داده و گفته است  
که من امام نیستم ؟  
عرض کرد : از امام  
صادق (ع) روایت شده است  
که امام عقیم نیست ؛  
ولی تو به این سن  
(بالا) رسیده ای و هنوز  
فرزندی نداری . حضرت  
باز سر به زیر انداخت  
و بیش تر از قبل به  
زمین خیره شد . آنگاه  
سربرد اشت و فرمود :  
**«إِنِّي أَشْهُدُ اللَّهَ أَنَّهُ لَا يَمْضِي  
الْأَيَامُ وَلَا إِلَيَّ يَرْجُونَ**  
خدا را شاهد می گیرم  
که شب ها و روزهای  
[زیادی] نخواهد گذشت ؛  
مگر آنکه خداوند ،  
فرزندی را روزی من می  
کند .»

«ابن ابی نجران » می  
گوید : از روزی که حضرت  
آن سخن را گفت ، شمردم .  
دیدم کم تر از یکسال  
گذشت که خداوند امام  
جواد (ع) را به حضرت  
عنایت کرد .»  
دققت در این مناظره  
به خوبی نشان می دهد  
که تا چه حد ائم (ع) در  
برخوردها حوصله به خرج

۱- عیون أخبار الرضا ، محمد بن  
علی بن بابویه (شیخ صدوق ) ،  
برگردان : محمد تقی آفانجی ،  
انتشارات علمیه اسلامیه ، تهران ،  
اول ، ج ۲ ، ص ۲۰۹ - ۲۱۰ .

می دادند و هرگز بی  
ادبی طرف مقابل باعث  
نمی شد که آنان نیز  
برخورد تندي کنند .  
۲. بیان نرم و دور از تندي  
پکی از سیره های  
مسلم (معصومین) در خصوص  
مناظره و گفتگو با  
مردم ، رعایت ادب و  
احترام و بیان نرم با  
بود . گفتار نرم با  
مخاطبان از شیوه های  
مشترک و اصول اولیه  
تمامی مبلغان الهی است  
که با مخاطبان خویش ،  
از هر گروه و طبقه ای  
که باشند ، با زبان نرم  
و گفتاری دلپذیر تکلیم  
کنند و از تندخویی و  
سختگیری بپرهیزنند .  
محبت و مهروزی به  
مخاطبان ، در جذب و  
موفقیت تبلیغ دینی  
تأثیر شگرفی می گذارد ؛  
چراکه محبت ، فطرتاً  
مخاطب را به تبعیت و  
دلدادگی می کشاند .  
( انبیا و ائمه )

همواره کرامت ذاتی و  
عزت معنوی انسان را در  
نظر داشته و در  
برخوردها حرمتها را در  
هر شرایطی رعایت می  
کردند ، لذا به جای  
تندخویی و حتی برخورد  
مشابه با آنها ، فقط  
اتهام مطرح شده را نفي  
می کردند . این نحوه  
برخورد ، از تعالیم  
الهی آن بزرگواران بود  
و همواره می فرمودند :  
**[وَ إِذَا مَرُوا بِاللُّغْوِ مَرُوا**

را وادرار به مقابله  
نمی کند . اصولاً قرار  
دادن شخص در حال  
تدافعی موجب می شود تا  
وی از روی عناد از  
همراهی و پذیرش نظر و  
فکر طرف مقابل خودداری  
کند . ازاین رو، مدارا  
و نرمی می تواند شخص  
را از موضع گیری  
مغرضانه به حالت پذیرش  
و تفکر منتقل کند.

«انس بن مالک» گوید:  
پس از رحلت پیامبر  
اکرم (ص) کیک یهودی برای  
تحقیق درباره اسلام به  
مدینه آمد، و از مردم  
خواست که او را به کسی  
که بتواند از عهد  
پاسخ به سؤالهای او  
برآید، راهنمایی کنند.  
مردم «ابوبکر» را به  
او معرفی کردند . آن  
مرد به ابوبکر گفت :

پرسشها ای دارم که جز  
پیامبر یا وصی او  
نمیدانند . ابوبکر گفت :  
هرچه می خواهی ، بپرس .  
آن مرد پرسید:  
آن چیست که خدا  
ندارد؟  
آن چیست که نزد خدا  
نیست؟  
و آن چیست که خدا  
نمیداند؟  
ابوبکر عصبانی شد و  
به وی گفت : این  
سؤالهای مردم بی دین است، و تصمیم به کشتن  
او گرفت . سایر  
مسلمانان حاضر نیز  
کیفر آن مرد را کشتن  
می دانستند . ابن عباس

**کِرَاماً**<sup>۱</sup>؛ «هرگاه به  
عمل لغوی بگذرند ،  
بزرگوارانه از آن  
درگذرند.» و یادآور می  
شدند هنگامی که از سوی  
جا هلان مورد خطاب  
(زشتی ) قرار گیرند ،  
قول سالم و به دور از  
زشتی گویند : **[فَإِذَا  
خَاطَبُهُمْ أَلْجَاهُونَ قَالُوا  
سَلَامًا]**<sup>۲</sup>.

خداآوند متعال به  
حضرت موسی (ع) دستور می  
دهد که با برادرت  
هارون به سوی فرعون  
بروید؛ چراکه او طغيان  
کرده است، سپس به نرمی  
با او سخن بگويند ،  
شاید متذکر شود یا (از  
خد) بتريسد : **[إذْهَا إِلَى  
فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا إِلَهُ  
قُوْلًا لَيْنَا لَعْلَهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ  
يَخْشِي]**<sup>۳</sup> و در آیه دیگری  
می فرماید : **[إِذْهَبْ إِلَى  
فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَلْ  
لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى وَ أَهْدِيَكَ  
إِلَى رَبِّكَ فَتَحْشِي]**<sup>۴</sup>؛ «به  
سوی فرعون برو که  
طغيان کرده است ! و به  
او بگو : آیا می خواهی  
پاکیزه شوی؟ ! و من تو  
را به سوی پروردگار  
هدايت کنم تا از او  
بترسی (و گناه  
نکنی)!».

نخستین فایده این  
گونه سخن گفتن آن است  
که همان بار اول طرف

۱. فرقان / ۷۲ . ۲. هم‌ان / ۶۳ . ۳. طه / ۴۳ - ۴۴ . ۴. نازعات / ۱۷ - ۱۹ .

که آنجا حاضر بود ، گفت : درباره این مرد بی انصافی کردید . ابوبکر گفت : نشنیدی که او چه گفت؟ ابن عباس گفت : اگر می توانید ، جوابش را بدھید ، و گرنه او را نزد علی بن ابی طالب (ع) ببرید تا به او پاسخ دهد ؛ چون من از پیامبر (ص) شنیده ام که می فرمود : خدایا ! دل علی را هدایت کن و زبانش را استوار بدار .

با هم نزد امیرالمؤمنین (ع) رفتند . ابوبکر گفت : یا ابا الحسن ! این یهودی از من مانند زناقه و بی دینها سؤال می کند . امام فرمود : سؤالت چیست ؟ یهودی گفت : من سؤال های دارم که جز پیامبر یا وصی او ، پاسخش را نمی داند . امام فرمود : مسائل خود را مطرح کن ! یهودی همان سؤالها را تکرار کرد . امام پاسخ داد : آنچه خدا نمی داند ، همان چیزی است که شما یهودیها می گویید : عزی ر پسر خداست . خدا نمی داند که فرزند دارد .

و اما آنچه نزد خدا نیست ، ظلم و ستم به بندگان است که نزد او نیست . و اما آنچه خدا ندارد ، همتاست ؛ چرا که او بی همتا است .

یهودی با شنیدن این سخن ، شهادتین را بر

زبان جاری کرد و مسلمان شد و ابوبکر و حاضرین امیرالمؤمنین علی (ع) را از آن پس «کاشف الکرب » لقب دادند .

**۳. رعایت انصاف**  
در مناظره و احتجاج باید طرفین از مرز انصاف و عدالت خارج نشوند و تنها به فکر غلبه و پیروزی از هر راهی نباشند . مناظره کننده باید امکاناتی برای طرف مقابل به وجود آورد تا آنچه در ذهن او فراهم آمده ، به کار گیرد و ایراد کند . ائمه ) سخت بر این مسئله تکیه داشتند و توصیه می کردند که هم طرف مقابل و هم خود از حد انصاف خارج نشوند .  
«عمران صابی» بعد از اینکه امام هشتم (ع) اعلان کرد : هر کس هر پرسشی دارد ، بپرسد ، برخاست و عرض کرد : ای عالم مردم ! اگر شما دعوت به پرسش نکردید بودی ، من اقدام به پرسش نمی کردم . امام فرمود : اگر در بین جمیعت عمران صابی باشد ، تو همانی ؟ عرض کرد : آری ، من همانم . آنگاه حضرت ، یکی از مهم ترین شرایط مناظره را بیان فرمود که : «سل یا غُمراَنْ وَ عَلَيْكَ

ادب کنند . ائمه ) در مناظرات از این ویژگی نیز به خوبی استفاده کرده ، هرگز برخورد نامناسب طرف مقابل باعث نمی شد که آن بزرگواران از مرز حق و اعتدال خارج شوند؛ بلکه با حوصلة تمام و منطق قوی، نه تنها طرف را به تسلیم وا می داشتند؛ بلکه اغلب آنان را هدایت و جذب می کردند . در ذیل به دو نمونه اشاره می کنیم:

۱. سعة صدر پیامبر (ص) در مواجهه با یهودیان روزی جمعی از یهود خدمت پیامبر اکرم (ص) عرض کردند: ما به قرآن اشکالی داریم و برای مناظره آمدہ ایم . حضرت فرمود: اشکالتان چیست؟ گفتند: آیا تو فرستاده خدا هستی؟ فرمود: آری . عرض کردند: در قرآن شما (آی ۹۸ سوره انبیاء) آمدہ است: [إِنَّكُمْ وَ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ]؛ «شما و آنچه (از معبدانی که) جز خدا می پرستید، هیزم دوزخ می باشید .» اشکال ما این است که طبق این عبارت، باید حضرت مسیح (ع) نیز اهل دوزخ باشد؛ زیرا مسیح را نیز عده می پرستند؟ ! آیا نظر شما نیز همین است؟! پیامبر (ص) با کمال آرامش و سعیه صدر فرمودند: قرآن بر طبق

**بالتّصْفَةِ وَ إِيّاكَ وَ الْخَطْلَ وَ الْجُوْرُ ؟** ای عمران ! بپرس و بر تو لازم است که انصاف به خرج دهی و از مغالطه کاری و ستمگری پرهیز کنی .»

«محمد بن عبدالله خراسانی » خادم حضرت رضا (ع) می گوید : یکی از زنادقه در حالی که جماعتی نزد آن حضرت بودند، خدمت امام رسید . امام رو به او نمود و فرمود : اگر فرضاً نظری ۀ شما در رابطه با مبدأ و معاد صحیح باشد - و حال آنکه چنین نیست - آیا قبول داری که در نهایت، ما و شما یکسان هستیم و نمازها و روزهها و زکاتهای ما و اعتراف ما به مبدأ و معاد برای ما زیانی ندارد؟ زنديق که پاسخی نداشت، سکوت اختیار کرد .

امام در ادامه فرمود: اما اگر نظری ۀ ما در رابطه با مبدأ و معاد صحیح باشد ، آیا قبول داری که شما هلاک شده اید و ما نجات یافته ایم؟

۴. حوصله و سعة صدر در مناظرات، ممکن است گاهی خصم از مرز ادب خارج شود . از این رو لازم است با حوصله و سعیه صدر، طرف مقابل را آرام و دعوت به رعایت

پرسید : روایت شده است  
که جبرئیل به حضور  
پیامبر اسلام (ص) رسید و  
عرض کرد : یا محمد !  
خداوند به شما سلام  
می رساند و می فرماید :  
من از ابوبکر راضی  
هستم ، از او بپرس که  
آیا او هم از من راضی  
است؟ نظر شما درباره  
این حدیث چیست؟  
امام با کمال متناسب  
و سعه صدر فرمود : من  
منکر فضیلت ابوبکر  
نیستم؛ ولی کسی که این  
خبر را نقل می کند ،  
باید خبر دیگری را که  
پیامبر اسلام (ص) در حجّه  
الوداع بیان کردند ، از  
نظر دور ندارد که  
فرمود : کسانی که بر من  
دروغ می بندند ،  
جایگاهشان در آتش جهنم  
خواهد بود ، پس چون  
حدیثی از من برای شما  
نقل شد ، آن را به کتاب  
خدا و سنت من عرضه  
کنید ، آنچه را که با  
کتاب خدا و سنت من  
موافق بود ، بگیرید و  
آنچه را که مخالف بود ،  
رها کنید .

سپس امام جواد (ع)  
افزود : این روایت  
(درباره ابوبکر) با  
کتاب خدا سازگار نیست؛  
زیرا خداوند فرموده  
است : [وَلَقْدْ خَلَقْنَا  
الْإِنْسَانَ وَتَعْلَمُ مَا ثُوَسْوُسْ  
بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ  
إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ]؛  
«ما انسان را آفریدیم  
و می دانیم در دلش چه  
چیز می گذرد و ما از رگ

متعارف کلام عرب نازل  
شده است . در کلام عرب  
کلمة «مَنْ» نوعاً برای  
ذوی العقول استعمال  
می شود و کلمة «مَا»  
نوعاً برای غیر ذوی  
العقل (مانند  
حيوانات ، جمادات و  
گیاهان )؛ اما کلمة  
«أَلَذِي» هم برای ذوی  
العقل استعمال می شود  
و هم برای غیر ذوی  
ذوی العقول . در آیة  
مورد اشکال شما ، کلمة  
«مَا» استعمال شده است ،  
بنابراین معبدوانی را  
می گوید که صاحب عقل  
نیستند؛ مثل بتهای که  
از چوب و سنگ و گل  
و ... هستند ، لذا معنی  
ایه چنین می شود :  
جایگاه شما غیر  
خدابستان و معبدها می  
که از بتهای مختلط  
ساخته اید ، همگی در  
دوخ است . آنها قانع  
شده ، پیامبر (ص) را  
تصدیق کردند و رفتند .  
۲. امام جواد (ع) و سعه صدر  
در مناظره

پس از آنکه مأمون ،  
دخترش ام الفضل را به  
امام جواد (ع) تزویج  
کرد ، عده ای به این  
کار مأمون ایراد  
گرفتند و مأمون برای  
اثبات فضل امام  
جواد (ع) مجلس بحثی  
ترتیب داد که «یحیی بن  
اکثم» و گروه بسیاری  
از علماء در آن حضور  
داشتند . یحیی از امام

۱. بحار الانوار ، محمد باقر  
مجلسی ، انتشارات اسلامیه ،  
تهران ، بی تا ، ج ۹ ، ص ۲۸۲ - ۲۸۳

حدیث چه می‌گویید؟ امام فرمود: این روایت نیز محل است درست باشد؛ زیرا بهشتیان هم گی جوانند و در میان آنان پیر یافت نمی‌شود (تا ابوبکر و عمر سرور آنان باشند !)؛ بلکه این روایت را بنی امیه در مقابل حدیثی که از پیامبر اسلام (ص) درباره امام حسن و حسین <sup>ؑ</sup> نقل شده است که فرمود: «حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشتند ..» جعل کردند.

یحییٰ پرسید: روایت شده است که عمر بن خطاب، چراغ اهل بهشت است. امام فرمود: این نیز محل است؛ زیرا در بهشت، فرشتگان مقرّ ب خدا، آدم، محمد و تمام انبیا و فرستادگان خدا حضور دارند، چطور بهشت با نور اینها روشن نمی‌شود؛ ولی با نور عمر روشن می‌گردد؟! یحییٰ اظهار داشت: روایت شده است که عمر هرچه بگوید، از جانب ملّک و فرشته می‌گوید. امام فرمود: من منکر فضیلت عمر نیستم؛ ولی ابوبکر، با آنکه از عمر افضل است، بالای منبر می‌گفت: من شیطانی دارم که مرا منحرف می‌کند، هرگاه دیدید از راه راست منحرف شدم، مرا به راه درست باز آورید.

یحییٰ گفت: روایت شده

گردن به او نزدیک تریم.»

آیا خشنودی و ناخشنودی ابوبکر بر خدا پوشیده بوده است تا آن را از پیامبر (ص) بپرسد؟! آیا عقلاً این روایت قابل قبول است؟ یحییٰ گفت: روایت شده است که ابوبکر و عمر در زمین، مانند جبرئیل و میکائیل در آسمان هستند.

امام فرمود: درباره این حدیث نیز باید دقت شود؛ چراکه جبرئیل و میکائیل دو فرشتة مقرب درگاه خدا هستند و هرگز گناهی از آن دو سر نزدہ است و لحظه ای از دایرة اطاعت خدا خارج نشده اند؛ ولی ابوبکر و عمر زمانی مشرك بوده اند، و هر چند پس از ظهور اسلام مسلمان شدند؛ اما اکثر دوران عمرشان را در شرک و بت پرستی سپری کرده اند. بنابراین، محل است که خدا آن دو را به جبرئیل و میکائیل تشبیه کند.

یحییٰ عرض کرد: همچنین روایت شده است که ابوبکر و عمر دو سرور پیران اهل بهشتند. درباره این

۱. همان.  
۲. علامه امینی (ساخته های «یحییٰ بن عنیسه» شمرده و غیر قابل قبول می‌داند؛ زیرا وی شخصی جاعل حدیث و دغلکار بوده است. (الغدیر، ج ۵، ص ۲۲۹) ذهبي نيز وي را جاعل حدیث و دغلکار و دروغگو می‌داند و آن را معلوم الحال شمرده و احاديثن را مردود معرفی می‌کند. (میزان الاعتدال، تحقیق: علی

مَبْلَغُ الْأَدْعِيَةِ

50

است که پیامبر (ص) فرموده: اگر من به پیامبری مبعوث نمی‌شدم، حتماً عمر مبعوث می‌شده. امام فرمود: کتاب خدا (قرآن) از این حدیث راست‌تر است. خدا در کتابش فرموده است: [وَإِذْ أَخْذَنَا مِنَ النَّبِيِّنَ مِيثَاقُهُمْ وَمِنْكُمْ وَمِنْ نُوحٍ]؛<sup>۱</sup> «به خاطر بیاور هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح..» از این آیه صریحاً بر می‌آید که خداوند از پیامبران پیمان گرفته است. در این صورت چگونه ممکن است پیمان خود را تبدیل کند؟ در ثانی، هیچ یک از پیامبران به قدر چشم بر هم زدن به خدا شرک نورزیده اند، چگونه خدا کسی را به پیامبری مبعوث می‌کند که بیش تر عمر خود را با شر که خدا سپری کرده است؟!

و نیز پیامبر (ص) فرمود: در حالی که آدم بین روح و جسد بود (و هنوز آفریده نشده بود) من پیامبر شدم. یحیی عرض کرد: روایت شده است که پیامبر (ص) فرموده: هیچ گاه وحی از من قطع نشد؛ مگر آنکه گمان بردم که به

خاندان خطاب (پدر عمر) نازل شده است؛ یعنی نبوت از من به آنها منتقل شده است. امام فرمود: این نیز محال است؛ زیرا امکان ندارد که پیامبر در نبوت خود شک کند. خداوند می‌فرماید: [الله يَضْطَفُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَ مِنَ النَّاسِ]<sup>۲</sup>؛ «خداوند از فرشتگان و همچنین از انسانها رسولانی بر می‌گزیند.» یحیی پرسید: روایت شده است که پیامبر (ص) فرموده: اگر عذاب نازل می‌شد، کسی جز عمر از آن نجات نمی‌یافت. امام فرمود: این نیز محال است؛ زیرا خداوند به پیامبر اسلام (ص) فرموده است: [وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّيْهِمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّ بَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ]<sup>۳</sup>؛ «و مadam که تو در میان آنان هستی، خداوند آنان را عذاب نمی‌کند و نیز مadam که استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند.» بدین ترتیب تا زمانی که پیامبر (ص) در میان مردم است و تا زمانی که مسلمانان استغفار می‌کنند، خداوند آنان را عذاب نمی‌کند.<sup>۴</sup>

۳. حج / ۷۵

۴. اتفاق / ۳۳

۵. الاحتجاج على أهل اللجاج، احمد بن علي طبرسي، ب رگردان: احمد غفاری، نشر مرتضوی، تهران، اول، بی تا، ج ۴، ص ۵۰

۱. علامه امینی ثابت کرده است که راویان این حدیث دروغگو بوده‌اند. (العدیر، ج ۵، ص ۳۱۶-۳۱۲). ۲. احزاب / ۷

بدترین مرگها می میرد  
و (پس از مرگ) آرزو می  
کند (به دنیا) بازگشته  
و کار خوب انجام دهد.<sup>۳</sup>  
۶. دوری از کینه ورزی و  
**انتقام جویی**

باید در برابر بدیه  
و کینه توزیها مقابله  
ب ه مثل نکرد؛ بلکه  
طریق محبت و رافت و  
گذشت را پیش گرفت؛  
زیرا اساساً مناظره بر  
پایة منطق، خیرخواهی و  
هدایت است، لذا خدای  
متعال خطاب به پیامبر  
اکرم (ص) می فرماید:  
کار واقعی و مسلم تو  
هدایت مردم ب ه راه  
راست است: [وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي  
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ]<sup>۴</sup> هدایت  
به راه راست با انتقام  
جو یی و کینه ورزی  
امکان پذیر نیست.  
بنابر این، در اینگونه  
موارد باید مقابله به  
مثل کرد؛ چراکه محبت و  
گذشت تأثیر فوق العاده  
ای در نرم کردن قلب  
دشمنان لجوج دارد  
چنانکه قرآن مجید می

این روایت نشان می  
دهد که امام چقدر در  
مقابل باطل گوییهای  
مخالفین سعة صدر  
داشتند و چگونه با کلام  
منطقی و به دور از بی  
ادبی طرف مقابل را  
محکوم می کردند.  
۵. دوری از عیب جویی و مج  
گیری

عیب جویی، مج گیری و  
تجسس در عیوب و زشتی  
های افراد، یکی از  
آفات مناظره است. گاهی  
مناظره کننده با تحقیق  
و کنجکاوی در احوالات  
درونی و زندگی شخصی  
اشخاص، در صدد مج گیری  
و یافتن لغزشها، عیوب  
و نواقص طرف مقابل می  
باشد تا از آن به  
عنوان حربه ای برای  
تحکیم سخنان خویش و  
دستاویزی برای کوبیدن  
طرف مقابل استفاده  
نمایند، تا احیاناً  
کمبود و نقایص خود را  
بدین وسیله جبران  
سازند.

خداآوند این قبیل  
افکار و رفتار ناستوده  
را نهی کرده و فرموده  
است: [وَيُلْبِلُ لِكُلِّ هُمَزةٍ  
لُمَزةٌ]<sup>۱</sup>، [وَ لَا تجسسوَا]<sup>۲</sup>  
امام صادق (ع) نیز  
فرمودند: انسانی نیست  
که از مؤمنی عیب جویی  
کن د و آبروی او را  
ببرد؛ مگر اینکه با

۱. همزه / ا: «وای بر هر عیبجوی  
سخنچین و غبیتکن.»  
۲. حجرات / ۱۷.

۳. ثواب الاعمال، شیخ صدوق،  
برگردان: ابراهیم محدث  
بندرریکی، انتشارات اخلاق، قم،  
۱۳۷۹ش، ص ۵۱۵.  
۴. خداوند متعال می فرماید: [إذْعَ  
إِلَيْكَ سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ  
إِنْ رَبِّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا  
عَنِ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَغْلَمُ بِالْمَهْتَدِينَ]  
«با حکمت و اندرز نیکو به راه  
پروردگارت دعوت نمای! و با آنها  
به روشی که نیکوتر است، استدلال  
و مناظره کن! پروردگارت از هر  
کسی بهتر می داند چه کسی از راه  
او گمراه شده است، و او به  
هدایت یافتگان داناتر است.»  
نحل / ۱۲۵. شوری / ۵۲.



مِنْ كَلْبَنَ

52

فَرِمَاد : [وَ لَا تَسْتَوِي  
الْجَسْنَةُ وَ لَا السَّنَةُ اذْفَعَ  
بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا  
الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ  
كَانَهُ وَلِيٌ حَمِيمٌ]؛ «هرگز  
نیکی و بدی یکسان  
نیست. بدی را با نیکی  
دفع کن، آنگاه (خواهی  
دید) همان کس که میان  
تو و او دشمنی است،  
گویی دوستی گرم و  
صمیمی است!»

۷. دوری از ایجاد لجاجت  
در مناظره باید از  
هر چیزی که حس لجاجت  
طرف مقابل را برミ  
انگیزد، خودداری نمود.  
قرآن مجید می فرماید :  
[وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَذْعُونَ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ... فَيَسْبُوا اللَّهَ]؛  
«معبودهای را که غیر  
از خدام می خوانند ،  
ناسرا و دشنا نگویید ،  
مبادا آنها (از روی  
دنده لجاجت) به خداوند  
اهانت کنند.»

در تاریخ آمده است :  
شانزده ماه پس از  
هجرت، در نیمه ربیع  
پیامبر اکرم (ص) در  
مسجد «بني سلمه» واقع  
دری ک کیلومتری شمال  
مسجد احزاب با جمعی از  
مسلمین نماز ظهر را  
اقامه می کردند، پس از  
دو رکعت، جبرئیل آیه  
شریفة : [قَدْ تَرَى تَقْلِبَ

وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ  
فَلَنُولَّيْنَكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا

فَوْلُ وَجْهَكَ شَطَرَ الْمَسْجِدِ  
الْخَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ  
فَوَلُوا وُجُوهَكُمْ شَطَرَهُ [۳] را  
نازل کرد. حضرت در حال  
نماز به طرف کعبه  
برگشت و دو رکعت بعد  
را به طرف کعبه خواند.  
اقتداین دگان نیز  
متابعت کردند، و آن  
مسجد به نام «ذو  
قبلتین» معروف گردید.  
پس از این ماجرا،  
این بار یهودیان از هر  
سو به این قانون تغییر  
قبله اعتراض کردند، و  
از این جهت بر ضد اسلام  
به تبلیغ پرداختند. در  
این شرایط، میان آنها  
و پیامبر (ص) توافق شد  
که این مسئله دری ک  
جلسه بحث آزاد مطرح  
گردد.

جمعی از یهود در آن  
جلسه شرکت کردند و پس  
از برقراری جلسه، نخست  
یهودیان سخن خود را  
آغاز کرده و به صورت  
سؤال چنین گفتند : شما  
بیش از یک سال است به  
مدینه آمده اید و به  
سمت بیت المقدس، نماز  
می خواندید؛ ولی اکنون  
از آن منحرف شده و به  
سمت کعبه نماز  
می خوانید . لطفاً

۳. «نگاههای انتظار آمیز تو را  
نهایی) می بینیم! اکنون تو را  
به سوی قبله ای که از آن خشنود  
باشی باز می گردانیم، پس روی  
خود را به سوی مسجد آنحرآم کن!  
و هر جا باشید، روی خود را به  
سوی آن بگردانید.» بقره / ۱۴۲ .

کرده ای؟! حضرت فرمود: «بَدَاء» (به این معنی که مَدَ نظر شماست) از برای خدا نیست؛ زیرا خدا آگاه و قادر مطلق است و خطای از او سر نمی‌زند که بعد پشیمان گردد و تجدید نظر کند، و هیچ چیزی مانع سر راه او نیست، تا به خا طر آن، وقتها را تبدیل نماید. من از شما می‌پرسم: آیا انسان بیمار، سالم یا انسان سالم رنجور و بیمار نمی‌گردد؟ و یا زنده، نمی‌میرد؟ و زمستان، تابستان نمی‌شود؟ آیا خداوند که این گونه امور را تبدیل به امور دیگر می‌کند، برایش «بَدَاء» حاصل می‌شود؟! جمعیت یهود عرض کردند: نه، در این امور بَداء نیست.

پیامبر (ص) فرمود: تغییر قبله نیز از همین قبیل است؛ خداوند در هر زمان برحسب مصالح بندگان، دستور خاصی دارد. هر کس اطاعت کند، پاداش می‌برد؛ و گرنّه مجازات خواهد شد؛ زیرا نباید با صلاح و تدبیر خدا مخالفت کرد.<sup>۳</sup> چنانچه ملاحظه شد،

بفرمایید نمازها ی که به سوی بیت المقدس می‌خواندید، درست بوده یا باطل؟ اگر درست بود، قهرأ عمل دوم شما باطل است و اگر باطل بود، ما چگونه به اعمال دیگر شما (که در حال تغییر است) اطمینان پیدا کنیم (که همچون قبلة فعلی شما، باطل نباشد)؟! پیامبر (ص) فرمود: هر دو قبله، هر کدام در جای خود درست و حق بوده است. در این چند ماه، نماز خواندن به سمت بیت المقدس حق بود. اینک ما از طرف خدا مأمور شدیم که خانة کعبه را قبلة خود قرار دهیم **[وَاللهُ الْمَشِيرُ وَالْمَعْرُبُ فِي أَيْنَمَا ثَوَّلَ وَفَتَّمَ وَجْهُ اللهِ إِنَّ اللهَ وَاسِعٌ عَلِيهِمْ]**<sup>۱</sup>: «شرق و غرب، از آن خدادست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی‌نیاز و داناست.» جمعیت یهود پرسیدند: ای محمد! آیا برای خدا «بَداء» حاصل شد<sup>۲</sup> و بر این اساس، قبلة جدید معین کرد؟ اگر چنین بگویی، خدا را همچون یک انسان نادان و پشیمان شده فرض

۱. بقره / ۱۱۵.

۲. یعنی موضوعی برای او در سابق مخفی بود و آکنون آشکار شد، و از دستور قبل پشیمان شده و دستور دیگری داد.

پیامبر اکرم (ص) با شیوه بیان نرم و به دور از هرگونه تنش و تحریک لجاجت یهودیان، پاسخهای مناسب و قابل توجهی را در برابر سؤالات یهودیان تبیین کردند و آنان را قانع ساختند.

**۸. تحریک عواطف و بیداری وجودان و فطرة**

انبیا و اولیای الهی به تناسب شرایط و مخاطبان گوناگون، با استدلالهای عقلی و بیان عاطفی، برای تأثیرگذاری و اقناع آنها بهره جسته اند. قرآن در روش عاطفی، مطالب استدلالی و برهانی را با لطافت خاصی مطرح می نماید و عواطف انسانی را تحریک می کند، به طوری که در انسان تغییرات ریشه ای و عمیق ایجاد می نماید. با نگاهی به مناظره های پیشو ایان دین و نوع کلمات و عبارات به کار رفته توسط آنها، روشن می گردد که در کنار هدف قرار دادن عقل و اندیشه مخاطبان، دل، وجودان و فطرت آنان نیز مورد توجه و خطاب واقع می شده است.

حضرت ابراهیم (ع) پس از ارائه پرسشی تکان دهنده که در آن عقل و اندیشه افراد را مورد

خطاب قرار داده است، می فرماید: [أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ؟]<sup>۱</sup> «آیا در آنچه که می پرستید، تأمل کرده اید؟» سپس می پرسد: [أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَ لَا يَفْرُكُمْ؟]<sup>۲</sup> «(ابراهیم گفت) آیا جز خدا چیزی را می پرستید که نه کم ترین سودی برای شما دارد، ونه زیانی به شما می رساند؟» [أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟]<sup>۳</sup> «آیا اندیشه نمی کنید (و عقل ندارید)؟!»

۹. پرهیز از نینگ و دروغ از آفات مناظره، کراحت از نپذیرفتن حق، کراحت از آن و حرص و تمایل شدید به مبارزه با آن از طریق جدال غیر احسن و ستیزه است . در این صورت، با توسل به دروغ و نیرنگ به منظور انکار حق، می کوشد در مناظره حق را پایمال سازد و برای اظهار فضل و خرده گیری از خصم، نسبت به هر سخنی اعتراض کند؛ گرچه آن حرف حق باشد.

اگر مباحثه و جدال صرفاً برای غلبه و اسکات خصم باشد ، نه تنها موجب نیل به اهداف مقدس نخواهد شد :

۱. شعراء / ۷۶.  
۲. انبیاء / ۶۶.  
۳. هم آن / ۶۷.

راه نجاتی نداری ، پس باید اجر و پاداشت را از کسی مطالبه کنی که به خاطر او عمل می کردی.»

امیر المؤمنین (ع) می فرماید : «لَاثْ غَلَامَاتٍ لِّمُرْأَيٍ يَنْشُطُ أَذَا رَأَى النَّاسَ وَ يَكْسُلُ أَذَا كَانَ وَحْدَةً وَ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ أَمْوَارِهِ ؟» ریاکار سه مشخصه و نشانه دارد: آنگاه که مردم را می بینند (برای عبادت) با نشاط می گردد؛ ولی هنگامی که تنهاست، کسل و بی حال است. و دوست دارد مردم او را در تمام کارهایش بستایند.»

هدف ریاکار و کسی که اهل تظاهر و فضل فروشی باشد، جز غلبه و اسکات خصم برای کسب شهرت و شخصیت اجتماعی نیست و با چنین روحیه ای نمی توان در دلها نفوذ کرد و حق را به پیروزی رساند؛ زیرا شهرت طلبی، کسب موقعیت اجتماعی و ریاکاری برای همیشه مخفی نمی ماند؛ بلکه از فحوای کلام ، رفتار و لحن او کاملاً معلوم می گردد و حتی باعث فساد روح و اخلاق می شود و در نتیجه مناظره به هدفهای صحیح و نتایج مطلوب نمی رسد.

۳. بخار الانوار، مجلسی، ج ۶۹، ص ۳۰۳، باب ۱۱۶.  
۴. ر.ک: منیة المرید، صص ۵۱۴ -

بلکه باعث ظهور و بروز مفاسد و زشتیهای اخلاقی می شود . نیرنگ و دروغ بر دیگران، سرچشمۀ بسیاری از پلیدی های اخلاقی است ، لذا نباید از این شیوه در مناظره استفاده کرد.»

#### ۱۰. پرهیز از تظاهر و ریاکاری

یکی دیگر از آفات منا ظره، ریا و تظاهر نسبت به مردم و سعی و تلاش برای به دست آوردن دل آنان و جلب توجه آنها به خود به هر قیمتی می باشد تا به این وسیله ر ای و نظر او را تأیید کنند و او را در مناظره یاری نمایند.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید : «إِنَّ الْمُرْأَيِ يُنَادَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا فَاجِرُ يَا غَادِرُ يَا مُرَأَيِ صَلَّى عَمَّلُكَ وَ حَبَطَ أَجْرُكَ اذْهَبْ فَخُذْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ ؟» (در روز قیامت) شخص ریاکار با چهار اسم خوانده می شود : ای کافر ! ای گناهکار ! ای فریبکار متناظر ! و ای زیانکار ! عمل و رفتار تو نا بود شد و اجر و پاداش تو تباہ گشت . امروز هیچ

۱. ر.ک: منیة المرید في آداب المفید و المستفید، شهید ثانی، برگردان : سید محمدیاقر حاجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، شانزدهم، ۱۳۷۴ش، ص ۵۱۱.

۲. مجموعه ورام بن أبي فاخته (تنبیه الخواطر)، ورام بن أبي فاخته، بنیاد پژوهشی اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۱۸۷.

۱۱. دوری از خشم و غصب  
گاهی مناظره کننده  
نمی تواند خود را از  
تیررس خشم و غصب دور  
نگهداشد، به ویژه اگر  
به سخن او ایراد و  
اشکال وارد نمایند، و  
گفتار او را رد کند  
یا استدلال او در مقابل  
مردم غیر قابل قبول  
تلقی گردد. این خشم و  
غصب گاهی به حق و گاهی  
نادرست و نارواست، لذا  
تنها راه موقیت،  
صبوری، تسلط بر اعصاب  
و حفظ آرامش و نرمی  
است؛ چراکه پایه  
مناظره بر اساس  
خیرخواهی و هدایت است  
و گفتار نرم از قلب  
رئوف برمی خیزد و اصولاً  
محبت دلها را نرم و  
برای پذیرش حق آماده  
می سازد. اقتضای موعظة  
حسن و مجادله احسن  
همین است؛ و گرنه  
مناظره دچار آفت می  
شود. حقد، کینه، حسد،  
ناسزا، سخنان ناروا و  
زشت از قبیل دروغ،  
غیبت و... که تمام این  
امور نکوهیده و ناپسند  
از نتایج و آثار سوء  
خشم و غصب می باشند،  
درجه و پایه دین و  
ایمان انسان را به  
انحطاط و سقوط می  
کشاند.

۱. اشاره به: طه / ۴۴ .۵۱۵  
۲. ر.ک: منیة المرید، صص ۵۱۶ - ۵۲۱

۱۲. پرهیز از سخنان ناروا  
به زبان آوردن سخنان  
ناروا و زشت از نتایج  
مناظره نادرست می  
باشد؛ زیرا مناظره  
درست، از نقل سخنی که  
به منظور نکوهش و  
توهین به طرف مقابل  
است، عاری می باشد.  
بنابراین ، مناظره  
کننده ناگزیر دچار  
غیبی خواهد شد که  
خداآوند آن را به «اکل  
میته» و «خوردن گوشت  
برادر مرد» «تشبیه  
نموده است.  
گاهی مناظره کننده  
سخنان طرف مقابل را  
تحریف کرده و در نتیجه  
مرتکب دروغ و افتراء می  
گردد و گاهی نیز نمی  
تواند زبانش را حفظ  
کند و آشکا را به او  
نسبت حماقت، جهالت،  
نادانی و کج فهمی می  
دهد ، در نتیجه این  
اعمال فرد آبرومند را  
بی آبرو ساخته ، حرمت  
او را از بین می برد.  
۱۳. تکبّر و خود بزرگ بینی  
تکبّر و خودبتری بینی  
از دیگر آفات مناظره  
می باشد. امام صادق (ع)  
می فرمایند: «مَنْ تَوَاضَعَ  
اللَّهُ رَفِعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ  
خَفَضَهُ اللَّهُ»؛ هر کس تواضع و  
فروتی پیشه س ازد،  
خداآوند او را بالا می  
برد و هر کس تکبّر  
ورزد، خداوند او را

۳. همان، ص ۵۳۱ .۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲، باب  
تواضع، ح ۳.

فروود می آورد.»  
 ممکن است بحث و  
 مناظره با تکبر و  
 اظهار برتری نسبت به  
 دیگران همراه باشد.  
 هرگاه مناظره در محفلی  
 صورت پذیرد، انسان سعی  
 دارد زیر بار سخن حق  
 دیگران نرود و سعی  
 دارد آرا و نظرات آنها  
 را نپذیرد، ولو اینکه  
 حقانیت سخن بر مناظره  
 کننده کاملاً ثابت و  
 روشن گردد؛ زیرا بیم  
 غلبه و پیروزی آنان بر  
 خود را دارد و حتی اگر  
 اشتباه او کاملاً محرز و  
 آشکار باشد نیز حاضر  
 نیست به این اشتباه  
 خویش اعتراف نماید.  
 ای چنین روحیه  
 نمایانگر همان صفت  
 رذیله ای است که  
 پیامبر اکرم (ص) در  
 نکوهش آن فرموده است:  
**«لَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي**  
**الْكَبْرِ؛<sup>۱</sup>** اگر به مقدار  
 ذرّه ای کبر و غرور در  
 قلب کسی باشد، **بِهِ بَهْشَتٍ**  
 وارد نمی شود.<sup>۲</sup>»

ادامه دارد...

## طرحی برای تربیت فرزندان

محمدجواد محمد یاران

و جریان انتخاب ایشان  
به پیامبری را بیان  
می‌کند و با طرح سؤال  
خط اب به پیامبر  
اعظم (ص)، حس کنگا وی  
ایشان را بر انگیخته و  
می‌فرماید: [وَ هُلْ أَتَكَ  
حَدِيثَ مُوسَىٰ؟] «وَ [اَيْ  
رَسُولٍ مَا !] آیا خبر  
موسى (ع) به تو رسیده  
است؟» که بلافاصله در  
آیات بعد نحوه ارتباط  
حضرت موسی (ع) و خداوند  
و گفتگوی آن دو را  
بیان می‌دارد. جالب  
اینکه پیا مبر (ص) از  
همین روش در اولین  
دعوت علی خود بهره  
می‌برد و ابتدا کنگا وی  
شدید قریشیان را تحریک  
کرده، سپس آنان را به  
یکتاپرستی دعوت می‌کند.  
این سبک یکی از  
کارآمدترین روشها در  
عرصه «تبليغ دين» است  
که باید در راه حل  
مشکلات جامعه از آن  
بهره لازم را برد.  
اصلی‌ترین مشکل امروز  
کشور ما، تهدید کیان

شخصی را تصور کنید  
که وارد اتاقی می‌شود و  
به چند نفری که انجا  
حضور دارند سلام کرده،  
می‌گوید: توجه! توجه!  
می‌خواهم خبر مهمی به  
شما بدهم که خوشحال  
شوبد.

این شخص با این کار  
توجه همگان را به خود  
جلب نموده، همگی منتظر  
شنیدن آن خبر مهم  
خواهند بود. حال اگر  
شنونده احساس کند خبری  
که خواهد شنید حاکی از  
رسیدن سودی کلان به وی  
است، قطعاً به شنیدن آن  
علاقة بیش تری خواهد  
داشت، مخصوصاً اگر  
گوینده خبر را فرد  
صادق و دلسوزی بداند و  
سابقة او نیز نشان  
دهنده بیان کلمات  
بیهوده نباشد.

این نوع خبررسانی در  
اسلام فراوان به چشم  
می‌خورد و در قرآن کریم  
مواردی وجود دارد که  
از باب نمونه به یک  
مورد اشاره می‌شود:  
در سوره طه گفتگوی  
خداوند و حضرت موسی (ع)

خانواده مورد بحث قرار گرفته است، به طوری که در آیات فراوانی از قرآن کریم و منابع روایی، انبوهی از دستورات به چشم می‌خورد که محور آنها خانواده است.

در این باره از محققان خوش سلیقه و باسواند نیز کتابهای فراوانی به رشتة تحریر درآمده است که امروزه در دسترس همگان قرار دارد. همچنین سخنرانیهای تأثیرگذاری در مراکز فرهنگی، سایتها و فرشگاه‌ها وجود دارد که می‌تواند گره‌های زیادی را از زندگی افرد باز کند؛ اما برقراری ارتباط بین مردم و این اطلاعات کاربردی، کار هنرمندانه ای را می‌طلبد.

### تبیین طرح

در این طرح مبلغ گرامی در قالب فرزندی فرضی سئولاتی از حاضرین که در نقش والدین فرضی هستند، می‌پرسد تا قبل از مواجهه آنها با سئولات فرزندان خود، پاسخ آن سئولات را داشته باشند. بدین گونه که ابتدا جلسه ای با حضور پنجاه تا صد نفر (تقریباً به اندازه حاضرین در نماز جماعت) برگزار می‌گردد و هدف از طرح توضیح داده می‌شود. افراد حاضر بر اساس سن فرزندان خود شده و هر گروه تقسیم بندی در سه گروه تقریباً نماینده

خانواده به خاطر گسترش تکنولوژی و بهره ناصحیح از این وسائل است؛ زیرا اینترنت، ماهواره، موبایل، سینما، رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌های جمعی تأثیرگذار، خواسته یا ناخواسته در خدمت اهداف نامشروع استعمالگران قرار گرفته اند و صاحب ان قدرت و ثروت در غرب برای رسیدن به سود بیشتر، تمام ارزشها و معنویات را قربانی اهداف خود کرده‌اند. یکی از مهم ترین ارزشها، حفظ نهاد خانواده است که در غرب به شدت آسیب دیده و در ایران نیز این آسیبها کم و بیش رخ نمایانده است. افزایش آمار طلاق قطعی، آمار بالای طلاق عاطفی، شکاف بین والدین و فرزندان و در نتیجه گسترش بزرگ سطح خانواده‌ها، نشان از این آسیبها دارد که به خاطر کمبود اطلاعات اعضا خانواده و جدی نگرفتن مطالعه و انواع ارتباطات مجازی، بی‌فاایده و گاه خطرناک، مثل: فیس بوک، واتس آپ و ... روز به روز این آسی ب گسترش یافته، شکاف عمیق‌تر می‌شود، در حالی که اسلام به طور مؤکدی به موضوع خانواده پرداخته و به جرأت می‌توان گفت که کمتر موضوعی در اسلام به اندازه حفظ نظام

و سؤالاتی درباره درس خواندن در دانشگاه، نگرانی شغلی، ملاکهای انتخاب همسر و ... پرسیده شود. پس از آتمام این پرسش و پاسخها و برگشتن سه پدر نام بردۀ به سر جای خود، امام جماعت درباره سؤالات فرزندان برای افراد حاضر صحبت کند و از والدین پاسخ آنها را بپرسد که آیا میتوانند فرزندان خود را قانع کنند یا نه؟ و آیا دانستن پاسخ سؤالات مفید است یا مضر؟ و واکنش شم ا و همسرتان در مقابل چنین سؤالاتی چیست؟ در آخر خود امام جماعت به سؤالات طرح شده پاسخ دهد و کتابهایی را که برای مطالعة پدر و مادرها درباره این گروه های سنی معرفی کرده، توصیه کند که اگر وقت و حوصلة مطالعه ندارید، حداقل سخنرانی اساتید فن را که در این باره به زیبایی بحث کرده اند، گوش کنید و در زندگی آن مطالب را پیاده نمایید. ضمن اینکه امام جماعت با بخش فرهنگی مسجد و حسینیه هماهنگ کند که سخنرانیهای لازم را تهیه نموده و در معرض دید نمازگزاران بگذارد.

مجموع این طرح در تحریک حس کنجکاوی والدین تأثیر به سزایی میگذارد.

ای معرفی می کند تا با امام جماعت سؤالها و جوابهایی داشته باشد؛ البته امام جماعت باید پیشینی کند که گاهی افراد از داوطلب شدن خودداری می کنند، لذا از قبل با افرادی که صمیمی تر است، طرح را در میان گذاشته، آنان را جهت داوطلب شدن راضی نماید.

پس از مشخص شدن داوطلبان، نماینده گروهی که فرزند خردسال دارند، دعوت می شود تا گفتگویی پدر و فرزندی شبیه سازی شود. امام جماعت خود را به جای یک کودک خردسال قرار داده، از پدر سؤالات مختلف و پراکنده ای می پرسد و از او می خواهد به سؤالات وی پاسخهای قانع کننده ای بدهد. نوع سؤالاتی که امام

جماعت (همان کودک فرضی) باید بپرسد، از قبیل خدا کجاست؟ خورشید شبها کجا می رود؟ بچه ها چطور به دنیا می آیند؟ و ... است. پس از چند سؤال و جواب، نماینده گروه بعدی که دارای فرزند نوجوان در آستانه بلوغ هستند، دعوت شده، امام جماعت سؤالاتی درباره بلوغ، روایط زن و شوهر، وضعیت شغلی آینده، چرایی داشتن زندگی و ثروت متوسط و اینکه چرا ما پولدار نیستیم و ... می پرسد و در آخر از نماینده گروه سوم دعوت می شود

## فواید و پیشنهادات طرح

این طرح دارای فوایدی است که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

### ۱. مهمترین فایده

طرح فوق، گذاشتن یک آینه فرضی روبروی فکر افراد است که داشته‌های علمی و تربیتی خود را در معرض امتحان قرار دهند. تا ببینند حال که خداوند فرزندی را ب ۵ عنوان هدیه در اختیار آنان قرار داده است، آیا می‌توانند فرزندانی موفق را به جامعه تحويل دهند؟

### ۲. بی نظمی و همه‌مه

کردن حاضرین، یکی از مشکلات برخی از مجالس سخنرانی است! طرح فوق حس کنجکاوی جمع را تحریک می‌کند و چون حاضران می‌خواهند به سوالات طرح شده توسط امام جماعت پاسخ دهند و پاسخهای او را نیز بشنوند و آنها را با یکدیگر مقایسه کنند، از بی نظمی و همه‌مه کردن پرهیز می‌کنند.

### ۳. عده زیادی از دختران و پسران جوان

تصور می‌کنند که ازدواج، همسرداری و تربیت فرزند کار آسانی است، لذا برای افزایش اطلاعات خود تلاش نمی‌کنند. این طرح آنان را به صورت مصنوعی در مقام یک پدر یا مادر قرار داده، آنان را محور محک جدی قرار می‌دهد؛ یعنی آنها را قبل از ورود به زندگی

مشترک، در بوتة آزمایش قرار می‌دهد.

۴. با توجه به کم شدن سرانه مطالعه کتاب در میان مردم و ارزان بودن سی دی‌های سخنرانی، پیشنهاد می‌شود روحانی محل تدبیری بیندیشد تا مسئولین فرهنگی مسجد سی دی‌های سخنرانی سخنرانان برجسته در امور تربیتی را تهیه کرده، ضمن اطلاع رسانی، در اختیار مقاضیان قرار دهند و نیز با بیان روایاتی مبنی بر ثواب شنیدن خردمندانه، مؤمنین را به تهیه سی دی‌ها تشویق کند و اگر امکانات فراهم بود، از محتوای مطالب، مسابقه عمومی طراحی کند و جوایزی نیز به پاسخ دهنده‌گان برتر اهدا نماید؛ در نتیجه بخش زیادی از محتوای دینی را به مخاطب انتقال داده که یکی از فواید اجرای طرح است.

۵. برخی از رانندگان داخل ماشین شخصی خود فلش یا سی دی موسیقی دارند و ضمن رانندگی به این موسیقی ها گوش فرا می‌دهند. همچنین برخی جوانان داخل گوشیهای تلفن همراه خود، انواع موسیقی‌های مخرب، تصاویر مبتذل، و... نگهداری می‌کنند. کم ترین کار یک مبلغ در مواجهه با این موضوع بیان این مسئله و رد آن است که به تنها یک اثیر نهایی و

۱۰. تجربه نشان داده  
است، در صورتی که سخنرانی یک طرفه باشد:  
یعنی امام جماعت گوینده مخصوصاً  
شوندۀ محفوظ و پامنبری  
اثربخشی بالایی ندارد.

۱۱. سخنرانی در سیرة  
چهارده مخصوصاً همراه با  
ارتباط کلامی زیاد دیده  
می‌شود. خطبة شعبانیه و  
سؤال هدفمند امام

۱۲. علی (ع) و پاسخ رسول  
گرامی اسلام (ص) از آن  
جمله است.

۱۳. ۸. اصلی ترین ویژگی  
دین مبین اسلام،  
پاسخگویی به تمامی

غائی را نمی گذارد ! و  
حال که پیشنهاد  
جاپنگزین کردن  
سخنرانیهای مفید در  
داخل ماشین و گوشیهای  
تلفن همراه و  
استدلالهای منطقی مبنی  
بر نیاز به گوش دادن  
به این سخنرانیها، کم  
کم تأثیرات خوبی خواهد  
گذاشت.

۹. پیشنهاد می شود  
روحانی محل حق اعضای  
بدن از جمله چشم، گوش،  
دست و زبان را در بین  
سخنرانیهای عمومی خود  
بیان کند و عبادت و  
گناه هر یک از این  
اعضا را با زبان  
روایات تبیین نماید و  
اینکه شنیدن این نوع  
سخنرانیها عبادت گوش  
است و در سیرة رسول  
مکرم اسلام (ص) و ائمه (ع)  
درباره ارزش شنیدن  
موقعه از مسلمانان  
روایات زیادی به چشم  
می خورد.

۱۰. تجربه نشان داده  
است، در صورتی که سخنرانی یک طرفه باشد:  
یعنی امام جماعت گوینده  
شوندۀ محفوظ و پامنبری  
اثربخشی بالایی ندارد.  
سخنرانی در سیرة  
چهارده مخصوصاً همراه با  
ارتباط کلامی زیاد دیده  
می‌شود. خطبة شعبانیه و  
سؤال هدفمند امام  
علی (ع) و پاسخ رسول  
گرامی اسلام (ص) از آن

پاسگاه رفته، درخواست  
طلاق می‌کنند. تمام این  
و اکنشها به خاطر  
ندانستن روش زندگی و  
نداشتن مشاور در زندگی  
است. این طرح روحانی  
 محل را به عنوان  
 مشاوری آگاه و امین در  
 بین خانواده‌ها معرفی  
 می‌کند.

۱۱. بالا رفتن سن  
 ازدواج، مهریه های  
 سنگین و عجیب، نشان از  
 بدبینی شدید دختران و  
 پسران نسبت به یکدیگر  
 و زندگی آینده است،  
 حتی برخی ترجیح می‌دهند  
 اصلاً ازدواج نکنند تا  
 دچار دردسرهای بعدی  
 نشوند، و این با  
 آموزه‌های دین ما  
 سازگار نیست. نگارنده  
 از جوانی سی ساله علت  
 تجردش را پرسید . . وی  
 پاسخ داد: ازدواج برای  
 من کابوس است . وقتی  
 علت را پرسیدم، گفت:  
 چون از هر دو نفر از  
 دوستانم که ازدواج  
 کرده‌اند، یک نفر کارش  
 به طلاق انجامیده است.  
 پرسیدم: آیا قصد  
 ازدواج داری؟ پاسخ  
 داد: در سن سی و پنج  
 سال به بالا ازدواج  
 خواهم کرد. مانند چنین  
 جوانی در جامعه به  
 وفور یافت می‌شود که  
 نشان از جاھلیّت مدرن  
 دارد. جوانان تحصیل  
 کرده در رشته‌های مختلف  
 علوم دانشگاهی در کشور  
 ما، کم ترین اطلاعی از  
 آموزه‌های دین درباره  
 مسائل ازدواج، زناشویی  
 و تربیت ندارند.

بنابراین، پیشنهاد  
 می‌شود از پسران مجرد و  
 به ویژه دانشجو،  
 درخواست شود داومطلب  
 شوند و درباره ازدواج،  
 ملاکهای انتخاب همسر،  
 واکنش آنان درباره  
 اختلافات احتمالی و  
 سؤالاتی از وی پرسیده  
 شود و سپس کتابها و  
 سخنرانیهای مرتبط با  
 آنان را معرفی و نسبت  
 به تهیه آنها تشویق  
 انجام شود.

۱۲. تجربه نشان  
 می‌دهد که ایجاد درگیری  
 ذهنی برای فرد و به  
 فکر و ادار کردن او در  
 خلوت، محک خوبی است که  
 فرد بین خود و خدا به  
 فکر فرو رفته، ببیند  
 آیا می‌تواند یک زندگی  
 را اداره کند یا خیر؟  
 آیا از عهده تربیت  
 فرزند برمی‌آید؟ تربیت  
 دختر و پسر چه تفاوتی  
 دارند؟ و . . . روحانی  
 محل با کمک این طرح،  
 ذهن افراد را مشغول  
 می‌کند و چنین ذهنی  
 محرك خوبی برای مطالعه  
 و گوش فرا دادن به  
 سخنرانیها دارد.

۱۳. روحانی محل  
 کتابهایی را نویسنده‌گان  
 و ناشرین معتبر معرفی  
 کند تا مخاطبین در  
 مسیر پاسخ دهی به  
 سئوالات خود از آن  
 استفاده کنند . و در  
 مقابل از معرفی  
 کتابهای نویسنده‌گان  
 غربی پرهیز کند و به  
 جوانان و والدین تأکید  
 کند که این کتابها  
 برای فرهنگی غیر اسلامی

و غیر ایرانی نوشته شده است و تفاوت‌های فرهنگی اسلام و ایران را با فرهنگ غرب بیان کند و اینکه نویسنده اسلامی و ایرانی متعهد و متخصص آثار به مراتب غنی‌تری در این باره نگاشته‌اند.

۱۴. یکی از سنت‌های زیبا و کاربردی ایرانیان، فرهنگ ریش سفیدی و احترام به افراد مسن و با تجربه است؛ اما امروزه با هجوم فرهنگ کم تر توجه این فرهنگ کم تر توجه شده و به خاطر بی‌اعتنایی نسل جوان به این سنت و متأسفانه خودرأیی و لجاجت، دعواهای خانوادگی، به ویژه بین زوجهای جوان زیاد شده است که پیامد آن، افزایش طلاق می‌باشد.

این طرح، این سنت زیبا را احیا کرده، زن و شوهرهای جوان را متوجه این نکته می‌کند که بسیاری از دعواها به خاطر نشناختن روحیات خاص زنان و مردان، یا خصوصیات فردی مثل درون گرا و برون گرا بودن از سوی زن و شوهر است که باعث سوء تفاهemها به نزاع می‌انجامد که کوتاه نیامدن هر دو طرف یا

پیچیدگی موضوع می‌افزاید. اینجاست که یک فرد مسن خوش زبان و با تجربه، با زبان نرم

و شیرین از تجربیات شخصی خود و اطرافیان برای زوجین موارد مشابه را تعریف کرده، آنان را از ادامه اختلاف منصرف می‌کند.  
 ۱۵. روحانی محل بله پدران و مادران تأکید کند علت موفقیت نخبگان، شناس و اقبال نیست؛ بلکه فضای آرام خانه، تشویق والدین، گرمی روایط اعضای خانواده و تربیت صحیح عامل موفقیت آنان بوده است. سپس نمونه‌هایی از افراد موفق را که برخاسته از چنین خانواده‌ها و این نوع تربیت هستند، به اعضا معرفی کند.  
 ۱۶. نسل حاضر استفاده از اینترنت و فضاهای مجازی را جزء برنامه‌های اصلی خود قرار داده اند، پس بهتر است روحانی محل سایتها متناسب مشاوره را شناسایی و به جوانان معرفی کند و هشدار دهد که در دام سایتها مبتذل و همسریابی نیفتند.  
 ۱۷. پیشنهاد می‌شود از سایر موضوعات مورد نیاز خانواده‌ها مثل: طبق اسلامی و سنتی، فضای سایبری، اطلاعات حقوقی، درسهای اخلاق و ... نیز سخنرانیهای مناسب نیز تهیه شده و در معرض دید نمازگزاران گذاشته شود.

**سخن پایانی**  
 چنانچه طرح «برانگیختن حس کنجکاوی

مخاطب» و یا همان حس پرسشگری او را به خوبی اجرا کنیم و با رعایت مقتضیات زمان و مکان به آن بپردازیم، آثار و نتایج خوبی را در جامعه کوچک خود ( محل تبلیغ) خواهیم دید که یکی از آنها «دفع هجمه‌های دشمنان علیه خانواده‌ها» و حفظ حریم خانواده خواهد بود.

## مشهودات مختصر (آنچه به هنگام مرگ مشاهده می‌شود)

سید جواد موسوی

چگونگی حالش آگاهی  
یابند.  
اوپا ع و احوال کسی  
که فرشته مرگ را دیده  
و به جهان غیب راه  
یافته است، از بعضی  
جهات شبیه انسانی است  
که به خواب عمیق فرو  
رفته و از دنیای  
بیداری جدا شده است .  
قلب و مغز او فعال  
است؛ اما از اطرافش  
بیخبر است . نه  
بیدارانی که اطرافش  
هستند از مشهودات وی  
باخبرند و نه او  
میتواند در آن حال  
آنچه را می‌بیند؛ برای  
آنان توضیح دهد.  
«در ادوار حیات بشر،  
سه روز است که از نظر  
دینی بسیار مهم تلقی  
شده و بزرگ ترین تحول  
در آنها به وقوع  
می‌پیوندد؛ یکی روز  
ولادت است، سپس روز مرگ  
و روز قیامت . در این  
سه روز، انسان از

۱. بر گرفته از : معاد از نظر  
روح و جسم، محمد تقی فلسفی،  
دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران،  
چاپ ششم ، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۶۹.

مقدمه  
شخص مختصر ظرف چند  
لحظه که انتقال روح او  
انجام می‌شود، پرده از  
جلوی دیدگانش کنار  
رفته، از عالم دیگر  
شاهد مناظر مطبوع و یا  
رنج آور این دنیا  
می‌شود.

به عبارت دقیق تر  
میتوان گفت برخی از  
واقعیتها در زمان  
حیات، بر انسان پوشیده  
است و لحظه مرگ، بر او  
آشکار می‌شود؛ زیرا در  
آن زمان که آدمی از  
مرز دنیا می‌گذرد،  
فرشتة مرگ را می‌بیند و  
در آستانه جهان غیب  
قرار می‌گیرد . در چنین  
حالی است که رابطه او  
با اطرافیان و  
اطرافیانش با وی قطع  
می‌شود؛ نه مختصر  
میتواند مشاهدات خود  
را برای آنان بگوید و  
آنچه بر وی می‌گذرد،  
توضیح دهد و نه  
اطرافیان قادرند به  
اطلاعات و مشاهدات  
مختصر پی ببرند و از

بر او وارد شد، انصراف  
از این نشئه را تا  
اندازه‌ای حاصل می‌کند.  
... و پس از این سوق  
و آن انصراف، نمونه‌ای  
از عالم برزخ بر او و  
منکشف شود و روزنی‌ای  
از عالم غی ب بر او  
مفتوح گردد، و حال خود  
و مقام خود، تا  
اندازه‌ای بر او مکشوف  
شود.»<sup>۱</sup>

بسیار واضح است که  
تفاوت مشهودات اهل  
ایمان و کفر به اعمال  
آنها بستگی دارد؛ اهل  
ایمان و عمل صالح از  
کرامات حق تعالیٰ  
بهره‌مند می‌شوند و  
مناظر مطبوع و دلپذیر  
را مشاهده می‌کنند؛ ولی  
اهل کفر و نفاق به  
اندازه حظ و بهره خود  
و آنچه در دار دنیا  
کسب نموده اند، آثار  
غضب و قهر الهی را  
مشاهده می‌کنند.

#### دیدنیهای در حال احتضار

##### خدای متعال

می‌فرماید : [الَّذِينَ  
تَنْوِفُهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبُينَ  
يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ  
آذْخُلُوا الْجَنَّةَ يَمَا كُنْتُمْ  
تَعْمَلُونَ] ؟ «[متقین]

کسانی هستند که وقتی  
فرشتگان [رحمت]، آنان  
را که عمرشان به  
پاکدی [و درستکاری]  
طی شده است، قبض روح  
می‌کنند به آنها  
می‌گویند : سلام بر شما !  
داخل بهشت شوید که

عالی به عالمی دیگر  
انتقال می‌یابد و تمام  
شرایط زندگی و قوانین  
حیاتی اش دگرگون  
می‌شود.»<sup>۲</sup>

به همین خاطر «وقت  
احتضار و مرگ را  
«معاینه» گویند؛ برای  
آنکه آثار آن عالم را  
بالعیان مشاهده می‌کند،  
و چشم غیبی ملکوتی  
گشوده می‌شود و شمه‌ای  
از احوال ملکوت بر او  
کشف گشته و بعض آثار و  
اعمال و احوال خویش را  
مشاهده می‌کند.»<sup>۳</sup>

برخی بزرگان سبب  
معاینه در هنگام  
احتضار را این گونه  
بیان نموده‌اند:  
«در وقت معاینه،  
برخی از مقامات و  
حالات منکشف می‌شود و  
این مطابق ضربی از  
برهان و موافق مکاشفات  
اصحاب کشف و عیان و  
اخبار و آثار دیگر نیز  
هست.

تا انسان به تعمیر  
این عالم اشتغال دارد  
و وجهه قلبش در این  
نشئه است و سُکر طبیعت،  
او را بی‌خود کرده و  
مخدرات شهوت و غصب او  
را تحذیر نموده، از  
صور اعمال و اخلاق خود  
به کلی محجوب است و از  
آثار آنها در ملکوت  
قلب خود مهجور؛ پس از  
آنکه سکرات موت و  
سختیها و فشارهای آن

۱. همان، ص ۷۵.

۲. چهل حدیث، سید روح الله موسوی  
خمینی (امام خمینی)، مؤسسه  
تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)  
تهران، چاپ سی و سوم، ص ۱۳۸۴ ش،  
۴۵۳.

این، پاداش اعمال خوب  
شما است.»

با توجه به آیات و  
روايات اسلامی، میتوان  
فرشتگانی که بر بالین  
محضر حاضر می شوند و  
ملاقاتهایی که همراه با  
گفتگو صورت می پذیرد،  
بدین ترتیب بیان نموده:  
(الف) فرشته مرگ  
ما در این جهان فعل  
و انفعالهای عالم  
ملکوت و غیر را  
نمیبینیم.

امام علی (ع) فرموده  
است: «هُلْ تَحْسُّنِي إِذَا  
دَخَلَ مَنْزِلًا أَمْ هُلْ تَرَاهُ  
إِذَا تَوَفَّى أَحَدًا بَلْ كَيْفَ  
يُتَوَفَّى الْجِنِينُ فِي بَطْنِ  
أُمِّهِ أَيْلَجُ عَلَيْهِ مِنْ بَعْضِ  
جُوَارِحِهَا أَمْ الرُّوحُ  
أَجَابَتْهُ بِإِذْنِ رَبِّهَا أَمْ هُوَ  
سَاكِنٌ مَعْنَى فِي أَخْشَائِهَا؟»  
ایا موقعی که فرشته  
مرگ در منزلی وارد  
میشود، احساس می کنی؟  
ایا وقتی به قبض روح  
کسی اشتغال دارد، او  
را میبینی؟ فرشته مرگ،  
روح جنین را چگونه  
میگیرد؟ ایا از بعضی  
از جوارح مادر وارد  
میشود؟ یا آنکه روح  
جنین، به اذن خدا  
فرشتة مرگ را اجابت  
میکند؟ یا او با جنین  
در رحم مادر سکونت  
دارد؟»

محضر در لحظه ای که  
ملک الموت و جهان  
نا آشنا ی پس از مرگ را  
مشا هده می کند، متوجه  
میشود که زندگی دنیايش

سپری شده و در آستانه  
رحلت به عالم آخرت  
قرار گرفته است . در  
این موقع، سخت نگران و  
مضطرب شده، دچار  
شدیدترین فشار روحی  
میگردد . به موجب  
روايات رسیده در این  
باب، این هنگام برای  
آدمی از ساعات بسیار  
سنگین و دشوار است  
امام سجاد (ع)  
فرمودند: «أَشَدُ سَاعَاتٍ  
إِنْ أَدَمَ ثَلَاثٌ سَاعَاتٍ:  
السَّاعَةُ الْمُوتُ وَ السَّاعَةُ  
مَلْكُ الْمُوتُ وَ السَّاعَةُ  
الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ  
وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقُولُ فِيهَا  
بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ  
تَعَالَى فَإِمَّا إِلَى جَنَّةٍ وَ  
إِمَّا إِلَى النَّارِ»  
سخت ترین ساعات فرزند  
آدم سه ساعت است؛ اول  
ساعتی که ملک الموت را  
میبیند . دوم ساعتی که  
از قبر بر می خیزد و سوم  
ساعتی است که در  
پیشگاه الهی قرار  
میگیرد؛ سپس یا به سوی  
پهشت می رود و یا روانه  
آتش میگردد..»  
اما اینکه انسان در  
هنگام مرگ، فرشتگان  
قبض روح را در چه شکل  
و شمایلی مشاهده  
میکند؟ باید گفت: این  
حالت نیز به عمل و  
شخصیت فرد بستگی دارد.  
انسان نیکوکار آنها را  
به شکل خوب و همراه با  
بس ارت، سلام و تحیت  
مشاهده می کند؛ چنانچه  
قرآن کریم به آن اشاره  
کرده و می فرماید:

[الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ  
طَبِيعَتِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ  
أَدْخُلُوهَا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ  
تَعْمَلُونَ]<sup>۱</sup>

اگر کافر، ظالم و  
ستمکار باشد، فرشتگان  
را بیم دهند ه و با  
چهره های ترسناک  
میبینند : [إِنَّمَا يَرَوْنَ  
الْمَلَائِكَةَ لَا بُشَّرٍ يَوْمَئِذٍ  
لِلْمُجْرِمِينَ وَ يَقُولُونَ حَجْرًا  
مَحْجُورًا]<sup>۲</sup> «روزی که  
فرشتگان (مرگ یا عالم)  
برزخ یا صحنه قیامت ()  
را میبینند . در آن روز  
گناهکاران را بشارتی  
نیست و (به فرشتگان )  
میگویند : ما را ایمنی  
کامل دهید ! و فرشتگان  
میگویند : سخت ممنوع  
است (بر شما رحمت و  
بهشت خدا) .<sup>۳</sup>

ابراهیم (ع) با فرشتة مرگ  
حضرت ابراهیم (ع) به  
فرشتة مرگ گفت : آیا  
ممکن است چهره ات در  
هنگامی که روح مؤمن را  
قبض می کنی، به من  
بنمایانی؟ گفت : بله،  
لحظه ای روی خود را  
برگردان ! حضرت  
ابراهیم (ع) چنین کرد .  
به ناگاه فرشتة مرگ  
جوانی با چهره ای زیبا  
و هیئتی بی نظیر ظاهر  
شد .

حضرت فرمود : ای ملک  
الموت ! اگر مؤمن فقط  
روی تو را ملاقات کند،  
برای او بس است، سپس  
فرمود : حال چهره ات

۱. نحل/۳۲/۲

۲. فرقان/۲۲/۲

۳. ترجمه قرآن کریم، علی  
مشکینی، نشر الهادی، قم، چاپ  
دوم، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۳۶۲

هنگام قبض روح کافر و  
فاجر را به من  
بنمایان !  
فرشتة مرگ عرض کرد :  
طاقت نمی آوری . حضرت  
فرمود : چرا (طاقت  
خواهم آورد) .  
عرض کرد : لحظه ای از  
من روی برگردان ! سپس  
حضرت به او نگریست،  
ناگاهان مردی سیاه چهره  
را دید که موهايش بر  
تن راست شده ، بوی  
بسیار بد و لباسی سیاه  
به تن دارد که از بینی  
او آتش و دود بیرون  
می آید . حضرت با دیدن  
این منظره وحشتگان، غش  
کرد . وقتی به هوش آمد،  
گفت : اگر کافر هنگام  
مرگ فقط تو را ملاقات  
کند (در عذابش) بس  
است .

خدای متعال در آیاتی  
به گفتگوی فرشتگان و  
ستمکاران در هنگام مرگ  
تصریح کرده و این  
گفتگو را چنین بیان  
می فرماید : [إِنَّ الَّذِينَ  
تَوْفَّاهُمُ الْمُلَائِكَةُ كَهْ طَالِبِي  
الْفَسَّهُمْ قَالُوا فَيْمَ كُنْتُمْ  
قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي  
الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ  
أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتَهاجِرُوا  
فِيهَا فَأَوْلَئِكَ مَا وَاهِمْ  
جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا]<sup>۴</sup>

«کسانی که فرشتگان  
(قبض روح) روح آنها را  
گرفتند، در حالی که به  
خویش ستم کرده بودند،  
به آنها گفتند : شما در  
چه بودید؟ (و چرا با  
اینکه مسلمان بودید،

میلگان

70

در صف کفار جای  
داشتید؟ ! ) گفتند : ما  
در سرزمین خود، [تحت  
فشار و ] مستضعف بودیم .  
آنها (فرشتگان) گفتند :  
مگر سرزمین خداوند،  
پهناور نبود که مهاجرت  
کنید ! ؟ آنها (عذری  
نداشتند و ) جایگاهشان  
دوزخ است و سرانجام  
بدي است.»

**لَوْ تَرِي إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ  
كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ  
وُجُوهُهُمْ وَأَدْبَارُهُمْ وَ  
ذُوقُوا عَذَابَ الْخَرِيقِ [؛]**

«(ای پیامبر ) اگر  
ببینی کفار را هنگامی  
که فرشتگان (مرگ )  
جانشان را می گیرند و  
بر صورت و پشت آنها  
میزنند و (میگویند :  
بچشید عذاب سوزنده را  
!(به حال آنها تأسف  
خواهی خورد!).»

البته در منابع  
اسلامی در مورد مشاهده ،  
گفتگو ، بشارت به بهشت  
و نشان دادن نعمتهاي  
آن به مؤمنین درستکار  
توسط فرشته مرگ در  
لحظه جان دادن روایات  
بسیاري وجود دارد .  
از جمله ، روایت  
عيادت امام رضا (ع) از  
یکی از اصحاب خود در  
حال احتضار می باشد .  
حضرت به او فرمود :  
خودت را چه طور یافته ؟  
عرض کرد : پس از تشریف  
بردن شما من مردم .  
حالم خیلی بد شد .  
امام (ع) فرمود : چگونه  
مرگ را ملاقات کردي ؟

عرض کرد : با درد و  
ناراحتی زياد . امام (ع)  
فرمود : نه ، هنوز مرگ  
را ملاقات نکرده اي ؛  
بلکه فقط مقدمات آن را  
دیده اي . مردم دو دسته  
هستند : عده اي میمیرند ،  
خودشان راحت می شوند و  
عدة دیگر می میرند ،  
دیگران راحت می شوند ،  
پس ايمان به خدا و  
ولایت را تجدید کن تا  
ناراحتی از تو برود ،  
پس آن صحا بي اين کار  
را انجام داد ، سپس عرض  
کرد : يا ابن رسول الله !  
ملائكه آمدند و تحفه  
آورند . ایستاده اند .  
اجازه بدھيد بنشينند .  
امام (ع) فرمود : از  
آنها سؤال کن : چرا  
ایستاده بوديد ؟ عرض  
کرد : سؤال کردم ،  
گفتند : تمام ملائكه  
موالي شما هستند و  
بدون اجازة شما  
نمیشنینند . این چنین  
خداؤند به آنها دستور  
داده است . سپس بیمار  
چشمانش را بست و گفت :  
درود خدا بر تو باد اي  
پسر پیامبر خدا ! این  
خود شما هستید که بر  
من نمایان شده ايد . به  
همراه وجود پیامبر  
اکرم (ص) و ائمه  
معصومین . بعد از خبر  
دادن او به این  
مشاهدات ، از دنیا رفت .  
ب) فرشتگان ثبت اعمال  
«یك انسان مکلف در  
طول ده ها سال عمر خود ،  
هزاران عمل خوب و بد  
انجام می دهد و «رقیب»

و «عتید» تمام آنها را ثبت می نمایند . هنگام مرگ، خلاصه تمام آنها به محضر ارائه می شود؛ یعنی هر انسانی در پایان عمر و خاتمه یافتن دوران معامله و داد و ستد بازار دنیايش، بیلان کارهای خود را می بیند، از اوضاع و احوال خوب یا بد خویش آگاه می گردد و به سود یا زیان معاملاتی که در زندگی با نقد عمر انجام داده، واقع می شود . خلاصه، خیلی زود می فهمد اهل ثواب است یا اهل عقاب.»

بر این اساس هر انسانی پس از مرگ، بلافاصله از وضع خود آگاه می شود و می فهمد آیا بهشتی و اهل سعادت است یا جهنمی و اهل عذاب . از این رو، هر یک از کفار و گناهکاران که عمر خود را با جهل و غفلت گذرانده اند ، در همان لحظات احتضار، خطر را احساس نموده ، از گذشته پشیمان می شوند و می گویند : [قال رَبُّ ارجعون \* لَعَلَّهَا فِيمَا تَرَكَتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرَزَحٌ إِلَى يَوْمِ يُبَعَثُونَ] :

«پروردگارا ! مرا به دنیا باز گردان تا مگر گذشته را جبران کنم و عمل صالحی انجام دهم :

۱. معاد از نظر روح و جسم ، ص ۱۹۰ .  
۲. مؤمنون / ۹۹ - ۱۰۰ .

ولی پاسخ منفی می شنوند و به او گفته می شود : این سخن بی اثر، هرگز جامه تحقق نمی پوشد و از پی مرگشان عالم برزخ است تا قیامت بر پا گردد و از قبرها برانگیخته شوند.»  
به همین خاطر «در تعالیم اسلام، رسیدگی به حساب نفس از وظایف تمام مسلمانان است ». اولیا ی گرامی اسلام ضمن روایات متعددی به پیروان خود اکیداً توصیه نموده اند که به حسابهای خود برسید، از عیوب و نقایصی که دارید، آگاه شوید و خویشتن را اصلاح نمایید، پیش از آنکه مرگتان فرا رسد و فرصت خودسازی از دستتان برود . سرانجام مأمورین باری تعالی در محکمة عدل الهی به حسابتان رسیدگی نمایند.»  
پیغمبر اکرم (ص) در وصیت به جناب ابوزر ( فرمودند : «يَا أَيُّا ذُرْ چَاصِبْ تَفْسِكْ قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبَ، فَإِنَّهُ أَهْوَنْ لِحَسَابِكَ عَدَّاً، وَ زَنْ تَفْسِكَ قَبْلَ أَنْ تُؤْزَنَ، وَ تَجْهِزْ لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ تُعْرَضُ لَا يَحْفَى عَلَى اللَّهِ خَافِيَةً»؛ اي اباذر ! به حساب نفس خود رسیدگی کن، پیش از آنکه مورد محاسبه قرار گیری؛ زیرا این کار حساب قیامت را آسان می کند . خود را وزن کن و بسنجه، پیش از آنکه

۳. معاد از نظر روح و جسم ، ص ۱۹۵ .  
۴. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۴ .

فرمودند : «لَا يَرَأْ  
 الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِّنْ سُوءِ  
 الْعَاقِبَةِ وَ لَا يَتَّقِنُ  
 الْوُصُولَ إِلَيْ رَضْوَانَ اللَّهِ حَتَّى  
 يَكُونَ وَقْتُ نَزَعِ رُوحِهِ وَ  
 ظُهُورِ مَلْكِ الْمَوْتِ لَهُ  
 أَنْظَرَ فَيَنْظُرُ فِيْرَى مُحَمَّدًا  
 وَ عَلِيًّا وَ الطَّبِيعَيْنِ مِنْ  
 الْهَمَّا فِي أَعْلَى عَلَيْنِ  
 فَيَقُولُ لَهُ أَ وَ لَا تَرَاهُمْ  
 هُوَلَاءِ سَادَاتُكُمْ وَ أَئْمَانُكُمْ  
 هُنَاكَ جَلَاسُكُمْ وَ أَنْسُكُمْ  
 فَمَا تَرْضَى بِهِمْ بَلَّا مِمَّا  
 ثَفَارِقُ هَاهُنَا فَيَقُولُ بَلَى  
 ؛ مُؤْمِنٌ بِيُوسُتِهِ از  
 قِيَامَتِ بِيَمِنَكَ اسْتَ وَ  
 يَقِينَ نَدَارَدَ كَهْ آيَا  
 مَقَامَ خَشْنُودِيَ وَ رَضَايِ  
 خَدا رَا دَرِيَافَتْ خَواهَدَ  
 كَرَدْ يَا نَهَ، تَا هَنَگَامَ  
 مَرَگَ وَ آمَدَنَ مَلَكَ الْمَوْتَ؛  
 ... فَرَشَتَهُ مَرَگَ بَهْ اَوْ  
 مِيْگَوِيدَ : اِيْنَكَ تَمَاشَا  
 كَنْ ! مَحْتَضَرَ نَگَاهَ مِيْكَنَدَ.  
 مُحَمَّدَ وَ عَلِيَ وَ پِيشْوَايَانَ  
 مَعْصُومَ) رَا در اَعْلَى عَلَيْنِ  
 مَشَاهِدَهَ مِيْكَنَدَ . فَرَشَتَهُ  
 بَهْ اَوْ مِيْگَوِيدَ : آنَهَا  
 پِيشْوَايَانَ وَ رَهْبَرَانَ تو  
 هَسْتَنَدَ وَ در آنْجَا با تو  
 هَمْنَشِينَ وَ مَأْنَوْسَ خَواهَنَدَ  
 بَوْدَ . اِكْنُونَ حَاضِرِيَ بَهْ  
 جَايِ كَسَانِيَ كَهْ اِكْنُونَ در  
 دَنِيا اَز آنَهَا مَفَارِقَتَ  
 مِيْكَنَيَ، اِيْنَ هَمْنَشِينَها  
 رَا اِنتَخَابَ نَمَايِيَ؟  
 مِيْگَوِيدَ : آرِيَ . . . »  
 ظَاهِرَ شَدَنَ اِيشَانَ بَرَايِ  
 عَمُومَ مَرَدمَ در حَالَ  
 اِحتَضَارَ وَ در قَبْرَ، اِمْرِيَ  
 مَمْكُنَ وَ وَاقِعَ شَدَنِيَ اَسْتَ؛

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۷ - ۲۶.  
 ۳. بحار الانوار، ترجمه جلد  
 هفتم، ج ۲، ص ۲۳.

در معرض توزین واقع  
 شویَ، و خویشتَن را برای  
 عرضَه بزرگ قیامت در  
 پیشگاه الهی مهیا کن  
 که در آن روز هیچ چیز  
 پنهان نمیماند.»  
 چ) فرشتگان موکَ ل رَزَقَ،  
 آشامیدنیها و نفَسَها  
 یکی دیگر از مشهودات  
 محضر در اولین مرافق  
 انتقال، فرشگان مأمور  
 بر رزق و روزی است. در  
 آن لحظات، سه فرشته بر  
 بالین او حاضر می شوند  
 و هر کدام از آنها  
 گزارش مأموریت خود را  
 بدین شرح بیان میکنند:  
 «اولی س لام کردَه،  
 میگوید: من موکل روزی  
 تو بودم، شرق و غرب  
 زمین را جستجو کردَه،  
 از روزی تو لقمه ای  
 پیدا نکردم که نخوردَه  
 باشی، سپس فرشته دوم  
 میگوید: سلام بر تو ! من  
 موکل مایعات و  
 آشامیدنیها تو، از آب  
 و غیر آب بودم، شرق و  
 غرب زمین را گشتم،  
 شربت آبی از آن تو  
 نیافتَم که نیاشامیده  
 باشی . آنگاه مَلَك سوم  
 درآمده، پس از سلام  
 میگوید: من مأمور  
 نفسَها تو بودم، شرق و  
 غرب زمین را تفحص  
 کردم، نفسی از تو که  
 نکشیده باشی، پیدا  
 نکردم.»

**مبلغان**  
 معصومین (ص) و ائمه  
 (ص) پیامبر اکرم (ص)  
 پیامبر اسلام

الموت می گویند : این شخص از دشمنان ما خانواده بود و در دنیا با ما ارتباطی نداشت . هر گونه که صلاح می دانی با او رفتار نمای ! فرشته مرگ نیز با شدت و سختی جان او را از بدنش بیرون می کشد ، و بعد از مرگ هم در پیشانی او نوشته می شود : این شخص منافق یا کافر است . امام صادق (ع) در وصف افراد محضر این گونه می فرماید : «مَنْ مُؤْمِنٌ يَخْضُرُ هُوَ الْمَوْتُ إِلَّا زَأْيَ مُحَمَّدًا وَ عَلَيْهِ حَيْثُ تَقْرُ عَنْتُهُ، وَ لَا مُشْرِكُ يَمُوتُ إِلَّا رَأْهُمَا حَيْثُ يَسُوْفُهُ ؛» هیچ کس نیست که مرگش فرا رسد ، مگر آنکه پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین همگی (با بدنه مثالی ) نزد او مجسم و حاضر می شوند ، به طوری که آنان را می بیند . اگر محضر از مؤمنان باشد ، وقت مشاهده به آنان علاقه پیدا می کند و عشق می ورزد ، و اگر از مؤمنان نباشد ، هنگام مشاهده ایشان ، آنان را دشمن می دارد و به دیدار آنان علاقه ای ندارد .»

امیر المؤمنین (ع) به «حارث بن اعور همدانی»

فرمودند :  
یا حارث همدان من یمث  
یزْنِی  
من مُؤْمِنٌ أَوْ مُنَافِقٍ قُبْلًا

زیرا در آن حال و در آنجا حبابهای عالم ماده برای مؤمن و کافر از دیده ها برداشته می شود ، پس انسان مؤمن ایشان را می بیند ، به صورتی که دوست می دارد و کافر می بیند ، به نحوی که آنها را دوست نمیدارد .

و اما حاضر شدن ایشان موقع جان دادن به این سبب است که بر کارهای او شهادت دهنده و او را به فرشته مرگ معرفی کنند . اگر محضر از اولیاء الله و دوستان و شیعیان امیر المؤمنین (ع) باشد ، سفارش او را به ملک الموت می کنند و می گویند : ای گیرنده جانها ! ملاحظة حال این محضر را بکن ؛ زیرا او از دوستان و شیعیان ما می باشد . ملک الموت نیز با کمال مهر و محبت و به آسانی جان او را از بدنش بیرون می در پیشانی بعد از مرگ در پیشانی آن مؤمن نوشته می شود : این شخص از دوستان و شیعیان علی و اولادش ( می باشد .

اگر محضر از منافقان و دشمنان خدا و اهل بیت باشد به ملک

۱. «عَنْ أَبِي عَنْدَ اللَّهِ % قَالَ : مَا يَمُوتُ مَوَالٍ لَنَا وَ مُبْغِثٌ لِأَعْذَابِنَا إِلَّا وَ يَخْضُرُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسْنُ وَ الْخَسِينُ ( فَيَرْزُقُهُ وَ يُبَشِّرُهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ مَوَالٍ لَنَا يَرْأُهُ بِإِنْ كَانَ يَنْتَسِعُ فَهُمْ ... ». بحار الانوار ، ج ۶ ، ص ۱۸۱ .

میلگان

74

«ای حارث همدانی !  
بدان هر کس از مؤمنان  
و منافقان که بمیرد،  
مرا میبیند.»  
فریادرسی حضرت امام صادق (ع)  
علی بن ابی حمزه  
گفت : دوستی داشتم از  
مأمورین و نویسندهان  
بنی امیه، از من خواهش  
کرد برایش اجازه بگیرم  
که خدمت حضرت صادق (ع)  
برسد . اجازه گرفتم .  
وقتی خدمت حضرت (ع)  
رسید، سلام کرد، نشست .  
عرض کرد : آقا ! من در  
ادارة حکومتی بنی امیه  
کار میکردم و از دنیا  
آنها ثروت زیادی  
انباشتم . کسی از من  
با زخواست نمیکرد .  
حضرت فرمود : اگر  
بنی امیه کسی را که  
نویسنده باشد و مالیات  
آنها راجمع کند و جنگ  
نماید و در اجتماعات  
آنها حاضر شود،  
نمییافتد حق ما را  
غصب نمی کردند . اگر  
مردم اطراف آنها را  
نگیرند، چیزی پیدا  
نخواهند کرد، مگر همان  
اندازه ای که به دستشان  
برسد . آن مرد گفت :  
فدايت شوم ! آیا راه  
نجاتی برایم هست؟  
فرمود : اگر بگویم، عمل  
میکنی؟ عرض کرد : بله،  
انجام می دهم . فرمود :  
هر چه در کار حکومتی  
آنها به دست آورده ای،  
رها کن . هر کدام را  
میشناسی، حق آنها را

میدهی و هر کدام را  
نمیشناسی، از طرف آنها  
صدقه می دهی . من از  
جانب خدا برای تو بهشت  
را ضمانت میکنم . مدتی  
سر به زیر انداخت و در  
اندیشه بود، تصمیم خود  
را گرفت . سر برداشته،  
گفت : انجام میدهم .  
علی بن ابی حمزه  
میگوید : من با او به  
کوفه برگشتم . هر چه  
داشت، رد کرد، حتی  
لباسهای تنش را . ما  
مقداری پول تهیه کردیم  
و برایش لباس خریدیم و  
برای مخارج او پولی  
فرستادیم . چند ما هی  
بیش نگذشت که مریض شد .  
از او عیادت کردیم در  
حال جان دادن بود . چشم  
باز کرد و گفت : علی بن  
ابی حمزه به خدا قسم !  
دوست تو حضرت صادق (ع)،  
به وعدة خود وفا کرد.  
او از دنیا رفت . کار  
کفن و دفن او را انجام  
دادیم . خدمت حضرت  
صادق (ع) رفت . همین که  
چشم م بارکش به من  
افتاد، فرمود : ای علی !  
به وعدة خود نسبت به  
دوست تو وفا کردیم .  
عرض کردم : صحیح  
میفرمایید ! فدای شما  
شوم، هنگام مرگ، خودش  
نیز به من گفت .  
۳. بهشت و جهنم  
در روایتی از پیامبر  
اکرم (ص) چنین آمده  
است : «انسان مؤمن در

تو است و نعمت پایدار،  
اموال، خانواده و  
خویشاوندان در  
اینجا یند. هر کدام از  
خویشاوندان و  
خانواده ات صالح باشند،  
در اینجا با تو خواهند  
بود. آیا راضی هستی به  
جای مال و ملک دنیا،  
این نعمتها را دریابی؟  
میگوید : به خدا قسم  
مشتاقم و حاضرم.»<sup>۱</sup>  
برخی روایات، این  
مشاهده را ثمرة صبر و  
استقامت در راه ولایت و  
محبت امیر المؤمنین (ع)  
و بغض نسبت به دشمنان  
ایشان معرفی نموده اند.  
در روایت دیگری از  
پیامبر اکرم (ص) آمده  
است : «أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ  
عَلِيًّا أَحَبَّنِي فَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ  
وَمَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَافَأَهُ الْجَنَّةَ ... وَمَنْ  
أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يَخْرُجُ مِنَ  
الَّذِينَ حَتَّى يَشْرَبَ مِنْ  
الْكَوَافِرِ وَ يَأْكُلُ مِنْ طَوْبَى  
... أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى  
بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْ  
رَائِحَةُ الْجَنَّةِ؟»<sup>۲</sup> آگاه  
باشید ! هر کس علی را  
دوست داشته باشد، مرا  
دوست داشته و هر کس  
مرا دوست داشته باشد،  
خدا از او خشنود است و  
هر که خدا از او خشنود  
باشد، او را پاداش  
بهشت می دهد ... آگاه  
باشید ! هر کس علی را

دنیا همواره نسبت به  
آینده خود و آنچه در  
پیش رو دارد، در  
نگرانی و هراس به سر  
میبرد، حتی در لحظه  
مرگ . برخی امور همچون  
جدا شدن از اهل و  
اموال بر اندوه او  
میافزاید؛ اما با دیدن  
بهشت و نعمتهاي آن،  
راحتي و آسایش خاطر  
غیر قابل وصفي پيدا  
میکند که حاضر به عوض  
کردن آنها با أمر  
دیگري نمیباشد.  
مؤمن به واسطه جدا  
شدن از زن و زندگی،  
حسرت و اندوه فراوانی  
دارد و چون آرزوهايش  
ناتمام مانده است و  
ملک الموت در هنگام شدت  
بیماری و کمال ناراحتی  
او، از رها کردن اموال  
و خانواده و  
گرفتاريهاي دیگر  
میآيد، پس ملک الموت  
به او میگويد : این چه  
اندوه و ناراحتی است  
که داري؟ آیا عاقل به  
واسطه از دست دادن  
پشيزی بي ارزش ناراحت  
میشود، در صورتي که به  
جای آن ميليونها برابر  
دنيا به او ارزاني  
داشته اند؟ مؤمن در  
پاسخ میگويد : نه . ملک  
الموت به او می گويد :  
به بالاي سرت نگاه کن !  
محترض درجات بهشت و  
قصرهايی که از حد آرزو  
نيز بالاتر است ،  
میبینند . فرشته مرگ به  
او میگويد : اينجا منزل

د وست داشته باشد، از دنیا خارج نمی‌شود، مگر اینکه از کوثر می‌آشامد و از درخت طوبی میل می‌کند... آگاه باشید! هر کس بر بغض آل محمد (بمیرد، بوي بهشت را استشمام نخواهد کرد.)

### ۴. شیطان

وقتی انسان در حال احتضار قرار می‌گیرد، شیطان با فرزندان و یاران خود بر بالین او حاضر می‌شوند و تلاش می‌کنند تا با حیله های مختلف «ایمان» او را گرفته و آن را از چنگش بیرون آورند و این سخت‌ترین حالت برای هر محتضری است.

از امام صادق (ع) نقل شده است: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَحْضُرُهُ الْمَوْتُ إِلَّا وَكَلَّ بِهِ أَبْلِيسُ مِنْ شَيَاطِينِهِ مَنْ يَأْمُرُهُ بِالْفَرِّ، وَ يُشَكِّكُهُ فِي دِينِهِ حَتَّىٰ تَخْرُجَ نَفْسُهُ، فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ، فَإِذَا حَضَرَتْ مَوْتًا كُمْ، فَلَقِنُوا هُمْ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّىٰ يَمُوتُ؛<sup>۱</sup> هیچ انسانی نیست، مگر اینکه در هنگام مرگ شیطان، یکی از مأمورین خود را نزد او حاضر می‌کند تا وی را وسوسه کند و در دینش به شک اندازد و او را به کفر بکشاند. این وسوسه ادامه دارد تا اینکه

روح از بدن او خارج شود؛ اگر محضر از مؤمنان حقیقی باشد، شیطان نمی‌تواند بر او غالب شود و دین و ایمانش را بگیرد. پس هرگاه یکی از شما بر بالین شخصی از کسان خود رفتید که مرگش فرا رسیده است، شهادتش را به او تلقین کنید تا شیطان به او دست نیابد.<sup>۲</sup>

البته معلوم است که شیطان در باطن انسان وسوسه می‌کند و از راه قوّة تخیل در او و تصرف مینماید و منظرة زیبا و دلفریبی را جلوه میدهد و نیّات و خاطرات نفسانی را به یاد وی می‌آورد تا آنکه از لقای خدا منصرف شود و از رضوان خدا غفلت ورزد و باز به دنیا و زینتهای آن دل ببنند و به این صورت رشته پیوند ضمیرش را با ابدیت، خدا، پیغمبر و ائمه (بغض لد و دل به دنیا و آرزوهای قلبیش معطوف گردد. وی در این حال که متوجه دنیا گشته است، جان میدهد.»<sup>۳</sup>

حتی این گونه القاء می‌کند که دلیل این همه سختی جان دادن تو، یکتاپرستی است.

### ۵. مال، فرزندان و اعمال

از دیگر اموری که

۲. معاد شناسی، علامه تهرانی، نشر حکمت، تهران، ۱۳۶۰ش، ج ۲، ص ۱۲۵.

برای محتضر به صورت  
مثالی خود مجسم  
میگردد و او آنها را  
میبیند و دست نیاز به  
سویشان دراز میکند،  
مال و اولاد و اعمال  
فرد است.

در این مورد  
امیر المؤمنین (ع)  
میفرماید: همانا فرزند  
آدم در آخرین روز از  
روزهای دنیا خود و  
اولین روز از روزهای  
آخر (در حال احتمار)  
قرار گیرد، (در عالم  
مثال به صورت مثالی)  
مال و اولاد و عملش  
برای او ممثل شود، پس  
متوجه مال خود شود و  
گوید: (ای مال)! به  
خدا سوگند من بر (جمع)  
تو حریص و (بر انفاق  
تو) بخیل بودم (شب و  
روز خود را برای تحصیل  
و به دست آوردن تو صرف  
کردم و چیزی از تو را  
از خود جدا نمیکردم)،  
پس چه سود و بهره ای از  
تو برای من است؟ مال  
(در جواب) میگوید: کفن  
خود را از من برگیر  
(یعنی استفاده تو از  
من در این حال فقط  
کفني بيش نیست).

سپس حضرت فرمود: پس  
متوجه فرزندان خود شود  
و گوید: به خدا سوگند!  
من برای شما پدری  
مهربان و حامی و  
نگهدارنده شما بودم،  
پس (در این حال) چه  
نفع و فایده ای از شما  
برای من هست؟ میگویند

ما تو را به قبر و  
گودالی که آرامگاه تو  
است، میرسانیم و در آن  
پنهان میسازیم.  
پس از آن متوجه عمل  
خود میشود و میگوید:  
به خدا سوگند! من نسبت  
به (انجام) تو میل و  
رغبت نداشتیم و تو بر  
من گران و سنگین بودی،  
پس چه نفع و فایده ای  
از تو برای من هست؟  
میگوید: من قرین و  
همنشین تو هستم در قبر  
و روز رستاخیزت، تا  
زمانی که من و تو بر  
پروردگارت عرضه شویم.  
پس اگر آن شخص، ولی و  
دوست خدا باشد، نزد او  
کسی آید که از جهت  
خوبی و خوبی منظره  
و زیبایی و در برداشتن  
لباسهای فاخر و قیمتی،  
نیکوترین مردم است، پس  
به وی گوید: بشارت و  
مزده باد تو را به  
راحتی و آسایش و زندگی  
دایم و روزی پاک و  
پاکیزه و بهشت پر نعمت  
و ورود تو بهترین  
ورودها باشد، پس محتضر  
میگوید: تو کیستی؟  
میگوید: من عمل صالح  
تو هستم. از دنیا به  
سوی بهشت کوچ کن.  
اعمال خیر، صورتی  
زیبا و نیکو دارند و  
برای فاعلش آسایش و  
راحتی را به ارمغان  
میآورند و اعمال شرّ،

صورتی زشت و کریه  
المنظر دارند و باعث  
عداپ و وحشت صاحبش  
میگردند. بر این حقیقت  
مهم، روایاتی از امام  
صادق (ع) دلالت دارد. از  
جمله:

امام صادق (ع)  
فرمودند: رسول خدا (ص)  
هنگام مرگ جوانی بر  
بالین وی حاضر شد، به  
او فرمود: بگو: «لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ»، پس چندین بار  
زبانش گرفت. حضرت به  
زنی که بر بالین او  
نشسته بود، فرمود: این  
جوان مادر دارد؟ عرض  
کرد: آری، من مادرش  
هستم. فرمود: تو بر او  
خشمگین و از او ناراضی  
هستی؟ عرض کرد: آری،  
شش سال است که با او  
سخن نگفته ام. حضرت  
فرمود: از وی راضی شو!  
عرض کرد: خداوند از او  
راضی باشد، به رضایت  
شما ای رسول خدا! پس  
حضرت به آن جوان  
فرمود: بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا  
اللَّهُ» و او گفت

پیامبر (ص) فرمود: چه  
میبینی؟ گفت: مردی  
سیاه چهره، زشت رو، با  
لباس چرك و بدبو که در  
این لحظه نزدیکم آمده  
و گلولیم را گرفته،  
میفشارد. پیامبر (ص)  
فرمود: بگو: «بِأَنْ  
يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُوُ عَنِ  
الْكَثِيرِ إِقْبَلَ مِنِي الْيَسِيرَ  
وَ أَعْفَ عَنِي الْكَثِيرَ إِنَّكَ  
أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ ای  
کسی که عمل اندک را

میپذیری، و از گناهان  
فراوان در میگذری، عمل  
اندکم را از من بپذیر،  
و از گناهان فراوان من  
بگذر، همانا که تو  
بخشنده و مهربانی.»  
پس جوان این کلمات  
را گفت، پیامبر (ص)  
فرمود: نگاه کن! چه  
میبینی؟ گفت: مردی را  
سپید چهره، زیبا رو،  
خوشبو، و خوشلباس را  
میبینم که نزدیکم  
آمده، و آن مرد سیاه  
را میبینم که از من رو  
گردانده و دور میشود.  
حضرت فرمود: دعا را  
تکرار کن! او تکرار  
کرد، باز فرمود: چه  
میبینی؟ گفت: دیگر آن  
مرد سیاه را نمیبینم،  
و این مرد سپید را  
میبینم که نزدیکم آمده  
است، سپس بر همین حالت  
جان سپرد.



## صرف کالای ایرانی راهکار مبارزه در جنگ اقتصادی

علی ملکوتی نیا

خواستار شده‌اند.<sup>۱</sup>  
 با توجه به شرایط  
 حال و آینده کشور و  
 مجموعه استعدادها و  
 ظرفیتها و نیز  
 تهدیدهای اقتصادی  
 دشمنان، مردم باید در  
 حل مشکلات اقتصادی کشور  
 و پیروزی در مصاف با  
 تحریمهای استکباری،  
 نقش مؤثری ایفا کنند و  
 با جذیت تمام به مصرف  
 کالاهای ایرانی  
 بپردازنند، همانطور که  
 عالمان شیعه از جمله؛  
 آقا نجفی اصفهانی و  
 برادرشان، شهید نور الله  
 اصفهانی در دوران هجوم  
 اقتصادی غرب به ایران  
 در دوره قاجار، با  
 بیان و عمل خود به این  
 مهم پرداختند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در دیدار مردم اذربایجان با ایشان، مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.  
 ۲. ر.ک: مقاله «نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار»، مهدی ابوطالبی، دو فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، ش ۳۵، ص ۵-۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش.

**مقدمه**  
**جمهوری اسلامی ایران**  
 به دلیل مقاومت در  
 برابر نظام استکباری،  
 از ابتدای انقلاب  
 تاکنون، هدف تهاجمهای  
 متعددی، از جمله  
 «تحریمهای اقتصادی»  
 قرار گرفته است که از  
 آن به «جنگ اقتصادی»  
 تعبیر می‌کنیم. دشمنان  
 با تجربة ناکامی در  
 جنبه‌های نظامی و سیاسی  
 در طول سالیان گذشته،  
 اکنون با پیش گرفتن  
 سیاست تحریمهای  
 اقتصادی علیه ایران،  
 در صدد ایجاد فشار و  
 بحران اقتصادی هستند.  
 بر همین اساس، مقام  
 معظم رهبری > یکی از  
 راهکارهای مبارزه در  
 این میدان را «حمایت  
 از تولید ملی و کار و  
 سرمایه ایرانی» عنوان  
 کرده‌اند و در کنار  
 توصیه به اجتناب از  
 اسراف و تضییع منابع  
 عمومی، «صرف کالاهای  
 محصولات داخلی» را از  
 مردم و مسئولین

## جنگ اقتصادی

وقتی سخن از جنگ به میان می آید، ذهنها بیش تر به سوی مبارزة نظامی کشیده می شود، در حالی که غیر از حوزه نظامی و تسليحاتی، می ادین دیگری نیز وجود دارد، از جمله جنگ جمعیتی، تغذیه ای، اقتصادی، فرهنگی و رسانه ای که امروزه م ا در این حوزه ها در حال دفاع و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی هستیم.

به اعتقاد مقام معظم رهبری<sup>۱</sup>: «امروز عرصه اقتصاد، به خاطر سیاستهای خصمان آمریکا، یک عرصه کارزار است . یک عرصه جنگ است . جنگی از نوع خاص . در این عرصه کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است . امروز هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک بکند، یک حرکت جهادی انجام داده است . این جهاد است ، البته جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه های مخصوص خود را دارد. باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدنهند.»<sup>۲</sup>

و در جای دیگر

فرمودند: «ما چند سال پیش اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم . هم اکنون ناظر مسائل گوناگون بودند، می توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحیها نشان می داد که اینها می خواهند بر روی اقتصاد کشور مرکز شوند . اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد مرکز شود، به رشد ملی لطمه ب زند، به استغلال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند . هدف فشار اقتصادی دشمن این است و این محسوس بود.»<sup>۳</sup>  
تنها ابزار دشمن در جنگ اقتصادی

تحریمهای ایران به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که از سوی کشورهای دیگر در جهت تنبیه حکومت و یا وادار کردن ایران به انجام یا ترک عملی به کار گرفته شده است.

امروزه در جنگ اقتصادی، تنها ابزار دشمن برای مقابله با مخالفین، همین «تحريم

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

۳. دانشنامه آزاد ویکی پدیا، به نشانی: [www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)

۱. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی %، مورخ ۱۳۹۴/۶/۱

می خواستند، می کردند. هر تصمیمی می خواستند، می گرفتند. از امکانات این کشور در پیشبرد مقاصد خودشان هم استفاده ها را می کردند؛ ولی آن از آن محروم شده اند. فقط این هم نیست. این حرکت موجب شده است که این داعیه و این انگیزه در دنیای اسلام بیدار شود که امروز نشانه هایش را در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در همه کشورها و ملتها داریم مشاهده می کنیم. اینها از این ناراحت اند. نقطه کان ونی، جمهوری اسلامی است. می خواهند به جمهوری اسلامی ضربه وارد کنند و این را عبرتی قرار بدند برای دیگران. انگیزه واقعی این است.» با این توصیف، هدف اصلی تحريمها، فشار اقتصادی بر مردم و ایجاد آشوب در ایران است تا به این وسیله مردم ایران از آرمانها و رفتارها استکبارستیزانه خود دست بردارند و به تدریج ساختار نظام اسلامی به صورت بنیادین

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۹۱/۵/۲.  
۲. روزنامه کیهان، به نقل از: گری سیمور (مشاور پیشین باراک اوباما در امور کنترل تسلیحات و خلع سلاح)، به نشانی مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۶.  
www.kayhan.ir

اقتصادی» است، تا دشمن با ایجاد محدودیتها راه صادرات و واردات محصولات، و نیازمندیهای یک کشور را مسدود کند و به فلج شدن اقتصاد آن کشور بیانجامد. پس هدف دشمنان ما از تحریم در جنگ اقتصادی، «تغییر رفتار» و سپس «تغییر ساختار» نظام اسلامی است.

از این رو، مقام معظم رهبری < فرموده اند : «یکی از واقعیتهای موجود کشور - که امروز بیش از سالهای گذشته این واقعیت به رخ نظام اسلامی کشیده می شود - وجود فشارها و تهدیدهای کشور با زور آزمایی چند قدرت و دولت مستکبر روبروست. ادعای اینکه این فشارها، این تحریمهای این محاصره ها، این دشمنیها و خصوصیتها به خاطر مسئله سلاح هسته ای و مسئله توان هسته ای است، یک دروغ است . واقعیت این است که

مخالفت آنها به خاطر اصل انقلاب و اصل تشکیل نظام اسلامی است. اینها در این منطقه با خیال راحت داشتند حکومت می کردند . کشوری مثل ایران با این منابع سرشار، با این امکانات فراوان، توی مشت آنها بوده است . هر کار

صرف تولید داخلی را  
بر مصرف کالاهایی با  
مارکهای معروف خارجی -  
که بعضی فقط برای نام  
و نشان، برای پُز دادن،  
برای خودنمای کردن،  
در زمینه های مختلف  
دنبال مارکهای خارجی  
می‌روند - ترجیح  
بدهندهند . خود مردم راه  
صرف کالاهای خارجی را  
ببنندنده».

## دلایل وجوب استفاده از کالای ایرانی

از بیانیه های  
عالمان شیعه در حر است  
و حمایت از سرمایه های  
ملی کشور در دوره  
قاجار، بر می آید که  
آنان بر مبنای امن و  
«نفی سبیل»، «حرمت  
دستی با کفار» و  
«حرمت تشبّه به کفار»  
به وجوب استفاده از  
کالاهای داخلی و حرمت  
محصولات خارجی فتو  
داده اند.

افزون بر این، قاعدة «وجوب حفظ نظام» یا «حُرمَت اختلال نظام اسلامی»، از جمله قواعد فقهی است که مبنای حقوق و تکالیف اجتماعی مردم به شمار می‌آید و می‌تواند دلیل محکمی بر حُرمت استفاده از

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۲۳

۲۰. ر.ک: مقاله نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار، مهمدی ابوطالبی، دو فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، ش ۳۵، ص ۵-۱۰

تغییر کند.  
مدیریت مصرف؛ رُکن اقتصاد  
مقاآمتی

مقامت در برابر  
فشارها و تحریمهای  
طالمانه دشمنان در  
عرصه اقتصادی «مدیریت  
مصرف» است که یکی از  
ارکان اقتصاد مقاومتی  
به شمار می رود. مقام  
معظم رهبری > فرمودند:  
«مسئلۀ مدیریت مصرف،  
یکی از ارکان اقتصاد  
مقاومتی است؛ یعنی  
مصرف متعادل و پرهیز  
از اسراف و تبذیر. هم  
دستگاه های دولتی، هم  
دستگاه های غیر دولتی،  
هم آحاد مردم و  
خانواده ها باید به این  
مسئله توجه کنند که  
این واقعاً جهاد است.  
امروز پرهیز از اسراف  
و ملاحظۀ تعادل در  
مصرف، بلاشک در مقابل  
دشمن یک حرکت جهادی  
است. انسان می تواند  
ادعا کند که این، اجر  
جهاد فی سبیل الله را  
دارد. یک بُعد دیگر این  
مسئلۀ تعادل در مصرف و  
مدیریت مصرف این است  
که ما از تولید داخلی  
استفاده کنیم. این را  
هم ۀ دستگاه های دولتی  
توجه داشته باشند.

## مبلغان

کفار، سبب وابستگی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی و فناوری به کشورهای بیگانه می گردد که در نهایت، عقب ماندگی و تخریب فرهنگ را به ارمغان می آورد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این قاعده استناد شده است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی می گوید: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر مُحارب، استوار است.»

در اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیز آمده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.» بنابراین، استفاده از محصولات خارجی به نوعی موجب وابستگی و سلطه کفار و بیگانگان بر مسلمانان خواهد شد؛ مبنای

زیرا کفار با سلطه اقتصادی دو کار بزرگ انجام می دهند: ۱. کالاهای تولیدی

محصولات خارجی باشد. به نظر می رسد این اصول و قواعد وجوب استفاده از کالا های ایرانی و ضرورت اجتناب از تولیدات خارجی را به خوبی تبیین می کنند. الف) اصل «نفی سَبِيل» اصل «نفی سَبِيل» از مهم ترین اصول و قواعد فقهی کاربردی است که در عرصه های مختلف روابط داخلی و خارجی مسلمانان، نقش بسیاری ندارد و برگرفته از قرآن کریم است که فرمود: [وَ لَنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً] «وَ خدا هرگز هیچ راه سلطه ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.»

«نفی سَبِيل» به معنای نفی تشریعی هرگونه سلطه و استیلای کفار بر مسلمانان است؛ زی را مسلمانان دارای احترام و عزت نفس هستند و نباید تن به ذلت کفار و سلطه آنان دهند، البته صرف ارتباط با کفار منفی نیست؛ بلکه هر رابطه ای که سبب سلطه پذیری و سلطه گری آنان گردد، ممنوع است؛ چون پذیرش سلطه

۱. نساء / ۱۴۱.  
۲. ر.ک: مقاله نقش قاعده نفی سَبِيل در توسعه جوامع اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، شماره ۷۱، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۳۹.

خود را به مصرف مسلمانان درآورده و بازار خود را پویا نگه می دارند و مسلمانان را نیز مصرف گرا بار می آورند؛

۲. با ارائه کالاهای غیر اسلامی، زمینه را برای گسترش فرهنگ غیر دینی و غیر اخلاقی فراهم می سازند تا به واسطه این کار، دایرة سلطه را بیش تر و گستردگتر سازند.

ب) اصل «وجوب حفظ نظام» یا «حرمت اختلال نظام»

این دو اصل ، حکم مستقل عقلی هستند؛ یعنی هر فعل یا ترک فعلی که موجب اختلال در نظام اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور اسلامی باشد، قبیح و حرام است . برخی از علمای معاصر این قاعدة را از احکام اولیه اسلامی دانسته اند.

گفتنی است که علاوه بر معنای رایج «نظام» در فقه، این واژه در معنای «حکومت و نظام سیاسی» و «اساس اسلام و سر زمینهای اسلامی» نیز به کار می رود، که بر این معنا از اهم واجبات عقلی و شرعی خواهد بود . همان طور که امام خمینی) فرمود : «مسئله حفظ نظام

جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است.»<sup>۲</sup>

ایشان در جای دیگری فرمود : «حفظ اسلام، جزء فرایضی است که هیچ فریضه ای بالاتر از آن نیست.»<sup>۳</sup>

در نتیجه بر مبنای قاعدة «وجوب حفظ نظام»، مصرف مخصوصات داخلی و اجتناب از تولیدات خارجی، موجب می شود اساس اسلام و حکومت اسلامی در مواجهه با دشمنان، مصونیت و اقتدار پیدا کند.

**آثار و برکات مصرف کالاهای ایرانی**  
صرف کالاهای ایرانی، آثار و برکات زیادی را عائد فرد و جامعه می کند که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

۱. حمایت از کارگر ایرانی و ایجاد اشتغال  
یکی از آثار و برکات استفاده از کالای ایرانی ، حمایت از کارگر ایرانی و رونق بخشیدن به محصولات کارخانه های تولیدی داخلی است . مقام معظم رهبری > می فرمایند : «کسانی که مصرف کنند - که همه ملت ما

۲. صحیفه امام، سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۵۳.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۴۶۵.

۱. تعزیر و گستره آن، ناصر مکارم شیرازی، مؤسسه امیر المؤمنین %، قم، ۱۴۲۵ق، ص ۶.

که یک جنس داخلی را خرید می کنید، به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان . جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده کار، ابتکاراتی دارد. این ابتکارات را روزبه روز افزایش خواهد داد. شما وقتی که جنس داخلی مصرف می کنید، ثروت ملی را افزایش داده اید.»<sup>۳</sup>

۲. کمک عملی به تولید ات داخلی  
باید باور کنیم که مصرف کننده از ارکان تقویت و ترویج تولیدات داخلی است. مقام معظم رهبری > فرمودند : «صرف کننده با انصاف، مصرف کننده با وجودان هم می تواند به تولید کشور کمک کند . دنبال اسم و رسم نرونده . دنبال بیزند نرونده . دنبال مارک نرونده . دنبال مصل حت برonden . مصلحت کشور ، مصرف تولید داخلی است . کمک به کارگر ایرانی است . بعضی ها هستند حتی حاضرند به نفع کارگر هم شعار بدھند، رگ گردن را هم درشت کنند و شعار بدھند ؛ اما در

۳. بیانات مقام معظم رهبری > در حرم مطهر رضوی، مورخ ۱۳۹۴/۱/۱.

در واقع مصرف کننده اند - محصولات داخلی را مصرف کنند که من روی این بارها و بارها تکیه کردم و امروز هم عرض می کنم و تکیه می کنم؛ همه سعی بکنند محصولات داخلی را مصرف بکنند، کارگر ایرانی را حمایت بکنند، کارگاه تولیدی داخلی را با مصرف کردن [محصول ] آن رونق بدھند.»<sup>۱</sup>

ایجاد اشتغال برای جوانان از جمله آثار مصرف تولیدات داخلی است که در بیانات حکیمانه مقام معظم رهبری > آمده است : «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی عبارت است از تقویت تولید داخلی . اگر این کار تحقق پیدا کرد و همتها متوجه به این مسئله شد، مسائل کار ب ه تدریج حل می شود . کار ارزش پیدا می کند . کارگر ارزش پیدا می کند . اشتغال ، عمومی می شود . بیکاری که یک معضلی است در جامعه ، ب ه تدریج کم می شود و از بین می رود.»<sup>۲</sup>

همچنین فرمودند : «عزیزان من ! شما وقتی

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در حرم مطهر رضوی، مورخ ۱۳۹۴/۱/۱.  
۲. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور به مناسبت روز جهانی کارگر، مورخ ۱۳۹۴/۲/۹.

۱. همان.  
۲. بیانات مقام معظم رهبری در  
دیدار با کارگر ان، مورخ ۱۳۹۰/۲۵/۷

۸۶

عمل به کارگر ایرانی لگد بزند. لگد زدن به کارگر ایرانی این است که انسان جنس مصنوع این کارگر را مورد استفاده قرار ندهد و بروود مشابه این را از خارج بگیرد. گاهی هم به قیمت‌های گرانتر. ما در برخی از صنایع در کشورمان جزء پیشوای دنیاییم؛ [اما] در همان چیزها، می‌روند از بیرون چیزهایی را برمنی دارند و به داخل می‌آورند.»<sup>۱</sup>

۳. عدم خروج سرمایه ایرانی از کشور

برخی مصرف کالاها خارجی را نشانه نوعی تشخّص و برتری اجتماعی می‌پندارند، در حالی که به فرموده مقام معظم رهبری <«دلبستگی به تولیدات بیگانه و بی اعتمایی به تلاش کارگر ایرانی، بیماری و عادت بدی است که پول و ثروت کشور را به جیب کارگر خارجی سرازیر می‌کند.»<sup>۲</sup>

به عنوان نمونه آمارهای منتشر شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران نشانگر این است که در سال ۱۳۹۳ بالغ بر ۲ میلیارد و ۱۲۸ میلیون و ۶۲۶ هزار و ۳۹۶ دلار ارز، تنها

بابت واردات خودرو از کشور خارج شده است.<sup>۳</sup>

۴. حفظ نظام اسلامی از توطئه های اقتصادی

به اعتقاد عالمان اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» زیربنای همه حرکات اجتماعی اسلام و «ایجاد نظام اسلامی و حفظ آن» از جمله بزرگترین معروفهای است. بنابراین، هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف محسوب می‌شود؛ چون حفظ عزّت و آبروی ملت ایران، بزرگترین معروف است.

لذا تردیدی نیست که دشمنان ما پس از ناامیدی از ضربه‌های نظامی به ایران، می‌خواهند از راه فشار اقتصادی به نظام جمهوری اسلامی ایران آسیب برسانند. به این دلیل، مصرف تولیدات داخلی موجب می‌شود نقشه‌های شوم دشمنان در مقابل ه با ایران نقش بر آب شود و پایه‌های نظام اسلامی، بیش از پیش مستحکم تر و اقتدار ملی و بین‌المللی آن افزون تر گردد.

۳. روزنامه کیهان، مورخ یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ش، شماره ۲۱۰۳۲

۴. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۹۴/۱/۱ مورخ

سبکان

نقش عالیمان شیعه در مصرف کالاهای ایرانی بازخوانی تاریخ گذشتہ ایران اسلامی، به خصوص تاریخ دویست ساله اخیر - که تاریخ مواجهة ایران و غرب مدرن است - نشان می‌دهد که دلسوزان این مملکت که همواره علما در رأس آن قرار داشت ه اند، برای اعتلا و مجد اس لام و مسلمین و پیشرفت کشور، از هیچ تلاشی فروگذار ن کرده اند. تأکید بر تولید، کار و سرمایه داخلی، همواره اولویت فعالیت ایشان بوده است.

آنان در راستای احکام اسلام و موازین شرع، اقدامات گوناگونی انجام داده اند. یکی از اقدامات راهبردی عالیمان شیعه در مقابله با هجوم اقتصادی غرب، تقویت اقتصاد داخلی بوده است. مهم ترین مصداق این حرکت، تأسیس «شرکت اسلامیه اصفهان» در سال ۱۳۱۶ به همت دو مجتهد بزرگ اصفهان (آیت الله آقا نجفی اصفهانی و برادرشان، شهید حاج آقا نور الله اصفهانی) است. آنها علاوه بر سخنرانی و نگارش نامه و صد ور اعلامیه های متعدد در راستای تحريم کالاهای بیگانه و تشویق مردم به مصرف کالاهای داخلی،

با تأسیس این شرکت اسلامی، راه ورود کالاهای منسوجات خارجی به داخل ایران را بستند؛ به گونه ای که روزنامه ها و نمایندگان انگلیس، توسعه آن را سکته به منافع انگلیس در تمام منطقه خلیج فارس اعلام کردند.<sup>۱</sup> این اقدام که در جهت حفظ منافع اقتصادی جامعه اسلامی و مقابله با سلطه بیگانگان بر امت مسلمان بود، حمایت جدی علمای مسلمان در مناطق گوناگون را به دنبال داشت و عالمان بزرگی همچون آیات عظام : آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا حسین نجل میرزا خلیل، محمد غروی شربیانی، ملا محمدحسن مامقانی، میرزا فتح الله شیرازی اصفهانی (معروف به شریعتمدار)، میرزا محمدحسین نوری (معروف به محدث نوری) و صدر اصفهانی (به شکلهای گوناگون همچون فتواء، اعلامیه، سخنرانی و تأليف کتاب، به حمایت از آن برخاستند.

برای نمونه، مرحوم آخوند خراسانی در نامه ای، از شاه ایران خواست تا با خلع لباس ذلت و پوشیدن لباس عزت

۱. ر.ک: مقاله نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کتاب و سرمایه ایرانی در دوره قاجار، مهدی ابوطالبی

میلگان

88

و استفاده از البسة  
مصنوعة اسلامیه، هم به  
تقویت دولت و اسباب  
آسایش عموم مردم و  
پیشرفت ایران بپردازد  
و هم باعث شود تا ملت  
به مقتضای «النَّاسُ عَلَى  
دِينٍ مُّلْوَكُهُمْ» شیوه وی را  
ادامه دهد که کُوَنَ  
جامه خویش را پیراستن،  
بِهِ از جامِه عاریت  
خواستن است.»<sup>۱</sup>

در مجموع، حرکت  
جهادی حاج آقا نورالله  
اصفهانی در عرصه  
اقتصادی، که با همیاری  
و حمایت سایر علماء و  
اقشار مردم همراه شد،  
موجب گردید برخی از  
مشکلات جدی کشور در  
عرضه اقتصادی با این  
حرکت جهادگونه حل شود  
و در عصری که عصر  
امتیازات استعماری روس  
و انگلیس در ایران  
بود، تا حدی از سلطه  
اقتصادی بیگانگان بر  
کشور جلوگیری به عمل  
آید.

مرحوم شیخ محمد  
اسماعیل محلاتی (از  
علمای نجف در دوره  
مشروطه) نیز در اعلامیه  
ای که در تحریم کالاهای  
خارجی صادر کرد، به  
این نکته اشاره نمود  
که استفاده از کالاهای  
خارجی از دو جهت موجب  
کاهش ثروت ملی خواهد  
شد: اول اینکه مصرف  
کالای خارجی موجب می‌شود

ثروت و مال ایرانیان و  
مسلمین به جیب اجانب  
برود، ولذا برای  
احتراز از این مسئله،  
باید از مصرف این  
کالاهای پرهیز کرد. وجه  
دوم این است که مصرف  
کالای خارجی موجب تضعیف  
صنعت و تولید داخلی  
شده، از این نظر، موجب  
کاهش ثروت ملی می‌شود.  
آیت الله سید عبد الحسین  
لاری (از شاگردان  
میرزا ای شیرازی و عالم  
برجسته منطقه فارس و  
لارستان) نیز که در  
اوخر دوره قاجاریه  
اقدام به تشکیل حکومت  
محلي در این منطقه  
نمود، در پاسخ به  
سؤالی مبنی بر حکم  
استفاده از کالاهای  
خارجی، خرمت استفاده  
از این کالاهای را به  
خروج ثروت ممالک اسلامی  
به ممالک بیگانه و کمک  
به کفار مستند ساخت و  
فرمود:

«امروز آنچه پول از  
بلاد اسلامیه به بلاد  
خارجی می‌رود، اعانت  
[کمک] به اعداء دین و  
استعداد [آمادگی] کفار  
است برای ریختن خون  
اسلام و مسلمین، [یعنی]  
حرام است استعمال آنها  
سیاستاً و دیانتاً حفظاً  
للاسلام و المسلمين؛ مگر  
در صورت اضطرار و عدم  
وجود اشیا ای وطنی

اسلامی...»<sup>۱</sup>  
یکی دیگر از اقدامات  
عالمان شیعه در جهت  
مبارزة اقتصادی با  
دشمنان اسلام و ایران،  
صدور اعلامیه ای توسط  
تعدادی از علمای بود که  
تعهد خود به استفاده  
از اجناس داخلی و  
پرهیز از کالاهای خارجی  
و قناعت و ساده زیستی  
را به اطلاع مردم  
رسانند. در این  
اعلامیه آمده استه  
«اولاً، قباله حات و  
احکام شرعیه از شنبه  
به بعد، روی کاغذ  
ایرانی بدون آثار  
نوشته شود. اگر بر  
کاغذهای دیگر نویسند،  
مهر ننموده... قباله و  
حکمی هم که روی کاغذ  
دیگر نوشته بیاورند و  
تاریخ آن بعد از این  
قرارداد باشد، امضا  
نمی‌نماییم.

ثانیاً، كفن اموات  
اگر غير از کرباس و  
پارچه اردستانی يا  
پارچه دیگر غير ایران  
باشد، متعهد شده ايم بـ  
آن ميت، مها نماز  
نخوانيم.

**ثالثاً**، ملبوس مردانه  
جديد كه از اين تاريخ  
به بعد دوخته و پوشیده  
مي شود، قرارداديم -  
مهما امكان - هرچه بدلی  
در ايران یافت مي شود،

۲. ر.ک: مقاله نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار، مهدی ابوطالبی.

نگرانی کرده ، مسلمانان را به کار و تولید برای رسیدن به استقلال اقتصادی تشویق نموده و فرموده است:

«در این زمان که خارجه به انواع جیل، رشته کسب و صنایع و تجارت - که مایة عزت و منشأ ثروت است - از دست مسلمین ربوده و منحصر به خود نموده و مثل خون در مجاري عروق ایشان راسخ و نافذ شده و شغل اهل اسلام به تدریج، منحصر به دلای و بیع و شراء اجناس خارجه شده ...، مناسب است مسلمین از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج، رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند و به تأییدات ربانیه، از ذل فقر و احتیاج و سؤال و تحمل عملگی کفار و تشتت در بلاد کفر بر هند...»<sup>۱</sup>

خلاصه کلام آنکه عالمان شیعه به سبب جایگاه رفیع اجتماعی و سیاسی خود در جامعه ایران و بر اساس مبانی نظری دین به حراست و حمایت از سرمایه های ملی این کشور پرداخته اند و با تشویق بازاریان به تأسیس شرکتهای اقتصادی اسلامی و حمایت عملی از تولیدات داخلی و صدور اعلامیه و بیانیه مبنی

بر تحریم کالاهای خارجی و تعهد عملی خود به پرهیز از مصرف کالای خارجی و استفاده از کالاهای داخلی، نقش مؤثری در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه مالی ایرانی داشته‌اند.

امروزه نیز مقام معظم رهبری > با تأسی از عالمان مجاهد شیعه، یکی از راهکارهای مبارزه در میدان رویارویی با دشمنان ایران اسلامی را «حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی» عنوان کرده اند و در کنار توصیه به اجتناب از اسراف و تضییع منابع عمومی، «مصرف مخصوصات داخلی» را به مردم و مسئولین توصی فرموده‌اند.<sup>۲</sup>

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان، مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

۱. همان.

## سلطه اقتصادی از منظر اسلام

### داود مؤذنیان

خودداری کرده و به اصل موضوع مورد نظر پرداخته ایم.

**۷. تسلط و بردگی اقتصادی** نظام بردگی نوین، یکی دیگر از اهداف صهیونیزم است. در واقع یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پهودیت صهیونیزم، تسلط اقتصادی بر غیر یهود و به دنبال آن، بردگی ملت‌هاست که همانندش در تاریخ نبوده. آنان در برنامه‌های شیطانی خود: این چنین می‌آورند: «زنگیری که انسانها را به دام و تله فقر می‌بندد، به مراتب محکم تر از زنگیر بردگی است. به بیان دیگر، از زیر یوغ بردگی می‌توان به خوبی آزاد شد؛ ولی رهایی از زیر یوغ بینوایی و فقر بسیار دشوار است ما در قانون اساسی خود، حق رفاه مادی توده‌ها را به صورتی خیالی؛ اما نه به گونه‌ای واقعی گنجانده ایم و هرگز به این حق جامه عمل

**اشاره** در شماره‌های پیشین (مجله ۱۸۷ و ۱۹۱) به بررسی شش قید از پرتکل‌های یهودیت صهیونیزم و نیز بررسی آن از نظر اسلام پرداختیم. در این نوشتار به بررسی یکی دیگر از تفکرات و برنامه‌های آنان می‌پردازیم. برنامه‌ای که هدف از آن، به بند کشیدن ملت‌ها و ایجاد نظام برده داری نوین که به مراتب بدتر از برده داری گذشته است، می‌باشد.

همانگونه که در شماره‌های قبلی ذکر شد، هدف این مقاله، مقایسه تفکرات یهود و اندیشه‌های اسلام در موضوعات واحد می‌باشد، لذا از وارد شدن به تاریخچه و چرایی پیدایش این پرتکلها

۱. پرتکلها، برنامه‌هایی هستند که سرمایه داران و اقتصاددان یهود برای ویران کردن بنای مسیحیت، قلمرو پاپ و دست آخر اسلام، تنظیم کردند و مشکل از ۲۴ گزارش جلسه‌ای است.

نمی پوشانیم. اگر قرار شود که هر فرد، حق گفتن هر حرفی را داشته باشد، اگر قرار شود که هر روزنامه نویسی حق نوشتند هر مطلبی را اعم از خوب و بد پیدا کند، اگر هر کارگر زحمتکش و پرولتیری که دست تقدیر او را به کار وابسته کرده است، از لحاظ اقتصادی خودکفا باشد و نیز اگر بداند که قانون اساسی منافعش را تضمین نمی کند، فردا برای انتخاب نمایندگان پای صندوق رأی نمی رود و به نمایندگان که در واقع عوامل دست نشانده ما هستند، رأی نمی دهد. برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید، بسیاری از اصولی که رفاه اقتصادی او را تضمین می کنند، از متن قانون حذف می کنیم و در عوض فقط به او حق اعتساب اعطای می کنیم تا از این طریق وابستگی اش به رفقاء هم مسلکش و نیز شرایطی که کارفرمایش بر او تحمیل می کند، بیش تر شود... قدرت ما، در گرو کا هش مستمر مواد غذایی و ضعف جسمی کارگر می باشد؛ زیرا از این طریق می توانیم کارگر را به اسارت خود درآوریم و او را در اختیار داشته باشیم تا نتواند علیه خواسته های ما اقدام بکند.

۱. کسی که جز دستمزد روزانه خود درآمد دیگری ندارد.

تسلیطی که از طریق ایجاد گرسنگی بر کارگران به دست می آید، به مراتب مطمئن تر از تسلیطی است که آریستوکراسی به مدد قانون<sup>۲</sup> و شاه کسب کرده بود.<sup>۳</sup>

همانگونه که مشاهده می شود، صهیونیزم برای تسلط و برداشی اقتصادی مورد نظر خویش، از گزاره هایی برای رسیدن به این هدف استفاده می کند که عبارتند از: اشاعة فقر، بی توجهی به رفاه توده ها، ضعف طبقه کارگر و کا هش مواد غذایی در این طبقه . س پس تأکید می کند که قدرت ما، در گرو کا هش مستمر مواد غذایی و ضعف جسمی کارگر می باشد.

**سلطه و برداشی اقتصادی در نگاه اسلام**

سلطه و تسلط بر دیگری در اسلام از دو منظور بررسی می شود:

نخست تسلط غیر مسلمانان بر مسلمانان

۲. آریستوکراسی (Aristocracy) یا نخبه سالاری از و اژه یونانی آریستوتس (Aristos) به معنی بهترین و شایسته ترین است. برای اطلاعات پیش تر ر. ک: سیاست، ارسطو، ترجمه: حمید عنایت، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، سوم، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸؛ ۱۳۷۱، ص ۱۳۴۹، سیاسی، داریوش آشوری، انتشارات مروارید، تهران، یازدهم، ۱۳۵۷، ص ۴؛ بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، حمید عنایت، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۹، ص ۸۲.

۳. پرتوکلهای دانشوران صهیون، برنازمه عمل صهیونیسم جهانی، نویهنه عجاج، بنیاد، ترجمه: حمید رضا شیخی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، پنجم، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳ - ۲۷۰.

و دوم سلطه و استثمار فرد یا گروه و جامعه ای بر افراد دیگر جو امّع . در واقع نگاه دوم عام است؛ به این معنا که تمامی جو امّع و نیز مسلمانان نیز در صورت توان، حق استعمار و استثمار دیگران را ندارند و هر دو نگاه توسط اسلام نهی شده است، و این منافاتی با تسلط اسلام بر غیر مسلمانان ندارد؛ چراکه سلطه، غیر از ظلم و استثمار است. به عبارت دیگر، تسلط اسلام بر سرزمینها و ملل دیگر همواره با برپایی عدل و رسیدگی به طبقات ضعیف اجتماع همراه بوده است.

**نگاه اول:** سلطه غیر مسلمان بر مسلمان  
این تسلط به وسیله قاعدة نفی سبیل مردود است : [وَ لَنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِكَافِرِينَ عَلَيِ الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًّا]؛ «و هرگز خداوند راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده است.» صاحب کتاب تفسیر نمونه ذیل این آیه شریفه می نویسد : «از آنجا که کلمه سبیل به اصطلاح از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می رساند، از آیه استفاده می شود که نه تنها کافران از نظر منطق؛ بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان

چیره نخواهد شد . و اگر پیروزی آنها را بر مسلمانان در میدانهای مختلف با چشم خود می بینیم، به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان، مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظایف مسلّم‌انی خویش را به کلی فراموش کرده‌اند؛ نه خبری از اتحاد و اخوات اسلامی در میان آنان است و نه جهاد به معنی واقعی کلمه و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام آن را از لحظه تولد تا مرگ بر همگان لازم شمرده است ، دارند.»

همانگونه که اشاره شد، یکی از مصادیق این قاعده، نفی سلطه اقتصادی است؛ خواه از طریق شرکته ای چند ملیتی باشد که منابع تولید و بازار مصرف کشور مستعد را در اختیار خود می گیرند و از این راه، با تأسیس مراکز صنعتی در آن کشورها، بهره کشی از کارگران با مزد اندک، تهیّة مواد خام ارزان، استفاده از معافیته ای مالیاتی و ایجاد صنایع استخراجی و مونتاژ، کشور میزبان را عملًا به خود وابسته می سازند، و خواه با تأسیس بانکه ای استقراری و پرداخت وامه ای پربهره

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۳ش، ج ۱۴، ص ۱۷۶.

به سرمایه داران خصوصی داخل کشورهای محروم، زمینه را بری استثمار آنها فراهم نمایند و یا از طریق ایجاد شرکتهای مختلط کشت و صنعت و استفاده از امتیازات دولت میزبان، راه را برای تک محصولی کردن کشاورزی آنها باز کنند و با اضمحلال کشاورزی سنتی، بازار مناسبی برای فروش محصولات کشاورزی خود فراهم آورند و... اما تمام اینها مصادیقی از سلطه اقتصادی است که اسلام با یک قاعدة کلی جملگی آنها را نفی کرده و راه را برای همیشه بر اینگونه از سوء استفاده‌ها و بهره کشیهای استعماری بسته است؛ البته اگر در جامعه امروز شاهد اینگونه از موارد استعماری دول غربی بر ممالک اسلامی هستیم، نه از این روست که اسلام فاقد یک نظام اقتصادی است؛ بلکه به خاطر عدم اجرایی شدن احکام اقتصادی اسلام می‌باشد که اجرایی شدن آن مستلزم استخراج نظریه‌های اقتصاد اسلامی توسط متخصصین مسلمان حوزه اقتصادی است.

**میگان** نگاه دوم: استثمار فرد یا گروه بر افراد دیگر با نصوص و ادلہ فراوانی که در باب نهی از ظلم در قرآن و روایات آمده است، این نوع از سلطه نیز نفی

می‌شود؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

قرآن می‌فرماید: [۱] **تُظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ** [؛ ۱] «نه ستم کنید و نه مورد ستم واقع شوید.» و یا می‌فرماید: [لغة الله على الظالمين]:<sup>۲</sup> «لعنت خداوند بر قوم ست‌مگر.» و از این دست آیات در نفی ظلم بسیارند و نیز آیاتی که در آن امر به عدل و قسط شده.

همانگونه که روش است، عدل و ظلم متناقض یکدیگرند؛ تا ظلم هست، عدل معنا پیدا نمی‌کند. خداوند به عدل و قسط امری کرده و فرموده است: [إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ] [؛ ۳] و حتی فلسفه بعثت انبیا را برای برپایی آن معرفی کرده است: [إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنَا رُسُلًا بِالبَيِّنَاتِ وَ أَنْذَلَنَا مَعْهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ]؛<sup>۴</sup> جز با محو ظلم پدیدار نمی‌گردد؛ ظلم و ستم قبیح و منفور است؛ چه از جانب مسلمین بر غیر مسلمین وارد شود و یا از جانب غیرمسلمین بر مسلمین. از این رو، از منظر اسلام، هیچ جامعه ای

۱. بقره / ۲۷۹.

۲. اعراف / ۴۴.

۳. نحل / ۹۰: «خداوند امر به عدل و احسان می‌کند.»

۴. حیدر / ۲۵: «ما رسولان خود را آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناصایی حق و قوانین عادله) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند.»

می فرماید «الْفَقِيرُ فِي  
الوَطْنِ مُمْتَهَنٌ ؛» فقیر در  
وطن خود نیز خوار  
است.»

البته این دلیل تامه  
نیست؛ به این معنا که  
هر فقری لزوماً به ذلت  
و تباہی نمی کشد؛ چه  
بسیار فقیرانی که با  
عزت زندگی می کنند و  
چه بسیار اغنیایی که  
در فقرند: «كَمْ مِنْ فَقِيرٍ  
عَنِّيٌّ وَ عَنِّيٌّ مُفْتَقِرٍ ؛» چه  
بسا فقیری که توانگر  
است و توانگری که  
فقیر.»؛ اما از مجموع  
روایات بدست می آید که  
فقر معضل اجتماعی است  
که می تواند سر منشأ  
بسیاری از مفاسد  
اجتماعی شود، لذا نه  
تنها اسلام با این  
پدیده موافق نیست؛  
بلکه تمام برنامه های  
اقتصادی اسلام حکایت از  
مبازه با فقر در جهت  
ریشه کنی آن می کند،  
لذا پیامبر اسلام (ص) می  
فرماید: «أَرْبَعَةُ قَلِيلُهَا  
كَثِيرٌ : الْفَقْرُ وَ الْوَجْعُ وَ  
الْعَذَاوَةُ وَ النَّارُ ؛» چهار  
چیز است که کم آن زیاد  
است: فقر، درد، دشمنی  
و آتش.»

آن حضرت در جای  
دیگری می فرماید:  
«أَسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ

چنین حقی را ندارد که  
به جوامع دیگر دست  
در رازی کرده، آنها را  
مورد ظلم و غارت قرار  
دهد که در این صورت  
این وعده خداست که: [وَ  
سَيَّعَلُمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
مُتَّقَلِّبَ يَنْقَلِبُونَ]؛<sup>۱</sup>.

تسلط اسلام بر  
سرزمینها و ملل غیر  
مسلمان، و ظلم و  
استعمار، دو مقوله  
متمايز از هم هستند،  
پس هرگونه تسلطی  
مستلزم استعمار نیست؛  
چراکه اگر باشد، مصدق  
ظلم است و منفور.  
گزاره های صهیونیزم برای  
بردگی اقتصادی  
چنانکه گفته شد،  
صهیونیزم برای تسلط و  
بردگی اقتصادی مورد  
نظر خویش، از گزاره  
هایی برای رسیدن به  
این هدف استفاده می  
کند که عبارتند از:  
اشاعة فقر، بی توجهی  
به رفاه توده ها و  
تضعیف طبقه کارگر.  
فقر، عامل بسیاری از  
کج روی ها و جنایات  
است. از این رو، امیر  
مؤمنان (ع) می فرماید:  
«الْعُسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلَاقَ؛»  
سختی [و فشار زندگی]  
اخلاق را فاسد می کند.»  
فقر می تواند موجب  
خواری و ذلت شود؛  
چنانچه در جای دیگری

۱. شعر / ۲۲۷: «وَ بِهِ زُودِي آنها  
که ستم کردند، می دانند که  
بازگشتشان به کجاست و  
سرنوشتشان چگونه است!؟»  
۲. شرح غدر الحكم و درر الكل م  
آمدی، سید هاشم رسولی محلاتی،  
نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ  
دهم، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۲۸۶.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۸۹.

۵. معدن الجواهر و ریاضه  
الخواطر، محمد بن علی کراجکی،  
تحقیق: احمد الحسینی، مکتبه  
المرتضویة، تهران، چاپ دوم،  
۱۳۹۴ق، ص ۴۰؛ نهج الفضاحه، علی  
شیروانی، ان تشارات دار الفکر،  
قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش، ص ۴۹، ح  
۲۵۲.

**الفقر؛**<sup>۱</sup> از فقر به خدا پناه برید !» امیر مؤمنان (ع) نیز در این باره می فرماید : «فَإِنَّ الْفَقَرَ مَنْقَصَةً لِلَّهِ يَعِيْثُ لِلْمَقْتَ»<sup>۲</sup> هماناً فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می کند و عامل دشمنی است .»<sup>۳</sup>

ایشان در خصوص وضع معیشتی طبقات جامعه و رفاه آنان حساسیت ویژه ای داشتند که در سفارش به مالک اشتدر چنین

فرمودند : «ثُمَّ اللَّهُ أَفِى الْطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الظَّالِمِينَ لَا حَنَلَةٌ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسِي وَ الْزَّمْنِي فَإِنَّ فِي هَذِهِ الْطَّبَقَةِ قِيَانِعًا وَ مُغْتَرًا وَ إِحْفَاظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ»<sup>۴</sup> خ دارا ، خدا را ! در باب طبق ات پایین و محروم جامعه . کسانی که هیچ چاره ای ندارند؛ از مساکین ، نیازمندان ، بینوایان و زمین گیران . در این طبقه مردمی هستند ، سائل و مردمی هستند که در عین نیاز روی سوال ندارند . خداوند حقی برای ایشان مقرر داشته و از تو خواسته است که آن را رعایت کنی ، پس در نگهداشت آن بکوش»<sup>۵</sup> رفاه اقتصادی

از بیانات فوق به خوبی می توان دریافت که تا چه اندازه وضع مبتکن

۱. نهج البلاغه، على شিروانی، ۳۱۹.
۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۷۸.
۳. نهج البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص۴۲۸.

عمومی و رفاه توده ها و طبقات محروم جامعه نزد امام متقيان دارای اهمیت بوده است . در نگاه متعالی امیر مؤمنان (ع) یکی از مهم ترین برنامه های حکومت اسلامی، رسیدگی به وضع محرومین است، تا آنجا که حاکم باید نمایندگانی امین در بین آنان بگمارد تا دائم از حال آنان مطلع و به نیازهای آنان واقف باشد .

از نگاه آن حضرت، رفاه اجتماعی حقی است که خداوند بر عهده حاکم اسلامی گذاشته و عاملی است که موجب جلب اعتماد والی می شود . توجه به وضع معیشتی طبقه کارگر و رفاه آنان در آموزه های اسلامی ما از جایگاه ویژه ای برخوردار است، تا جایی که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می فرماید : «أَعْطُوا الْأَجِيرَ قَبْلَ أَنْ يَحِقَّ عَرْقَهُ؛ مِزْدَ كارگر را پیش از خشک شدن عرقش به او بدھید !» و در جایی دیگر، ستم به کارگران در پرداختن کارمزد آنان را از گناهان کبیره شمرده ، می فرماید : «ظُلْمُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ مِنَ الْكَبَائِرِ؛ ظُلْم

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳ .  
۵. الجامع الصغير في الأحاديث البشير النذير، جلال الدين السيوطي، دار الفكر، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۷۵ .  
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی ، دار الكتب الاسلامیه تهران ، ۱۳۸۹ش، چاپ چهارم ، ج ۱۰۰ .

به کارگر در دستمزدش از کبایر است.» همچنین یکی از مواردی را که موجب عدم آمرزش گناهان شمرده شده، غصب مزد کارگر دانسته و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ إِفْرُكَ لِذُنْبٍ إِلَّا مَنْ أَخْدَثَ دِيْنَ أَوْ عَصَبَ أَجْرَهُ هُوَ، خَدَاوَنْدَ بَخْشَاينَدَةَ تَمَامَ گناهان است، مگر گناه بدعت گذاران در دین و غاصب مزد کارگر.» و چه جالب که غاصبان مزد کارگر را در کنار بدعت گذاران در دین نهاده و این خود گویا توجه و حساسیت بالای اسلام به رفاه قشر کارگر است اینها گوشه ای از روایات و فرمایشات آن بزرگواران در مورد کارگر و حقوق وی بود. یکی از اصول حاکم بر ساختار سیاسی اسلام «عدالت اجتماعی» است که منافی هرگونه سوءاستفاده از توده ها و استثمار آنهاست. این اصل به قدری شریف است که خداوند تبارک و تعالی اآن را از اهداف بعثت انبیاء بر شمرده و می فرماید: [إِنَّمَا أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولَمُ الْأَنْسُ بِالْقِسْطِ]؛<sup>۱</sup> «ما رسولان خود را با دلایل روش فرستادیم، و با آنها

کتاب (آسمانی) و میزان (شناصایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.» به تعبیر امام موسی صدر!: «احکام اسلامی، عدالت اجتماعی و اقتصادی را در دل عبادات و از شروط صحت آن قرار می دهد. این نکته روش می سازد که عدالت اقتصادی و اجتماعی، تنها دو حکم فرعی و دو واجب عادی نیستند؛ بلکه این دو بر اصول عقیده و ایمان بنیاد نهاده شده و از آنها جدا نمی شود و اسلام نیز بر وجود ایمانی که ثمره اش عدالت در زندگی فردی و گروهی نیست، صحه نمی گذارد. از اینجاست که عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام، دو موضوعی می شوند که عمیق، دائمی و گسترده اند؛ زیرا آنها با سرشت مؤمن آمیخته است و از گوهر وجودی او، در امور فردی و گروهی سرچشمه می گیرد.<sup>۲</sup>» این اصل اسلامی حکام را موظف می کند که به وضع مردم از ضعیف ترین آنها که همان قشر کارگرند، تا قوی ترین آنها رسیدگی کند و همان گونه که امیر المؤمنان (ع) فرمود: «الذِّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّىٰ

<sup>۳</sup>. عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام، امام موسی صدر، پیگاه جوزه، ۲۶ فروردین ۱۳۸۵، شماره ۱۸۰، ص: ۴

۱. عيون اخبار الرضا، شیخ صدوق، تصحیح: سیدمهدی حسینی لاچوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳۵. ۲. حدید، ۲۴

آخَذَ الْحَقَّ لَهُ وَ الْقَوِيُّ  
عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقَّ  
مِنْهُ ؟ أَكُنُونَ هُرْ ذَلِيلٌ  
سَتمَدِيدَهُ إِنِّي نَزَدَ مِنْ  
عَزِيزٍ إِسْتَ تَأْ حَقْشَ رَا  
بَسْتَانَمْ وَ بَهُ اوْ بَدَهَمْ وَ  
هُرْ نِيرَوْمَندَ سَرْكَشِي نَزَدَ  
مِنْ حَقِيرَ تَأْ حَقَّ  
سَتمَدِيدَكَانَ رَا از اوْ  
بَازْسَتَانَمْ . » وضع  
اَقْتَصَادِي اَقْشَارَ ضَعِيفَ  
جَامِعَهُ اَز اَهْمِيَّتَ بَالَائِي  
بَرْخُورَدَارَ اَسْتَ وَ نَبَایِدَ  
آنَانَ بَهُ پَلَهُ گَاهِي بَرَايَ  
پَا گَذَاشْتَنَ بَرَ آنَهَا جَهَتَ  
افْزاِيشَ سَرْمَاهِيَهَ سَرْمَاهِيَهَ  
دَارَانَ تَبَدِيلَ شَوَنَدَ ،  
آنَگُونَهَ كَهَ صَهِيُونِيزْمَ بَرَ  
آنَ هَسْتَنَدَ .

اد امه دارد...

## شبهات باب توحید و خداشناسی

اداره کل فرق و ادیان - محمدجواد حاجی ابوالقاسم

هست که جدا از وظيفة حکومت است، و آن، مقام خلافت کلی الهی است که گاهی در لسان ائمه) از آن یاد شده است. خلافتی است تکوینی که به موجب آن، جمیع ذرات در برابر ولی امر خاضع اند.»

این در حالی است که در قرآن کریم صراحتاً می‌گوید: وقتی خدا از کفار قریش سؤال کرد که چه کسی عالم را تدبیر می‌کند؟ آنها در پاسخ گفتهند: خدا. پس عقیدة شیعه از کفار قریش که توحید ربوبیت را قبول داشتند، پایین تر و بدتر است!

پاسخ

در ابتدا باید گفت کلام کفار قریش، اعتقاد آنها نبود؛ بلکه نتیجه تفکرشان بعد از یک سؤال بود؛ چنانچه قرآن

۱. حکومت اسلامی، سید روح الله موسوی (امام خمینی)، کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، یحیی تا، ص ۵۷، ذیل عنوان ولایت تکوینی

### اشاره

در شماره گذشته (مبلغان ۱۹۱) موضوعی با عنوان «پاسخ به شبهات اعتقادی و هابیت» ارائه شد با این هدف که به برخی از شبهات اعتقادی و هابیون و رسانه های آنها عليه معتقدات تشیع، پاسخ داده شود. در بخش نخست این موضوع، به یکی از شبهات و هابیت درباره تجسم پاسخ دادیم. اینک به دو شبهه دیگر مطرح شده از سوی آنان می‌پردازیم و ابتدا پاسخ خود را مطرح کرد، سپس در مقابل، از و هابیها یک سؤال می‌پرسیم.

### شبهه دوم

چرا شیعیان اعتقاد دارند که ائمه) مانند خدا بر کل عالم تسلط دارند؟ در کتاب ولایت فقیه (حکومت اسلامی) امام خمینی) آمده است: «برای امام مقامات معنوی هم

کریم می فرماید : [وَ مَنْ يُدْبِرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ عَزَّ ذَلِكَ عَلَوْهُ بِرَأْيِنَ خَدَاوَنْدَ مَتَعَالَ دَرَ قَرَآنَ كَرِيمَ دَرَ مُورَدَ مَلَائِكَةَ خَوَيْشَ مَيْ فَرَمَائِيدَ : [فَالْمُدَبَّرَاتِ أَمْرًا]²؛ «وَ كَارَ مَخْلُوقَاتَ] رَا تَدَبِيرَ مَيْ كَنَنْدَ.» حالَ، آیَا كَسِيَ مَيْ تَوَانَدَ بَگُويَدَ (نَعَوْذَ بِاللهِ) كَفَارَ قَرِيشَ بَيْشَ اَزَ خَدَايَ مَتَعَالَ بَهَ تَوْحِيدَ اَعْتَقَادَ دَاشْتَنَدَ؟ ! چَرا كَهَ كَفَارَ قَرِيشَ تَدَبِيرَ عَالَمَ رَا كَارَ خَدا مَيْ دَانَسْتَنَدَ؛ وَلَيَ خَودَ خَدَايَ مَتَعَالَ تَدَبِيرَ رَا بَهَ مَلَائِكَهَ اَشَ نَسْبَتَ مَيْ دَهَ؟ !

قطعاً چَنَنْ بَرَدَ اَشْتَيَ اَشْتَبَا هَ بَوَدهَ وَ بَرَدَ اَشَتَ صحِيقَ آنَ اَسْتَ كَهَ بَگُويَمَ : خَدَايَ مَتَعَالَ مدَبَّرَ اَصْلَيَ عَالَمَ اَسْتَ؛ وَلَيَ اَجْرَايَ تَدَبِيرَ - باَذَنَ خَدا - تَوَسْطَ مَلَائِكَهَ صَورَتَ مَيْگَيرَدَ.

پَسَ كَلامَ اَمامَ خَمِينَيَ ! نَيَزَ صَحِيقَ اَسْتَ؛ وَلَيَ مَنَاسِبَتَيَ باَ آنِچَهَ دَرَ مَتَنَ سَؤَالَ آمَدَهَ، نَدارَدَ؛ زَيَرَا دَرَ سَؤَالَ آمَدَهَ «هَمَانَنَدَ خَدا ! اَغَرَ مَقْصُودَ اَزَ هَمانَ نَدَ خَدا اَيَنَ اَسْتَ كَهَ بَهَ صَورَتَ مَسْتَقْلَ وَ بَدَونَ اَذَنَ گَرْفَتَنَ اَزَ خَدا چَنَنْ مَيْکَنَنَدَ، اَيَنَ مَطْلَبَ قَطْعاً

شرك و باطل است و شیعیان هیچ گاه چنین اعتقادی ندارند؛ بلکه معتقدند تمام تدبیر و کنترل عالم و ذرات، با قدرت و اراده الهی صورت می گیرد؛ اما وسیله خدای متعال برای اجرای این اراده، اهل بیت) هستند، همانطور که قرآن در مورد ملائکه گفته است.

امام صادق (ع) به همین نکته اشاره می کند و می فرماید : در زیارت سید الشهداء (ع) بگویید : «إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي حَقِّ أَدِيرٍ أُمُّ وَرَهِ ثَهِيْ طَ إِلَيْ يَلْكُمْ وَ تَضَدِّرُ مِنْ بِيْ وَتَكْلُمْ؛ إِلَيْهِ اِرَادَةُ پروردگار در تعیین امور بر شما نازل می شود و از خانه شما (به دیگران) صادر میگردد.» در زیارت جامعه کبیره نیز - که سند آن معتبر است - آمده : «وَ أَمْرُهِ إِلَيْ يَلْكُمْ؛ إِلَيْهِ اِرَادَةُ به سوی شما میآید.» همچنین در تفسیر علی بن ابراہیم قمی آمده است : امام رضا (ع) فرمودند : «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ الْأَئِمَّةِ مَوْرِدًا لِإِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئًا شَأْوَهُ وَ قَوْلَهُ: [وَمَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ

۱. الكافی، شیخ کلینی، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۳۱۲.  
۲. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۳.

۱. «کیست که کارها را تدبیر می کند؟ خواهند گفت خدا ». یونس/ ۳۱.  
۲. نازعات/ ۵.

من نیاموخت . او گفت : آیا کسی جز خدا و سپس شما (اهل بیت) بر سر ما ، مو روی اندۀ اید؟! «ذبی» که خود از سرشناسان و متعصبان علمای اهل سنت است ، بعد از نقل این روایت ، میگوید : سند آن صحیح است !  
 یعنی خلیفة دوم - که نزد اهل سنت ، جایگاه خاصی دارد - اعتقاد داشته است که اهل بیت (ع) حتی در جزئی ترین تصرفات زندگی انسان (روییدن مو بر روی و سر وی ) قدرت تصرف دارند .  
 همچنین «ابن تیمیه» که سلفیان و وهابیان اعتقاد خاصی نسبت به وی دارند ، در کتاب مجموعه فتاوی خود به هنگام مقام مقایسه بین انسان و ملائکه مینویسد : در مورد سود رساندن به دیگران و مخلوقات ،

۳. «حماد بن زید حدثنا يحيى بن سعيد الأنصاري عن عبيد بن حنين عن الحسين قال صعدت المنبر إلى عمر فقلت انزل عن منبر أبي واده إلى منبر أبيك فقال إن أبي لم يكن له منبر فأقعدني معه فلما نزل قال أيبني أحد علمك هذا قلت ما علمنيه أحد قال أيبني وهل أتبأت على رؤوسنا الشعر إلا الله ثم أنتم ووضع يده على رأسه وقال أيبني لو جعلت تأتينا وتعشانا لاستناده صحيح .» سیر أعلام النبلاء ، محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذہبی ، تحقیق : شعیب الازنیقوط و محمد نعیم العرقسوی ، مؤسسہ الرسالۃ ، بیروت ، چاپ نهم ، ۱۴۱۳ق ، ج ۳ ، ص ۲۸۵

الْغَلْبَةُ الْمَيْنَ[۱]؛ خداوند قلوب ائمه) را محل ورود اراده خدا (به این عالم) قرار داد ، پس هر زمان خدا اراده ای کند ، ائمه) نیز چنین اراده میکنند و این همان قول خداوند متعال است که می فرماید : و اراده نمیکنند ، جز آنچه خداوند پروردگار عالمیان اراده کند .  
 بنابراین ، اعتقاد شیعه دقیقاً اعتقادی مطابق ب ا آیات و روایات است .  
**اما سؤال ما :** آیا بزرگان اهل سنت را که اعتقاد به تدبیر عالم توسط انسانهای صالح دارند ، همانند شیعه کافر میدانید؟  
 در کتب برادران اهل سنت ، با سند معتبر آمده است که سید الشهداء (ع) فرمود : روزی بر منبر خلیفة دوم رفتم و به او گفتم : از منبر پدر م پایین بیا و بر منبر پدرت بشین ! او گفت : پدر من منبر نداشته است ! سپس مرا کنار خود نشاند . زمانی که پایین آمد ، گفت : ای پسر ! این سخن را چه کسی به تو آموخته است؟ پاسخ دادم : کسی این را به

۱. تکویر/۲۹ . تفسیر قمی ، علی بن ابراهیم قمی ، دارالکتاب ، قم ، ۱۴۰۴ق ، ج ۲ ، ص ۴۰۹

و تدبیر عالم (به عنوان دلیلی برای برتری ملائکه) گفته اند: آنها رزق بندگان را بر دست خویش جاری می کنند و علوم و وحی را فرو می آورند و عالم را حفظ و نگهداری می کنند! اما جواب این است که انسانهای صالح، این مقامات و بیش تر از آن را دارند! در این مورد شفاعت انسانهای شفاعت کننده در مورد گناهکاران و یا همه انسانها تا از سختی قیامت نجات پیدا کنند و حساب آنها شروع شود، و نیز شفاعت در مورد اهل بهشت که وارد آن شوند، کافی است (تا بر برتری انسان بر ملائکه دلالت کند) و بعد از این مرحله، نوبت به شفاعت ملائکه می رسد . این ملائکه چطور به مقام «و ما تو را نفرستادیم، مگر رحمتی برای عالمیان» می رسند؟ و ملائکه چه زمانی به مقام کسانی می رسند که «دیگران را بر خویش مقدم میدارند، حتی اگر خود در سختی باشند»؟ و ملائکه چه زمانی به مقام کسانی می رسند که به سمت هدایت و دین حق دعوت می کنند و یا سنت حسنی ای بر جای می گذارند؟ و ملائکه ه را چگونه با این سخن رسول خدا (ص) می سنجید که

فرمود : «در امت من کسانی هستند که در افرادی بیش تر از دو قبیله ربیعه و مضر شفاعت می کنند !؟ و ملائکه را چگونه با : اقطاب، اوتاد، اغواط، ابدال و نجبا می سنجید !؟ آیا وهابیون و سلفیان که چنین اعتقاداتی را شرک می دانند، می توانند بگویند خلیفة دوم که در این مورد اعتقادی مشابه شیعیان دارد، مشرك است؟ آیا ابن تیمیه را که در این مورد تصریح به صحت اعتقاد شیعه کرده است، کافر میدانند؟ ! بشبه سوم چرا شیعیان اعتقاد

۱. و اما النفع المتعدی والنفع للخلق وتدبیر العالم فقد قالوا هم تجری ارزاق العباد على أيديهم وينزلون بالعلوم والروحى ويحفظون ويمسكون وغير ذلك من افعال الملائكة .  
والجواب ان صالح البشر لهم مثل ذلك شفاعة الشافع المشفع في المذنبين وشفاعته في البشر كي يحاسبوا وشفاعته في أهل الجنة حتى يدخلوا الجنة ثم بعد ذلك تقع شفاعة الملائكة وأين هم من قوله: [وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ] وَأَيْنَ هُمْ عَنِ الَّذِينَ : [يُؤْتُرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَّاصَةً] وأين هم ممن يدعون إلى الهدى ودين الحق ومن سن سنة حسنة وain هم من قوله (ص): «أَنَّ مِنْ أَمْيَّتِي مِنْ يَشْفَعُ فِي أَكْثَرِ مِنْ رِبِيعَةٍ وَمَضِيرَةٍ». وَأَيْنَ هُمْ مِنْ الأقطاب والأوتاد والأغواط والأبدال وإنجبا؟ مجموع الفتاوي، أحمد عبد الرحيم بن تیمیة الحرانی، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدي، مکتبة ابن تیمیة، بی تا، چاپ دوم، ج ۴، ص ۳۷۹

یکی از صفات رُّزاقیت خدای متعال است، به پیامبر نیز نسبت داده است.

یا در آیه ای دیگر می‌فرماید : [وَلِوْا أَنْهُمْ رَضُوا مَا أَتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَاتُلُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُوتُنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَأْغُبُونَ]؛<sup>۳</sup> «و اگر آنان بدانچه خدا و پیامبر به ایشان داده‌اند، خشنود می‌گشتند و می‌گفتند: خدا ما را بس است، به زودی خدا و پیامبر از کرام خود به ما می‌دهند و ما به خدا مشتاقیم ] قطعاً برای آنان بهتر بود».

در این آیه نیز صفت «مؤتی»؛ (بخشند) که از صفات خدای متعال است، در کنار خدا، به پیامبر (ص) نسبت داده شده است. در واقع فرق چنین صفتی در پیامبر (ص) با خدای متعال در این است که این صفت برای خدای متعال ذاتی است و برای پیامبر (ص) با اذن و قدرت خدای متعال، و حضرت بدون اذن و اراده خدا از خود چیزی ندارد.

### مبفان

دقیقاً همین اعتقاد را شیعیان در مورد اهل بیت) دارند و شبیه همین خصوصیت را در مورد

دارند که رزق و روزی موجودات و حتی بارش باران، توسط ائمه و یا با تدبیر آنان صورت می‌گیرد؟

به عبارتی دیگر شیعیان ادعا می‌کنند که باران به واسطه ائمه (می‌بارد و آنها به مردم رزق و روزی میدهند، و حال آنکه حتی کفار قریش چنین اعتقادی نداشتند و این کارها را از خدا می‌دانستند ! پس اعتقاد شیعیان از کفار قریش نیز بدتر است. پاسخ

همانطور که در پاسخ سؤال قبل گفته شد، برخی از اعمال در قرآن به خود خدا نسبت داده شده است و در آن به افرادی دیگر نیز - با اذن خدا - نسبت داده شده ! چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: [وَ مَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ]؛<sup>۲</sup> «و به عیب جویی برنخاستند؛ مگر از آن رو که خدا و پیامبر از فضل خود آنان را بی نیاز گردانیدند.» در این آیة شریفه، خداوند متعال صفت «بینیاز کردن » را که

۱. [وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَاءٌ فَإِنْجِنْهُ يَهُ الْأَرْضُ مِنْ بَعْدَ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ] عنکبوت / ۶۳

۲. توبه / ۱۸۷ .

بسیار پیدا می کنند، سپس نزد گروهی دیگر می آید که کلام او را قبول نمی کنند. او نیز از نزد آنها می رود؛ اما کل حیوانات آنها تلف می شوند.<sup>۲</sup>

چرا وقتی شیعیان مطالبی را که مبنياً قرآنی و روایی دارد مطرح می کنند، وهابیون آنها را به این بهانه تکفیر می کنند؛ اما وقتی شیعیه همین مطلب را صحیح مسلم در مورد دجال - مهم ترین فتنه گر آخر الزمان - می آورد، آن را صحیح و بدون هیچ اشکالی میدانند؟

ادامه دارد...

ایشان مطرح می کنند. در زیارت جامعه کبیره آمده است: «**بِكُمْ فَتْحُ اللَّهِ وَ بِكُمْ مَا يَخْتِمُ وَ بِكُمْ مِّنْزَلُ الْغَيْثَ أَوْ بِكُمْ مِّنْسَأَةٍ أَنْ تَقْعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ مِّنْفَسٌ إِلَهٌمْ وَ بِكُمْ يَكْشِفُ الْفَرَّارُ؛**<sup>۱</sup> به واسطه شما خدا آغاز (به لطف) می کند و آن را پایان می دهد، و باران می بارد و به واسطه شماست که آسمان را از افتادن بر زمین نگاه می دارد و اندوه را آسان می کند و مشکلات را برطرف می گرداند.»

اما سؤال ما : آیا صحیح است که طبق روایات اهل سنت، دجال می تواند رزق و روزی موجودات را بدهد و از آسمان ب اران ببارد؛ ولی پیامبر (ص) و اهل

بيت او نمی توانند؟ در «صحیح مسلم» آمده است : «دجال به نزد گروهی از مردم آمده، آنها به وي ایمان آورده و سخن او را اجابت می کند ! دجال نیز به آسمان بر آنان میدهد و آسمان بر آنان باران می بارد، و به زمین دستور می دهد و زمین سبز می شود . به همین سبب حیوانات آنان بسیار رشد کرده و شیر فراوان می دهد و نسل

۲. «فَيَأْتِيَ عَلَى الْقَوْمِ فَيَنْذَغُوُهُمْ فَنُؤْمِنُونَ بِهِ وَيُسْتَجِيبُونَ لَهُ فَيَأْمُرُ السَّمَاءَ فَتُمْطَرُ وَالْأَرْضُ فَيُثْبَثُ فَتَرُوْخُ عَلَيْهِمْ سَارِخَتْهُمْ أَطْوَلُ مَا كَانَتْ ذِرَّاً وَإِسْبَغَهُمْ ضَرِبُوْغًا وَأَمَدَّهُمْ خَوَافِرَ تَمْ يَأْتِيَ الْقَوْمُ فَيَنْتَعُوهُمْ فَيَرِدُونَ عَلَيْهِ قُوَّلَةً فَيَنْصَرِفُ عَنْهُمْ فَيَصْبِحُونَ مُهْجَلِينَ». صحیح مسلم ، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسا بوری (م ۲۶۱)، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ج ۴، ص ۲۲۵۲.

۱. عيون أخبار الرضا %، شیخ ۱۳۷۸ صدوق، نشر جهان، تهران، ش، ج ۲، ص ۳۰۸.

## مشکلات معیشتی مردم و مذاکرات هسته‌ای دولت

سید محمدعلی تقوی - گروه جهادی مقاومت

«تعديل در سیاست خارجه »، «تعامل با جامعه جهانی »، «نرم‌ش قهرمانانه »، «ظرفیت مذاکرات هسته ای» و... . اکنون ادامه این موضوع ارائه می‌گردد.<sup>۱</sup> سؤال: چرا حضرت‌عالی با وجود بی‌اعتمادی و بدینی نسبت به غرب و آمریکا ، با برنامه مذاکرات هسته‌ای دولت موافقت کردید؟ برخی این موافقت را ناشی از استیصال نظام در برابر مشکلات اقتصادی تحلیل کرده‌اند.

پاسخ : ما قبلاً هم اعلام کردیم؛ قبل از این حرفا هم ما گفتیم [که ] نظام جمهوری اسلامی درباره موضوعات خاصی که مصلحت بداند،

۱. ذکر دو نکته در اینجا ضروری است: الف) فرمایشات مقام معظم رهبری> برگرفته از سایت دفتر ایشان به نشانی www.khamenei.ir است و عبارات و جملاتی که بر آن افزوده شده ، با علامت [ ] نشانه‌گذاری شده است ب) در ذکر مأموریت سخنان مقام معظم رهبری> به تاریخ سخنرانی اکتفا شده و علاوه‌ندان می‌تواند با مراجعت به سایت مذکور، محل سخنرانی و حاضرین در آن را ملاحظه نمایند.

### اشاره

امروزه پیرامون موضوعات و مسائل گوناگونی که در اجتماع رخ می‌دهد، سؤالات و شباهاتی برای مردم پیش می‌آید که بایستی برای آنها جوابی صحیح و دقیق ارائه شود تا اذهان عمومی دچار شباهه پرآکنی ها و کج روی ها نشوند . یکی از بهترین وجهه پاسخ دهی، پاسخ از لسان بزرگان دین، علماء و مراجع دینی است که علاوه بر اتقان و صحت، در پذیرش آن از سوی مخاطب، تأثیر به سزایی دارد.

در شماره گذشته (مبلغان ۱۹۱) برخی از سؤالات مطرح شده در جامعه پیرامون «مشکلات معیشتی و مذاکرات هسته ای» را مطرح و پاسخهای آن از فرمایشات مقام معظم رهبری > ارائه گردید؛ سؤالاتی در زمینه «مشکلات معیشتی مردم »،

چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنیسازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد . اگر ما آن تعلیق اختیاری را - که البته به نحوی تحمیل شده بود؛ لکن ما قبول کردیم . مس ئولین ما قبول کردند - آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند: خب یک ذره شما عقبنشینی می کردید، همه مشکلات حل می شد ! پرونده هسته ای ایران عادی می شد ! آن تعلیق غنیسازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقبنشینی، با تعلیق غنیسازی، با عقب افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها، مشکل حل نمی شود . طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است . این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی سازی را آغاز کردن ... بندۀ همچنان که گفتم، خوبشین نیستم . من فکر نمی کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید؛ لکن تجربه ای است و پشتوانة تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد . ایرادی ندارد؛ اما لازم است ملت بیدار باشد.

[علت دیگر موافق]

۳. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۸/۹۲

با این شیطان برای رفع شر او و برای حل مشکل، مذاکره می کند؛ [اما] معنای این آن نیست که این ملت مستأصل شده است، ابدآ . بعضی از مسئولین و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت - فکر می کند در قضیه هسته ای، ما با آمریکاییها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتم: خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم : من خوشبین نیستم؛ [ولی] مخالفتی نمی کنم؛ اما خوشبین نیستم.

ما هم با ذن الله ضری نمی کنیم . یک تجربه ای در اختیار ملت ایران است - که حال من مختصرأ عرض خواهم کرد - این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برده؛ مثل تجربه ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه تعلیق غنیسازی انجام گرفت؛ که آن وقت تعلیق غنی سازی را در مذاکرات با همین اروپاییها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت . خب ما دو سال عقب افتادیم؛ لکن به نفع ما تمام شد .

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۹۲/۱۰/۱۹ .  
۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۱۱/

بـه عملکردها و برحسب  
عملکردها قضاوت می کنم  
و به توفیق الهی و به  
کمک الهی، برحسب  
عملکردها هم عمل خواهم  
کرد.

رہبری یک مدیریت است، البته مدیریت اجرایی نیست . این اشکال و اشتباه هم در طول زمان، از اول انقلاب تا امروز، در بعضی از تبلیغات ادامه دارد. اینجور تلقی می کنند که رہبری یک مدیریت اجرایی است؛ نه، مدیریت اجرایی، مشخص است ... در واقع رہبری، یک مدیریت کلان ارزشی است ... بعضیها دوست دارند همین طور بگویند فلان تصمیمهای بدون نظر رہبری گرفته نمی شود؛ نه، اینطور نیست . مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیتهاي مشخصی دارند : در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بحث‌گان دیپلماسی . نمایندگان مجلس در بخش‌های خودشان و مسئولان قوه قضائيه در بخش خودشان، مسئولیتهاي مشخصی دارند . در همه اينها رہبری نه می تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امكان ندارد . خيلي از تصميمهای اقتصادي ممکن است گرفته شود، رہبری

ما ] شکستن فضای خصمانه  
جبهه استکبار بر ضد  
ایران [بود ] ... هدف  
آنها این است که با  
این بهانه، فضای بین  
المللی را بر ضد ایران  
حفظ کنند و بر همین  
اساس بود که با طراحی  
جدید دولت برای مذاکره  
در خصوص موضوع هسته ای  
موافقت شد تا این جو  
جهانی شکسته و ابتکار  
عمل از طرف مقابل  
گرفته شود و حقیقت نیز  
برای افکار عمومی دنیا  
مشخص شود .

سؤال : آیا حمایت شما از دولت به معنای تأیید توافقات صورت گرفته است؟ آیا جزئیات مذاکرات تحت اشراف حضرت‌عالی است و شما در آن دخالت دارید یا خیر؟ پاسخ : [اولاً] کسی را که مردم انتخاب کنند و رئیس جمهور قانونی کشور شود، همیشه مورد احترام و تکریم و حمایت جامع رهبری در همه دولتها بوده؛ بعد از این هم باید باشد.... همه دولتها که بعد از انقلاب سر کار آمدند، دولتها من منتخب مردم اند و بنده در همه این دوره‌ها - آن وقتی که مسئولیت داشتم - از همه این دولتها حمایت کردم. البته چک سفید امضا هم به کسی نمی‌دهم. نگاه می‌کنم

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۰۲/۰۶

٢- بيانات معظم له، تاريخ ١١/١١/١٤٨٤

٣- بيانات معظم له، تاريخ ١٤٩٣/٤/٦.

سخنرانی عمومی گفتم : اگر چنانچه این کارها انجام نگیرد، خودم وارد می شوم و همین هم شد.

[امروز در بحث هسته ای] بنده در جزئیات مذکوره دخالتی نکردم، باز هم نمی کنم . من مسائل کلان، خطوط اصلی، چارچوبهای مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته ام . عمدتاً به رئیس جمهور محترم - که ما با ایشان جلسات مرتب داریم - و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه، خطوط اصلی و کلی . جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجه نیست . اینها در اختیار آنهاست؛ می توانند بروند کار کنند . اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست.

[در خصوص توافقات صورت گرفته هم ] نه موافقم، نه مخالف؛ چون هنوز اتفاقی نیفتاده است . هنوز کاری نشده . همه مشکل بر سر آن جزئیاتی است که بناست بنشینند و یکایک آنها را بحث کنند . این را خود مسئولین هم گفته اند . هم به ما گفته اند، هم در

قبول هم نداشته باشد؛ اما دخالت نمی کند.<sup>۱</sup> بنده به خیلی از این قوانینی که در مجلس تنظیم می شود، اعتقادی ندارم و آنها را قبول ندارم؛ ولی وقتی قانون شد، بنده هم به صورت یک قانون عمل می کنم و مخالفت نمی کنم . موارد متعددی پیش می آید از اقدامهایی که در دولت انجام می گیرد و مورد قبول من نیست؛ اما مسئولانی دارد که تنظیم و تصمیم گیری کرده اند . وظیفة آنهاست ... بعضیها خیال می کنند که این «ولایت مطلقه فقیه»<sup>۲</sup> که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق العنوان است و هر کار که دلش بخواهد، می تواند بکند ! معنای ولایت مطلقه این نیست . رهبری بایستی موبه مو قوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد.

بله، آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می کند ... در قضیة هسته ای، در آن دوره اول [دهه ۸۰ شمسی]<sup>۳</sup> که تلاطمها یی بود، بعض اقدامهایی انجام می گرفت که شاید مطلوب نبود . من آنجا در

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۰/۷/۲۴ .  
۲. بیانات معظم له، تاریخ ۸۲/۹/۲۶ .

این مذاکرات حل و فصل شود.  
این تحلیل چقدر به واقعیت  
نزدیک است؟

پاسخ: این دروغ است.  
در ایران هیچ کس نیست  
که نخواهد مسئله  
هسته ای حل بشود و با  
مذاکرات حل بشود. بند  
با توافقی که بتواند  
انجام بگیرد، موافقم،  
البته توافق بد، نه.  
آمریکاییها مکرر تکرار  
می کنند و می گویند:  
«ما معتقدیم که توافق  
نکردن، بهتر از توافق  
بد کردن است.» بله، ما  
هم همین عقیده را  
داریم. ما هم معتقدیم  
که توافق نکردن، بهتر  
است از توافق بد.  
توافقی که به ضرر  
منافع ملی است، توافقی  
که موجب تحیر ملت  
بزرگ و با عظمت ایران  
است.

برد اشت ما این است که آمریکا مایل به تمام شدن مذاکرات هسته ای نیست . آمریکاییها دوست ندارند گفتگوهای هسته ای تمام شود و مناقشة هسته ای حل شود ؛ و گرنه چنانچه آنها مایل به اتمام این مذاکرات و حل این مشکل بودند ، راه حل بسیار نزدیک و بسیار آسان بود . ایران در مسئله هسته ای ، فقط می خواهد حق غنی سازی او — که حق طبیعی اش است — از طرف دنیا شناخته شود .

## ٢. بيانات معظم له، تاريخ

٣٠. بيانات معظم له، تاريخ

صاحبہ هایشان به مردم این را گفته‌اند . همه مشکل بعد از این است . ممکن است طرف مقابل که یک طرف لجوچ، بد عهد، بدمعامله، اهل دبه در آوردن، اهل چکوچانه کردن، اهل از پشت خنجر زدن و اهل اینجور کارها و سیاه کاری هاست، سر جزئیات بخواهد کشور ما را، ملت ما را، مذاکره کنندگان ما را در یک دایره‌ای محصور کند . ما هنوز هیچ چیز در اختیار نداریم . هیچ الزامی به وجود نیامده است . اینکه حال تبریک می‌گویند، به بندۀ تبریک می‌گویند، به دیگران تبریک می‌گویند، بی‌معنی است . چه تبریکی؟ آنچه تاکنون انجام گرفته است، نه اصل توافق و مذاکرة منتهی به توافق را تضمین می‌کند، نه محتوای توافق را تضمین می‌کند؛ هیچ کدام را، حتی تضمین نمی‌کند که این مذاکرات تا به آخر بررسد و به یک توافق منتهی بشود . اینکه تا الان انجام گرفته، اینجوری است . همه چیز مربوط به بعد از این است .

سؤال : رئیس جمهور آمریکا عنوان کرده است که حضرت عالی برخلاف حمایت و پشتیبانی از دولت و هیئت مذاکره کننده، نمی‌خواهد مسئوله هسته ای در

## ١. بيانات معظم له، تاريخ

۱۰۰  
۹۹  
۹۸  
۹۷  
۹۶  
۹۵  
۹۴  
۹۳  
۹۲  
۹۱

## مسئلگان

۱۱۰

مسئلган کشورهایی که مدعی هستند، اعتراض کنند که ملت ایران حق دارد غنی‌سازی هسته ای را برای اهداف صلح آمیز در کشور خودش و به دست خودش انجام دهد. این توقع زیادی است؟ این آن چیزی است که ما همیشه گفته ایم. آنها همین را نمی‌خواهند. سوال: پس مانع اصلی در حل و فصل مسئله هسته ای خود دولت آمریکاست؟

پاسخ : پیشنهاد

مذاکره از سوی آمریکاییها، یک تاکتیک آمریکایی و برای فریب دادن افکار عمومی است؛ افکار عمومی دنیا و افکار عمومی مردمان ... آنها می‌گویند : ما نگرانی داریم که شما به سمت تولید سلاح هسته ای بروید! چند تا کشور هم بیش تر نیستند - که اسم آوردم - اسم خودشان را می‌گذارند «جامعة جهانی» می‌گویند : جامعة جهانی نگرانی دارد. نخیر، جامعة جهانی هیچ نگرانی ای ندارد. اکثر کشورهای دنیا طرف جمهوری اسلامی هستند و از خواسته ما حمایت می‌کنند؛ چون خواسته به حقی است . آمریکاییها اگر می‌خواهند مسئله حل شود، این راه حل بسیار آسانی بود؛ می‌توانستند به حق غنی

سازی برای ملت ایران اعتراض کنند . برای اینکه نگرانی ای هم از آن جهات نداشته باشد، می‌توانستند مقرر ات قانونی آژانس هسته ای را هم اعمال کنند. ما هم از اول هیچ مخالفتی با اعمال این نظارت‌ها و مقررات نداشتیم . هر وقت نزدیک به راه حل می‌شویم، آمریکاییها یک سنگی می‌اندازند که جلوی راه حل گرفته شود . هدف آنها طبق تلقی و برداشتی که من دارم، این است که می‌خواهند این قضیه باقی بماند تا بهانه‌ای باشد برای فشار ... اگر آمریکاییها صادقانه می‌خواهند کار تمام شود، بندۀ راه حل را ارائه می‌دهم؛ راه حل این است : آمریکاییها از دشمنی با جمهوری اسلامی دست بردارند. از دشمنی با ملت ایران دست بردارند . پیشنهاد مذاکره، حرف منطقی و متین و مستدلی نیست . حرف درست این است: اگر می‌خواهند مشکلات فيما بین وجود نداشته باشد — که می‌گویند : ما می‌خواهیم بین ایران و آمریکا مشکلی وجود نداشته باشد — دست از دشمنی بردارند.

سؤال : حضرت‌عالی در یکی از بیانات فرمودید که مسئولین امر از فرزندان انقلاب هستند و به آنها اعتماد دارید. با وجود اعتمادی که ملت ت به واسطه فرمایش شما به هیئت مذاکره کننده دارند، باز هم

همین دستگاه صاحب قدرت، اهل موزی گری های آدمهای ضعیف هم باشد؛ ولی هست؛ اهل حیله گری است، اهل خدعاً است، اهل خنجر از پشت زدن است. اینجوری است. ما نباید اینجور تصور کنیم که حالاً اینها چون مثلاً بمب اتم دارند یا وسایل نظامی قدرتمندی دارند، بنابراین، احتیاجی ندارند به اینکه دست به حیله و خدعاً بزنند؛ نه، اتفاقاً احتیاجشان هم زیاد است و عمل هم می‌کنند و واقعاً خدعاً گری می‌کنند. این ما را نگران می‌کند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم. هر وقتی که یک زمان معین شده است برای پایان مذاکرات و ما به این زمان نزدیک می‌شویم، لحن طرف مقابل - به خصوص لحن آمریکایها - تندتر، سخت‌تر و خشن‌تر می‌شود.<sup>۳</sup>

سؤال : اخیراً مقامات رسمی آمریکا مجدداً ایران را تهدید نظامی کرده‌اند. در چنین شرایطی روند مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

پاسخ : برنامه‌های دشمن اینهاست : فشار اقتصادی، تهدید نظامی، جنگ روانی برای اثربخشانی، همین چندروزه، عمومی.

جای نگرانی ای وجود دارد؟ پاسخ : همان طور که عرض کردم، بندۀ به مجریان امر اعتماد دارم... این آقایانی که مشغول کار هستند، اینها افرادی هستند مورد آنها هیچ تردیدی [ندارم]. در آنچه تا حالاً بودند، انشاء‌الله بعد از این هم تردیدی به وجود نخواهد آمد. هیچ تردیدی نسبت به آنها ندارم. هیچ کس نباید این مجموعه مذکوره‌کنندگان ما را با مجموعه شامل آمریکا - همان شش دولت، به اصطلاح ۱+۵ - سازش کار بداند. این غلط است. اینها مأموران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند. اینها بچه‌های خودمان هستند.<sup>۴</sup> در عین حال من نگرانم؛ چون طرف مقابل، طرف حیله گری است. از جمله چیزهایی که غالباً پنهان می‌ماند از چشمها، حیله گری اشخاص یا جهاتی است که دارای ظاهر بزرگ و فربه‌ی هستند. آدم فکر نمی‌کند که اینها هم حیله گر باشند. خب، امروز آمریکا ظاهر فربه‌ی دارد؛ قدرت مالی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت امنیتی، و غفلت می‌شود از اینکه

<sup>۳</sup>. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۰۶/۲۱

<sup>۴</sup>. بیانات معظم له، تاریخ ۹۷/۰۵/۲۷

تهدید بکنند . چه تهدیدی؟ شما به این مذاکرات کم تر از ما احتیاج ندارید؛ بله، ما دوست داریم تحریمها برداشته بشود؛ اما اگر تحریم هم برداش ته نشود، ما می توانیم از طرق دیگری خودمان را اداره کنیم ... دولت کنونی آمریکا به این مذاکرات نیاز واقعی دارد. اینها در کارنامه خودشان، یک نقطه اساسی که می توانند مطرح کنند، این است که ما توانستیم جمهوری اسلامی ایران را بیاوریم سر میز مذاکره و فلان مطلب را بـ او تحمیل کنیم . اینها احتیاج دارند به این . اگر احتیاج طرف مقابل به این مذاکرات بیشتر از ما نباید - که حتماً هست - لااقل کم تر از ما نیست؛ چرا تهدید می کنند؟ بنده با مذاکراتی که در زیر شبح تهدید انجام بگیرد، موافق نیستم . بروند حرف بزنند، مذاکره کنند، به توافق - برسند، اشکالی ندارد - البته در حالی که آن خطوط اصلی را رعایت کرده باشد - لکن به هیچ وجه تحمیل را قبول نکنند . زور را قبول نکنند . تحریر را قبول نکنند . تهدید را قبول نکنند .

سؤال : به موضوع اصلی بازگردیم . با توجه به نظر حضرت‌عالی در خصوص حلّ معضلات

دو نفر از مقامات رسمی آمریکا تهدید نظامی کردند . حالا کار به آن افرادی که مسئولیت‌های خیلی مهم و حساسی ندارند، نداریم؛ [اما] من نمی فهمم، مذاکره در زیر شبح تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شبح تهدید ! مثل اینکه یک شمشیری بالای سر [ما باشد] . ملت ایران اینجوری نیست . ملت ایران مذاکرة زیر سایه تهدید را برنمی تابد؛ چرا تهدید می کنند؟ چرا غلط زیادی می کنند؟ می گوید : اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حملة نظامی به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط می کنید . ثانیاً من در زمان رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - آن وقت هم تهدید می کردند - گفتم : دوران بزن و در رو تمام شده . اینجور نیست که شما بگویید می زنیم و در می رویم؛ نخیر . پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می کنیم ... مذاکره‌کنندگان ما هم توجه داشته باشند . خطوط قرمز و خطوط اساسی که گفته شده است، همواره در نظرشان باشد - که البته لابد هست، ان شاء الله مورد نظرشان هست و از این خطوط عبور نخواهند کرد؛ اما - این معنا هم قابل قبول نیست که آنها مدام بنشینند،

گفته‌اند : اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی؛ خب، خوب است؛ لکن با اسم و با تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد... با بردن اسم دارو و تکرار اسم دارو هیچ بیماری خوب نمی‌شود. دارو را باید مصرف کرد.

ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از: تقویت تولید داخلی. اگر این کار تحقق پیدا کرد و همتها متوجه به این مسئله شد، مسائل کار به تدریج حل می‌شود. کارگر ارزش پیدا می‌کند. اشتغال، عمومی می‌شود. بی کاری که یک معضلی است، در جامعه به تدریج کم می‌شود و از بین می‌رود. اساس کار، مسئله تولید است.

سؤال : به نظر حضرتعالی تحریمهای نفتی، بانکی و... امکان پذیر است؟

پاسخ : بنده انکار نمی‌کنم که این تحریمهای ظالمانه‌ای که دشمنان ملت ایران و دشمنان انقلاب بر ملت ایران تحمیل کرده‌اند، تأثیر دارد. بلاش ک بی‌تأثیر نیست؛ منتها این را من انکار می‌کنم که این تحریمهای بتواند جلوی یک تلاش عمومی سازمان یافته

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۱۱/۶.  
۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۰۵/۰۹.  
۳. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۰۲/۰۹.

اقتصادی و معیشتی مردم در داخل کشور، سیاستهای کلان مورد نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

پاسخ : اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است. <sup>۱</sup> تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. <sup>۲</sup> اقتصاد مقاومتی برای کشور ضروری است. تحریم باشد هم لازم است، تحریم نباشد هم لازم است. آن روزی که تحریمی هم در این کشور وجود نداشته باشد، اقتصاد مقاومتی برای این کشور ضروری است، لازم است. اقتصاد مقاومتی؛ یعنی ما بنای اقتصادی کشور را جوری تنظیم کنیم و ترتیب بدھیم که تکانهای جهانی در آن اثر نگذارد... اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ کدام از این تکانهای بین‌المللی نمی‌تواند به زندگی مردم آسیب وارد کند.

از وقتی که این عنوان مطرح شده، شاید هزار مرتبه از طرف مسئولین - با کم و زیادش - تأیید شده؛ مسئولین مختلف، فعالان اقتصادی، حتی فعالان سیاسی، مسئولین دولتی، مجلس، غیره . مکرر

(۱) بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۱۱/۱.  
(۲) بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۰۵/۱۶.  
(۳) بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۰۲/۲۹.

ده سال پیش، پانزده سال پیش خیلی پیشرفت کرده ایم. اینها همه در حال تحریم اتفاق افتاده است... بله، اگر تحریم ظالمانه دشمنان وجود نداشت، ممکن بود ما در همین زمینه‌ها بیش تر پیش برویم - این را انکار نمی‌کنیم - البته ممکن هم بود که بی‌توجهی کنیم، نگاه نکنیم به نیازهای کشور و از پول نفت و واردات و امثال این چیزها به اموری بپردازیم که پیشرفته تولید را برای کشور به وجود نیاورد. این هم ممکن بود... واقعاً باید به این توجه کنیم که یک مقدار از پیشرفتهای ما بر اثر منع از بیرون بوده است. این را باید قدر بدانیم. ندادن، مجبور شدیم خودمان اقدام کنیم. وقتی راه واردات بی‌رویه باز بشود و هرچه خواستید، بیاورید، سهل گرایی انسان، انسان را می‌کشاند به سمت تنبلی، بی‌کارگی. این هم یک طرف قضیه است. بنابراین، بندۀ تکیه‌ای که روی مسئله تولید می‌کنم، نبایستی پاسخ داده بشود که تولید در شرایط تحریم سفت و سخت ممکن نیست؛ نه، ممکن است. هر کاری که شما تصمیم بگیرید انجام بد هید، همت کنید، نیروهایتان را بیاورید

برنامه ریزی شده برای رونق تولید را بگیرد. این را من قبول ندارم. بندۀ نگاه می‌کنم به سطح کشور، می‌بینم در بخش‌های مختلفی که اتفاقاً در بعضی از این بخشها فشار دشمنان و تحریم و امثال ذلک شدیدتر هم بوده است، به خاطر همت مسئولان و کارگران و جوانان علاقمند، تولید پیش رفته است. این را من دارم مشاهده می‌کنم و می‌بینم. جلوی چشم همه است. فرض بفرمایید در زمینه صنایع نظامی ... یا در زمینه علوم زیستی، زیست فناوری، ما پیش رفتهای زیادی کردیم؛ در حالی که همان محدودیتها، همان تحریمهها وجود داشته است.

یا در بعضی از علوم نو مثل فناوری نانو - که اینها جزء فناوریهای جدید دنیاست - هیچ کس در دنیا به ما در این زمینه‌ها کمک نمی‌کند و کمک نکرده است، بعد از این هم کمک نخواهد کرد. م ا جلو هستیم. عناصر ما، جوانهای ما، محققین ما، دانشمندان ما در این زمینه‌ها دارند کار می‌کنند، تلاش می‌کنند. پیشرفتهای چشمگیری پیدا کرده‌اند. فرض بفرمایید در صنایع دانشبنیان ... امروز ما در زمینه شرکتهای دانشبنیان [نسبت] به

کند تا کار را تمیز از آب در بیاورد، دارد عبادت می کند. این حسن است.

**۳. مصرف کننده با انصاف**، مصرف کننده با وجودان هم می تواند همین جور به تولید کشور کمک کند. دنبال اسم و رسم نرونده - دنبال بیزند نرونده - این حرفی که حالا مرتب تکرار می کند: بیزند، بیزند - دنبال مارک نرونده. دنبال مصلحت بروند. مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است. کمک به کارگر ایرانی است.

**۴. یکی دیگر از ارکان**، دستگاه مبارزه با قاچاق است. مسئله مبارزه با قاچاق را این همه ما تأکید کردیم. دولتهای مختلف از سالها پیش همین طور مرتب آمده اند و رفته اند؛ خب، این کار یک کاری است که باید تحقق پیدا کند و این هم ممکن است. نگویند نمی شود. کاملاً می شود جلوی قاچاق را به طور قاطع بگیرند. بندۀ یک وقتی گفتم: فقط سر مرز دنبال قاچاق نروید. میلیاردها دلار امروز در داخل کشور... دارد صرف جنس قاچاق می شود. قاچاق را از لب مرز و مبنای از پیش از مرز تا داخل مغازه دنبال کنید. این، یک قلم بسیار مهم است. یک کار بسیار مهم است، و آن کسانی که

در صحنه، از خدای متعال هم کمک بخواهید، هدایت بخواهید، شدنی است. این را ما امتحان کردیم.

**سوال:** در این صورت، نیازمند یک همت عمومی است!

**پاسخ :** این کار، یک بعدی نیست. همه با پست با هم [همکاری کنند؛] هم سرمایه گذار، هم کارگر، هم مصرف کننده، هم دستگاه های متولی دولتی. همه وظایفی دارند:

**۱. سرمایه گذار و کسانی که امکان دارند، با پستی سرمایه گذاری کند.** بندۀ می شناختم افرادی را که می توانستند پولشان را ببرند در بخش‌های پردرآمدی که غیر تولیدی است صرف کند، نگردند. گفتند: نمی کنیم. می خواهیم به کشور خدمت کنیم. آمدند در تولید سرمایه گذاری کردند، با سود کم تر، درآمد کم تر؛ برای خاطر اینکه فهمیدند کشور احتیاج دارد. خب، این عبادت است.

**۲. کارگر درستکار نقش دارد.** کارگری که سختی های کار را تحمل می کند - کار سخت است دیگر؛ کار جسمانی یکی از امور سخت در زندگی است - کارگری که عمر خود را، وقت خود را، نیروی خود را صرف می

این کار را بکنند، آنها هم دارند مجاہدت می کنند. آنها هم دارند عبادت می کنند. این هم حسنہ است. ۵. یک رکن دیگر، دستگاه های متولی وارداتند. این دستگاه ها هم بایستی نگاه کنند. بعضی از چیزها هست که در اختیار دولت نیست. بخش خصوصی فعالیت می کند و چاره ای هم نیست؛ لکن دستگاه های دولتی می توانند با نظارت، هدایت کنند. کاری بکنند که مسئله واردات به تولید داخلی لطمه نزند.

۶. یکی هم مسئله مسئولیت دستگاه های تبلیغی و رسانه هاست. رسانه ها هم همین جور. صدا و سیما، دیگران، بایستی روی مسئله مصرف داخلی و تولید داخلی به معنای واقعی کلمه کار کنند. اینها تأثیر می گذارد.

۷. یک مسئله، مسئله ثبات در قوانین است - که این به عهده مجلس است - مراقب باشند، مدام قوانین مربوط به مسائل اقتصادی از جمله مسائل مربوط به کار را هر روز عوض و بدل نکنند که بشود آن کسانی که می خواهند برنامه ریزی کنند،

برنامه ریزی کنند. ۸. متولیان فرهنگی کشور در نکوهش بی کاری و کمکاری و فرار از

کار سخت، برای کار فرهنگی برنامه ریزی کنند. آقا جان! کار سخت را باید قبول کرد. اگر کار سخت را ما به خودمان تحمیل نکنیم، قبول نکنیم، به جایی نمی رسیم. فقط دنبال کار آسان که نمی شود رفت. باید انسان کار سخت را قبول کند؛ در هر جایی که هست. آن کسانی که توانستند در صنعت، در فناوری، در مسائل علمی به اوج برسند، کارهای سخت را بر خودشان تحمیل کردند. این، فرهنگسازی لازم دارد. اینکه فقط دنبال کارهای آسان باشیم، کار پیش نمی رود.

۹. متولیان مبارزه با فساد هم در این زمینه نقش دارند. حالا اسم فساد زیاد آورده می شود. حرف زدن راجع به فساد که فایده ای ندارد. با «دزد دزد» گفتن، دزد از دزدی دست بر نمی دارد. باید رفت، وارد شد. مسئولان کشور، روزنامه که نیستند که راجع به فساد حرف می زنند. بله، روزنامه راجع به فساد ممکن است حرف بزنند. من و شما که مسئول هستیم، باید اقدام کنیم. حرف دیگر چیست؟ وارد بشوید [اگر] بلدیم، اقدام کنیم، جلوی فساد را به معنای واقعی کلمه بگیریم.

مشکل اقتصادی کشور اگر بخواهد حل بشود، باید روی تولید مرکز شد. همه به همین شکلی که عرض کردیم، مسئولیت دارند، البته بعضی مسئولیتها سنگین تر است، بعضی سبک‌تر است؛ اما همه اینجوری مسئولند. کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست؛ در داخل کشور است.

ادامه دارد...

## مصاحبه با مستبصرین (۲) تناقضات عقلی در آموزه‌های اهل سنت

مصاحبه کننده: رضا راوری (گروه «با مؤمنان»)

بندر داری و کشاورزی از صنایع مهم این کشور است، البته اخیراً در آنجا نفت نیز کشف شده. از وضعیت مسلمانان آنجا بگویید!

تمام ماداگاسکار تا ۲۰۰ سال پیش مسلمان بودند؛ اما استعمارگران بعد از غارت آنجا، دینشان را تحمیل کردند و الان حدود ۹۰ درصد مسیحی و ۱۰ درصد مسلمان دارد و جمعیت شیعیان آنجا نیز حدود ۲۵ هزار نفر است.

چگونه مسلمان شدید؟ پدرم فرمانده ارتش بود و مادرم مسئول زندان. وضعیت اقتصادی زندگی ما به گونه ای بود که می توانستیم چند فقیر را در روز اطعام بد هیم! هر روز افرادی می آمدند و کمکهایی به آنها می شد. از جمله آنها فقیری بود که در یک روز با او آشنا شدیم و قرار بود او را اطعام دهیم. آن فقیر دیرتر از همیشه آمد و غذا را

تازه مسلمانی به نام «بلال» از یک جزیره بزرگ به اسم ماداگاسکار است که در دانشگاه، رشتة برق خوانده؛ اما اکنون کیلومترها دورتر از کشورش، در قم طبیعت حوزه علمیه این شهر است. او به ماه رمضان علاقه خاصی دارد؛ چون هدایتش از مسیحیت به اسلام، از برکت این ماه بوده است. چند جمله ای پای صحبت این رهیافتی می نشینیم.

چرا نام بلال را انتخاب کردید؟

بلال، صحابه سیاه پوست پیامبر (ص) بود. من هم به خاطر رنگ پوستم این نام را انتخاب کردم. انشاء الله که به عاقبت ایشان هم نائل شوید. برای ما از کشورتان بیشتر توضیح دهید!

ماداگاسکار در شرق آفریقا قرار دارد.

مساحتش حدود یک سوم ایران است. زبانش مخلوطی از مالایی و فرانسه بوده، حدود ۲۵ میلیون جمعیت دارد.

علت دیگری هم داشت؛  
یکی از علمای اهل سنت،  
وقتی روز جمعه می شد،  
می گفت: حسن و حسین و  
سید شباب اهل جنت  
هستند؛ اما جای دیگر  
می گفت: حسن و حسین  
دشمن اسلام هستند!  
اینها باعث شد درباره  
حقیقت دین اسلام تحقیق  
بیشتری کنم و در  
نهایت مذهب شیعه را به  
عنوان مذهب حقه یافتم  
و شیعه شدم.  
اگر به گذشته برگردید، آیا  
همین راه را می روید؟  
حتماً. من همیشه با  
تلیث در مسیحیت مشکل  
داشتم. خدایی که هم  
یکی است و هم سه تا!  
خدایی که روی صلیب به  
خدای دیگر اعتراض می  
کند که چرا ترکش کرد؟  
یا در انجیل امده است  
که زنها سر خود را  
بپوشند یا موها یشان را  
بترانشند؛ اما هیچ کس  
به آن عمل نمی کند! و  
از این تناظرات که در  
آیین مسیحیت زیاد است.  
اولین شیرینی که در  
اسلام و مذهب تشیع درک  
کردم، حل این دو موضوع  
بود.  
با زندگی طلبگی، آن هم در  
کشوری غریب، مشکلی ندارید؟  
به خاطر گستردگی نشدن  
روابط بانکهای دو  
کشور، امکان انتقال  
پول از ماداگاسکار به  
ایران نیست و فقط با  
شهریه حوزه زندگی خود  
را می گذرانم.  
ایا این برایت سخت نیست؟  
چرا که شما زندگی مرفه و  
والدینی پول دار داری!  
با برنامه ریزی و  
مدیریت، مشکلات رفع می

گرفت اما نخورد. از او  
علتش را پرسیدم. گفت:  
مگر نمی دانید؟ امروز!  
اول ماه رمضان است!  
غذاش را ب رد تا بعد  
میل کند. کنجکاو شدم و  
به دنبالش رفتم. او تا  
غروب از آن غذا  
استفاده نکرد. من خیلی  
تعجب کرده بودم؛ چون  
تا آن موقع چیزی راجع  
به روزه و ماه رمضان  
به گوشم نخورده بود.  
مگر در مسیحیت روزه ندارید؟  
چرا؛ ولی نه به این  
شكل، بلکه فقط در طول  
روز گوشت نمی خوریم و  
اسم آن روزه، «کارم»  
است. به هر حال من یک  
عالمند را پیدا کردم  
و از او راجع به اسلام،  
ماه رمضان و روزه  
پرسیدم. در نهایت بعد  
از یک سال تحقیق،  
مسلمان شدم.  
پس ابتدا سئی مذهب شدید؟  
بله، حدود شش ماه  
سنی بودم.  
چگونه شیعه شدید؟  
خدا در عهده بود  
موسى (ع) می فرماید:  
مرا نمی توانی ببینی؛  
اما سنی ها می گفتند:  
هر کسی به دوستان خودش  
خدمت کند، مثلاً برای  
آنها غذا بپزد، خدا را  
می تواند در روز قیامت  
ببینید. عقلم این  
تناظر را قبول نمی  
کرد؛ لذا جای دیگر  
رفتم و با یکی دیگر از  
علمای ماداگاسکار آشنا  
شدم. او گفت: در  
شیعه، نظرشان این است  
که خدا را نمی توانیم  
ببینیم و این نکته  
جذبیت شیعه را برایم  
آشکار ساخت.

## مبانی

120

شود . من برای خانواده  
اول ماه ۲۰ کیلو برنج ،  
۲ ت ۱ ۳ کیلو سبب  
زمینی ، روغن ، گوجه و  
کمی پیاز می گیرم .  
وقتی می خواهیم غذا  
بپزیم ، به ساده ترین  
غذای ممکن اکتفا می  
کنیم و خدا را نیز  
شاکریم .

به شما تبریک می گوییم . شما  
صداق این آیة شریفه هستید  
که فرمود : [الَّذِينَ آمَنُوا وَ  
هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللهِ  
بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ  
ذَرْجَةً عِنْدَ اللهِ وَ أَوْلَئِكَ هُمُ  
الْفَائِزُونَ]؛ اما به عنوان  
حرف آخر یک جمله بگویید .  
از خدا می خواهم که  
این امکان را به من  
بدهد تا بتوانم دینش  
را تبلیغ کنم .  
بسیار متشرک . التماس دعا !

۱. توبه / ۲۰ : «کسانی که ایمان  
آورده و هجرت کرده و در راه  
خدا با مال و جانشان به جهاد  
پرداخته اند ، نزد خدا مقامی هر  
چه والتردارند و اینان همان  
رستگارانند .»

## معرفی برخی از پایگاه های اطلاع رسانی(۲)

محمد اصغری نژاد

جامعه ، به ویژه نسل جوان و دانشگاهیان در زمینه مهدویت و انجام امور پژوهشی - آموزشی و ... راه اندازی شده است . بخش پرسش و پاسخ صوتی و گویا و تهیة پرستمانهای مکتوب و نرم افزاری از فعالیتهای این مرکز است . آدرس اینترنتی وب سایت این مرکز [www.intzar.ir](http://www.intizar.ir) می باشد . ۸. مرکز علمی - تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی مرکز عل می - تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی، از جمله مراکز فعال در عرصه فضای مجازی و اینترنت است که اهداف و فعالیتهای آن عبارتند از : ۱. معرفی فرهنگ ناب اهل بیت عصمت و طهارت) در داخل و خارج کشور؛ ۲. گردآوری ، تألیف و تدوین مقالات، متون

اشارة در شماره گذشته (مبلغان ۱۹۰) برخی پایگاه های اینترنتی که می توانند پاسخگوی برخی از نیازهای مردم و مبلغان گرامی باشند، معرفی گردید؛ همچون پایگاه های اینترنتی مؤسسه در راه حق، مؤسسه رواق حکمت، مرکز مطالعات و پاسخگویی به شباهت حوزه علمیه ، پژوهشکده دارالحدیث و ... . اکنون در ادماهه این مقاله برخی دیگر از این کونه پایگاه های اینترنتی را معرفی می کنیم . ۷. مؤسسه آینده روش (پژوهشکده مهدویت) این مرکز با هدف تبیین ، تعمیق و گسترش فرهنگ مهدویت و پاسخ به نیازهای فکری و اعتقادی اقشار مختلف

سؤالات و شباهات عقیدتی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی ب ۵ صورت اینترنتی، تلفنی، حضوری و مکاتبه ای.

پایگاه های اطلاع رسانی دارالعرفان را می توان در فضای مجازی [WWW.erfan.ir](http://WWW.erfan.ir) به آدرس جستجو کرد.

۹. مجمع جهانی شیعه شناسی این مرکز در سال مبارک امیرمؤمنان علی (ع) تأسیس شد. برخی از فعالیتها و دست اوردهای این مرکز عبارتند از:

الف ) راه اندازی پایگاه بزرگ اطلاع رسانی به آدرس :

www.ShiaStudies.com شامل بخشایی مانند «کتابخانه الکترونیکی »، «بانک مقالات تخصصی »، «اخبار جهان تشیع »، «معرفی کتاب »، «گفتگو و مصاحبه» و ... می شود.

ب) کتابخانه تخصصی شیعه شناسی که با دارا بودن هزاران جلد کتاب تخصصی درباره شیعه و موضوعات مربوط به آن که نخستین و تنها کتابخانه تخصصی شیعه شناسی در کشور به شمار می رود. همچنین در این کتابخانه از جدیدترین و کارآمدترین سیستم مدیریتی و کتابخانه ای

كتب دینی و ترجمه به زبانهای خارجی و بالعکس؛

۳. همکاری در برپایی نمایشگاه ها و جشنواره های فرهنگی - هنری برای سازمانها و مراکز دولتی یا خصوصی؛ ۴. مبادرات فرهنگی و هنری از طریق ارائه خدمات و کالاهای فرهنگی و هنری از قبیل: کتاب، مطبوعات، نوارهای صوتی و تصویری و نرم افزارهای رایانه ای؛ ۵. تلاش در جهت گردآوری آثار فرهنگی و هنری به منظور کمک به حفظ و حراست میراث فرهنگی و دینی؛ ۶. برقراری ارتباط و تعامل با مراکز فرهنگی و هنری دینی داخل و خارج کشور؛ ۷. انتشار کتاب در زمینه های گوناگون و احیا میراث مکتوب بزرگان شیعه؛

۸. طراحی ، تأسیس و ایجاد کتابخانه عمومی و تخصصی و ایجاد مرکز تهیه و تکثیر آثار صوتی و تصویری مذهبی؛ ۹. ایجاد پایگاه های اطلاع رسانی اینترنتی ، جهت خدمات علمی - پژوهشی و ارائه اطلاعات در زمینه علوم و معارف اسلامی؛ ۱۰. پاسخگویی به

**مبلغان**

استفاده شده است:

ج) تدوین و نشر  
جزوه های شیعه شناسی و  
پاسخ به شباهات . مرکز  
جهانی شیعه شناسی به  
صورت منسجم و منظم از  
طرق مختلف اطلاع رسانی  
همچون : اینترنت، کتاب،  
مقاله، جزو، تلفن  
و . . . در صدد پاسخگویی  
به شباهات برآمده است؛  
اما اساسی ترین راه حل  
خشکاندن ریشه شباهات را  
تشکیل منشور جهانی  
تشیع می داند.

#### ۱۰. مرکز نشر معارف اسلامی در جهان

مخاطب این مرکز  
عموم مردم ، ب ھ ویژه  
غیر ایرانی ان داخل و  
خارج از کشور است .  
پاسخگویی به سوالات  
دینی در زمینه های  
اخلاق، عقاید و باورهای  
دینی ، به زبانهای  
 مختلف از طریق کتبی و  
اینترنتی و ارائه  
ترجمه قرآن، نهج البلاغه  
و صحیفه سجادیه به  
زبانهای مختلف ، از  
فعالیتهای بنیادین این  
مرکز است.

#### پایگاه اینترنتی

این مرکز به آدرس  
[www.musavilari.org](http://www.musavilari.org) و به  
منظور ارتباط  
الکترونیک با سراسر  
جهان راه اندازی شده  
است.

#### ۱۱. مرکز حقایق اسلامی مرکز حقایق اسلامی

با محوریت آثار آیت الله  
حاج سید علی حسینی  
میلانی ، در شهر قم  
فعالیت می کند . آثار  
ایشان در زمینه مباحث  
کلامی، اعتقادی، اصولی  
و فقهی و برای اثبات  
مذهب تشیع و تبیین  
مبانی اعتقادی و تقویت  
پایه های اصول مذهب  
است. این مرکز با آدرس  
[www.al-milani.com](http://www.al-milani.com) در بخش های  
مختلفی همچون

«انتشارات »، «بانک  
مقالات»، «پرسش و پاسخ»  
و . . . فعالیت می کند .  
۱۲. بنیاد بین المللی علوم  
و حیانی اسراء  
این بنیاد با آدرس  
اینترنتی [www.portal.esra.ir](http://www.portal.esra.ir) در

زمینه های مختلفی  
همچون «ارائه خدمات  
آموزشی »، «حمایت از  
فعالیتهای پژوهشی »،  
«همکاری با مراکز فعال  
در زمینه علوم  
و حیانی »، «تأمین  
نیازهای فکری جهان  
اسلام »، «عرضة مخصوصات  
سمعي و بصری » و . . .  
فعالیت می کند .

۱۳. مؤسسه فرهنگی - هنری  
نور راسخون  
این مؤسسه با هدف  
ترویج و تبیین فرهنگ و  
معارف اصیل اسلامی و  
ارتقاء ارزش های دینی و  
مذهبی نسل جوان و اطلاع  
رسانی در حوزه های

مخالف تأسیس شده است.  
سایت اینترنتی و  
پرтал فرهنگی - مذهبی  
راسخون در زمینه اطلاع  
رسانی و ارائه الگوهای  
مناسب برای جذب  
جوانان، ارائه مقالات  
موضوعی، اخبار، بانک  
صوت و فیلم، گالری  
تصاویر و ... به آدرس:  
[www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)  
می کند.

ادامه دارد...

## عارف مجاهد، آیت الله میرزا ابراهیم شریفی سیستانی حبیب الله سلمانی آرانی

بزرگان این دیار،  
مرحوم حاج میرزا  
ابراهیم شریفی می  
پرد ازیم.

### تولد و خاندان

در سال ۱۳۲۰ ق در زابل (مرکز سیستان فعلى)، میرزا ابراهیم، به دنیا آمد که دو میں پسر روحانی بزرگ، حاج ملا محمد علی آقا جانی « است . وی هم عالمی سرشناس بود، هم ثروتمند و متوفّ و هم از خاندانی عالی‌پرور. میرزا ابراهیم از همان دوران کودکی به آموختن ق رآن و خواندن و نوشتن پرداخت و در زمرة طلب علوم دینی بسیاری از حوزه های علمیه را دید و از محضر استادی آنها بهره مند شد؛ از جمله حوزه های علمیه شهرهای زابل، مشهد، قم، تهران، اصفهان و نجف اشرف.

### نوکری و آقایی

در آغاز، پدرش او را برای خدمت به برادرش، به مشهد فرستاد و مایل

### مقدمه

«سیستان» نام سرزمین وسیعی در جنوب شرقی فلات ایران است که در طول تاریخ اسلام افتخار آفرین بوده و مدار دارالولایة و دوستی و مهر اهل بیت) را برای خود حفظ کرده است . سیستان اولین منطقه ای بود که به خونخواهی شهداًی کربلا قیام کرد و تنها دیاری است که از لعن و سب امیر المؤمنین علی (ع) در زمان معاویه سر باز زد و علیه او شورید.

از سیستان در ادوار مختلف عالمان، محدثان، مؤرخان و مجاهدان نام آوری برخاسته اند و با خلق آثاری ارزشمند در جهان اسلام، نام این سرزمین را در تاریخ به ثبت رسانده اند . در این مقاله به شرح حال یکی از عالمان و

۱. ر.ک: مقتل جامع، محمد تقی ش، مقدم، نشر مقدم، مشهد، ۱۳۶۹، پخش قیامهای پس از کربلا .  
۲. ر.ک: همان، و نیز : معجم البیان، یاقوت حموی، مطبوعة السعاده، قاهری، ۱۴۴۴ ق، واژه سجستان.

میزبان

126

نبوذ او طلبه شود؛ ولی میرزا ابراهیم، شبانه، از امام رضا (ع) برات آقایی و آزادگی خود را گرفت. ایشان در این باره چنین گفته است:

«پدرم به بهانه اینکه کارهای میرزا اسماعیل، برادر بزرگم را انجام دهم و هم حجره و همدم او در مدرسه خیرات خان باشم، مرا با کاروانی که از زابل عازم مشهد بودند، به آنجا فرستاد. من بدون اطلاع برادرم، مخفیانه دروس حوزه‌ی را می خواندم. چون متوجه شد که من هم به تحصیل اشتغال دارم، اظهار داشت: پدر گفته تو باید کارهای مرا انجام دهی! جریان درس خواندن را طی نامه ای به پدر نوشت که

«ابراهیم در مشهد درس می خواند.» پدرم در جواب به برادرم پیغام داد:

هر گاه قافله یا کاروانی به سیستان آمد، ابراهیم را برگردانید. با شنیدن پیغام پدر، بسیار ناراحت شدم. به حرم رضوی (ع) رفتم و در قسمت بالای سر آن حضرت، دو رکعت نماز خواندم و پس از آن، بسیار گریستم. ن اگهان ندایی شنیدم که سه مرتبه مرا مورد خطاب قرارداد و گفت: شریفی! نمی‌گذاریم بروی. بعد از چند روز، نامه‌ای از سوی پدر آمد که ابراهیم هم در مشهد

درس بخواند و به سیستان نیاید.»<sup>۱</sup>

«در مشهد، آنقدر به تحصیل علوم اسلامی شوق و علاقه داشتم که با خادم مدرسه همانگ کردم تا صبحها قبل از طلوع فجر و اذان، به حرم مشرف شوم. بین الطلوعین، درس و مباحثه داشتم و بعد از آن، در تمام روز، به خاطر توفیقاتی که از صاحب حرم نصیبم شد، به تحصیل مشغول بودم ». <sup>۲</sup>

استادان وی در حوزه مشهد حضرات آقایان ادیب نیشابوری (ادیب اول)، شیخ عبدالحسین محقق قوچانی و میرزا محمد آقازاده خراسانی بودند.

### مهاجرت به قم

میرزا ابراهیم شریفی پس از حوزه مشهد، وارد حوزه قم شد و در حلقة یاران مجاهد متقدی، آیت الله محمدتقی بافقی (۱۳۶۵ق) – که از ارکان حوزه قم و ضد رضاخان بود – درآمد.

آیت الله طالقانی، اوایل انقلاب پس از دیدار با حضرت امام! در سخنرانی مدرسه فیضیه قم اشاره ای به دوران مبارزات مرحوم آیت الله بافقی و یاران وی می کند و می گوید: «این آجرهای فیضیه مبارزات علماء را به شما

۱. به نقل از حجه الاسلام غلامحسین سرجدی (از شاگردان آقای شریفی).  
۲. به نقل از حجه الاسلام میرزا علی آقا شریفی (فرزند آقای شریفی).

میگویند. گو اینکه من الان دارم می بینم و میشنوم که رضاخان با چکمه هایش وارد حرم شده و شیخ محمد تقی را خوابانده و با عصا و شلاق او را میزند. و من الان صدای ناله های شیخ را میشنوم که فقط میگفت: یا امام زمان! و رضاخان او را میزند.<sup>۱</sup> آیت الله طالقانی، پس از آین سخنرانی، به فرزند آیت الله میرزا ابراهیم شریفی می گوید: «نقطة شروع برخی حرکات انقلابی و مبارزه علیه رضاخان در قم، حجرة پدر شما در این مدرسه و رفقا و دوستان او، از جمله آیت الله بافقی بود.»<sup>۲</sup> ورود به حوزه های اصفهان، تهران و نجف سبعیت و ضرب و شتم رضاخان در قم، در سال ۱۳۰۶ق، یاران آقای بافقی را پراکنده ساخت و آقای شریفی راهی حوزه علمیه اصفهان شد. ایشان در اصفهان با حاج شیخ محمد تقی بهلول هم مباحثه بود. و پس از مدتی به تهران آمد و با امتحان نزد آیت الله سید محمد عصار و گرفتن گواهی مدرّسی و معتمّ شدن، پس از درنگی در تهران، راهی نجف اشرف شد و نزد بزرگان آن دیار همچون آیات عظام: سید ابوالحسن

اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی به آموختن خارج فقه و اصول پرداخت. وی هیچگاه از تزکیه غافل نشد و در پناه امام علی (ع) نیز برای خودسازی و سیر و سلوک، به جرگه شاگردان آیت الله آقا سید علی قاضی طباطبایی پیوست. خدای متعال نیز دوستانی به او داد که نصیب هر کسی نمیشود، دوستانی چون آیات عظام: شیخ محمد تقی بهجهت، حاج شیخ عباس قوچانی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، علامه سید محمد حسین طباطبایی و برادرش سید محمد حسن طباطبایی، سید محمد هادی میلانی، شیخ محمد تقی آملی، شیخ علی محمد بروجردي، سید عبد الاعلی سبزواری، سید حسن مسقطی و شیخ حسنعلی نجابت شیرازی آیت الله قاضی طباطبائی در نجف اشرف او را به دامادی خود مفتخر کرد. وی در نامه ای به ایشان مینویسد: «إلى حضرة الولي الحمعم والأخ الكريم، الشیخ ابراهیم، رزقه الله الرشاد والتسلیم...»<sup>۳</sup> محضر دوست: صمیمی و برادر گرامی، شیخ ابراهیم - که خداوند هدایت و مقام تسلیم را روزی او

۳. آیت الحق؛ شرح احوالات آیت الله قاضی، محمد حسن قاضی طباطبائی، انتشارات حمّت، تهران، ۱۳۸۳ق، ص ۲۱۸؛ گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۸۱.

۱. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران، نشر معروف، قم، ۱۳۷۹ش، ج ۷، ص ۲۲۳ - ۲۹۲.  
۲. گلشن ابرار، ج ۷، ص ۴۳۳.

مبلغان

128

گرداند - ... . آین نامه نشان از علاقه مرحوم آیت الله قاضی به آقای شریفی دارد.  
آیت الله شریفی در خاطرات خود زمانی که در حوزه نجف اشرف مشغول به تحصیل بوده، چنین می گوید: «آن سال‌ها که در نجف اشرف بودم، یک وقتی متوجه شدم که هر چه را می‌خوانم، چیزی دستگیرم نمی‌شود . به حرم علوی (ع) مشرف شدم و از خدا خواستم که از این آستان به من مرحمتی بشود . طولی نکشید که کسی دستی بر سینه ام کشید و از آن پس چیزهایی گیرم امده.»<sup>۱</sup>  
بازگشت به زابل و فعالیتهای تبلیغی و سیاسی شیخ ابراهیم، پس از سال‌ها تحصیل و تهذیب و حضور در حريم حرم علوی (ع)، به دستور پدر، زابل را فضای فعالیتهاي تبلیغی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود ساخت . وی امامت مسجد، تبلیغ و تربیت مبلغ را آغاز کرد تا به تربیت ده ها طلبه و ... انجامید و عمری خدمت خالصانه کرد . در اینجا به بخشی از فعالیتهاي فرهنگی، تبلیغی و سیاسی او اشاره می شود:

الف . فعالیتهاي فرهنگی و تبلیغی  
از فعالیتهاي فرهنگی که آقای شریفی در بد

ورود به زابل تا پایان عمر بدان اشتغال داشت، تبلیغ و ارشاد مردم منطقه زابل بود . او سخنوری تواناب ود و بیانی شیوا و تأثیرگذار داشت. مطالب علمی و عرفانی و احکام شرعی را با زبانی ساده بیان می‌کرد. همه اقسام و طبقات، از هر سن و سال و با هر سطحی از معلومات، از سخنرانیهای او بهره می‌بردند . استقبال و دعوت از او برای سخنرانی در شهرها و روستاهای بسیار بود و هیچ‌گاه دعوت به وعظ و ارشاد را به خاطر جمعیت کم روستا یا محل، رد نمی‌کرد و دیگر سخنران و مبلغان را به سفرهای تبلیغی تشویق می‌کرد . سخنان جذاب و منطقی وی موجب گرایش پیروان دیگر فرقه های اسلامی و غیر اسلامی به مذهب تشیع گردید.  
با تلاش آقای شریفی و فرهنگیان متعهد شهر در سال ۱۳۳۰، دوره کامل آموزشی مقطع متوسطه و دانش سرای کشاورزی در شهر زابل راه اندازی شد.

۲. نمونه آن یک فرد سیک هندی بود که در زابل رانندگی می‌کرد. وی نزد آقای شریفی رفت و تقاضا پیمود که توسط وی مسلمان شود . آقای شریفی عقاید تشیع را برای او گفت و دستورات لازم را به او تعلیم داد. از سوی مؤمنین مجلس جشنی برای تازه مسلمان بپیگردید . وی در آن مجلس نام و فامیل خود را از جیسنگ به عبد الحسین محمدی تغییر داد

اقدام به احداث یک باب حمام عمومی، آسیاب و مغازه نانوایی برای رفاه اهالی در جنب مسجد جامع و مدرسه علمیه، نمونه ای از خدمات اجتماعی اوست. در سال ۱۳۲۷ ش که قحطی شدیدی در منطقه پیش آمد و بسیاری از اهالی را در فشار آذوقه قرار داد و به عنوان خاطره ای تلخ در ذهن و یاد معمرین منطقه باقی است، غلات و مواد خوراکی ذخیره منزل خود را بین نیازمندان تقسیم کرد.

آقای شریفي مالک زمینهای کشاورزی فراوانی در محدوده شهر و روستاه ای زابل بود. این زمینها از قبل توسط مستاجران پدر و اجدادش آباد و احیا شده و وی آنها را به ارث برده بود. او بخشی از زمینها را به مستاجران به طور رایگان واگذار کرد و قسمتی را بر اساس عقود شرعی در اختیار آنان و افرادی که تمایل به کشاورزی داشتند، قرار داد. بخشی از عواید و درآمد این زمینها و املاک موروثی و ملکی خود را برای هزینه های جاری، تعمیرات و سایر امور مدرسه علمیه، برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع)، در ایام محرم در حسینیه جنب

مدرسه وقف کرد و در وصیت‌نامه اش نوشته که یک سوم از کل اموالش را پس از او در جهاتی که تعیین کرد، به مصرف برسانند. بخشی از این موقوفات در روستاهای زابل و سوقطاً از توابع نهیندان و ... می‌باشد که هم اکنون عوائد سالانه آن، توسط فرزندش به مصارف تعیین شده می‌رسد.

### ب. فعالیتهای سیاسی و اجتماعی

از جمله فعالیتهاي سیاسي آقای شریفي مخالفت با قوانین خلاف شرع بود که توسط عوامل رژیم به اجرا در می‌آمد. او در همان سال نخست ورودش به زابل با خاندان علّم که از مالکان عمدۀ زمینهای سیستان و از عوامل دربار بودند و خود را حاکم بر آن منطقه میدانستند به شدت مخالف بود. آنان او را که روحیه انقلابی و ضد استعماری داشت، تطمیع، تهدید و ارعاب می‌کردند تا دست از مخالفتها بردارد. این عالم مجاهد و شجاع، تسلیم و تطمیع نمی‌شد و از آنان نمی‌هراسید. او در راه دفاع از مردم مستضعف سیستان در مقابل عوامل رژیم ایستاد و اعلام کرد:

«ما سیستانی‌ها باید بر سرنوشت‌مان حاکم و بر اموال‌مان تسلط داشته باشیم.» در سال ۱۳۲۹ ش، در

پی نهضت آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام، که به ملی شدن صنعت نفت و روی کار آمدن دکتر محمد مصدق انجامید و آزادی در انتخابات مجلس شورای ملی ایجاد شد، آیت الله شریفی خواست تا ن امزد انتخابات مجلس، از طرف مردم زابل شود. شخصیتهای محلی نیز نظیر حاج آقا بزرگ و محمد رضاخان پردلی و مردم متعدد نیز همین درخواست را داشتند و ایشان به ناچار پذیرفت.

رقیب آقای شریفی، وکیل قبلی، امیرحسین خان خزیمه علم فرزند حسام الدوله، پسرعمو و داماد خواهر اسد الله علم بود. این خاندان بسیار پلید، از جیره خواران استعمار، بیگانه پرسود و از ارکان ستمشاھی و نزد مردم سیستان منفور بودند، لذا برای مصادره رأی مردم اقدامات و جنایات زیادی کردند که به کشتار مردم، حکومت نظامی و دستگیری ۵۰ نفر از جمله آیت الله شریفی و محمد رضاخان پردلی، محمد علی شهنووازی، حاج حسین سراوانی و عده ای دیگر شد. علم، آنان را به دادگاه نظامی زیر نظر دربار منتقل کرد و از مرکز دستور تیرباران آنها صادر شد. به این صورت که شبانه آنان را

جابه جا کند و سپس این انتقال را دلیل فرار قرار دهند و همگی را بکشند.  
یکی از مأموران، خبر این توطئه را به آقای شریفی رساند و گفت که اگر به بازداشت شدگان گفته شد تغییر جا بد هید، همه با هم بگویند : ما حتی روز جا به جا می شویم و شبانه این کار را نمی کنیم و به این ترتیب به لطف خدا این توطئه خنثی شد . آقای قائمی، داماد آیت الله شریفی که در آن ایام در تهران بود، توطئه ها را به اطلاع آیت الله کاشانی و او نیز به مصدق می رساند . دکتر مصدق فوراً دستور لغو اجرای حکم را داد و از فرماندهی نظامی زابل خواست تا متهماً را با پرونده به تهران منتقل کند.

آقای شریفی و همراهان پس از سه ماه بازداشت در پادگان زابل، با شدیدترین تدابیر امنیتی به زندان موقت شهربانی تهران منتقل شدند و در پی آن علمای زابل زندانی شدند آیت الله شریفی را به اطلاع حضرات آیات عظام بهبهانی، محمد تقی آملی، میرزا خلیل کمره ای در تهران و آیت الله بروجردی در قم رساندند.

چون این بزرگان، آیت الله شریفی را می شناختند،

قاضی بود - به او دادم  
و سفارش کردم که این  
وجه را به آقا سید  
کاظم قاضی طباطبائی،  
بردار همسرم بدھ و او  
این مبلغ را به آن  
علویه برساند.

پس از ملاقات و  
خداحافظی با پسرخاله،  
به زندان بازگشتم و به  
همراهان گفتم که امروز  
۱/۵ آزاد میشویم . ساعت  
بعد از ظهر مرا  
خواستند و پس از  
دقایقی رهایم کردند.  
یکی دو روز بعد از  
آزادی، از دکتر مصدق  
تقاضای ملاقات کردم .  
ایشان نیم ساعت به من  
وقت ملاقات داد . من در  
این فرم تکوتاھ، چند  
موضوع را از ایشان  
درخواست کردم که عملی  
سازد:

یکی آنکه بقیه  
زندانیها و همراهانم  
را آزاد کنند و دیگری  
اینکه زمینهای شخصی و  
ملکی مرا که به واسطه  
نفوذ علم از من گرفته  
بودند و بین دیگران  
 تقسیم کرده بود،  
 بازگرداند و ... .  
 پس از درخواستها،  
 دکتر مصداق گفت : روز  
 دوشنبه، ساعت ۱۰ در  
 وزارت دادگستری و روز  
 سهشنبه، همان ساعت در  
 وزارت کشاورزی و روز  
 بعد در ساعت فوق، در  
 فلان مکان باشید.

روزها و ساعات تعیین  
شده مراجعت کردم و  
درخواستهايم به دستور  
دکتر مصدق و مسئولان

همگی، به ویژه آیت الله  
کاشانی تلاش کردند تا  
سرانجام آنان را از  
فرمانداری نظامی به  
دادگاه عمومی منتقل  
کردند و سپس به تدریج  
تبرئه شدند.

آقای شریفی درباره  
آزاد شدنش میگوید: «شی که فردای آن  
آزاد شدم، در عالم  
رؤیا، سیدی را دیدم که  
به من گفت : فردا دو  
ابراهیم از این زندان  
آزاد میشوند : یکی شما  
و دیگری ...؛ ولی شما  
آن سیده علویه ای که در  
نجف است، فراموش مکن .  
وقتی که از خواب بیدار  
شدم، از رؤیایی که  
دیده بودم متعجب و  
متحرّ شدم و در فکر  
فرو رفتم ... .

مأموران زندان بعد  
از صبح گاه، صدا زندان  
که آقای ابراهیم شریفی  
مقالاتی دارند . برای  
مقالات رفتم . آقای سید  
محمد علوی، پسرخاله ام،  
به دیدنم آمده بود . او  
پس از احوال پرسی گفت:  
عازم عتبات هستم و  
برای دیدار و خداحافظی  
خدمت شما آمده ام .  
چنانچه کار یا فرمايشی  
دارید، بفرمایید . به  
محض آنکه کل مة عتبات  
را گفت، متوجه رؤیای  
شب گذشته شدم . بلاfaciale  
مبلغ دویست تومان پول  
برای آن خانم علویه -  
که از بستگان آیت الله

۱. مروی بر زندگینامه آیت الله میرزا ابراهیم شریفی سیستانی، حبیب الله سلمانی آرانی، بی تا، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۹ - ۲۴

مربوطه عملی شد.»<sup>۱</sup>  
 پس از آزاد شدن آقای شریفی، جم عی از بازاریان تهران از او خواستند در تهران بماند و به انجام وظایف دینی بپردازد؛ حتی آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی، امام جماعت مسجد مجد، پیشنهاد امامت جماعت این مسجد را به وی داد؛ ولی آقای شریفی پس از مشورت با آیت الله بروجردی، به خاطر نیاز مردم منطقه سیستان، به زابل برگشت و در آنجا خدمات و فعالیتهاي دیني خود را آدامه داد.

به هنگام ورود آيت الله شریفی به زابل، هزاران نفر از مردم در بیرون شهر به استقبال وی شتافتند و همچون نخستین روزی که وارد زادگاهش شد، ده ها گاو و گوسفند برایش قربانی کردند.

آنچه از صفات و ویژگیهای مرحوم شریفی

مرحوم آیت الله شریفی که از عالمان نامدار زمان خود بود، صفات و ویژگیهای اخلاقی و رفتاری زیادی داشت که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

**مبانی** ۱. خوشخلقی ایشان از مصاديق بارز «خلق عظيم» در منطقه بود. او به خاطر

۱۳۲

این خصلت ستوده، بین مردم شهری و روستایی، جایگاه ممتازی یافت. اهالی زابل به او علاقه‌مند بودند و به سخنانش گوش فرا میدادند. و از او فرمان میردند.  
**۲. تواضع** میرزا ابراهیم زبانزد عام و خاص بود. او به کوچک و بزرگ سلام می‌کرد و احترام می‌گذشت. وقتی با فرزندان خود یا همسران آنها روبه رو می‌شد، تکیه کلامش «جان» بود. او نوجوانان و جوانان را به کارها و آداب خوب و پسندیده تشویق و ترغیب می‌کرد و به آنان که برای نماز در مسجد حاضر می‌شدند، سکه یکریالی یا تنقلات (که معمولاً در جیبش داشت) می‌داد. هماره به ریش سفیدان، سران و بزرگان طوایف و فامیل و افراد سرشناس فرهنگی احترام می‌کرد. به عالمان دینی و سادات بسیار ارادت می‌ورزید. با برادران اهل سنت و مولویها آنگونه همکاری و رفت و آمد داشت که آنان او را قبول داشتند و به او احترام می‌گذاشتند. در خانه اش به روی مهمانان، مراجعه‌کنندگان و مستمندان باز بود. مردم در اعیاد مذهبی و ملی به دیدارش می‌رفتند و عیدی می‌گرفتند. گاهی حتی با افراد عقب‌افتداده و ساده لوح هم کلام می‌شد و لحظاتی

۱. به نقل از: آقای احمدعلی عرفانی، داماد آقای شریفی

#### ٤. حلم و شجاعت

حلم و بردباری آقای شریفی در مقابل نامالایمات و سختیها ستودنی بود. او هیچگاه عصبانی نمی شد؛ بلکه تمام سختیها را با صبر و تحمل و کظم غیظ هموار می کرد. او بسیار نترس، شجاع، قوی دل بود. معیار و ملاکش، انجام وظیفه و عمل به تکلیف الهی بود.

**همسران و فرزندان مرحوم شریفی**

مرحوم آیت الله شریفی دو بار ازدواج کرد و دارای ۱۵ فرزند گردید. نخستین همسر وی، دختر آیت الله آقا سید علی قاضی طباطبائی بود که آقای شریفی بین سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ در نجف اشرف با وی ازدواج کرد. ثمرة این ازدواج پنج پسر و دو دختر بود.

ازدواج بعدی او با نوی عمومیش، دختر حاج شیخ حسن بود که پس از بازگشت از نجف و سکونت در زابل صورت گرفت. او از این همسر نیز صاحب سه پسر و ۵ دختر گردید.

#### وفات و مدفن شیخ

سرانجام این عارف سالک پس از ربع قرن (۱۳۴۸ - ۱۳۲۴ش) انجام خدمات دینی و فرهنگی در شهر زابل (چهارشنبه ۱۷/۱۰/۱۳۴۸) مصادف با ۲۶ شوال ۱۳۸۸ق) هنگام اقامه نماز صبح در مسجد حسین آباد دچار عارضه قلبی شد، به

در کنارشان می نشست و از آنان دلجویی می کرد.

**۳. ریاضات شرعی**

این عالم ربانی زندگی زاهدانه ای داشت و روزها روزه بود و شبها را به تهجد و راز و نیاز با خدا و گریه و زاری می گذراند. با قرآن، دعا و زیارت نامه ائمه معصومین(ع) انس داشت و بیشتر اعمال وارد در روزها و شبها مناسبتها را انجام می داد. او هنگام تحصیل در حوزه علمیه مشهد، هر شب بعد از نماز مغرب و عشا، یکی دو ساعت و شبهای جم عه تا صبح در حرم رضوی (ع) به عبادت و قرائت قرآن و دعا مشغول بود. وی سالهایی که در حوزه علمیه نجف مشغول تحصیل بود، جذبه ولایت علوی (ع) و مشاهد مشرفه و سایر اماکن متبرک همچون مساجد کوفه، سهله و حنانه، پافشاری او را نسبت به عبادات بیشتر کرد و برای او توفیقات معنوی فراوانی به آرمغان آورد. همسر او - دختر عارف بزرگ، آیت الله میرزا علی آقا قاضی طباطبائی - می گوید:

«همانطور که پدرم قبل از اذان صبح به مساجد کوفه، حنانه و مقام حضرت مهدی (عج) می رفت و قبل از طلوع آفتاب باز می گشت، همسرم آقای شریفی نیز این برنامه را داشت.»

میلاد  
نور  
آزاد  
پاک  
جهان  
ایران

134

طوری که نتوانست نماز  
صبح را به اتمام  
برساند . نمازگزاران  
نمازشان را فرادا  
خواندند و ایشان را به  
منزل بردنده که آنجا در  
حضور همسر و فرزندان  
دیده از جهان فرو بست.  
با وفات وی، صدای  
گریه اهل خانه بلند شد  
و همسایگان از این  
ضایعه بزرگ با خبر  
گشتند . دقایقی بعد ،  
خبر ارتحال وی در سطح  
شهر زابل و پس از آن  
به شهرها و روستاهای  
تابعه رسید . ساعتی از  
روز برآمده بود که این  
خبر به شهرهای زاهدان ،  
مشهد ، قم و نجف مخابره  
گردید . فرماندار  
شهرستان زابل عزای  
عمومی اعلام کرد . مردم  
شهر ، بخشها و روستاهای  
زابل دست از کسب و کار  
کشیدند و ادارات و  
مدارس شهر یکپارچه  
تعطیل شد . اقشار مختلف  
مردم زابل و حومه با  
حضور و اجتماع بی نظیر  
خود در مسجد جامع  
حسین آباد و خیابانهای  
اطراف ، برای تشییع  
جنازه گرد آمدند و  
ساعته قبل از ظهر  
انبوه شرکت کنندگان ،  
پیکر پاک این عالم  
ربانی را از مسجد یاد  
شده تا قبرستان عمومی  
شهر ، درحالی که زنان و  
مردان داغدار بر سر و  
سینه می زدند ، با شکوه  
تمام تشییع و پس از  
اقامة نماز میت ، به  
خاک سپردند.

## د انشمند شهید سیری در زندگینامه مرحوم محمد بن مکی؛ معروف به «شهید اول»

غلامرضا گلی زواره

شهید اول از همان دوران کودکی از هوش بالا، استعداد سرشار و نبوغی فوق العاده برخوردار بود . به تدریج که مراحل رشد را سپری می کرد، با چنین توانایی ذهنی و فکری نسبت به فراغیری دانشهاي متداول مقدماتی، علاقه و اهتمام نشان می داد، ضمن اینکه مایل بود این تلاش را با رشد اخلاقی و شکوفایی فضایل و مکارم در وجود خود، توانم سازد، علاوه بر این لیاقت‌های ذاتی، پدری عالم و فاضل در تعلیم و تربیت وی نهایت جذبیت و کوشش را به کار گرفت و شهید در همان ایام کودکی و نوجوانی مبانی مقدماتی ادبیات و برخی معارف نقل را از والد

العلم الشیعه، جعفر مهاجر، دار المورخ العربي، بيروت، ج ۳، ص ۱۴۲۰.

مقدمه در سال ۷۲۴ق ستاره ای از افق جزین طلوع کرد. این کودک «محمد نامیده شد و لقب «شمس الدین» را برایش برگزیدند؛ وی از پدری ملقب به «شیخ جمال الدین» یا «شرف الدین» و بانوی از خاندان علوی عراق، از آل معید او اولین شخصیتی است که در میان علمای شیعه به شهید اول و به طور مطلق شهید خوانده می‌شود و از آنجا که در حرکتهاي فکري و جنبشهاي فرهنگي منطقه جبل عامل، طلايه دار و پیشراول این نهضت بود، وی را «رائد چنین قیامي نامیده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. جزین (با کسر اول و تشید دوم) بر وزن سکین، از توابع جبل عامل است<sup>۲</sup>  
۲. اعيان الشیعه، ج ۱۰، ۱۵۹ص، ریحانة الادب، مدرس تبریزی، خیام، تهران، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲۷۶ص، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبد الله افندي، آستان قدس رضوي، مشهد، ۱۳۸۴، ج ۹، ۱۹۴ص

میلادی

مبانی

136

دانشمند خود آموخت.<sup>۱</sup>

هر جریان به سوی حلّه

۷۵۰ شهید اول در سال  
ق و در حالی که شانزده  
بهار را در جزین سپری  
کرده بود، عازم عراق  
گردید و در شهر حلّه  
اقامت گزید.

حلّه از زمان

شکل گیری، منطقه ای  
شیعه‌نشین به شمار  
می‌آمد و همچنان در این  
مسیر پایدار و استوار  
باقی ماند و در ت رویج  
و نشر علوم و معارف  
اهل بیت مقامی ارجمند  
به دست آورد و کاروانی  
از علماء و فقهاء  
فرزانه را در دامن خود  
تربیت کرد؛ آل طاووس،  
خاندان محقق حلّی، آل  
سعید و علامه حلّی و  
دیگر مشاهیر که در این  
مقال مجال معرفی آنها  
نمی‌باشد، از این دیار  
برخاسته‌اند.<sup>۲</sup>

برخی است ادان و مشایخ  
اجازه

شهید اول در حلّه پای  
درس شخصیتها بزرگی  
نشست که برخی از آنها  
عبارتند از:  
۱. فخر المحققین،  
فرزند علامه حلّی (۶۸۳ - ۷۲۱ ق)؛  
۲. سید عمید الدین

عبدالمطلب (۶۸۱ - ۷۵۴ ق)؛ معروف به عمیدی،  
فرزند خواهر علامه حلّی؛

۱. مهاجرت علمای شیعه از چبل  
عامل به ایران، مهدی فرهانی  
منفرد، امیر کبیر، ۶۹ ص ۲۷۷  
تهران، سازمان تبلیغات اسلامی،  
ابرار، ۱۳۷۴، ۱۷، ۲۴ ص ۲۵ - ۲۵  
تهران، تاریخ شیعه، ج ۱، ۱۷، ۲۴ ص ۲۵ - ۲۵  
۲. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۶۱ - ۱۶۲ ص ۱۴۵

۳. سید ضیاء الدین،  
برادر سید علی بن طران  
که نزد علامه حلّی  
شاگردی کرد؛  
۴. رضی الدین علی  
مزیدی (متوفی ۷۵۷ ق)؛  
۵. شیخ علی بن طران  
مطار آبادی، ملقب به  
رضی الدین که در زمرة  
فقهاء و علمای است که  
استاد و شیخ اجازة  
شهید اول می‌باشد؛  
۶. سید علاء الدین  
علی بن زهره حلّی  
(متوفی ۷۷۵ ق) از  
садات حسینی که نسب وی  
به حضرت آبا عبدالله  
الحسین (ع) می‌رسد.  
**سیاحت علمی و آموزشی**  
شهید اول بعد از  
تحصیل در حلّه عازم  
کربلا شد و به حوزه درس  
بزرگانی چون: سید عمید  
الدين اعرجی حائری  
(فرزند خواهر علامه  
حلّی) و سید عالم الدین  
موسوي حائری راه یافت  
و به مقام علم و فقاهت  
رسید و از مشایخ مدرسه  
حائری شریف به دریافت  
اجازه‌ای نائل گردید و  
نیز در این مدت در  
کربلا با تدریس و صدور  
فتوا آوازه بلندی  
یافت، سپس راهی بغداد،  
مکه، مدینه، فلسطین،  
شام و مصر گردید و در  
مراکز علوم دینی این  
نواحی از پرتو دانش و  
اندیشه علمای شیعه و  
سنی بهره مند گردید و  
اجازات مفصل فقهی و  
روایی دریافت کرد.<sup>۳</sup>

۳. دائرة المعارف تشیع، نشر  
سعید محبی، تهران، ۱۳۸۳، ج ۱۰،  
ص ۱۴۵.

اول اجازة روایت داد . شیخ شمس الدین ابو عبد الرحمن محمد که در مدرسة مستنصریه بغداد حوزه درسي داشت، به شهید اول اجازة روایت داد . مؤلف «روضات الجنات» به نقل از فرزند علامه حلی، میگوید : «طرق روایی شهید اول به امام جعفر صادق (ع) میرسد، متجاوز از حد طریق است و میافزاید : خداوند متعال را سپاس میگوید که تمام این راهها به راهی که من روایت کرده ام، متصل میگردد .»<sup>۲</sup> شهید اول در مدت کوتاهی در تم امی علوم و معارف اسلامی به ویژه در فقه و اصول تبحر پیدا کرد و در ردیف علمای بزرگ شیعه قرار گرفت . فقهای معاصر و بعد از او، نه تنها محسولات فکری و علمی وی را مورد توجه قرار دادند؛ بلکه آنها را جزء متون آموزشی و درسی خود کردند.

#### مکتب علمی و فقهی

شهید اول بعد از مسافرتها پربار و صعود به قله اجتهاد در سال ۷۶۰ ق به وطن خود مراجعت کرد و در زادگاه خود (جزین) اقامات گزید و در اولین قدم در این آبادی، مدرسه ای تأسیس کرد که از دیگر مدارس جبل عامل پیشرفته تر و در

۲. روضات الجنات، خوانساری، انتشارات اسماعیلیان، قم، ج ۷، ص ۱۳۷

در بین این اساتید، بعد از فخر المحققین (فرزند علامه حلی) شخصیتی که در تکوین علم و معرفت این شهید نقش مؤثری ایفا کرد، قطب الدین رازی (متوفی ۷۶۶ق) میباشد . وي از نسل شیخ صدق و در زمرة اساتید برجسته شهید اول ب وده که آن شهید درباره اش میگوید : «او دریایی است بیانتها، از شهر ورامین و از شاگردان علامه حلی است .»<sup>۱</sup> شهید علاوه بر استادانی از فقهاء و محدثان شیعه، از محضر علمای اهل سنت نیز استفاده کرد، او در اجازة مفصلی که برای «ابن خازن» نوشته است، میگوید : «من مصنفات و مرویات اهل سنت را از چهل عالم و استاد اهل سنت روایت کرده ام، استادیدی که آنان را در مکه، مدینه، مصر، دمشق، بیت المقدس و الخلیل، به دیدارشان نایل گردیده بودم .» شیخ شرف الدین محمد بن بکtaş تستری که استاد و مدرس نظامیة بغداد بود، اج ازه روایت دو کتاب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» را به شهید اول داد . شیخ محمد بن یوسف شافعی نیز در بغداد و به سال ۷۵۸ ق به شهید

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسس آل البيت %، قم، ج ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۸ .

تدريس فقه و اصول پیشگام بود و تحولی را که از زمان علام ه حلبی در سرزمین عراق به وقوع پیوست، به جبل عامل منتقل کرد. شهید اول رفته رفته خود به ابتكارات و خلاقیتهايی دست زد و در گام نخست، حوزه این مدرسه را تا شام (سوریه، لبنان، فلسطین و اردن) گسترش داد و مدارس متعددی در این منطقه تأسیس کرد. آین مدارس، کانونهای مهمی برای نشر تشیع و فراغیری علوم و معارف اهل بیت) و تربیت عده ای عالم و مجتهد گردید. آن شهید والامقام در تدریس و ارائة شیوه های آموزشی توفیقهاي زیادي به دست آورد و حوزه درسی وی از رونق و شهرت پیژه ای برخوردار گردید.

او علاوه بر فعالیتهاي آموزشی و فرهنگی، به مشکلات مردم رسیدگی میکرد و پرسشها و شباهات مطرح را با نوعی فروتنی پاسخ میگفت. خانه اش پناهی امن برای عموم مردم، به خصوص شیعیان بود که در هنگام گرفتاریهاي گوناگون، به سوی آن میشافتند و هنگام دیدار و ملاقات با آن عالم رباني احساس آرامش مینمودند و قوت قلب پیدا میکردند، از

این رو شهید اول لقب ملجم شیعه را به خود گرفت و بدان مشهور گردید.  
**تلاشی آموزشی و تربیتی**  
 شهید اول جنبش علمی مستقلی بنیاد نهاد که همان پروردن فقیهان و دانش آموختگان مدرسة جزین است. این نخستین بار بود که جبل عامل در درازای تاریخ پرپراز و نشیب خود آماده کاری مهم و اثر بزرگ می شد؛ چرا که جویندگان دانش از دور و نزدیک به جزین می آمدند تا از پرتو انوار و فیوضات دانشوری جامع معقول و منقول و دارای ابتكارهای فراوان در ارائه متون آموزشی، برخوردار گردند.  
**شیخ حَرَّ عاملی** (در «امل الامل» «اطلاعات فراغیری در این باره ارائه نمی دهد؛ اما او تا حدودی خود را ملزم کرده است که ذیل معرفی برخی علماء بنویسد: «من تلامذه شهید» و «بروی عن الشهید». این عبارات می توانند حقایقی را درباره کارنامه علمی و فرهنگی شهید اول (تا حدودی) روشن کند.  
 دکتر کامل مصطفی شیبی مینویسد: «دامنه فرهنگ شهید اول به حدی وسیع بود که در دمشق حلقة درس داشت و حتی مرجع مذاهب پنجگانه

فقهی گردید و همین  
ویژگی، حسادت فقهای  
رقیب را برانگیخت،  
رشته هایی که شهید اول  
مورد تحقیق قرار داد،  
بسیار متنوع بود و حتی  
شامل علم سحر نیز  
می‌گردید، به دلیل همین  
توانایی موفق گردید  
جادوی کسی را که در  
جبل عامل مدعی پیامبری  
بود، باطل کند.»

### برخی شاگردان

علاوه بر فرزندان  
فاضل و همسر دانشور  
شیخ شهید که از محضر  
وی استفاده کرده اند،  
علمای ذیل از حوزه  
درسی این فقیه فرزانه  
استفاده کرده و  
اجازاتی دریافت  
نموده اند:

۱. ابن فهد حلی (۷۵۷ - ۸۴۱ ق)؛
۲. ابن خازن حائری (متوفی ۸۲۰ ق)؛
۳. فاضل مقداد (متوفی ۸۲۶ ق)؛
۴. سید بدر الدین حسن بن ایوب، مشهور به ابن نجم الدین اعرجي حسینی، جد سید بدر الدین حسن بن جعفر اعرجي و استاد شهید ثانی؛

۵. شیخ شمس الدین محمد بن عبد العالی کرکی عاملی؛
۶. شیخ شمس الدین محمد بن نجد معروف به بن نجد؛
۷. شیخ عز الدین حسن

۱. تشیع و تصوف، کامل مصطفی شیبی، ترجمه علیرضا زکاوی قراگزلو، امیر کبیر، تهران، ۱۴۷۰ - ۱۴۸۰.

بن سلیمان بن محمد بن  
خالد حلی.  
بديهي است شهيد اول  
در نقاط گوناگون شامات  
شاگردان فاضل و  
دانشمند زيادي تربیت  
کرده و يا به آنها  
اجازه داده است؛ ولی  
ما در اين نوشتار تنها  
برخی از تربیت یافتن  
مکتب او که مورد توجه  
شيخ شهید بوده اند،  
اشارة گردیم، محقق  
معاصر «محمد رضا شمس  
الدين» که خود از  
احفاد شهید اول است،  
موفق گردیده نام  
متجاوز از سی نفر از  
شاگردان<sup>۱</sup> شیخ را  
بیاورد.

### نگاشته‌های با ارزش

شهید اول با وجود  
عمر کوتاه و دشواریهای  
گوناگون که با آنها  
مواجه بود، موفق گردید  
قلم به دست گیرد و  
آثار ارزشناهای از علوم  
و معارف اسلامی را با  
نثري استوار و دانشی  
واسیع و گوناگون به  
رشته نگارش در آورد که  
خود بهترین سند و گواه  
بر عظمت روح و جایگاه  
عالی وی در میان  
دانشمندان شیعه  
میباشد. در ذیل به  
آثار این عالم شهید ،  
اشارة میشود.

۱. المقالة التکلیفیة؛
۲. المسائل الربعینیة؛
۳. العقیدة؛
۴. الاعتقادیة؛

۲. حیات الامام شهید الاول، ۵۶.

## ٥. الباقيات الصالحات؛

٦. أربعون حديثاً؛
٧. اللمعة الدمشقية؛
٨. الدروس الشرعية  
في فقه الإمامية؛
٩. الالفية؛

### بر کرانة کمالات

تحقیق، دقت نظر و بررسیهای عمیق و دقیق او در فروع فقهی و مسائل گوناگون آن، یافته های ایشان را در این عرصه ممتاز نموده است، به گونه ای که برخی آثارش از بد و تالیف تاکنون همواره محور مباحثه، مناظره، تدریس، شرح و حاشیه علماء و استفاده طلاب فاضل بوده است؛ اما به موازات درنوردیدن مدارج علمی، به تزکیه درون و پالایش دل و ذهن از طریق عبادات

حالصانه، ذکر و دعا، تهجد و شب زنده داری، مشغول بود و در پرتو این حالات معنوی و ملکوتی روح و آزاده و عزم خویش را برای انجام کارهای مهم تقویت می کرد و لطف و عنایات الهی را شامل خویش می ساخت.

آن بزرگوار ضمیری پاک و مصفا؛ اما بدنی

لاغر و قامتی کوتاه

داشت، آن طراوت روحی

که در پرتو ارتیاط با

عالم قدس و دنیا

عرشیان به دست آورده

بود، شجاعت فوق

العاده ای را برای

ایشان به ارمغان آورده

بود. با درنگی در عمر

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

مبیغا

کوتاه، سیاحتهاي متواли و تأليفات متقن وي در علوم اسلامي و تبحرش در فنون گوناگون، ادبیات و حتی علوم غریبه این واقعیت به دست می آید که جز توفیقهاي رباني و تاییدات الهی، چنین تو انایهای در شرایط و امکانات عادی امکانپذیر نبوده است<sup>۱</sup> از این رو «علامه امینی» میگوید : «شهید اول از شخصیتهاي نادری است که خداوند برای رشد و ترقی و تعا لی بندگانش پدید آورده است و هر چه درباره او گفته شود، باز حقش به جای آورده نمی شود و ستایشها و توصیفها به گرد مقام و مرتبه اش نمیرسد.»<sup>۲</sup>

خود شهید اول میگوید : «هنگام نگارش کتاب لمعه، واهمه داشتم که فردی از متعصبان وارد شود و با هیاوهای خود مشکلاتی برایم ب وجود آورد؛ اما از لحظه ای که شروع به تصنیف آن کردم، تا زمانی که این اثر را به انجام رسانیدم، هیچ یک از آنان بر من وارد نگردید و این از الطاف غیبی الهی بود.»<sup>۳</sup>

۱. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۲۷۷.

۲. شهیدان راه فضیلت، علامه عبد الحسین امینی، ترجمه : ج. ف، نشر روزبه، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۵۸.

۳. اللمعة الدمشقية، مکی (شهید اول)، به کوشش سید محمد کلانتر، مطبعة الادب، نجف اشرف، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۴.

## فرزانة فروزنده آفاق

شهید اول همواره مورد ستایش و تمجید علماء و بزرگان مکتب تشیع بوده و در وصف او و برشمیردن کمالات و صفات ویژه اخلاقی او، سخنان زیادی از علماء و بزرگان دین نقل شده است؛ در آینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. فخر المحققین، فرزند علامه حلبی، گفته است: «من از شاگردان محمد بن مکی، بیش از آنچه او از من بهره برده است، استفاده کرده‌ام.»<sup>۱</sup>

۲. شهید ثانی که کتاب لمعة شهید اول را شرح کرده است، صاحب لمعه را چنین معرفی کرده است: «شیخ بزرگوار، امام محقق عالی قدر، فرزانه و مدقق، جمع کننده بین منقبت علم و سعادت و مرتبة عمل و شهادت امام سعید، ابو عبد الله شهید محمد بن مکی اعلی الله درجه کما شرف خاتمته.»<sup>۲</sup>

۳. شیخ حمزه عاملی نوشه است: «شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن مکی عاملی جزینی، دانشمندی با مهارت، فقیه محدث مدقق ثقه، دریادل کامل و جامع فنون عقلی و نقلی، زاهد عابد پرهیزگار، شاعر ادیب نویسنده

یگانه دوران که در زمان خود بمنظیر بود.»<sup>۴</sup>

۴. شیخ یوسف بحرانی درباره این عالم عامل گفته است: «دانش و فضل او فراتر از آن است که ما آن را بیان کنیم و سرشتر از آن است که ناشناخته بماند، او عالمی توانا و چیره دست بود، فقیهی دریا آسا، با همت و صاحب نظر در علوم نظری و روایی، وارسته ای پارسا و اهل عبادت و بندگی خداوند که در اعصار گوناگون کمتر فردی را می‌توان نظیر او یافت.»<sup>۵</sup>

۵. میرزا حسین نوری شیخ شهید را این گونه ستوده است: «تاج شریعت، باعث افتخار شیعیان، خورشید دیانت و مذهب، شهید اول به باور جمعی از اساتید فن، دانشمندترین فقیه است، او ضمن اینکه در رشته های گوناگون علمی و ادبی جامعیت داشت، به فضایل و مکارم آراسته و دارای روحی پاک و اراده ای نیرومند بود.»<sup>۶</sup>

۶. مرحوم حاج شیخ عباس قمی می‌گوید: «استاد فقهای امام، زعیم شیعیان، قله تحقیق، محقق حقایق اولین و آخرین، شیخ طایفه، کسی که به سوی

۳. اهل الامل، شیخ حمزه عاملی، به کوشش سید احمد حسینی اشکوری، مکتبه آلاندلس، بغداد، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴. لؤلؤ البحرين، شیخ یوسف بحرانی، مؤسسہ آل البيت، قم، ۱۴۷-۱۴۶ھ.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۷.

کمالات عروج کرد، مدارج علمی را پیمود و سرانجام رتبه شهادت را به خود اختصاص داد، افقه فقها نزد جماعتی از استادان، جامع فنون عقلی و نقلی و حاوی صنوف فضایل و کمالات...».

۷. علامه امینی در معرفی او نوشت «شیخ محمد بن مکی که در اصطلاح علمای ما به طور مطلق شهید خوا نده می شود، نخستین شخصیتی است که در میان شیعیان بدین لقب نامیده شده است، او پناهگاه جهان تشیع و پرچمدار شریعت بود و هنوز نظرات فقهی وی سرچشمۀ آرای فقهی علمای ما است و کتابها و تألیفات او مرجع فقیهان ما، آرای علمی او کانون استناد آرایشان، آوازه اش در عرصه فقه و اصول و سهم بزرگش در پیشرفت علوم، روشن تر از آن است که نیازی به توضیح و بیان داشته باشد و ستایش ایشان به مدح خورشید می ماند که خود مایة ستودن و اصل آن است».<sup>۱</sup> طرح نظریۀ فقهی - سیاسی «ولایت فقیه»<sup>۲</sup>

از دستاوردهای با ارزش شهید اول در بروز ساختن مبانی فکری تشیع با صبغه ای از اندیشه سیاسی بود که بعدها به

۱. فواید الرضویه، شیخ طوسی، کتابخانه مرکزی، تهران، ۱۳۲۷ش، ج ۲، ص ۹۸۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۸۷؛ الکنی و الالقب، ج ۲، ص ۳۷۷.  
۲. شهیدان راه فضیلت، ۱۵۵۶ - ۱۵۶

صورت ویژگی تفکیلناپذیر فقه شیعه درآمد . امتیاز طرح نظریة فقهی - سیاسی «ولایت فقیه» از میان تمامی مکاتب و مذاهب فقهی اسلام به وی بازمی گردد . زمانی نزدیک به سه قرن بعد از پایان گرفتن عهد امامت و بی رمق گردیدن م ذاہب دیگر در پی برافتادن دستگاه خلافت بنی عیاں توسط مغولان ، ابن مکی در پی طرح مقدمات نظریه ای بود که بعدها در عصر صفویه توسط معتقدان به نظریه های فقهی وی ، پرداخته شد و در حد شایان توجّهی تکوین پیدا کرد ، او کتاب «ذکری الشیعه» که در ۷۸۴ق نگارش آن را آغاز کرد ، اشاره ای به موضوع ولایت فقیه داشت؛ اما متأسفانه موفق نگردید این اثر را به جا هایی برساند که انتظار می رفت موضوع مزبور را طی آنها تشریح کند و روشن نماید؛ اما در کتاب معروفش «اللمعه الدمشقیه» که در ۷۸۲ق نوشتۀ است، مجموعه بزرگی از فتوا هایی دیده می شود که صدور آنها جز بر بنیاد ولایت فقیه امکان ندارد ، این فتواها را می توان از این بابها به دست آورد: باب زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و

۳. مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، ۷۸.

نهی از منکر، قضا،  
حجر، نکاح و حدود.

اینکه شهید اول  
تأکید مینماید خمس به  
نایب عام امام؛ یعنی  
فقیه جامع الشرایط  
تعلق می‌گیرد، شاید  
نخستین بار بود که در  
فقه شیعه چنین عبارتی  
مطرح می‌گردید و سپس در  
فرهنگ تشیع مطرح شده  
است.<sup>۱</sup>

آن شهید در عرصه عمل  
و کارنامه سیاسی نیز  
چنین هدفی را تعقیب  
می‌کرد و برای اولین  
بار دعوی نیابت عامه  
از جانب حضرت مهدی (ع)  
را مطرح کرد و  
خاطرنشان ساخت که بدون  
حور شخص وی نمی‌توان  
نمایز جمعه برپا داشت و  
جمع اوری خمس و زکات را  
وظیفة نایب امام دانست  
و بدینگونه به صورت  
زعیم واقعی شیعیان  
درآمد.

ابن مکی برای عملی  
ساختن این برنامه لازم  
دید در شهرهای مجاور  
نواحی کوهستانی و دور  
از چشم حکومت وقت، از  
جانب خود کارگزارانی  
برای مناطقی چون  
طرابلس و غیره تعیین  
کند، بدین گونه آن  
شهید مفهوم جدیدی از  
حکومت شرعی را توسط  
فقیهی بلند مرتبه  
بنیاد نهاد که با  
مفهوم خلافت که حکمرانی  
سلسله ممالیک بر آن  
قرار گرفته بود، کاملاً

مغایر بود.  
حرکتی که شهید اول  
در جزین آغاز کرد، به  
سرعت رشد یافت و  
فقیهانی که در مکتب وی  
تربیت شده بودند، نشر  
افکار او را بر عهده  
گرفتند. این شاگردان،  
به عنوان نمایندگان او  
در نقاط گوناگون  
تکاپوی فکری، سیاسی و  
فرهنگی داشتند. اینکه  
یکی از مریدان و  
یارانش در طرابلس  
دستگیر و گردن زده شد،  
نشان می‌دهد که دامنه  
تلاش‌های مبارزاتی و  
سیاسی شهید اول تا این  
قلمرو گسترش داشته است  
و نیز این هشدار به وی  
داده شد که با تمام  
طرفداران منش او، همین  
گونه رفتار خواهد شد،  
رویداد مذبور حکایت از  
آن دارد که دولت  
ممالیک از رشد این  
حرکت به شدت احساس خطر  
می‌نموده است.<sup>۲</sup>  
بنا به اظهارات محقق  
لبنانی، «شیخ جعفر  
مهاجر»، نهضت شهید اول  
حتی از مرز مبارزات  
سیاسی عبور کرده و به  
قیام مسلحانه علیه  
ممالیک رسیده بود. وی  
به محلی با عنوان  
قبرستان شهیدان اشاره  
دارد که در جانب راست  
جاده منتهی به  
«نبهله» در روستای

۲. صبح الاعshi في صناعة الانشاء،  
احمد بن قلقشندی، قاله، بیتا،  
ج ۵، ص ۲۶۴؛ شذرات الذهب في  
أخبار من ذهب، ابن عمار حنبلی،  
مکتبة التجاری، بيروت، بی تا،  
ج ۶، ص ۲۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۷،  
ص ۱۸۴؛ لؤلؤ البحرين، ج ۱۴۶،  
الهجرة العاملية، ج ۷۵ - ۷۶ .

۱. همان، ۱۴۳ - ۶۶؛ الهجرة  
العاملية، ج ۱، ص ۱۸۱.

«نبطي فوما قرار گرفته است . مهاج می افزاید : بر فراز یک بلندی ، جایی که خانه های این آبادی آغاز می گردد ، بنای جالبی قرار دارد که روی آن گنبدی دیده می شود ، این بنا را اهالی ، مقام محمد شهید میدانند و عقیده دارند اینجا مزار شهدایی از یاران شهید اول است که با دشمنان جنگیده اند و به دست خصم کشته شده اند.

از عواملی که نشان میدهد شهید اول دارای شخصیتی مذهبی توأم با سیاست بوده این است که علیرغم زندگی در فضای اختناق ناشی از حکومتهاي جائز ، از طرح مسائل فقهی حکومت و دولت اسلامي دست برنداشت . وي در «لمعه دمشقیه» به جواز اقامه حدود و قضا و حکومت در بین مردم عصر غیبت توسط فقها ي واجد شرایط ، فتوا داد و بر مردم واجب کرد که برای عملی شدن چنین احکامی ، فقهای جامع فضل و فضیلت را مرجع و رهبر خود قرار دهند ، نه حاکمان ستمگر و جفاکار را .

شهید اول می گوید : «قضاؤت بر امام یا نائب او واجب است و در زمان غیبت ، فقیه جامع الشرایط ، امر قضاؤت را عهده دار می گردد .» شهید مبلغان

ثانی در شرح این عبارت مینویسد : «اگر مفتی این شرایط را دارا باشد ، بر مردم واجب است که رأی او را پذیرفته و فتوای او را بر خود لازم و واجب شمرند ؛ چون او منصوب از طرف امام بر عموم مردم است .» مراقبت از دین و فرهنگ مردم

شهید اول به موازات حرکتهاي سیاسي ، مراقب فرهنگ مردم نيز بود و به تصحیح آن همت می گماشت و در مصون سازی اهالی جبل عامل و نقاط مجاور از عقاید فرقه های انحرافی و باطل می کوشید و در ضمن برخی طوایف شیعی را برای قیامی مسلحانه با خود همراه می ساخت و در ساماندهی تشكلهای شیعی برای این منظور جدیت داشت و اجازه نمی داد آنان راه افراط را بپیمایند .

شیخ محمد مالوши شاگرد شهید اول و از علمای کرد شیعه بود که غالیگری در باره ائمه ( ) را رواج می داد . شهید اول احساس کرد این شاگردش از سیر اصلی تعالیم تشیع طغیان کرده و راه انحراف و بدعث را پیش گرفته است و این روند خطری جدی است که ضمن آسیب وارد ساختن به جامعه شیعی موجب ایجاد تفرقه

٣. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية ، شهید ثانی ، طبع سنگی ، تهران ، ۱۳۲۱ ، ص ٤٥ .

١. صبح الاعشی ، ج ٢ ، ١٣٥ - ١٥ .  
٢. اللمعة الدمشقية ، ج ٢ ، ص ٧٦ .

ارتباطی با برکت  
شهید اول در دوران  
زعامت خود بر شیعیان،  
با برخی از امیران و  
حاکمان وقت ارتباط  
برقرار می کرد تا بهتر  
بتواند امورات جامعه  
اسلامی را به انجام  
رساند؛ از امیران  
مرتبط با شهید اول،  
خواجه علی مؤید (۷۶۹) –  
۷۸۸ (ق) بود که از  
دوران امارت خواجه  
وجیه الدین مسعود، از  
کارگزاران مهم دولت  
شیعی سربداران به شمار  
می رفت و امور کشوری و  
لشکری با مشورت وی به  
انجام می رسید و چون  
خود زمام امور را به  
دست گرفت، در مملکت  
داری از تدبیر و  
اقتدار ویژه ای استفاده  
کرد . اختلافها و  
تشنجهای سیاسی و  
اجتماعی را کاهش داد،  
به امور مردم رسیدگی  
نمود و اقشار گوتاگون  
را از خوان نعمت خویش  
برخوردار ساخت . وی  
شب هنگام در کوی و برزن  
راه می افتاد و به  
فقیران، یتیمان و زنان  
بی سرپرست رسیدگی می کرد  
و به آنان بول و طعام  
می داد، در دوران حکومت  
خود اهالی و نواحی تحت  
قلمروش در آرامش و  
امنیت به سر می برند و  
روزگار آسوده ای را  
سپری می کردن د، شیوه  
شايسه حکومت داری او  
باعث شد بیش از تمامی  
والیان سربدار حکومت

بین آنان و اهل تسنن  
می گردد، پس چون از  
طريق گفتگو، تصیحت و  
اخطر متوالی موفق نشد  
او را از این انحراف و  
اعوجاج باز دارد، پس  
حکم به تکفیر او داد؛  
اما شیخ مالوشی که در  
علوم غریبه ید طولایی  
داشت، حامیان فراوانی  
از شیعیان تندرو و  
افراتی به گرد خود  
فرامهم آورد و سپاهی در  
جبل عامل از پیروان  
خود که در افکار باطل  
خوبیش اصرار می ورزیدند،  
تدارک دید، حامیان  
شهید اول به کمک برخی  
کارگزاران محلی با  
قوای مالوشی در حوالی  
نبطیه وارد نبردی سخت  
شدند، در این ماجرا  
شیخ مالوشی که  
فرماندهی نیروهای خویش  
را عهده دار بود، به  
هلاکت رسید؛ اما  
متأسفانه بعد از قتل  
وی هوادرانش از عقاید  
انحرافي او دست  
برنداشتند و «شیخ تقی  
الدین جبلی خیامی» راه  
پرآفت او را پی گرفت و  
بعد از مرگ وی «شیخ  
یوسف بن یحيی » رهبر  
فرقۀ منحط مالوشیه  
گشت، این دو نفر ضمن  
اینکه قیام مسلحانه  
شهید اول را دچار شکست  
کردند و اجازه ندادند  
او در تأسیس دولت شیعی  
جبل عامل موفق بماند،  
با فتنه انگیزی و نشر  
اکاذیب، زمینه شهادت  
آن عامل عامل را به  
وجود آورند.

نماید و مدت هیچده سال  
بر سریر قدرت سیاسی و  
اداری قرار گیرد.  
وی در ایامی که شهید  
اول در عراق بود، با  
وی ارتباط برقرار کرد  
و برای ترویج تشیع از  
آن عالم بزرگوار دعوت  
کرد تا به خراسان  
بیاید و در گسترش مذهب  
تشیع در قلمرو  
سربداران، این دولت را  
یاری دهد. بدین منظور  
«شمس الدین محمد آوی»  
را با نامه‌ای و یک جلد  
کلام الله مجید نزد وی  
فرستاد، تا این دعوت  
را به انجام رساند؛  
آوی از علمای مقرب  
دستگاه خواجه علی مؤید  
بود.<sup>۱</sup>

شهید اول از اجابت  
آن دعوت سرباز زد؛  
زیرا در آن زمان زمامت  
شیعیان و رهبری حرکت  
سیاسی اجتماعی مهمی را  
در شامات عهده دار بود،  
جنبهشی مهم را آغاز  
کرده بود که باید  
استمرار می‌یافتد و به  
هدف مقدس خود می‌رسید،  
و لذا قادر نبود آن را  
رها کند. برخی منابع  
صرفاً از امتناع ورزیدن  
و عذرخواهی شهید سخن  
گفته‌اند و به دلیل آن  
اشارة نکرده‌اند.<sup>۲</sup> پاره  
ای مصادر

۱. تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، عباس اقبال آشتیانی، نشر نگاه، تهران، ۱۳۸۷ ش، ص ۴۷۶-۴۷۷؛ قیام شیعی سربداران، ۱۳۶۳ ه، ۱۹۴۰ ص.
۲. مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، ۱۸۷۵ ص.
۳. مفاخر آسلام، علی دوانی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش، ج ۴، ص ۳۴۰.

نوشته‌اند: روش نیست  
چرا شهید اول این  
فراخوانی را بی جواب  
گذاشته است.  
گرچه محمد بن مکی  
نتونست به خراسان و  
منطقه تحت نفوذ دولت  
شیعی سربداران برود؛  
ولی کتاب «لمعه  
الدمشقیه» را به نگارش  
درآورد و برای آن این  
فرستاد تا راهنمای  
دولت و مردم باشد و  
براساس فتاوی فقهی آن  
عمل کنند.  
یک سال بعد تهاجم  
«تیمور گورکانی»<sup>۱</sup>  
آشتفتگیهایی را در  
خراسان به وجود آورد،  
اختلافات داخلی و خارجی  
نیز حکومت سربداران را  
تضعیف کرد، سیاستهای  
خشن خواجه علی مؤید  
علیه درویشان و صوفیان  
نیز ب اعث گردید آنان  
تیمور را برای تسخیر  
خراسان تحریک،  
راهنمایی و کمک کنند،  
به همین دلیل، خواجه  
علی مؤید، بر اساس  
مصالحی با تیمور  
همپیمان گردید، نبرد  
تیمور با ممالیک که در  
مذهب خود افراط  
می‌ورزیدند و نیز گرایش  
این امیر ایلخانی به  
تشیع و فتح دمشق توسط  
وی با شعار انتقام  
امام حسین (ع) از نسل  
یزید، از موادری بود  
که پیوستن اخرين امیر  
سربداري به تیمور را  
می‌تواند توجیه کند؛  
اما وقتی خواجه علی  
مؤید تسلیم تیمور

گردید، امیر گورکانی با تمام احترامی که برای او قائل بود، حکمرانی ایشان را مصادره کرد و در اختیار دشمنانش از جناح درویشان قرارداد و او با امیر تیمور آنکه در سال ۷۸۸ در نبردی در نواحی غربی کشور ایران کشته شد و بدین گونه طرح علی مؤبد برای استقرار و گسترش اسلام فقاهتی مورد نظرش، مسکوت و ناکام ماند؛ ولی روند حوادث چنان بود که حدود دو قرن بعد همین طرح پیروزمندانه تحت هدایت علمای شیعه توسط دولت شیعی صفویه به کار بسته شد، بدین ترتیب هم وطنان شهید اول و باورمندان به اندیشه های او، به ایران مهاجرت کردند تا در تحکیم بنیانهای تشیع به زمامداران دوorman صفویه یا ری برسانند.<sup>۱</sup>

### شهادت

سرانجام شهید اول گرفتار نیرنگهای دولت ممالیک، برخی علمای تنگ نظر، متعصب و افراطی هم پیمان آنان گردید، بعد از آنکه یکی از شاگردانش به نام «محمد یالوشی» از

۱. مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، ۱۸۶۵م<sup>۲</sup>؛ قیام شیعی سربداران، ۲۰۱۵م<sup>۳</sup>؛ تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، ص ۴۲۷؛ الروضة البهیة، ۲۳۵م<sup>۴</sup>، ص ۲۴؛ عیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۶۰؛ روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۵.

دین خارج شد و ادعای پیامبر کرد و محمد بن مکی وی را سرکوب و به قتل رسانید، پیروان وی که خود را شاگردان و یاران قبلی ابن مکی بودند ده فتنه گری و سخن چینی را در پیش گرفتند، نخست تقی الدین خیامی علیه وی ادعاهایی دروغ مطرح کرد. سپس یوسف بن یحیی کارش را ادامه داد. وی صورت جلسه ای حاوی مطالبی دروغ و آمیخته به اتهامات بی اساس عليه ابن مکی فراهم کرد و موضوع را در بیروت و صیدا و سپس در دمشق به داوری نهاد<sup>۱</sup>، این پرونده سازی به امضای هفتاد تن از پیروان ظاهر امرتد ابن مکی و نیز امضای هزار نفر از عوام متعصب در مذهب خود رسید، در نتیجه محمد بن مکی را به جرم ارتداد دستگیر و زندان کردند. بعد از یک سال حبس، قاضی برهان الدین شافعی به توبه اش فتواد؛ اما قاضی دیگری به نام «عبدالبن جماعه» فتوای قتلش را صادر کرد و سرانجام در نهم جمادی الاول ۷۸۶ق او را با شمشیر به شهادت رساندند، آنگاه پیکرش را به دار آویختند و

۲. اعیان الانوار، ج ۱۰۷، ص ۶۰؛ قصص بخار الانوار، ج ۱۸۵، ص ۱۸۵؛ قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ش، ص ۳۴؛ لؤلؤ البحرين، ۹۸ص؛ امل الامل، حر عاملی، ج ۱۰، ص ۱۸۲؛ ریاض العلماء، ج ۷، ص ۳۰۷.

جنازه اش را بعد از  
سنگساز نمودن، آتش  
زدند.

شوال ۱۴۳۶ق - سال شاهزاده ۹۷ - ۱۴۰۱

مبانی

148

۱. امل الامل، همان، ص ۱۸۳؛ قصص  
العلماء، ص ۳۴.

## خاطرات و تجارب تبلیغی<sup>(۱)</sup> «راه کارهای تجربی جهت جذب جوانان و نوجوانان»

### اداره کل اعزام و پشتیبانی تبلیغ

همواره همراه بدیها و  
غصه‌ها ببینند، هر وقت  
به او نگاه می‌کنند،  
خاطرات غم انگیز در  
آنان تداعی می‌شود.  
با پیشنهاد و ارشاد،  
فهماندم که می‌توانیم  
در شادی‌هایشان نیز  
شریک باشیم. از این رو،  
برخی خانواده‌های  
متدهای ن، برای عروسی  
فرزندشان در اعیاد  
مذهبی و تولد امامان<sup>(۲)</sup>  
مرا دعوت کردند و بند  
صحبت‌های شاد و  
امید‌آفرین داشتم.  
اتفاقاً روایاتی در  
مذمّت‌غنای و موسیقی نیز  
خواندم، خیلی مؤثر  
افتاد.

۲. در محلی که راهی  
برای جذب جوانان نبود،  
به ناچار گاهی در  
کارهای کشاورزی آنان،  
همکاری و کمک کردم و  
به این وسیله رابطه  
دستی برقرار شد.  
۳. گاهی برای جوانان  
همراهی و شرکت در  
 برنامه‌های ورزشی و

اشاره یکی از روشهای  
موفقیت در تبلیغ،  
استفاده از خاطرات و  
تجارب دیگر مبلغان و  
دوری از آزمون و خطای  
مجدد است. در طول  
سالیان گذشته مبلغان  
موفق همواره سعی  
کرده‌اند از تجربیات و  
یافته‌های دیگر مبلغین  
استفاده نمایند، تا  
اثر کلام و عمل آنها در  
مخاطبان بیشتر شود.  
در این مقاله گوشه‌ای  
از تجربیات برخی  
مبلغان گرامی هجرت  
بلندمدت، جهت استفاده  
الگوبرداری سایر  
مبلغین محترم ارائه می‌  
گردد.

راه جذب جوانان  
برای جذب جوانان، از  
این راه‌ها وارد شدم:  
۱. انحصار حضور علماء  
در مجالس عزا و به  
ظاهر غمناک را شکستم؛  
زیرا اگر کسی را

۱. مبلغ گرامی، مسلم ابو الفتحی از همدان.

تفریحی، جذاب است؛ ولی این شیوه، مانند شمشیر دو سر است؛ زیرا آن روحانی که در انتظار عامه مردم به استخراج شنا یا میدان فوتیال می‌رود، ممکن است جایگاه مردمی او تنزل یابد و در ادامه کارتبلیغی نمی‌تواند جاذبه لازم را دارد باشد.

بنابراین، چنین مشارکت با جوانان در محیطهای خاص، مثل دبیرستان، دانشگاه یا اردوي جوانان، مسلماً خوب است، به شرط حفظ وقار و شئونات روحانی و نیفتادن در وادی ابتدال از نظر شأن.

۴. پرس و جو از احوال جوانان و عیادت مریضان نیز یکی از راه‌های جذب مخاطب به ویژه جوانان است.

۵. ارائه مشاوره به جوانان، زمینه خوبی برای خدمت و جذب آنان است، به شرط اینکه اطلاعات مناسب و یا آگاهی از مراکز

پاسخگویی و کتابهای پرسش و پاسخ مرتبط با سؤالها داشته باشیم، و در مواردی که مهارت کافی نداریم، بگوییم: در تخصص بنده نیست، به فلان مرکز یا کتاب مراجعه فرمایید.

۶. ابتداء به سلام کردن نسبت به کوچک و بزرگ و اعطای جایزه و تشویق، خصوصاً در محافل عمومی و با دست

بزرگان، مثل امام جمعه‌ها، علمای بزرگ، مسئولان کشوری و لشکری و... خیلی مؤثر است؛ ولی نیازمند هنر کسب اعتبارات مالی و جذب بودجه لازم است.  
**تیزهوشی و نکته سنجی**  
 تیزهوشی و نکته سنجی یکی از ویژگیهای یک مبلغ موفق است. در این مورد به دو نکته اشاره می‌شود:  
 ۱. در برخی گزارشها و سخنرانیها، ارائه آمار – به شرط دقّت و صحت – خوب و مناسب است؛ اما در موارد فراوانی، نباید آمار و ارقام ارائه داد؛ چرا که ممکن است صحیح یا قابل اثبات نباشد.  
 به طور مثال بندۀ در محرم ۱۳۹۳، به تناسب مبحث فتنه سال ۱۳۸۸ گفتم: دو میلیون و سیصد هزار نفر در فتنه شرکت داشتند... و حضرت آقا برای روشنگری ۳۲ سخنرانی ایراد فرمودند...  
 پس از اتمام منبر، برخی از فرهیختگان به این آمارها ایراد جدی داشتند و چنین مواردی، قابل اثبّات هم نیست، زیرا معلوم نیست این سخنرانیها در چه فاصله زمانی و محدود به چه حدودی بوده است.

۲. خطیب شهیر مرحوم محمدتقی فلسفی

۱. مبلغ گرامی، حسین ثابت عیار از همدان.

دور و بر من می چرخید .  
وقت خارج شدن از مسجد  
به بندۀ نزدیک شد و  
دستش را دراز کرد تا  
دست م را بگیرد . بندۀ  
هم دستم را دراز کرد .  
ناگهان دستم را بوسید  
و رفت . با کمال تعجب  
به دنبالش رفتم . پدرش  
منتظر بود تا او کفش  
بپوشد . پسربچه تا مجده  
بندۀ را دید ، گفت :  
بابا ! حاج آقا . پدر  
ایشان گفت : شما به پسر  
بندۀ هدیه ای دادید و  
ایشان از آن به بعد  
عاشق مسجد و روحانیت  
شد است .

**برنامه‌های منظم پایدار\***  
مسجد روستا بی رونق  
بود و فقط نماز جماعت  
در آن برپا می شد . دو  
 برنامه منظم و در زمان  
خاص ، با قرائت دعا و  
پذیرایی در هر هفته  
راه اندازی کرد ، در  
نتیجه جمعیت به تدریج  
رو به فزونی گذاشت  
به راستی ، برنامه  
پایدار ، ثابت و منظم  
خیلی خوب است ، به ویژه  
اگر با پذیرایی ، حتی  
چای یا شربتی همراه  
باشد . کمک بانی  
پذیرایی نیز از میان  
شرکت کنندگان پیدا  
می شود .

### قدرت جذب جایزه\*

برای جذب جوانان ،  
جوایزی فراهم کرد و  
به بهانه هایی مثل حفظ

می فرمود : آمار و ارقام  
در موادردی کار دست  
انسان می دهد ، مثلاً  
می گویی : در فلان مسجد  
۵۰۰ نفر حاضر بودند ،  
در صورتی که با محاسبه  
مساحت ، روشن می شود که  
آن مکان ظرفیت این  
تعداد را ندارد .  
**رفتار درست با متولی مسجد**  
مسجد روستا ، قفل و  
بند کاملی نداشت . گاه  
یکی از همس  
بی بضاعت مسجد ، وسایل  
مسجد را به خانه اش  
می برد و هر روز چیزی  
از تجهیزات مسجد مفقود  
می شد .

پس از تحصیل یقین به  
موضوع ، به همراه یکی  
از اعضای هیئت امنای  
مسجد ، با هدایا و  
اعانه های غیرنقدی به  
دیدنش رفتیم و در کمال  
ادب و احترام با او  
برخورد کردیم و ضمناً  
گفتیم : بسی سپاس و  
تشکر داریم که خواسته  
اید قالیچه مسجد را  
 بشویید . هنگامی که  
شستید و خشک شد ،  
بیاورید .

این برخورد کریمانه ،  
هم شخصیت خانوادگی و  
اجتماعی او را حفظ کرد  
و هم موجب ترک آن عمل  
گردید .

### تأثیر هدیه دادن\*

شبی در مسجد محل  
تبليغ نشسته بودم که  
پسربچه ای آمد و دائی م

۱. مبلغ گرامی ، رضا پناهی از  
همدان .  
۲. مبلغ گرامی ، مهدی گوکردی از  
همدان .

۳. مبلغ گرامی ، محمد صفر  
فالمیر از همدان .  
۴. همان مبلغ .

هر چند در ابتدا سختی های فراوان داشت اما تاکنون پنج سال پیاپی است که اعتکاف در آنجا برگزار می شود و موجب جذب بسیاری از جوانان و نوجوانان به این مراسم شده است و با در خواست مردم به ویژه جوانان بنا شد در دهه سوم ماه مبارک رمضان و ایام و لیالی قدر نیز اعتکاف برگزار شود.

### کنار مزار شهیدان

به جهت علاقمندی جوانان و نوجوانان به شهدا، بر آن شدیم که در روزهای پنجم شنبه، کلاس درس تبلیغی را قبل از ظهر در محل گلزار شهدا برگزار کنیم . پس از برگزاری یکی دو جلسه در این مکان ، با استقبال پرشور مردم و جوانان مواجه شدیم . معلوم شد تصمیم به جا و مناسبی بوده است . در آن فضای معنوی، استمداد و یاری شهدا موجب رونق بیش تر برنامه های تبلیغی می شد.

روزی دانشآموزی پرسید : شما خاطرات شهدا بزرگ و معروف را برای ما نقل می کنید؟ ولی از شهدا همشهری چیزی نمی گویی دید؟ مادر بزرگم از عمویم که شهید شده، داستانهای جالبی نقل میکند. من او را تشویق کردم

۲. همان.

حدیث و خواندنیش در مسجد، حفظ قرآن، پاسخ به پرسشهای احکام و ... به ایشان جایزه میدادم و آنها را تشویق میکردم، حتی به اولیای آنها گفتم : هرگاه تحفه ای، لباسی، چیزی برای فرزندتان میخرید، مخفیانه به من بدھید تا به عنوان جایزه در جمع آن را به فرزندتان تقدیم کنم. این شیوه تشویق و جایزه خیلی مؤثر افتاد؛ ولی برخی پیران که مسجد را محل استراحت خود قرار داده بودند، از اینکه آرامش و سکوت مسجد به هم میخورد، ناراحت شدند که آنان را نیز با هزار و یک دلیل راضی کردیم. تر ویج سنتهای حسن، مثل اعتکاف

۱. در روستای محل تبلیغ بندۀ و حتی در روستاهای اطراف آن، برگزاری مراسم اعتکاف مرسوم نبود. گرچه زحمت داشت؛ ولی با تمام توان من و همسرم برخی کارهای فرهنگی و آشپزی را بر عهده گرفتیم و با هماهنگی افراد مؤثر مانند خیران، شورای مسجد و ... مددی مانده به زمان اعتکاف، برنامه ریزی کرد، تا این مراسم پر فضیلت را برگزار نماییم.

۱. مبلغ گرامی، محمد اکبری سیرت از همدان.

عمل می شود و اگر کسی به مراجعه کنندگان در سوم، شب هفت، چهلم، سالگرد و... غذا ندهد، آبروی خود و تمامی فامیلش بر باد استه برگزاری چنین مراسمی مشکلات عدیده ای دارد. همچنین آیا اموات راضی هستند که این گونه برایشان خیرات بدھیم و خمس و زکات و دیگر واجبات مالی مثل ازدواج جوانان رها شود؟

لذا ما تصمیم گرفتیم سنتهای اسلامی را احیا کرد و با بدعتها مقابله کنیم و گفتیم که هر کس دوست دارد برای اموات خود خیرات بدهد، پولش را در صندوق خیرات بیندازد تا صرف ضروری ترین نیازهای همان مردم شود و طرح تقلیل مراسم و تکثیر بودجه خیرات را به اجرا گذاشتیم. ابتدا مدتی به صورت چهره به چهره و انفرادی به طرح موضوع و پی بردن به نقاط قوت و ضعف و دریافت بازخوردها، موضوع گیریها، دلایل مخالفان و... پرداختیم و با بررسی پیشنهادها و انتقادها، طرح کاملاً آماده شد. آنگاه در مراسم خانگی تلاوت قرآن و... آن را در جمع مختصر قرآن خوانها مطرح کردم. به تدریج ابهامها برطرف و اذهان

تا برخی از آنها را برای سایر بچه ها نقل کند، که خیلی آموزنده بود، سپس از بچه ها خواستم در ارائۀ خاطرات شهدا و ادارۀ کلاس، همکاری و مشارکت داشته باشند و با کمک گرفتن و پرسیدن از بزرگ ترها، خاطرات شهدا ای روستا را در کلاس نقل کنند. برای داستانهای خوب جایزه منظور شد. این شیوه مسابقات خیلی آموزنده، تنوع بخش، پربار و جالب از کار درآمد و بهانه ای شد برای نقل و تجزیه و تحلیل تاریخ جنگ تحملی و پاسخ به شبهات دشمن در این زمینه. **مبادرزه با سنتهای غلط و بدعتها<sup>۱</sup>**

گاهی در محلهای تبلیغ، با مرگ یک نفر، مراسم فاتحه و ترحیم پرهزینه و اطعم غیرمتعارف برقرار می شود؛ به گونه ای که صاحب عزا با عزای بزرگ تر و ناگهانی دیگری مانند مراسمها پرهزینه مواجه می گردد. در حالی که طبق در آداب اسلامی، مستحب است تا مدتی برای خانواده عزادار غذا ببرند و او را در اجرای برنامه های زندگی اش کمک و یاری کنند. ولی اکنون این سنت حسنۀ بر عکس

<sup>۱</sup>. مبلغ گرامی، محمد مجفر نیر از استان خراسان شمالی

برای پذیرش این طرح  
آماده شد و به شباهات  
پیرامون آن پاسخ داده  
شد.

پس از گذشت یکسال،  
دو بار آن طرح را در  
منبر عمومی، با  
استفاده از آیات،  
روايات و توضیحات  
کامل، با قاطعیت مطرح  
نمودیم و سپس توافق  
کتبی از همه برای اجرا  
آن طرح حاصل شد و به  
پذیرایی مختصر از  
میهمانهایی که از  
راه‌های دور و نزدیک  
آمدند - نه اهالی  
 محل - راضی شدند.

همچنین گفتیم: هر کس  
میخواهد اضافه خرج  
کند، هر مبلغی را  
میخواهد، در صندوق  
قرار دهد و حتی اگر  
مایل است اعلام شود که  
هزینه پذیرایی مراسم  
ختم فلانی به فلان مبلغ  
در صندوق باقیات  
الصالحات قرار گرفت.  
یا اگر کسی اصرار دارد  
که غذا بدهد، آن غذا  
را در اعیاد و وفيات  
امامان) مانند نیمة  
شعبان، اعتکاف یا محرم  
هزینه کند.

تاکنون شش ماه است  
که این طرح اجرا می‌شود  
و در یک روستای کوچک،  
مبلغ هشت میلیون تومان  
تنها از طرف صاحبان  
عوا برای امور خیر یه  
پرداخت شده است که صرف  
امور ضروری روستا و  
کارهای عام المنفعه  
می‌شود و این عمل موجب

رضایت عامه مردم و جذب  
جوانان و نوجوانان به  
برنامه های مذهبی را  
فرامم ساخته است  
**بهره گیری از روش مطالعه**  
در دبیرستان  
شبانه روزی، نماز و  
برنامه های متنوع . گروهی  
فرهنگی داشتم . گروهی  
خاص کناره گیری داشتند؛  
یعنی همان جماعتی که  
قبولی در کنکور و درس  
خواندن، اولویت آنان  
بود.  
من هم از همین راه  
وارد شدم و برای آنان  
شیوه ها و روشهای  
مطالعه، تندخوانی و  
راز و رمز موفقیت،  
مدیریت زمان، تست زنی  
و... را مطرح کردم؛ از  
آنجا که آنان به این  
گونه موضوعات علاقه  
داشتند، باب مراوده و  
رفاقت باز شد و در  
نتیجه مقدمه ای شد  
برای حضور آنان در  
سایر برنامه های  
تبليغی آن مدرسه.  
**ابراز هر و محبت**  
روزی به روضه‌ای دعوت  
شدم . مردی که از  
بستگان صاحب منزل بود،  
در بدو ورود و در حضور  
جمع گفت: «من روحانیت  
را دوست ندارم و  
رابطه ای هم با این  
جماعت ندارم .» فوراً در  
پاسخ گفتم: «ولی ما  
شما را دوست داریم.»  
آنجا به یاد داستان

۱. همان مبلغ.  
۲. مبلغ گرامی، مه دی سلیمانی  
از همدان.

کوهنوردی دارد، برگزار کرده ام، در دو جهت خیلی مفید بوده است: یکی جذب نوجوانان، و دیگر جذب و اعتماد خانواده ها.

یکی از بهترین راه های نفوذ در دل مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان همین شیوه است و بایستی از این ابزار به عنوان وسیله و هنر تبلیغ بهره بگیریم.

البته گفتنی است که برگزاری یک ارد و لوازم، شرایط و اطلاعاتی می خواهد که باید قبلًا با راه و روش آن آشنا بود تا نتیجه عکس ندهد. از معلمان، دبیران، مدیران مدارس و نیز از کتابها میتوان کسب تجربه کرد. ماندگاری در دلها امروزه در برخی از جوامع، نیاز به یک روحانی و مبلغ کاملاً محسوس است و بسیاری از مردم از کمبود یا نبود مبلغ رنج می برند. حتی گاهی پس از اتمام ایام تبلیغی ارتباط مبلغ با محل تبلیغ خود قطع می شود که می تواند دلایل متعددی داشته باشد.

بندی چند عمل را در محل تبلیغ خود به کار گرفتم که هم موجب ادامه فعالیت تبلیغی در آن منطقه شد و هم زمینه جذب جوانان را

حضرت موسی (ع) افتادم که می گویند: وقتی حضرت برای مناجات به طرف کوه طور می رفت، شخصی به او گفت: به خدا بگو من نمی خواهم تو خدای من باشی و من قبولش ندارم.

حضرت خجالت کشید که سخن وی را به خدا عرضه بدارد؛ ولی به هنگام بازگشت، خداوند فرمود: به آن بندۀ ام بگو: ما همواره به او محبت داریم، او را بندۀ خود می دانیم و رزق و روزیش را کما فی السابق می دهیم.

در بازگشت، وقتی حضرت موسی (ع) این گفتگو را برای آن شخص بازگو کرد، دل آن شخص تکان خورد و از گفته خود به شدت پشیمان شد. این ابراز محبت به آن فرد، موجب دگرگونی در رفتار او شد و زمینه جذب او به روحانیت و برنامه های مذهبی را فراهم ساخت. اردوهای فرهنگی - زیارتی جوانان و نوجوانان به ارد و خیلی علاقمندند. تجربه کرده ام، هرگاه جمعی از نوجوانان روستا را در قالب اردوهای فرهنگی -

زیارتی به شهرها یا روستاهای مجاور برای زیارت امامزاده ها و... بردۀ ام، یا اردوهایی که جنبة سیاحتی و

۱. مبلغ گرامی، رضا عسکر اقدم از همدان.

فراهر ساخت!

۱. خودم را بر مردم  
تحمیل نکردم و در همان  
آغاز کار گفتم : هر  
روزی که نخواستید، به  
من خبر دهید تا  
برگردم؛ ولی خوشبختانه  
همواره آنان پذیرا و  
راغب بودند.  
**میهمان گرچه عزیز است**  
**ولی همچو نفس**  
**خفقان ارد اگر آید و**  
**بیرون نرود**

در شهرها و محیطهای  
بزرگ، تداوم حضور یک  
روحانی، بهتر؛ بلکه  
لازم است؛ ولی در  
محیطه ای کوچک و  
روستاهای، آب گوارا نیز  
وقتی در گودالی بماند،  
گندابی متعفن می‌گردد.  
ارتباط مستمر و تبلیغ  
در ایام محرم و صفر و  
یا ماه رمضان، با  
رعایت تنوع و تجدید  
خوب است؛ زیرا : «لکلّ  
جَدِيدٍ لَذَّةٌ ؛ بِرَأْيِ هر  
جَدِيدٍ لَذَّتِي هُسْتَ  
مَانِدْگارِي مَدَامَ ، بِرَأْيِ  
مَرْدَمَ مَلَلَآورَ است.

۲. تا جای ممکن  
میهمان و بار دوش مردم  
نبودم و محل استقرارم  
راخانه عالم، یا خانه  
ای استیجاری، یا  
ساختمانهایی که قابل  
سکونت باشد، مثل مراکز  
آموزشی و ... قرار می  
دادم.

۳. عرفاء می‌گویند :  
**«العارف هش بش بسام...»**  
عارف باید خوشحال و

مبکفان

156

۱. شرح اشارات، بوعلی سینا،  
بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ش، نمط  
۷

زیادی را فراهم ساخته است.

## مردمی شدن<sup>۲</sup>

تاً يک روحانی و مبلغ دینی مردمی نشود، محال است از نظر تبلیغی موفق گردد . یکی از شئون مهم روحانیت، سر و کار داشتن با اجتماع و مردم است. ائمه جمیعه و جماعات و منبریها، بیش از سایرین باید مردمی باشند . برخی از راهکارهای مردمی شدن را که تجربه کرده ام، به شرح زیر است:

۱. احترام و تکریم  
مردم؛ با سرکشی به محل  
کسب و کارشان، رفتن به  
میهمانی و شب نشینی،  
خرید از کاسبان محلی

۲. همکاری و همکاری

در امور عمومی مثل نظافت، تعمیر و مرمت،

### ٣. کمک به حل مشکلات

مِردم، بِهِ قَدْرٍ تُوَانُ؛

٤. تأسیس صندوق کمک

به فرا، با همکاری

محمد ان محلی و جدب  
خیدرات دا اکناده ۰۱۲۷۵

محمّوٰع یولھا در تھیۃ

مداد خوراکی برای

نیازمندان؛

۵. بهیه و اهدای  
جهان زمان

۶۔ شرکت دو مر اسم غ

و شادی مردم و اظهار

هم دردی با آنان؛

#### ۷. گردشی فرار دادن

هر اسم دعای توسل،

۲. مبلغ گرامی، وحدت سه را بی از

۲۰. مبلغ گرامی، وحید سه رابی از استان همدان.

میهمانی من بیايند و  
از برکات دنیوی و دینی  
بهره‌مند شویم.

وسائل کمک آموزشی جدیداً  
مدتها دغدغه جذب  
جوانان را داشتم، تا  
آنکه با کمک هیئت  
امنا، تو انسنتم برای  
مهدهیه آنجا دستگاه  
«ویدئو پروژکتور» نصب  
کنم و مراسم ادعیه،  
تعقیبات نماز، ارائه  
مباحث معارفی و تاریخی  
و... را به صورت  
شنیداری و دیداری عرضه  
کنم.

این شیوه در جذب،  
خسته نشدن و بهتر  
دربیافتن معارف دین،  
دانش اثیر زیادی داشته و  
برنامه هایی در قالب  
پاورپوینت و ... فراهم  
شده است.

آموزش دروس معارف  
دانشگاه ها، آموزشهاي  
حج و زيارت و ... نيز  
از طريق اين امكانات  
در کلاس ميسر استه  
سي دي هاي گوناگون  
مثل : همراه مسافر،  
مكه شناسی، مدینه شناسی  
... از طرف پژوهشکده  
حج و زيارت فراهم شده  
است که ميتوان در بيان  
تاریخ اسلام از آنها  
استفاده کرد.

مجموع این ابزارهای نوین و روش ارائه آن که برای مردم تازگی دارد و از خستگی و ملال آوری آنان جلوگیری می‌کند، زمینه جذب افراد

۱. مبلغ گرامی، هادی یعقوبیان از همان.

عاشورا، ندبه، کمیل  
و... در منازل،  
حسینیه ها و مساجد  
متعدد محل.  
گفتنی است نباید این  
معاشرت زیاد و افراطی  
شود؛ چرا که روحانی را  
از ادامه درس، مطالعه  
و تحقیق باز می دارد و  
با عث برخی آفتها در  
آینده خواهد شد.

**تأثیر تبلیغ رفتاری**  
روزی در جمع جوانان

پرسیدم : آیا  
امیرالمؤمنین (ع)  
کارهای خیر فراوان را  
تنها برای اجر و ثواب  
اخروی انجام می داد یا  
خودش نیز از انجام کار  
خیر لذت می برد؟  
پاسخهای مختلفی دادند.  
با جمع بندی جوابها به  
این نتیجه رسیدیم که  
بیاییم یکی از کارهای  
خیر امام (ع) مثل شاد  
کردن یتیمان یا کمک به  
ایتمام و فقر را برای  
تجربه انجام دهیم.

برای این اقدام،  
وظایف هر کدام از  
جوانان مشخص شد . کسی  
که نقش بیش تری داشت،  
مسئولیت جمع آوری پولها  
را بر عهده گرفت، پس از  
مدتی وجه لازم فراهم و  
مواد خواراکی تهیه شد و  
به وسیله تشکیلات  
خدماتی جوانان، به  
صورت مخفیانه و شبانه  
کمکرسانی انجام گرفته  
این خدمت برای

جوانان لذتی زیاد و  
غیر قابل وصف داشت و  
سبب شد تصمیم گرفتند  
که این کار تداوم و  
گسترش یابد و مدتی است  
چنین شده است.  
مهم تر از اصل موضوع  
اینکه جوانانی که در  
این تشکل جمع شده اند،  
ن زد خود احساس شخصیت و  
صبغة تدین، تعهد و  
اعتماد به نفس بیش تری  
پیدا کرده اند و نه  
تنها به انحراف کشیده  
نمی شوند؛ بلکه با هم  
و با روحانی مرتبط اند  
و در یک جبهه در مقابل  
انحرافات موضع گیری  
دارند.

### استفاده از داستان

کلاس قرآن جوانان  
هفته ای یکبار، پس از  
نماز عشا در مسجد  
برگزار می شد و جمعیت  
آن هر روز ریزش داشت .  
روزی شخص تازه واردی،  
در کلاس خوب استماع  
می کرد و فعال بود .  
تصمیم گرفتم پس از کلاس  
با او انس و الفتی بیش  
تر برقرار رکنم.  
برای تنوع و یکنواخت  
نشدن کلاس، داستانی را  
چنین شروع کردم : شخصی  
عادت به گدایی کرده  
بود؛ روزها در بازار  
سر راه مردم می گفت: ای  
مردم! به من بدبخت کمک  
کنید! به من بینوا کمک  
کنید! وقتی به اینجا ی  
داستان رسیدم، همه  
خندیدند و یک صدا با

۲. مبلغ گرامی، ابو الفضل  
داورپناه از خراسان شمالی

۱. مبلغ گرامی، علی  
امراهیم زاده از استان خراسان  
شمالی.

اشاره به همین شاگرد  
تازه وارد گفتند :  
بینوا، بینوا و ... وی  
به شدت سرخ و خجل شد و  
سر به زیر انداخته  
با خود گفتم : چرا از  
اول نام و فامیل افراد  
را شناسایی نکردم تا  
متوجه باشم چنین نشود  
و یک جوان بی جهت خجل  
نگردد.

ثانیاً چرا کاملاً دفاع  
نکردم ، در حالی که  
میتوانستم توجیه کنم  
که برخی فامیلها  
متواضعانه است ، مثلاً  
فروتن ، کوچکی یا  
خاکسار و ...

و منظورشان ، بینوا یی  
در برابر خداست ، چنان  
که قرآن کریم  
میفرماید : [یا ایها  
النِّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى  
اللهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ  
الْحَمِيد].<sup>۱</sup>

## حجاب و عفاف زنان و کلام مقام معظم رهبره (۱)

سید عباس حسینی باقرآبادی

نیست . قرآن کریم درباره ماجرای غروب خورشید در داستان حضرت سلیمان (ع) می‌فرماید :  
**[خَتَّى تَوَارَثْ بِالْجَهَابِ]** :  
 «تا [هنگامی که خورشید] در پشت پرده پنهان شد .» پرده حاجز میان قلب و شکم را نیز «حجاب» می‌نامند .  
 امیر المؤمنین (ع) برای این که ضعیفان و درماندگان بتوانند نیازمندیهای خود را به مالک اشتر برسانند و او از جریان امور آگاه باشد ، به او فرمان می‌دهد : **«فَلَا تُطُولُنَّ أَحْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ** ;  
 حجاب [و دربان] تو را از مردم جدا نکند .»  
 ابن خلدون در مقدمه کتاب شفصلی با عنوان **«فَضْلُّ فِي الْجِهَابِ كَيْفَ يَقْعُدُ فِي الدُّولِ وَ أَنَّهُ يَعْظُمُ**

۳۲/ص . ۳۲ .  
 ۳- مفردات ، راغب اصفهانی ، المکتبة المرتضویہ ، تهران ، بی تا ، ۲۱۹ ص .  
 ۴- نهج البلاغه ، سید رضی ، نشر هجرت ، قم ، ۱۴۰۹ ق ، نامه ۵۲۰ .

**مقدمه**  
 واژه «حجاب» مع انی گوناگونی دارد از جمله "پوشش" ، "پرده" و "حاجب" بیش ترین کاربرد این واژه به ویژه از نگاه روایات ، در معنای پرده است ؛ برای نمونه از رسول خدا (ص) درباره علی بن ابی طالب (ع) نقل شده است : **«إِنَّمَّا مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حِجَابٍ فِي الْجَنَّةِ بَشَرَنِي رَبِّي؛**  
 خداوند به من بشارت داد [بر ای علی (ع)] نامی است که بر تمامی پرده‌های بهشتی نقش بسته است .»

از آنجا که پرده وسیله ای برای پوشاندن است ، واژه حجاب نیز مفهوم پوشش را می‌رساند و همچنان که پرده تنها ، پوشاننده هر چیزی است که در پس آن واقع شده است ، می‌توان گفت هر پوششی حجاب

۱- کتاب سلیم بن قیس ، ابو صادق سلیم بن قیس ، نشر الهدای ، قم ، ۱۴۱۵ ق ، ج ۲ ، ص ۹۵۹ .

عند الهرم» دارد که در آن چنین آمده است: «حکومتها در بد و تشکیل میان خود و مردم حائل و فاصله ای قرار نمی دهند؛ ولی تدریجاً حائل و پرده میان حاکم و مردم ضخیم تر می شود تا بالآخره عواقب ناگواری به وجود می آورد.» او واژه «حجاب» را به معنی پرده، حائل و نه پوشش، به کار برده است.

استفاده از واژه «حجاب» برای پوشش زنان، پیشینه ای طولانی ندارد. در گذشته به ویژه از سوی فقهاء، واژه «ستر» در معنای ای پوشش و حجاب به کار می رفته است. فقهاء در کتاب الصلوة و نیز کتاب النکاح به هنگام نیاز، از واژه «ستر» به جای «حجاب» استفاده کرده اند که به نظر می رسد این شیوه استفاده بهتر باشد؛ زیرا همچنان که گفتیم معنی شایع «حجاب» پرده است و اگر درباره پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است.

**سیمای حقیقی حجاب**  
شهید مطهری در کتاب «مسئله حجاب» می نویسد: «حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و

۱. ترجمه مقدمه ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، بی تا، استانبول، ۱۲۷۵ق، ج ۱، ص ۵۶۰.

اساسی ریشه می گیرد و اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی های جنسی به هم می آمیزد، اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.»

در میان اندیشمندان مسلمان و بزرگان معاصر، افرادی بوده و هستند که با نگاهی جامع و مانع به جامعه و مسائل مربوط به آن نگاه می کنند. ایشان تلاش می کنند با آراستن آموزه های دینی به آنچه علاقه و رغبت مردم را بر می انگیزد، رهنماهای شریعت مقدس را در جامعه نهادینه کنند و یکی از این شخصیت های بر جسته، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای است که با بصیرت خویش به جامعه ما بصیرت داده و با بینش خویش چنان بین شی مبنیان به ملت ایران بخشیده است که در همه عالم

۲. مسئله حجاب، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۴۰۸ق، ص ۸۲.

ستودنی است . همه شخصیت‌های ایرانی و غیر ایرانی که با ایشان دیدار و گفت و گو کرده‌اند به نگاه بلند و تحسین برانگیز ایشان اعتراف می‌کنند.

مقام معظم رهبری > آموزه‌های نابی درباره حجاب در اختیار جامعه قرارداده اند که نیازمند بررسی مفصل و تبیین گستردۀ است و ما با توجه به فرصت کوتاهی که در اختیار داریم به گوشۀ ای از رهنمودهای ایشان می‌پردازیم به امید آن که سرآغازی باشد برای سیراب کردن جامعه از رهنمودهای ایشان که در قلم نویسندگان متعهد متبکلور خواهد شد.

مفهوم واقعی حجاب در کلام

### مقام معظم رهبری

ایشان در بخشی از سخنان خود، با تبیین مفهوم حجاب، برداشت‌های نادرست را از آن جدا می‌کند: «اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و - بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلی بررسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری ب ۵ عنوان یک عضو، حد اعلای فایده و

ثمره را داشته باشد . همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب ، بر این اساس است . مسئله

حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برد اشتی از حجاب داشته باشد، برد اشتیش ک املاً غلط و انحرافی است . مسئله حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - به خصوص به ضرر زن - است.»<sup>۱</sup>

بنابراین، مفهوم حجاب تنها در پوشش زن و مرد خلاصه نمی‌شود ، بلکه رفتار و برخورد آنها را نیز دربر می‌گیرد.

قرآن کریم با سفارش به مدیریت نگاه و رفتار، شرط رعایت آنچه در زیرمجموعه حجاب قرار می‌گیرد را نبود اختلاط می‌داند و این به معنای حضور نداشتن زن در فعالیت‌های اجتماعی نیست : [فُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فِرْوَجَهُمْ ذَلِكَ أَرْكَي لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...]<sup>۲</sup>

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار با گروهی از زنان پژوهش سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۳۰ و ۳۱؛ «به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه

آن نکته اصلی در الگوی اسلامی است. اگر این نکته رعایت نشود، همان ابتذالی که امروز غرب دچار آن است، پیش می‌آید. اگر این نکته رعایت نشود، زن از پیشتابی در حرکت به سمت ارزشها که در ایران اسلامی دیده شد، باز خواهد ماند. غربی‌ها مایلند با تمام توان، آن نکته را هم در جایی به نحوی نسبت به هر کسی رسوخ دهند.»<sup>۱</sup> حجاب مسئله‌ای ارزشی است داشتن حجاب یکی از مهم‌ترین ارزشها در دین مبین اسلام است که به زنان اجازه می‌دهد با حفظ جایگاه انسانی و بُع د روحانی خود در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی نقشی کارآمد و سازنده داشته باشند. زن بدون حجاب نمی‌تواند آزادی، کرامت و ارامش خود را پاس بدارد و حضور او مفید و سازنده نخواهد بود. بنابراین، ارزش و جایگاه اصلی حجاب را باید در جامعه جوست، نه در خانه و خانواده؛ زیرا در کانون گرم خانواده، حجاب جریانی کمرنگ دارد؛ اما هنگام حضور در اجتماع و روب رو شدن با

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری & و روز پرستار، ۱۳۷۰/۰۸/۲۲.

با دقّت در این آیات، می‌توان نتیجه گرفت که خداوند نه تنها زنان را به خانه نشینی و عزلت گزینی امر نکرده است، بلکه از حضور ایشان در اجتماع نیز منع نمی‌کند؛ امّا حضور آنان در اجتماع و در کنار مردان را مشروط به رعایت حد و مرز میان زن و مرد یا همان حجاب رفتار و گفتار می‌داند.

مقام م عظّم رهبری > می‌فرماید : «در مکتب اسلام، حفاظ و حجابی بین زن و مرد وجود دارد. این به معنای آن نیست که زنان، عالِ جدگانه ای غیر از عالم مردان دارند؛ نه! زنان و مردان در جامعه و در محیط کار، با هم زندگی می‌کنند؛ همه جا با هم سروکار دارند؛ مشکلات اجتماعی را با هم حل می‌کنند؛ جنگ را با هم اداره می‌کنند و کردند؛ خانواده را با هم اداره می‌کنند و فرزندان را پرورش می‌دهند؛ امّا آن حفاظ و حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده حتماً حفظ می‌شود. این،

دارند. این برایشان پاکیزه تر است؛ زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند، آگاه است و به زنان مؤمنه بگو چشم ان خویش فروگیرند و شرمگاه خود را نگه دارند و زینتهاي آشکار نکنند و مقننه های خود را تا گریبان فروگذارند و زینتهاي خود را آشکار نکنند.»

نامحرمان، یک زن مسلمان تأثیر بسزای حجاب را می فهمد و به جایگاه و نقش مفید یک زن محجّبه پی می برد و می تواند به رشد علمی و دینی هم برسد.

رهبر انقلاب > با اشاره به جایگاه حجاب و رعایت آداب برخورد دو بیگانه با هم و تأثیر چنین برخوردي در شخص و جامعه می گويد: «باید مسائی ل ارزشی اسلام در جامعه ما احیاء بشود؛ مثلاً مسئله حجاب، یک مسئله ارزشی است. مسئله حجاب، مسئله ای است که اگرچه مقدمه ای است برای چیزهای بالاتر؛ اما خود یک مسئله ارزشی است. ما که روی حجاب این قدر مقتی دیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می کند تا بتواند به آن رتبه معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاه های بسیار لغزنده ای که سر راهش قرار داده اند، نشود.»

قرآن کریم حتی رعایت حجاب را شاخصی برای شناخت زنان متدين از زنان بي دين معرفى كرده است و آن را موجب در

امان ماندن از آزار و اذیت دیگران می داند و می فرماید : [بَا أَيُّهَا الَّتِيْ قُلْ لَاْرُ وَاجْتَهَدْ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءُ الْمُؤْمِنِينَ يُذْنِيْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْدِيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا]؛<sup>۱</sup> «ای پیامبر ! به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند نزدیک تر است و خدا آمرزنده مهریان است.» رهبر معظ م انق لاب، نبود حفاظ بین زن و مرد را از خواسته های غربیها می داند : «آنها با همه چیز کنار می آیند، جز با دو، سه چیز؛ یکی از آن ها و شاید مهم ترینش حفظ این حالت حفاظ منضبط میان دو جنس زن و مرد است؛ یعنی خویشن داری در مقابل چیزی که به آن آزادی جنسی گفته می شود. در مقابل این، به شدت سرسرخند، هر کار دیگری بکنند، مهم نیست. از نظر آنها کسی مرتاجع است که روی این مسئله تکیه بکند. اگر در کشوری، زنان با یک حدودی از مردان مجزا شدند، این می شود خلاف تمدن ! راست هم می

برهنه‌گی و اختلاط با جنس  
مخالف بیزار است و تا  
جایی که لازم بداند،  
خود را از نامحرم می‌  
پوشاند و ما کم تر  
زنانی را در گوشه و  
کنار جهان سراغ داریم  
که با بدنه برهنه و  
عریان در جامعه رفت و  
آمد کنند و آن را عی ب  
ندانند و این بیانگر  
فطری بودن رعایت حجاب  
و پوشش است.

مقام معظ م رهبری > نیز حجاب را سازگار با طبیعت انسان می داند و بی حجابی یا بد حجابی را حرکتی به سوی خلاف طبیعت انسان م عرفی می کند : «حجاب ، ارزشی است منطبق با طبیعت انسان . بر هنگی و حرکت به سمت اختلاط هرجه بیش تر دو جنس با یکدیگر و افشاء شدن این ها در مقابل یکدیگر ، یک حرکت خلاف طبیعی و خلاف خواست انسانی است . شرع مقدس اسلام هم برای این حدودی را معین و مشخص کرده و کسانی که معتقد و مؤمن هستند ، نمی شود که این طوری با حجاب برخورد کنند . البته ممکن است کسانی بی خبر و بی اطلاع باشند . باستی اینه ا را با حجاب آشنا کرد . من در همین سالهای اول انقلاب به وضوح دریافتم که بعضی از زنانی که محجب هستند و خیلی قدر حجاب

گویند، تمدن آن ها که  
بر ویرانه های همان  
تمدن رومی بنا شده،  
چیزی جز این نیست؛ اما  
این از لحاظ ارزشی غلط  
است، عکسش درست است»  
حجاب، سازگار با طبیعت  
انسان است

قضاوت عجولانه درباره  
بسیاری از زنان بدحجاب  
و مثّهم کردن آنان به  
بی دینی درست نیست؛  
زیرا ممکن است این  
افراد از حقیقت حجاب  
آگاهی نداشته باشند و  
متأسفانه شمار این  
افراد هم کم نیست به  
ویژه در مناطق کم  
جمعیت که بیش تر،  
ارتباط خویشاوندی نیز  
دارند؛ همانند برخی  
روستاها که با وجود  
کار و تلاش شبانه روزی،  
کم تر می توانند به  
این گونه مسائل  
بپردازند و تنها ب ا  
ضروریات دین آشنا شده  
و دسترسی شایسته ای هم  
به مبلغان و کسانی که  
ایشان را با این گونه  
مسائل دینی آشنا کنند،  
ندارند.

اما همین اندازه از رعایت پوشش که در ضمن بیخبری از آموزه های دینی در بین این افراد و بیشتر انسانها جاری است، به خوبی نشان می‌دهد که زن ذاتاً از

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان ، ۰۴/۰۱/۱۳۷۰:

مبلغان

166

را نمی دانند، این ها  
اصلًا از حکم حجاب و  
فلسفه حجاب و فواید  
حج اب اطلاعی ندارند؛  
یعنی با اینها کم تر  
صحبت شده است.»  
امر به معروف و نهی از  
منکر

گاه یادآوری پیاپی  
یک مسئله از سوی افراد  
 مختلف تأثیر بسزایی در  
 فرهنگ سازی یا ترک یک  
 گناه همگانی در جامعه  
 دارد. قرآن کریم نیز  
 با تأکید بر این  
 مسئله، می فرماید : [وَ  
 ذَكْرُ فِيَّنَ الْذِكْرَى تَنْفَعُ  
 الْمُؤْمِنِينَ]؛<sup>۱</sup> «و یادآوری  
 کن که مؤمنان را سود  
 میبخشد.»

مقام معظم رهبری >  
 نیز درباره این گونه  
 فرهنگ سازی یا امر به  
 معروف و نهی از منکر  
 می فرماید:

«حرف بزنید! بگویید!  
 یک کلمه بیش تر هم  
 نمی خواهد . لازم نیست  
 یک سخنرانی بکنید. کسی  
 که می بینید خلافی را  
 مرتكب می شود؛ دروغ،  
 غیبت، تهمت، کینه و رزی  
 نسبت به برادر مؤمن،  
 بی اعتمایی به محظمات  
 دین، بی اعتمایی به  
 مقدسات، اهانت به  
 پذیرفته های ایمانی  
 مردم، پوشش نامناسب،

۱. بیانات مقام معظم رهبری در نشست پرسش و پاسخ با مدیران  
 مسئول و سردبیران نشریات  
 دانشجویی، ۱۳۷۷/۰۴/۱۲.
۲. داریات/۵۵.

حرکت زشت ، یک کلمه  
 آسان بیش تر نمی خواهد. بگویید این کار  
 شما خلاف است، نکنید!  
 لازم هم نیست که با خشم  
 همراه باشد . شما  
 بگویید، دیگران هم  
 بگویند، گناه در  
 جامعه خواهد خشکید.»<sup>۲</sup>  
**حفظ حجاب ، حفظ کرامت**  
**انسانی**  
 انسان خلیفه خدا در  
 زمین است و در این  
 مسئله فرقی بین زن و  
 مرد نیست؛ اما آیا هر  
 زن و مردی را می توان  
 به عنوان خلیفه خدا  
 روی زمین قلمداد کرد؟  
 آیا زنی که به حجاب  
 اهمیت نمی دهد، روابط  
 خود با نامحرمان را  
 اصلاح نمی کند و حرمت  
 حدود الهی را نگه  
 نمی دارد، می توان د  
 خلیفه خدا روی زمین  
 باشد؟  
 نائب و جانشین باید  
 خط مشی و برنامه ای  
 سازگار با خواسته های  
 شخص منوب عنه داشته  
 باشد و دیدگاه های او  
 را برای خود و دیگران  
 عملی سازد . خداوند  
 بارها در قرآن کریم به  
 حجاب و رعایت حد و مرز  
 برخورد زن و مرد با  
 همیگر اشاره کرده است  
 و به این وسیله به  
 زنان کرامت داده و

۳. بیانات مقام معظم رهبری در  
 دیدار با دانشجویان و  
 دانش اموزان به مناسبت سیزدهم  
 آبان ماه ۱۳۷۰.

آنها یی که پاییند به ارزش‌ها باشند را خلیفه خود می‌داند.  
 مقام معظّم رهبری > حفظ حجاب و نبود اختلاط بین زن و مرد را دعوت به حفظ کرامت آنان دانسته و فرهنگ غرب که رواج دهنده برهنگی، ابتذال و حضور هر جایی زنان در جامعه است را نابود کننده کرامت زنان و مردان می‌اند:  
 «من بارها به

گویندگان و مبلّغین قضیّه زن عرض کرده ام؛ این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم. این فرهنگ منحط غرب است که باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه می‌کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمی‌تواند منکر شود که این برای زن خوب است. ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه برای آنکه چشم او لذت نبرد، دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مس لمان است. این کرامت زن است. آنها یی که زن را تشویق می‌کنند که خود را به گونه ای آرایش دهد که مردان کوچه و

بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایی ن می‌کنند؟! آنها تذلیل می‌کنند؟! آنها باید جواب بدهند.  
 فرهنگ ما، فرهنگی است که انسانهای والا و اندیشمند غرب هم آن را می‌پسندند و رفتارشان همین طور است . . در آنجا هم خانمهای عفیف و سنگین و متین و زنهایی که برای خودشان ارزشی قائلند، حاضر نیستند خودشان را برای ارضای غرایز شهوانی بیگانگان و هرزو چشمها وسیله ای قرار دهنند.  
 فرهنگ م نحط غربی، از این قبیل زیاد دارد.''  
 گرچه می‌توان برای تأیید مفاسد اخلاقی در غرب، آمارهایی ارائه کرد؛ اما در همین فیلمهای غربی در حال پخش از صدا و سیما، ابتذال و فرومایگی دامن گیر زنان غربی به خوبی پیدا است. چنین زنی شانی بالاتر از یک کالای مصرفی ندارد . . وضعیت لباس و پوشش او چیزی جز یک عروسک بی روح و بی‌جان و ملعبه ای در دست مردان نشان نمی‌دهد و جالب اینجاست که

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهر& و «روز زن»، ۰۹/۲۵/۱۳۷۱.

آمد ای ن تبعیض را  
گذاشت کنار، گفت نخیر!  
زن باید با حجا ب باشد؛  
یعنی این تکریم مال  
همه زنان است. این است  
نظر اسلام. آن وقت آن‌ها  
حالاً شده ان د طلبکار،  
ما شده ایم بدھکار!  
آنها بدھکارند. آن‌ها  
باید بگویند چرا زن را  
مثل یک کالا وسی  
شهوت‌رانی قرار دادند.  
یک آماری را همین  
دیروز برای من نقل  
کردند - آمار مال یک  
هفته قبل است - که یک  
سوم زنهای دنیا از دست  
مرد‌ها کتک می خورند!  
به نظر من اشک ان سان  
در می آید؛ این گریه  
آور است و این بیش تر  
در کشورهای صنعتی است؛  
در کشورهای فرنگی است  
و ناشی از هم ان  
خشونتهاي جنسی و  
مطلوبات خشن جنسی است  
که مرد از زن دارد .  
این هوچیگری های آنها  
در مورد زن است . آن  
وقت راجع به زن بحث می  
کنند : شم ا حجاب را  
اجباری کردید . خود  
آن‌ها بی حجابی را  
اجباری می کنند، دختر  
دانشجو را تو دانشگاه  
راه نمی دهند، به خاطر  
این که روسرب دارد . آن  
وقت به ما می گویند  
چرا شما حجاب را  
اجباری کردید ! این در  
جهت کرامت زن است، آن  
در جهت پرده دری و بی

مردان غربی با پوششی  
کامل و مناسب دیده  
می‌شوند و یقه‌هایی بسته  
همراه با کراوات دارند  
و غیر این پوشش را در  
شأن مردان محترم  
نمی‌دانند.

با توجه به آیات و  
روايات و دنياى  
وارونه اى که در مرام  
این جماعت دیده می‌شود،  
بدیهی ترین نتیجه اى که  
می‌توان به آن رسید،  
دشمنی تمام قد فرهنگ  
غرب با فرهنگ الهی و  
ایمانی است مقام معظم  
رهبری در این باره می  
فرماید: «حجاب ، تکریم  
آن کسی است که در حجاب  
است . حجاب زن ، تکریم  
زن است . در بیش تر  
کشورها - حالاً من "بیش  
تر" که می گوییم؛ چون  
همه را اطلاع ندارم - در  
گذشته، در قدیم، در  
همین اروپا تا دویست  
سیصد سال پیش زنهای  
اعیان و اشراف حجابی  
روی صورت‌شان می  
انداختند . در بعضی از  
فیلمهای قدیمی شاید  
دیده باشید، یک حجاب  
می‌روی آن‌ها نیفتند .  
این، تکریم است . در  
ایران باستانی زنهای  
اعیان و اشراف و رؤسا  
همه با حجاب بودند؛  
زنهای افراد پایین و  
طبقات پست، نه، بی  
حجاب هم می آمدند،  
مانعی هم نبود . اسلام

رخت می‌بندد.

البته مراجعات کردن  
ح د و مرز به معنای  
محروم کردن افراد  
جامعه از فعالیّتهاي  
اجتماعی نیست؛ برداشت  
نادرستی که برخی را  
گرفتار خود کرده و به  
همین خاطر دختران خود  
را از تحصیل و آموزش  
محروم می‌کنند و این در  
حالی است که در  
آموزه‌های دین مبین  
اسلام، کسب دانش بر هر  
زن و مردی واجب است:  
**«طَلْبُ الْعِلْمِ فَرِيْضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؟»<sup>۲</sup>**  
دانش بر هر زن و مرد  
مسلمانی واجب است»

حضور شایسته در  
فعالیّتهاي اجتماعی  
منافاتی با حفظ حریم‌ها  
ندارد، بلکه در سایه  
توجه و احترام به همین  
حریمه‌است که حضور،  
رنگی شایسته و برازنه  
یک انسان محترم به خود  
می‌گیرد.

حضرت آیت الله خامنه  
ای > به حفظ قداست حجاب  
و نشکستن حریم زن و  
مرد در اسلام پرداخته،  
می‌گوید: «اسلام در  
اینجا، با کمال قدرت و  
قوّت ایستاده است و بین  
زن و مرد در جامعه،  
مرزی قرار داده است.

از نظر اسلام، هیچ کس  
حق ندارد که این مرز

احترامی به زن است و  
از این قبیل مواردی  
هست که اینها هوچیگری  
های غرب است.<sup>۱</sup>

فرهنگ اسلامی، فرهنگ نبود  
اختلاط زن و مرد  
گفتیم دقّت در تعامل  
زن و مرد نامحرم با  
همدیگر آثار مثبتی  
دارد که از جمله می  
توان به روابط عاطفی  
زن و مرد در خانه،  
دوری گزیدن از افکار  
شیطانی در محل کار و  
اجتماع و حفظ جوانان  
از غرق شدن در گرداب  
شهوات اشاره کرد.

دین مبین اسلام با  
توجه به آثار مثبت و  
فراوان این رویّه حضوری  
زن و مرد در جامعه، بر  
این مسئله تأکید می‌کند  
و برای رعایت نکردن  
حجاب و بایسته‌های مطرح  
در روابط زن و مرد که  
نمونه بارز ظلم و  
تجاوز به حقوق دیگران  
است، عذابهای اخروی و  
محاذات‌های دنیوی تعیین  
و تبیین نموده است.

اگر افراد جامعه به  
این بایسته‌ها پایبند  
نباشند، عفت عمومی  
جامعه نیز خدشه‌دار شده  
و نه تنها شخص و شخصیت  
خود که حتی خانواده و  
جامعه را نیز به  
بی‌عفتی چار کرده و  
اخلاق اسلامی از جامعه

۲. کنز الفوائد، محمد بن علی  
کراجی، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰  
ق، ج ۲، ص ۱۰۷.

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در  
دیدار دانشجویان دانشگاه های  
استان یزد، ۱۳۸۶ / ۱۰ / ۱۳.

میلاد  
آزاد  
بزم  
پیغمبر  
امان

مبگان

۱۷۰

را زیر پا بگذارد و بشکند؛ چون از نظر اسلام، خانواده خیلی مهم است . رابطه زن و مرد در محیط خانواده به گونه ای است و در محیط جامعه به گونه ای دیگر است . اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حاصل بین زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می شود . در خانواده، غالباً به زن و گاهی هم به مرد، ممکن است ظلم شود . فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است . چنین زندگی ای با خوشبختی ادامه می یابد و می تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود . در اینجا اسلام سخت گیری کرده است . اگر آن حد و مرزی که در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اس لام در مقابل آن، سخت گیری می کند، درست نقطه مقابل آنچه که شهوترانان عالم می خواسته اند و عمل می کرده اند . قدرتمندان و زرماندان و ز ورماندان، مردانشان، زنانشان و زیردستهایشان و کسانی که با آنها و برای آنها زندگی می کردند، هم یشه عکس این عمل می کرده اند . آنها

مايل بوده اند که اين حجاب بين زن و مرد، از بين بروود که اين، البته برای زندگي جامعه مضر و برای اخلق جامعه بد است . برای حفظ عفت جامعه زيانبار و به خصوص برای خانواده از همه چيز بدتر است . اين، بنيان خانواده را متزلزل می کند . اينجا، آن مرز بين زن و مرد وجود دارد . معنای آن مرز هم اين نیست که زنان و مردان در يك محیط تحصیل نکنند، در يك محیط عبادت نکنند، در يك محیط کار نکنند و در يك محیط خريد و فروش نکنند . که اين قبيل موارد، فراوان است- بلکه معنايش اين است که حد و ح دودی در اخلاق معاشرتی خودشان قايل باشند و اين کار بسيار خوبی است . زن در اينجا حجاب خودش را حفظ می کند .»<sup>۱</sup> دقت مقام معظم رهبری در بيان مسائی پيشگفته، ستودنی است؛ چرا که ايشان به غيرتهاي نابجاي برخی مردان نسبت به زنان درباره حضور نداشتند در اجتماع اشاره كرده و آن را از مصاديق مرز بين زن و مرد نمی داند . اميرالمؤمنين (ع)

۱. بيان مقام معظم رهبری در ديدار گروهي از خواهان پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زينب&، ۱۳۷۳ / ۰۷ / ۲۰.

حجاب رضاخانی در در وره پهلوی، زنان غربی را شاهد مثال می آورد که با بی حجابی خود شاید توانسته باشند برای مدت کوتاهی موققیت‌هایی به دست آورند؛ اما پس از مدتی با درگیر شدن به نگاه‌های مردان، آرامش و راحتی خود را از دست داده و در وادی بی‌عفتی افتاده و کارایی مفید خود را در جامعه از دست دادند؛ «زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردهای نابودی خانواده بود. این جور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای این که از همه کارهای دیگر بمانند و یک مدتی هم موفق شدند؛ اما ایمان عمیق ملت ایران نگذشت. زنهای مسلمان ما با وجود سخت گیری‌ها در طول زمان، در مقاب ل این فشار

خطاب به فرزن دش می فرماید : «إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي عِلْمٍ مَوْضِعٍ غَيْرَةً فِي إِنَّ ذَلِكَ يَدْعُونَ الصَّحِيقَةَ إِلَى السَّقْمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرِّيبِ»؛ از اظهار غیرت [و بد گمانی] در غیر موضع آن بپرهیز؛ زیرا این کار، زن درست را به نادرستی و زن پاک دامن را به دو دلی [و ایندیشه در کار] و امی دارد. همچنان که تأکید کردیم، بی بند و باری و توجه نکردن به حریمها مجوز حضور در جامعه و بلکه هیچ فعالیتی نیست. امام علی (ع) با توجه به اهمیت پایبندی به اصول به عنوان مقدمه پرداختن به هر فعالیتی فرموده است: «يَا أَهْلَ الْعَرَاقِ ثُبِّثُ أَنَّ نِسَاءَ كُمْ يُوَافِقُنَ الْرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا قِسْطَحُونَ وَ قَالَ (ع) لَعْنُ اللهِ مَنْ لَا يَغَارُ؛ ای مردم عراق! به من خبر داده اند که زنان شما در مسیر های خود با مردان برخورد می کنند آیا حیا نمی کنید؟ خداوند آن سان بی‌غیرت را لعنت کند!» اهمیت عفاف زنان رهبر معظم انقلاب با اشاره به مسئله کشف

۱. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱.  
 ۲. المحسن، برقی، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۱۱۵.

میلگان

172

پوشش زنان مسلمان  
دوخته‌اند و زنان  
مسلمان را برای همسران  
خود به عنوان الگو  
قلمداد می‌کنند و به  
همین خاطر در این برهه  
از زمان، حساسیت رعایت  
عوا ف و حجاب اسلامی در  
کشور ما چند برابر شده  
است و مسئولیت دست  
اندرکاران را سختر می‌  
کند؛ چرا که اگر حجاب  
در جامعه ما کمزنگ  
شود، عفت جامعه نیز  
خدشه دار شده و زنان و  
م ردان ما در منجلاب  
گناه خواهند افتاب د و  
برای جامعه گرفتار  
فساد و گناه، هیچ  
آینده خوبی متصور  
نیست.  
امر به معرف و نهی از منکر  
عملی

امام صادق (ع) می‌  
فرماید: «**كُوئُوا دُعاَةً**  
**الثَّالِسُ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا**  
**تَكُونُوا دُعاَةً بِأَلْسِنَتِكُمْ؛**»  
با اعمالتان مردم را  
[به طرف دین] دعوت  
کنید نه با زیانتان.»  
امروز که نگاه  
بسیاری از کش و رهای  
غربی به ایران به  
عنوان ام القرای جهان  
اسلام دوخته شده است،  
چه خوب است مسئولان  
فرهنگی ما فکری اساسی  
درباره حجاب زنان  
داشته باشند و این  
ضروری دین مبین اسلام

۲. قرب الاسناد، حمیری، مؤسسه  
آل البيت، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۷.

سرکوبگر مقاومت کردند،  
بعد از رفتن رضاخان به  
نحوی، در زمان خود او  
به نحوی، در طول دوران  
بقیه طاغوت هم به  
نحوی. لذا در همان دی  
ماه ۱۳۵۶، روز هفدهم  
دی ماه در مشهد، یک  
اجتماع عظیمی،  
تظاهراتی از زنان  
مسلمان با شعار "حفظ  
حجاب" راه افتاد. ما  
آن وقت در تبعید  
بودیم. خبر آن را  
شنیدیم که زنان مؤمن و  
مسلمان و شجاع یک چنین  
حرکتی را به راه  
انداختند. این، گوشه  
ای از فجایع رژیم  
طاغوت بود؛ نابود کردن  
آرمان‌های دینی،  
ارزش‌های اخلاقی،  
پیشرفت‌های اقتصادی،  
عزت بین المللی و خلاصه  
بر باد دادن سرمایه  
های یک ملت، جزو  
کارهای ی بود که آن  
رژیم طاغوت و سیاه کار  
انجام داد.»  
امروز زه بسیاری از  
زنان غربی خواستار  
حجاب به سبک ایرانی  
اسلامی شده و مردان  
آنان نیز این نوع پوشش  
را پذیرفت و تأثیر  
آرامش حجاب را در  
خانه‌های خود دیده اند.  
بنابراین، غربیها نیز  
نگاهشان را به نوع

۱. بیانات مقام معظم رهبری در  
دیدار جمعی از ارشاد م ختلف  
مردم قم، ۱۰/۱۹/۱۳۸۶.

می دهد . البته عفاف مرد هم مهم است . عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عفیف باشند . منتها چون در جامعه ، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیش تر تکیه و احتیاط شده است . شما امروز هم که در دنیا نگاه کنید، می بینید یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، به خصوص در کشور ایالات متحده آمریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز می کنند . آمار منتشر شده از سوی مقامات رسمی خود آمریکا را من دیدم که یکی مربوط به دادگستری آمریکا و یکی هم مربوط به یک مقام دیگری بود . آمارها واقعاً وحشت انگیز است . در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف در کشور آمریکا صورت می گیرد ! ببینید چه قدر مسئله عفت مهم است و وقتی بی اعتمایی کردند، قضیه به کجا می رسد . هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف ! برخلاف تمایل زن، مرد زورگ و ظالم، بی بندوبار و بی عفت بتواند به حریم عفت زن تعدی و تجاوز کند .

را با عمل زنان مسلمان به دیگر کشورهای جهان صادر کنند و بدین وسیله، شاهد بازگشت حیاء و عفت در کانون خانواده باشیم . مقام معظمه رهبری > خطاب به مسئولاً ن می گوید : «مسئله بعد، مسئله اهمیت دادن به عفاف در زن است . هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد . همان طور که عرض کردم، در غرب به خاطر این که به این نکته توجه نشد؛ یعنی مسئله عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتمایی نکردند کار به این بی بند و باری ها کشید . نباید بگذارند عفت زن که مهم ترین عنصر برای شخصیت زن است مورد بی اعتمایی قرار گیرد . عفت در زن، وسیله ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی بندوبار است . عفت زن، مایه احترام و شخصیت اوست . این مسئله حجاب و محروم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود . اسلام به مسئله عفاف زن اهمیت

اسلام اینها را ملاحظه  
می کند. مسئله حجاب که  
این همه مورد توجه  
اسلام است ، به خاطر  
اینهاست . پس، مسئله  
حفظ عفاف و اهمیت دادن  
به حجاب و عفاف هم  
مسئله دیگری است»

ادامه دارد...

۱. بیانات مقام معظم رهبری در آمایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر&، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

# رَهْنِشُورِهِ وَ حَسْرَهِ

- \* دشمن در کمین است؛ بیدار باشید
- \* انقلاب اسلامی ملت ایران را زنده کرد
- \* فرهنگ جهاد و شهادت رمز اقتدار ایران
- \* خالی شدن بسیاری از شهرها از علمای خریدار جهنم سوزان نباشد
- \* شرکت ۳۰ هزار دانش آموز در طرح حجاب و عفاف
- \* برای مسلمان شدن او باما نماز خواندم
- \* تشریف روزنامه‌نگار اردنی به تشیع
- \* اهمیت جایگاه ایران در مبارزه با داعش
- \* رشد ۱۰ برابری اسلام در انگلیس
- \* استخدام دزدان در بایی سومالیایی
- \* آمریکا شریک جنایات عربستان در یمن
- \* مخالفت فرانسه با تحریم اسرائیل

## باشید

آیت الله مکارم شیرازی >  
از مراجع تقلید رمز  
قدرت و موفقیت ایران  
اسلامی را عشق ملت  
ایران به شهادت توصیف  
کرد و گفت: امروز  
وظیفه داریم این فرهنگ  
را زنده نگه داریم و  
از خانواده‌های شهداء  
تکریم کنیم.

ایشان با تأکید بر  
اینکه انقلاب اسلامی  
بدون فرهنگ ایثار و  
شهادت پیروز نمی‌شد،  
افزود: عامل شهادت  
موجب پیروزی مردم غزه  
و لبنان بر اسرائیل  
جنایت کار شد و این  
فرهنگ برگرفته از  
عاشورای حسینی است.<sup>۲</sup>

**انقلاب اسلامی ملت ایران**  
را زنده کرد  
آیت الله جوادی آملی >  
از مراجع تقلید حفظ  
شرافت کشور را کی از  
نشانه های زنده بودن  
جامعه دانست و خاطر  
نشان کرد: شرافت یعنی  
پایبندی به گفته های  
خود و اگر به گذشته

- کشور ما لحظات  
بسیار حساسی از عمر  
سیاسی و اجتماعی خود  
را می‌گذراند و دشمن  
دندان تیز کرد و در  
کمین نشسته و هر روز  
بهانه نامعقول تازه‌ای  
می‌گیرد و از هر  
موضوعی برای پاشیدن  
بذر اختلاف استفاده می‌  
کند.

- برادران و خواهران  
عزیز باید به هوش  
باشند و بازیچه دست  
دشمن نشوند؛ باید به  
همه ارکان نظام و قوای  
سه گانه احترام  
بگذارند و پشت آنها را  
در صحنه مبارزه با  
دشمن خارجی خالی  
نکنند.  
**فرهنگ جهاد و شهادت رمز**



جهت مثبت استفاده کند، بیان کرد: اعمال انسان اسباب خلق بهشت و جهنم است؛ اگر انسان عمل نیک انجام دهد، بهشت با آرزوهای او خلق می شود و اگر اعمال ناپسند انجام دهد، جهنم سوزان برای امهای می شود.

ایشان قدرت انتخاب انسان را عامل سربلندی و پا سرافکن دگی او دانستند و افزودند: انسان نسبت به انجام اعمال خود که بر اساس قدرت اختیارش بود<sup>۵</sup>، باید پاسخگو باشد.

### خالی شدن بسیاری از شهرها از علما

آیت الله مکارم شیرازی > از مراجع تقلید با اشاره به لزوم حضور علمای بزرگ در شهرهای اظهار داشتند: حوزه باید مجتهدپرور باشد؛ از مجتهد متجزی شروع می شود و تجزی درجاتی دارد؛ چون مسائل هرچه ساده تر باشد، تجزی آسان تر است و هرچه رو به پیچیدگی رود، سخت تر می شود، تا فرد در تمام مسائل، مجتهد مطلق شود.

ایشان با بیان اینکه در گذشته در هر شهرستان چندین مجتهد برجسته وجود داشت و اکنون شهرها از وجود آنها خالی شده است، افزود: امروز چشم‌ها به حوزه علمیه قم دوخته شده تا بتوانند این خلاء را پرکنند.

ایران ب عد از انقلاب اسلامی و پذیرش قطعنامه میان ایران و عراق نگاه کنیم، به شرافت جامعه ای مانند ایران پی می برمی که هرگز در تعله داتی که داشت خطای نکرده است.

ایشان انقلاب اسلامی را وسیله زنده کردن ملت ایران بیان کرد و ابراز داشت: اگر مردم ایران در مقابل ظلم، ایستادگی می کنند و به تعله دات خود پایبند هستند، از برکات انقلاب اسلامی است که ایران را زنده کرد و باید بدانیم برای حفظ پرچم انقلاب باید به قرآن و ائمه اطهار (تکیه کنیم که جامعه را نگه می دارد.

آیت الله جوادی آملی در ادامه افزود: ایران در مذاکرات خود با غربیها، اعتماد سازی کرده است و برای اثبات این اعتماد می توان به گذشته انقلاب اسلامی در برابر تعله دات خود اشاره کرد و پایبندی ایران به تعله دات خود به دنیا اثبات شده است و این به خاطر شرف مسلمانان و قرآن به ملت که اسلام و قرآن به ایران هدیه داده است.

### خریدار جهنم سوزان نباشد

آیت الله مظاہری > از مراجع تقلید با بیان این که انسان برای سعادت خود باید از آفریده های الهی در

آیت الله مکارم شیرازی در پایان تصریح کرد : این هدف زمانی محقق می شود که تحقیقات از این رساله هایی که داریم شروع شود و فکرها به حرکت بیفتند تا بتوانند احکام را از مدارک شرعیه استنباط کنند و مراحل اجتہاد یکی پس از دیگری طی شده و به مجتهد مطلق برسند.

**شرکت ۳۰ هزار دانش آموز در طرح حجاب و عفاف**

مرکز حجاب  
ریحانة النبی & برای هفتمنی سال متولی با تلاش و پیش تکار توانست مراسم چادرگذاری (طرح حجاب) را عملیاتی سازد.

۳۰ هزار دانش آموز در سطح کشور تحت پوشش این طرح قرار دارند.

مراسم چادرگذاری با توجه به فرهنگ سازی و تبلیغات مطلوبی که برای آن صورت گرفته، مورد استقبال دانشگاه ها قرار گرفته است.

**برای مسلمان شدن اواما نماز خواندم**

«سارا عمر» مادر بزرگ ۸۸ ساله اواما (رئیس جمهور آمریکا) که برای آدای مراسم حج عمره به مکه رفته، گفت : برای اینکه نوه ام (اواما) مسلمان شود ، نماز خواندم.

او که مادر «حسین اونیانگو اواما» و همسر سوم پدر بزرگ

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر : ۳۵۱۴۹۳

۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر : ۳۵۳۰۰۷

«باراک اوپ اما » است ، به همراه عمومی باراک اواما و ۴ نفر از نوه هایش برای انجام عمره ، به شهر مکه رفتند و عمره خود را به جا آورند.

آنها به دعوت دولت عربستان سعو دی و به صورت مجانی به این کشور رفتند.

باراک اواما با اینکه پدرش مسلمان است ، اما دین مادرش (مسيحيت) را برگزیده و در موقعیت‌های مختلف اعلام کرده یک مسيحي است.

مخالفان اواما بارها مدعی شده بودند او مسلمان است ، اما اسلام خود را پنهان می کند.

**اهمیت جایگاه ایران در مبارزه با داعش**

آنکلا مرکل صدراعظم آلمان با اشاره به اهمیت جایگاه ایران در مبارزه با گروه تروریستی «داعش» گفت :

توافق هسته ای غرب با ایران بسی ار مطلوب است، زیرا ایران یک نقش آفرین مهم در سوریه و در مقابله با داعش به شمار می رود.

مرکل پیش تر اظهار داشت که جنگ با داعش، اولویت اصلی اجلاس گروه ۷ است و این نشست بر مشکلات تروریستی همچون داعش و بوکوحرام تمرکز دارد.

۳. خبرگزاری حوزه، کد خبر : ۳۹۳۰۳۸

۴. خبرگزاری شفقنا ، ۱۲۲۴۲۰

شکست مواجه شده است در این پژوهش آمده است: طی ۳۲ سال گذشته، افزایش چشم گیر ۱۰ برابری در تعداد افرادی که خود را مسلمان معرفی می‌کنند، روی داده است. در سال ۱۹۸۳ اسلام تنها حدود نیم درصد از جمعیت بریتانیا را به خود اختصاص داده بود، اما در سال ۲۰۱۴ این عدد به ۵ درصد رسیده است.  
**آمریکا شریک جنایات عربستان در یمن**  
 دو تن از کارشناسان و محققان دیده بان حقوق بشر سازمان ملل در یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر این سازمان به تشریح جنایات نیروهای نظامی عربستان سعودی و کشورهای متفق در طول حملات دوماهه هوایی علیه کشور و مردم یمن پرداختند.  
 در این نشست حملات آگاهانه و تعمّدی نیروهای سعی ودی به اماکن عمومی نظیر بازارها، مدارس و خانه های مسکونی یمن، نقض آشکار مقررات بین المللی خوانده شد.  
 در این نشست، مدارک موثق بسیاری به دست آمد که نشان از همکاری مستقیم وزارت دفاع آمریکا با نیروهای سعودی و سایر شرکای آنان در زمینه سوخت رسانی به هوایپماهای مهاجم و یا شناسایی و اطلاع رسانی در مورد

۲. خبرگزاری شفقنا، کدخبر: ۱۴۲۱۹۴

## تشrif روزنامه نگار اردنی به تشیع

«جهاد المحسین» نویسنده و ستون نویس روزنامه اردنی «الغد» اعلام کرد شیعه شده است و در ادامه، سیاستهای «عبدالله دوم» پادشاه این کشور را مورد انتقاد قرارداد.

المحسین در صفحه فیسبوک خود نوشت: بر اساس تحقیقاتی که انجام داده ام، نسبم به امام حسین (ع) می‌رسد. به تمام مزدورانی که مرا دشنام می‌دهند، اعلام می‌کنم من نیز مانند جدم حسین بن علی (ع) خواهان شهادت هستم و تصمیم گرفته ام مانند سایر اعضای مقاومت در جنوب اردن، علیه دشمن صهیونیستی فعالیت کنم.

او در پایان گفت: روزنامه «الغد» با ارسال یک ایمیل به من اعلام کرد که دیگر به همکاری ام نیازی ندارد و نیز قراردادم به عنوان مشاور وزیر توسعه سیاسی کشور اردن به پایان رسیده و همه آینها به خاطر شیعه شدم است.

## رشد ۱۰ برابری اسلام در انگلیس

یافته های یک پژوهش جدید که از سوی مرکز ملی پژوهش های اجتماعی انگلستان صورت گرفته، نشان می‌دهد برای مدت زمان زیادی است که کلیسا ای انگلیس در جذب شهروندان این کشور با

۱. پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۹۲۸۵۱

۱۸۰

## میلگان

اهداف حملات، دارد.  
 کارشناسان این نشست  
 تصریح کردند که آمریکا  
 با اینگونه حمایت‌ها  
 شریک جرائم جنگی دولت  
 سعودی و سایر شرکای  
 آنها محسوب می‌شود و  
 باید در مقام پاسخگویی  
 قرار بگیرد.

### استخدام دزدان دریایی

«عیسی ولد حسن  
 العمري»، یکی از  
 رهبران انصارالله یمن،  
 اطلاعات تازه‌ای از  
 اعتراضات افسران ارتش  
 عربستان درخصوص  
 ارتباط رژیم آل سعود  
 با دزدان سومالیایی،  
 فاش کرد.

العمري گفت: سرویس  
 اطلاعات عربستان از  
 دزدان دریایی سومالی  
 خواست برای ترویستها  
 در یمن سلاح منتقل کرده  
 و دست به عملیات‌های  
 ترویستی در یمن  
 بزنند.

وی افzود: عربستان  
 اطلاعات نظامی و  
 جغرافیایی مهمی درباره  
 یمن را در اختیار  
 دزدان سومالیایی قرار  
 می‌دهد تا حملات  
 ترویستی از جمله  
 انفجار دانشگاه صنعتی  
 را سازماندهی کنند.  
**مخالفت فرانسه با تحریم**  
**اسرائیل**

در پی تصمیم شرکت  
 مخابرات اورانژ فرانسه  
 برای قطع احتمالی  
 همکاری با رژیم  
 صهیونیستی، «لوران

۱. خبرگزاری اینا (اہل بیت)،  
 کد خبر: ۶۸۹۸۶۰.  
 ۲. خبرگزاری فارس، کد خبر:  
 ۱۳۹۴۰۳۱۶۰۰۴۲۱.

فابیوس» گفت: هر چند  
 تصمیم گیری درباره  
 استراتژی تجاری شرکت  
 اورانژ مربوط به رئیس  
 این شرکت است، اما  
 فرانسه با هر گونه  
 تحريم اسرائیل مخالف  
 است.

شرکت مخابراتی  
 اورانژ که بخشی از  
 سهام آن در مالکیت  
 دولت فرانسه است، اعلام  
 کرد قصد دارد به  
 همکاری خود با شرکت  
 اپراتور تلفن همراه  
 «پارتنر» در سرمینهای  
 اشغالی پایان دهد،  
 زیرا این شرکت در  
 اقدامات غیرقانونی  
 رژیم صهیونیستی نقش  
 داشته است.

# پرسشنامه مجله مبلغان

## قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت آنبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌هند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه‌ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی‌تر شدن سؤالات، با آگوش باز مهذیریم.  
**پرسشها**

1. پیامبر اکرم (ص) دستور داد دو نفر از شهداء به نامهای .... و .... را که میانشان برادری برقرار شده بود، در یک قبر دفن کنند.

الف. حنظله و عبدالله بن عمر.

ب. عبدالله بن عمر و عمر بن جمیح.

ج. عمر بن جمیح و عبدالله بن عباس.

2. در کدام منطقه پیامبر(ص) با حضرت علی(ع) عقد اخوت بست؟

الف. مکه

ب. نخیله

ج. قطیف

3. این روایت امام صادق (ع) دلالت بر چه چیز دارد؟ «مُجَرَّد أَنِّيَّةُ اللَّهِ مُسْتَعِنًا بِهِ وَ مُبْتَغِيًّا لِوَجْهِهِ»

الف. نیت خالص داشتن در امر به معروف

ب. نیت خالص داشتن در کمک کردن به دیگران

ج. نیت خالص داشتن در کمک کردن به ایتام و فقراء

4. این روایت از کیست؟ «جَهْلُ الْمَرْءِ بِعُيُوبِهِ مِنْ أَكْبَرِ

## ذُنوبِه».

الف. امام سجاد (ع).

ب. امام صادق (ع).

ج. امام علی (ع)

5. رسول خدا (ص) در پاسخ به نمایندگان طائف که گفتند: تمام قوم ما مسلمان می شوند و احکام اسلام را قبول می کنند، جز نماز و زکات چه فرمودند؟
- الف. به قومتان بگویید که این دین بی نماز و زکات هیچ ارزشی ندارد.
- ب. اسلامی که در آن نماز و زکات نباشد این اسلام ارزشی ندارد.
- ج. دینی که در آن رکوع و سجود نباشد، خیری ندارد.

6. جمله «**قُلْ لَا أَتَبِعُ أَهْوَاءَكُمْ**» در آیة شریفه **[قُلْ إِنِّي نُهِيُّ أَنْ أَغْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ثُلُّ لَا أَتَبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قُدْ صَلَّتْ إِذَا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُهَتَّدِينَ]** در صدد بیان چه چیزی است؟

الف. علت ممنوعیت بتپرستی

ب. علت ممنوعیت پیروی از هوا و هوس

ج. هیچکدام.

7. از مسائل بسیار مهم در مناظره، ..... مربوطه است.

الف. بیان نرم و دوری از تندي

ب. رعایت اصول اخلاقی

ج. رعایت انصاف

8. آیه [وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ... فَيَسْبُوا اللَّهَ] دلالت بر چه چیز دارد؟

الف. پرهیز از تظاهر و ریا کاری در مناظره

ب. پرهیز از نیرنگ و دروغ در مناظره

ج. دوری از ایجاد لجاجت در مناظره

9. اصلی ترین ویژگی دین مبین اسلام، ..... است.

الف. پاسخگویی به تمامی نیازهای بشری

ب. ایجاد وحدت بین مسلمین جهان

ج. رساندن پیام توحید و یگانگی

10. چرا وقت احتضار و مرگ را «معاینه» می گویند؟

الف. انسان تمام وحشت‌های قبر و دوری از دنیا را می بیند

ب. انسان از عالمی به عالمی دیگر انتقال می‌یابد

ج. انسان قطع وابستگی به دنیا را حس می کند

11. پیغمبر اکرم (ص) در وصیت به ..... فرمودند «به حساب نفس خود رسیدگی کن، پیش از آنکه مورد محاسبه قرار گیری؛ زیرا این کار حساب قیامت را آسان می‌کند.»

الف. ابوذر ()

ب. علی (ع)

ج. سلمان فارسی ()

12. سخن زیر را چه کسی در مورد آیت الله میرزا ابراھیم شریفی سیستانی (گفت؟)

«نقطه شروع برخی حرکات انقلابی و مبارزه علیه رضاخان در

قم، حجره پدر شما در این مدرسه و رفقا و دوستان او، از جمله آیت الله بافقی بود.»

الف. آیت اللہ طالقانی)

ب. مقام معظم رهبری >

ج۔ آیت اللہ قاضی طباطبائی)

13. مادر شهید اول، از کدام خاندان بود؟

الف. بانویی از خاندان حسنی عراق، از آل مُعید

ب. بانویی از خاندان علوی از آل معید

ج۔ ہیچکد ام

۱۴. بیش ترین کاربرد واژه حجاب به ویژه از نگاه روایات، در کدام معنا به کار رفته است؟

الف. بـ ده

الف. پرداز  
ب. بہ شش

ب۔ پوسٹ  
ج۔ حاجب

### 15. این جملہ از کیست؟

«حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه می‌گیرد و اسلام می‌خواهد انواع التذاذ‌های جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرًا برای کار و فعالیت باشد.» الف. امام خمینی

ب. مقام معظم ( هر دو )

ج: شہد مطہری)

یاسخنامه محله میلگان شماره ۱۹۲

نام : ..... نام خانوادگی : ..... کد ساری :

## شماره پرونده:

آد (۲)

## نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلغان» در سراسر کشور

۱. اصفهان، خمینی شهر، بلوار شهید مطهری، خیابان پلیس، مدرسه علمیه جوادالانه ع.
۲. آذربایجان شرقی، تبریز، راسته کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه طالبیه.
۳. آذربایجان غربی، میاندوآب، خیابان امام خمینی ع، خیابان قدس، کوچه نواب، حوزه علمیه الزهاء ع.
۴. بوشهر، خیابان امام خمینی ع، جنب مصلی، حوزه علمیه امام خمینی ع.
۵. تهران، اسلامشهر، شهرک واون، فاز ۲، خیابان شهید رجایی، نبش ۵۰ شرقی، پ ۳۸، حوزه علمیه الزهاء ع.
۶. تهران، لویزان، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دقاع، دانشگاه مالک اشتر.
۷. خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان استاد مطهری، مطهری ۱، دفتر جامع روحاویت، فروشگاه حجت.
۸. خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران هدایت.
۹. خراسان رضوی، قوچان، بازار، بعد از چهار راه سوم، دست راست، کوی شهید بهشتی ع، حوزه فاطمه الزهاء ع.
۱۰. خراسان رضوی، کاشمر، خ مدرس، مدرس ۱۵، حوزه علمیه حضرت رقیه ع.
۱۱. خراسان رضوی، مشهد، کوی دکترا، نیش ابن سینا، حوزه علمیه حضرت خدیجه ع.
۱۲. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خواجه ریع، کوچه حسین پاشی ع، حوزه علمیه حضرت رقیه ع.
۱۳. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خسروی، خ شهید رجائی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. خراسان رضوی، نیشابور، میدان ایران، خیابان ۱۵ خرداد، حوزه علمیه الزهاء ع.
۱۵. خراسان شمالی، شیروان، خیابان حکیم غربی، حوزه علمیه الزهاء ع.
۱۶. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس ع.
۱۷. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زنده، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۱۸. فارس، گله دار، جنب صندوق انصار المجاهدین، حوزه علمیه فاطمیه ع.
۱۹. قزوین، خیابان امام خمینی ع، نبش عبید زادگانی، حوزه علمیه التفاتیه.
۲۰. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوسستان کتاب.
۲۱. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب روودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۲۲. قم، قنوات، خیابان مصلی، حوره علمیه حضرت بقیه الله الاعظم (عج).
۲۳. کردستان، بیجار، روپروری اداره برق، حوزه علمیه امام صادق ع.
۲۴. کرمان، رفسنجان، خیابان شهداء کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه حضرت زینب ع.
۲۵. کرمانشاه، هرسین، خیابان کمرنگی، جنب بانک مسکن، کوچه نائینی، حوزه علمیه حضرت زینب ع.
۲۶. گلستان، مینودشت، خیابان ولیعصر، ساختمان بنیاد شهید قدوسی، حوزه علمیه مکتب الزهاء ع.

۷. گیلان، استانه اشرفیه، روبروی امام زاده سید جلال الدین، حوزه علمیه جلالیه.
۸. گیلان، رشت، خیابان علم الهدی، بازارچه سبزه میدان، مرکز مدیریت حوزه علمیه، معاونت تبلیغ حوزه.
۹. مازندران، ساری، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه مقداد، جنب مسجد رانندگان، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۰. مرکزی، ساوه، خیابان طالقانی، خیابان ولیعصر شرقی، مدرسه علمیه خواهان.
۱۱. مرکزی، شازند، مدرسه علمیه سفیران هدایت.
۱۲. هرمزگان، بندر عباس، خیابان آیت الله غفاری، حوزه علمیه خواهان.
۱۳. همدان، ملایر، خیابان سعدی، حوزه علمیه خواهان.
۱۴. همدان، همدان، کوی رضوی، جنب مدرسه وحدت، حوزه الزهراء علیها السلام.
۱۵. بیزد، اردکان، خیابان آیت الله خامنه‌ای، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام.
۱۶. بیزد، بیزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۱۷. بیزد، بیزد، خیابان چمران، کوی رهبر، مجتمع آموزشی سید الشهداء علیهم السلام، واحد تربیتی.
۱۸. بیزد، بیزد، خیابان امام خمینی علیه السلام، خیابان مسجد جامع، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان، معاونت تبلیغ حوزه.

## ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

### قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه سراسر کشور

جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی  
حوزه‌های علمیه، به ویژه ماهنامه مبلغان، با شماره ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰، تماس  
گرفته و یا درخواست خود را به شماره ۰۲۵-۳۲۹۱۴۴۶۶، فکس نمایید.

بسمه تعالیٰ

## قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (محله مبلغان) مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۸/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۴/۰۰۰ تومان می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.
۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)
۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

**اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.**

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسباندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیشتر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.

نشانی فرستنده:

.....

.....

.....

تلفن: ..... کد پستی: ..... صندوق پستی: .....  
اینجانب: ..... مبلغ: ..... ریال  
طی فیش شماره: ..... از طریق بانک: .....  
شعبه: ..... دارای کد: ..... در تاریخ: / / ۱۳ برای  
دریافت مجله از شماره: ..... به تعداد هر شماره: ..... نسخه ارسال داشتم.

از این قسمت تا بزنید

نیاز به الصاق  
تمبر ندارد

## پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸

معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه  
ماهنه مبلغان

از این قسمت تا بزنید لطفاً با چسب بچسبانید